



دوره هشتم - سال چهارم
تاریخ چاپ ۱۳۹۱/۱/۲۱

شماره چاپ ۱۸۹۸
شماره چاپ سابقه ۴۵۱-۱۱۵
شماره ثبت ۱۱۴

گزارش کمیسیون طبق اصل ۸۵

شماره ۱۱۵/ک ق

تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۶

گزارش کمیسیون قضائی و حقوقی به مجلس شورای اسلامی

لایحه تجارت به شماره ترتیب چاپ ۱۱۵ که جهت رسیدگی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این کمیسیون به عنوان کمیسیون اصلی ارجاع شده بود، در جلسات متعدد با حضور کارشناسان ذی ربط و مسئولان دستگاههای اجرایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتاً با اصلاحاتی در متن به شرح زیر برای مدت پنج سال مورد تصویب قرار گرفت.

اینک گزارش آن جهت تصویب مدت اجرای آزمایشی تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می گردد.

رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی

علی شاهرخی

معاونت قوانین

کتاب اول - تجارت و مقررات حاکم بر آن

باب اول - تاجر و قائم مقام تجارتي

ماده ۱ - تاجر شخصی است که برای خود به هریک از اعمال زیر اشتغال دارد:

- ۱- تحصیل هر نوع مال منقول اعم از مادی و غیرمادی چه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد به قصد فروش، اجاره و یا هر معامله معاوضی دیگر
- ۲- استیجار هر نوع مال منقول چه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد به قصد اجاره و یا هر معامله دیگر با اثر نقل منفعت یا برقراری حق انتفاع
- ۳- دلالی، حق العمل کاری و نمایندگی تجارتي
- ۴- هر نوع فعالیت مالی و اعتباری از قبیل عملیات بانکی و صرافی
- ۵- هر نوع عملیات بیمه‌ای به جز بیمه‌های اجتماعی
- ۶- هر نوع معامله مربوط به اوراق بهادار
- ۷- صدور، ظهرنویسی و تضمین چک، سفته و برات و قبول آن
- ۸- تصدی هر نوع فعالیت خدماتی از قبیل:
 - ۸-۱- حمل و نقل کالا و یا مسافر از طریق خشکی، آب و یا هوا
 - ۸-۲- امور مربوط به کاریابی و تأمین نیروی کار
 - ۸-۳- عملیات حراجی
 - ۸-۴- اداره نمایشگاه عمومی
 - ۸-۵- اداره انبار عمومی
 - ۸-۶- عملیات بارگیری، تخلیه و یا ترخیص کالا
 - ۸-۷- اداره تأسیسات مربوط به امور رفاهی، تفریحی و یا ورزشی
 - ۸-۸- اداره سالن‌های برگزاری مراسم، کنفرانس و یا نمایش
 - ۸-۹- اداره چاپ‌خانه، بنگاه نشر، تایپ و یا ترجمه
 - ۸-۱۰- اداره خبرگزاری‌ها و یا بنگاه‌های خبررسانی
 - ۸-۱۱- ارائه خدمات پستی
 - ۸-۱۲- ارائه خدمات تبلیغی یا فنی
 - ۸-۱۳- اداره تأسیسات مربوط به آبرسانی، گازرسانی و یا برقرسانی
 - ۸-۱۴- امور مربوط به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات شامل ارائه نام دامنه ملی و یا عمومی، ارائه خدمات دسترسی به شبکه‌های ارتباطات مخابراتی و یا رایانه‌ای، ارائه خدمات میزبانی و یا مراکز داده و امور مربوط به تأمین محتوای الکترونیک و یا تأمین نرم‌افزارهای رایانه‌ای
 - ۸-۱۵- عملیات ساخت در امور عمرانی از قبیل احداث ساختمان، راه و یا شبکه‌های آبرسانی
- ۹- هر نوع فعالیت معدنی
- ۱۰- تأسیس کارخانه یا کارگاه و یا بهره‌برداری از آنها، برای رفع حوایج غیرشخصی

- ۱۱- تأسیس کشتارگاه، سردخانه، مجتمع کشاورزی، مجتمع پرورش حشرات و یا حیوانات از قبیل دام، طیور، آبزیان و یا بهره‌برداری از آنها برای رفع حواجی غیرشخصی
- ۱۲- کشتی‌سازی، خرید و فروش کشتی، کشتیرانی داخلی و یا خارجی و معاملات مربوط به آنها
- ماده ۲ - شرکت تجارتي تاجر محسوب می‌شود، هرچند موضوع فعالیت آن از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون نباشد.
- ماده ۳ - قائم‌مقام تجارتي شخصی است که تاجر او را برای انجام امور تجارتي نایب خود قرار می‌دهد و امضاء او برای تاجر الزام‌آور است. قائم‌مقام تجارتي وکیل تاجر محسوب می‌شود.
- ماده ۴ - سمت قائم‌مقامی باید در دفتر ثبت تجارتي قید گردد در غیر این صورت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۵ - قائم‌مقام تجارتي برای انجام نیابت، کلیه اختیارات لازم را دارد. تحدید اختیارات قائم‌مقام تجارتي باید در دفتر ثبت تجارتي قید و در روزنامه رسمی آگهی شود در غیر این صورت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۶ - تاجر می‌تواند دو یا چند شخص را به‌انفراد یا به‌اجتماع به سمت قائم‌مقام تجارتي تعیین کند. هرگاه دو یا چند شخص به‌عنوان قائم‌مقام تجارتي تعیین شوند، هیچ‌یک از آنان نمی‌تواند بدون دخالت دیگری یا دیگران اقدامی انجام دهد، مشروط بر اینکه مراتب مطابق مقررات، ثبت و در روزنامه رسمی آگهی شود، در غیر این صورت قید اجتماع در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۷ - قائم‌مقام تجارتي بدون اذن تاجر نمی‌تواند شخص دیگری را در امور مربوط به آن تجارت‌خانه، نایب خود قرار دهد.
- ماده ۸ - عزل قائم‌مقامی که قائم‌مقامی او به ثبت رسیده است باید مطابق مفاد ماده (۵) این قانون ثبت و آگهی شود در غیر این صورت در مقابل شخص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.
- ماده ۹ - با فوت یا حجر تاجر یا انحلال شرکت سمت قائم‌مقام تجارتي پایان می‌یابد. با فوت یا حجر تاجر تا تعیین جانشین، قائم‌مقام تجارتي، مسؤولیت اداره و نگهداری اموال را بر عهده دارد.
- ماده ۱۰ - امین اموال غایب یا نماینده قانونی محجور که برای آنان به هریک از اعمال موضوع ماده (۱) این قانون اشتغال دارند، فقط از حیث شمول تکالیف قانونی، تاجر محسوب می‌شوند. این حکم درباره شخص که برای خود به معاملات غیرمنقول اشتغال دارد نیز مجری است.
- ماده ۱۱ - دولت و سایر اشخاص حقوقی عمومی که به اعمال حاکمیتی اشتغال دارند، تاجر محسوب نمی‌شوند.
- ماده ۱۲ - ثبت نام تجارتي، اخذ کارت بازرگانی، اتخاذ عنوان تاجر یا تبلیغ به عنوان تاجر، اماره تاجر بودن شخص است.
- ماده ۱۳ - کلیه معاملات بین تاجر، تجارتي محسوب می‌شود، مگر اینکه معامله به حواجی شخصی یکی از طرفین مربوط باشد.
- ماده ۱۴ - معاملات غیرمنقول، تجارتي محسوب نمی‌شوند.

فصل اول - دلالی

ماده ۱۵ - دلالی عبارت از واسطه‌گری در انجام معاملات در برابر اجرت است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف دلال

ماده ۱۶ - دلال می‌تواند در رشته‌های مختلف دلالی کند و شخصاً نیز به سایر اعمال تجارتي بپردازد.

ماده ۱۷ - دلال می‌تواند در یک زمان برای چند شخص دلالی کند. در این صورت، باید آنها را از این موضوع و مسایلی که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود آگاه کند.

ماده ۱۸ - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول خسارات ناشی از تقصیر خود است.

ماده ۱۹ - دلال باید اطلاعات صحیح و کاملی را در مورد جزئیات معاملات مرتبط با موضوع دلالی به طرفین معامله ارائه کند، حتی اگر دلالی را فقط برای یکی از طرفین انجام دهد. دلال مکلف به حفظ اسراری است که به واسطه دلالی به دست می‌آورد.

ماده ۲۰ - دلال نمی‌تواند به جای یکی از طرفین معامله وجهی را دریافت، دینی را تأدیه و یا اینکه تعهدات وی را اجراء کند، مگر اینکه اجازه‌نامه مخصوص داشته باشد.

ماده ۲۱ - دلال مسؤول حفظ و نگهداری کلیه اشیاء و اسنادی است که ضمن معاملات به او تسلیم می‌شود، مگر اینکه ثابت کند تلف اشیاء یا اسناد مذکور به وی مستند نیست.

ماده ۲۲ - هرگاه اسناد معامله در حضور دلال، امضاء و یا به وسیله او رد و بدل شود، دلال ضامن صحت و اعتبار امضاءهای مندرج در اسناد مذکور است.

ماده ۲۳ - دلال ضامن اجراء معاملاتی که به وساطت او منعقد می‌شود نیست.

ماده ۲۴ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که به عنوان طرف معامله به امر خود معرفی می‌کند، مگر اینکه در قرارداد، طرفین او را از مسؤولیت معاف کرده باشند. دلال در مقابل طرف قرارداد، ضامن اعتبار امر خود نیست.

ماده ۲۵ - دلال در مورد ارزش یا جنس کالای مورد معامله مسؤول است، مگر اینکه قرارداد بین طرفین خلاف آن را مقرر کرده باشد یا ثابت شود که در این باره وی تقصیر ندارد.

ماده ۲۶ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کنند، دلال در مقابل متعهدله مسؤول اجراء معامله است.

ماده ۲۷ - چنانچه دلال در معامله موضوع قرارداد دلالی، ذی‌نفع یا سهیم باشد، باید طرف ناآگاه را از این امر مطلع کند در غیر این صورت مسؤول خسارات وارد شده است و به جزای نقدی از یک‌دهم تا نصف ارزش مورد معامله محکوم می‌شود.

ماده ۲۸ - دلال نمی‌تواند بر خلاف تعهد خود در برابر شخصی که به وی مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام یا بر خلاف عرف تجارتي محل از وی وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند. در این صورت، دلال مستحق اجرت و هزینه‌های صرف شده نیست و به حبس تعزیری درجه شش و یک سال محرومیت از دلالی محکوم می‌شود.

مبحث دوم - اجرت و هزینه‌های دلال

ماده ۲۹ - میزان اجرت دلال به موجب قرارداد تعیین می‌شود و در صورت سکوت قرارداد، تابع عرف و عادت محل اجراء دلالی است.

ماده ۳۰ - دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند، مگر معامله به وساطت او منعقد شود.

ماده ۳۱ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد، دلال پس از حصول شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۳۲ - مخارجی که دلال برای انجام دلالی و متناسب با موضوع آن متحمل می‌شود، حتی در صورت عدم انعقاد معامله نیز، قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد دلالی ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۳ - اجرت و مخارج دلال بر عهده طرفی است که او را مأمور می‌کند، مگر اینکه در قرارداد دلالی ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۴ - در صورتی که معامله اقاله یا فسخ گردد، حق مطالبه اجرت از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه اقاله یا فسخ معامله به دلال مستند نباشد.

ماده ۳۵ - دلالی معاملات ممنوع، اجرت ندارد.

فصل دوم - حق العمل کاری

ماده ۳۶ - حق العمل کاری عبارت از انجام معامله به نام خود و به حساب دیگری در مقابل دریافت حق العمل است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف حق العمل کار

ماده ۳۷ - حق العمل کار باید آمر را از اقدامات خود آگاه کند و در صورت انجام مأموریت این موضوع را به فوریت به او اطلاع دهد.

ماده ۳۸ - حق العمل کار مکلف به بیمه اموال موضوع معامله نیست، مگر اینکه در قرارداد حق العمل کار و آمر و یا قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۳۹ - حق العمل کار مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی می‌شود.

ماده ۴۰ - اگر کالایی که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال می‌شود معیوب باشد، حق العمل کار باید برای حفظ حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت با اقدامات لازم کالا را محافظت و آمر را از اقدامات خود آگاه کند در غیر این صورت مسؤول خسارت ناشی از این تفریط است.

ماده ۴۱ - چنانچه بیم فساد سریع کالایی رود که به منظور فروش برای حق العمل کار ارسال شده است، حق العمل کار می‌تواند و در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده ۴۲ - اگر فروش کالایی که برای حق العمل کار ارسال می‌گردد ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، وی می‌تواند آن را با نظارت دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او از طریق مزایده بفروشد. اموال سریع الفساد مشمول مقررات این حکم نیست. در هر صورت، حق العمل کار باید با اظهارنامه رسمی آمر را از این امر مطلع کند.

ماده ۴۳ - در صورتی که حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسینه بفروشد یا برای خرید، پیش پرداختی بدهد، ضررهای ناشی از آن برعهده وی است. با وجود این، اگر فروش به نسینه یا خرید سلف داخل در عرف و عادت تجارتهی محل اجراء حق العمل کاری باشد، حق العمل کار مأذون به آن است، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۴۴ - چنانچه حق العمل کار کالا را به کم تر از قیمتی که آمر معین می کند بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین می کند بخرد، در برابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق العمل کار ثابت کند معامله انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتر به آمر بوده و کسب اجازه از وی در آن زمان مقدور نبوده است.

ماده ۴۵ - اگر حق العمل کار کالا را به کم تر از قیمتی که آمر معین کرده است بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است بفروشد، حق تصرف در تفاوت قیمت را ندارد و باید تفاوت آن را به حساب آمر منظور کند.

ماده ۴۶ - در صورتی که حق العمل کار مأمور به خرید و یا فروش کالا، اسناد تجارتهی وی یا سایر اوراق بهاداری باشد که قیمت بازاری دارد، می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن است خود به عنوان فروشنده تسلیم کند یا چیزی را که مأمور به فروش آن است خود به عنوان خریدار نگهدارد، مگر اینکه آمر دستور دیگری داده باشد.

ماده ۴۷ - در مواردی که حق العمل کار خود می تواند خریدار یا فروشنده باشد، اگر معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد خود، طرف معامله محسوب می شود.

ماده ۴۸ - اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مطلع گردد، دیگر نمی تواند خود خریدار یا فروشنده باشد.

ماده ۴۹ - حق العمل کار در مقابل آمر مسؤول اجراء تعهدات طرف معامله نیست، مگر اینکه در انجام معامله به اعتبار مجاز نباشد یا خود طرف معامله را ضمانت کند یا آمر و حق العمل کار در قرارداد او را مسؤول قرار دهند.

مبحث دوم - اجرت و هزینه های حق العمل کار

ماده ۵۰ - مفاد ماده (۲۹) این قانون در باره میزان حق العمل نیز مجری است. حق العمل کار در صورتی مستحق حق العمل است که معامله اجراء شده و یا عدم اجراء آن به آمر مستند باشد. اگر معامله به علل دیگری اجراء نشود، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و عادت تجارتهی محل اجراء حق العمل کاری معین می کند.

ماده ۵۱ - مخارجی که حق العمل کار برای انجام حق العمل کاری و متناسب با موضوع آن هزینه می کند، حتی در صورت عدم استحقاق حق العمل نیز قابل مطالبه است، مگر اینکه در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۵۲ - در مورد ماده (۴۶) این قانون حق العمل کار مستحق حق العمل و مخارج عادی حق العمل کاری است و باید قیمت را طبق نرخ بازار در روز انجام حق العمل کاری منظور کند.

ماده ۵۳ - در صورت تقلب حق العمل کار و به خصوص در موردی که حق العمل کار به حساب آمر قیمتی بیشتر از قیمت خرید یا کم تر از قیمت فروش محسوب کند، مستحق حق العمل نیست و به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. علاوه بر این در دو صورت اخیر آمر می تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

ماده ۵۴ - حق العمل کار برای وصول مطالبات خود از آمر می تواند اموال موضوع معامله یا قیمتی را که اخذ کرده است حبس کند.

فصل سوم - نمایندگی تجارتي

ماده ۵۵ - نمایندگی تجارتي عبارت است از انجام مذاکرات مقدماتي، انعقاد قرارداد و یا ارایه خدمات پس از اجراء قرارداد به نام و به حساب دیگری در مقابل دریافت اجرت، بدون این که نماینده، مستخدم یا اجیر طرف دیگر باشد.

ماده ۵۶ - نمایندگی تجارتي تابع مقررات این فصل است، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری را مقرر کند.

مبحث اول - حقوق و تکالیف طرفین نمایندگی تجارتي

ماده ۵۷ - نماینده تجارتي می تواند نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند، مگر اینکه به موجب قرارداد، به صراحت از قبول نمایندگی دیگری منع شود.

ماده ۵۸ - اعطاءکننده نمایندگی می تواند در محدوده جغرافیایی مشخص به اشخاص متعدد نمایندگی تجارتي اعطاء و یا خود به عرضه کالا و یا خدمات اقدام کند، مگر این که با نماینده تجارتي به نحو دیگری توافق کرده باشد.

ماده ۵۹ - نماینده تجارتي و اعطاءکننده نمایندگی باید اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی و کلیه اسناد و مدارک مربوط به موضوع نمایندگی را مبادله کنند. اطلاعات مربوط به اسرار حرفه ای از شمول این حکم مستثنی است.

ماده ۶۰ - نماینده مسؤول تلف یا نقصان کالاهایی است که به حساب اعطاءکننده نمایندگی در تصرف دارد، مگر اینکه ثابت کند تلف یا نقص، مستند به او نبوده است.

ماده ۶۱ - در صورت عدم ایفاء تعهدات قراردادی از سوی هریک از طرفین نمایندگی تجارتي، متخلف مسؤول جبران زیان های وارد شده به طرف مقابل است. چنانچه رابطه نمایندگی قطع شود زیان دیده باید ظرف یک سال از تاریخ قطع رابطه، برای مطالبه خسارات وارد شده به طرف مقابل مراجعه کند.

ماده ۶۲ - قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید به منطقه جغرافیایی مشخص، نوع کالاها و خدماتی که موضوع قرارداد نمایندگی است و گروه اشخاصی که فعالیت نماینده تجارتي به آنها مربوط می شود، محدود باشد. شرط عدم رقابت، حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

ماده ۶۳ - مفاد مواد (۴) الی (۹) این قانون در مورد نمایندگی تجارتي نیز مجری است.

مبحث دوم - اجرت و هزینه های نماینده تجارتي

ماده ۶۴ - مفاد مواد (۲۹) و (۳۲) این قانون در مورد اجرت و هزینه های نماینده تجارتي نیز مجری است. نماینده تجارتي حسب این که موضوع نمایندگی انجام مذاکرات مقدماتي، انعقاد قرارداد یا ارائه خدمات پس از اجراء قرارداد باشد، به ترتیب به محض انعقاد قرارداد به وسیله اعطاءکننده نمایندگی، اجراء قرارداد یا ارائه خدمت به وسیله نماینده، مستحق اجرت می شود.

چنانچه عدم انعقاد یا اجراء قرارداد مستند به فعل اعطاءکننده نمایندگی باشد، نماینده حسب مورد، پس از گذشت زمان متعارفی که قرارداد باید در آن مدت منعقد می شد یا پس از گذشت زمانی که قرارداد باید در آن مدت اجراء می گردید مستحق اجرت می شود. اگر معامله به علل دیگری منعقد یا اجراء نشود، نماینده تجارتي برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی است که عرف و عادت محل اجراء نمایندگی معین می کند.

ماده ۶۵ - اگر اعطاءکننده نمایندگی ظرف مدت متعارف، نماینده را از رد، عدم انعقاد یا عدم اجراء قراردادی که نماینده حسب مورد مذاکرات مقدماتی آن را انجام داده یا آن را منعقد کرده است، مطلع نکند، نماینده مستحق اجرت است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.

ماده ۶۶ - پس از خاتمه قرارداد نمایندگی، نماینده تجارتي حسب مورد، بابت انعقاد یا اجراء قراردادهایی که در مدت متعارفی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی و در نتیجه فعالیت‌های نماینده منعقد یا اجراء می‌شوند مستحق اجرت است.

ماده ۶۷ - چنانچه طبق ماده (۶۶) این قانون نماینده تجارتي سابق مستحق اجرت باشد، نماینده جدید در آن مورد حق مطالبه اجرت ندارد، مگر اینکه قرارداد وی با اعطاءکننده نمایندگی استحقاق اجرت را ایجاب کند.

ماده ۶۸ - اعطاءکننده نمایندگی باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ استحقاق اجرت، فهرست اجرت‌های پرداخت نشده را به نماینده تجارتي تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی باشد که اجرت براساس آنها محاسبه می‌شود. نماینده تجارتي می‌تواند به منظور بررسی مبلغ اجرت‌های پرداخت نشده از اعطاءکننده نمایندگی همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوط را مطالبه کند.

ماده ۶۹ - اگر قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شود و پس از انقضاء مدت قرارداد، طرفین آن را ادامه دهند، نماینده مستحق اجرتی است که در زمان نمایندگی بین او و اعطاءکننده نمایندگی مقرر بوده است، مگر اینکه بر اساس عرف و عادت محل اجراء نمایندگی، مستحق میزان اجرت دیگری باشد.

فصل چهارم - تصدی به حمل و نقل

ماده ۷۰ - تصدی به حمل و نقل عبارت از تصدی به حمل مسافر و یا کالا از محلی به محل دیگر در مقابل اجرت است.

ماده ۷۱ - حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این فصل نیست.

ماده ۷۲ - مقررات این فصل ناسخ مقررات معاهدات بین‌المللی نیست که جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته است.

مبحث اول - حقوق و تکالیف متصدی حمل و نقل

ماده ۷۳ - متصدی حمل و نقل مطابق این قانون مسؤول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل رخ می‌دهد، اعم از اینکه خود مباشر حمل و نقل باشد یا دیگری را مأمور کند. متصدی حمل و نقل طبق قوانین و مقررات حق رجوع به حمل‌کننده و یا متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور می‌شود را دارد.

ماده ۷۴ - اگر بسته‌بندی کالا عیب ظاهری داشته باشد و متصدی حمل و نقل نیز کالا را بدون قید عدم مسؤولیت قبول کند، مسؤول خسارت است.

ماده ۷۵ - اگر کالا تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسؤول بدل آن است، مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن کالا به جنس آن و یا تقصیر فرستنده و یا گیرنده منسوب است و یا ناشی از تعلیمات یکی از آنها می‌باشد و یا به حوادث خارجی غیرقابل پیش‌بینی غیرقابل دفع، مستند است. طرفین می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارت، مبلغی کم‌تر یا بیشتر از قیمت کامل کالا را معین کنند.

ماده ۷۶ - متصدی حمل و نقل در سایر خسارات وارد شده از جمله خسارات ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص کالا، در حدود ماده (۷۵) این قانون مسؤول است. میزان خسارات مذکور نباید از خسارات ناشی از تلف تمام کالا تجاوز کند، مگر اینکه در قرارداد، طرفین خلاف این ترتیب را مقرر نمایند.

ماده ۷۷ - چنانچه کالا بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود، هیچ دعوایی علیه متصدی حمل و نقل جز در مورد تدلیس و یا تقصیر عمده پذیرفته نمی شود. با این حال، متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات غیرظاهر است، مشروط بر اینکه گیرنده، آن خسارت را بلافاصله پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. این اطلاعیه باید حداکثر تا هفت روز بعد از تحویل گرفتن کالا ارسال شود.

ماده ۷۸ - متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را مطلع کند.

ماده ۷۹ - اگر گیرنده، کالا را قبول نکند یا در دسترس نباشد و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت کالا تأدیه نشود، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به فرستنده اطلاع دهد و کالا را به طور موقت نزد خود به عنوان امانت نگهدارد یا نزد ثالثی به امانت گذارد. در این موارد، هزینه‌ها و خسارات ناشی از هر نقص و عیب بر عهده فرستنده است.

ماده ۸۰ - اگر فرستنده و یا گیرنده، در فروض موضوع ماده (۷۹) این قانون، در مدت مناسبی تکلیف کالا را معین نکنند یا قیمتی که برای کالا می توان فرض کرد مخارجی را که برای آن شده است تکافو نکند، متصدی حمل و نقل باید بلافاصله مراتب را به دادستان محل وقوع کالا اطلاع دهد و با نظارت او آن را بفروشد. متصدی حمل و نقل در صورت امکان باید فرستنده و گیرنده را از موضوع فروش کالا مطلع کند.

ماده ۸۱ - اگر کالا در معرض ضایع شدن سریع باشد، متصدی حمل و نقل باید بلافاصله کالا را با اطلاع دادستان محل استقرار کالا یا نماینده او بفروشد.

ماده ۸۲ - دعاوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل حداکثر باید ظرف یک سال اقامه شود. مبدأ این مدت در مورد تلف یا گم شدن کالا یا تأخیر در تسلیم، روزی است که کالا باید در آن روز به گیرنده تسلیم می گردید و در مورد خسارات ناشی از نقص کالا، روزی است که مال به گیرنده تسلیم می شود.

ماده ۸۳ - متصدی حمل و نقل مسؤول جبران کلیه خسارات جانی مسافران است، مگر اینکه ثابت کند خسارت به خود مسافر و یا حوادث خارجی غیرقابل پیش بینی غیرقابل دفع مستند است. در مورد خسارات وارد شده بر کالاهای مسافران رعایت مواد (۷۴) تا (۷۷) و ماده (۸۲) این قانون الزامی است.

مبحث دوم - حقوق و تکالیف فرستنده و گیرنده کالا

ماده ۸۴ - فرستنده کالا باید موارد زیر را به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد:

- ۱- هویت و نشانی دقیق گیرنده
- ۲- محل تسلیم کالا
- ۳- تعداد بسته‌ها و روش بسته‌بندی
- ۴- وزن و محتوای بسته‌ها
- ۵- مدت زمان تسلیم کالا به گیرنده
- ۶- مسیر حمل کالا
- ۷- فهرست اشیاء گران بها و قیمت آنها

۸- خطرات احتمالی ناشی از حمل کالاهای خطرناک و دستورهای لازم برای نگهداری و حمل آنها تبصره- خسارات ناشی از عدم اطلاع موارد مذکور و یا اطلاع رسانی نادرست بر عهده فرستنده است.
ماده ۸۵ - مسؤولیت بسته بندی مناسب کالا و خسارات ناشی از عیوب بسته بندی بر عهده فرستنده است.
ماده ۸۶ - فرستنده می تواند تا زمانی که کالا در تصرف متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت اجرت المسمی و مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده است، مسترد کند.
ماده ۸۷ - در موارد زیر فرستنده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده (۸۶) این قانون استفاده کند:
۱- فرستنده بارنامه ای تهیه و متصدی حمل و نقل آن را به گیرنده تسلیم کرده باشد .
۲- متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا رسیدی داده باشد و فرستنده نتواند آن را مسترد کند .
۳- متصدی حمل و نقل پس از رسیدن کالا به مقصد به گیرنده اعلام کند که کالا به مقصد رسیده است و باید آن را تحویل گیرد.

۴- گیرنده، پس از رسیدن کالا به مقصد، تسلیم آن را تقاضا کند.
۵- در بارنامه شرط شود که حق استرداد کالا به گیرنده منتقل شده است.
ماده ۸۸ متصدی حمل و نقل در موارد مذکور در ماده (۸۷) این قانون باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. با این حال در بند (۲) ماده مذکور، مادام که کالا به مقصد نرسیده است، متصدی حمل و نقل نباید از دستور گیرنده تبعیت کند، تا اینکه رسید مذکور به گیرنده تسلیم شود.
ماده ۸۹ - اگر گیرنده میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت کالا مطالبه می کند قبول نکند، حق ندارد تسلیم کالا را تقاضا کند، مگر اینکه مبلغ مورد اختلاف را تا ختم اختلاف در صندوق دادگستری تودیع کند.
ماده ۹۰ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلافی باشد، دادگاه صالح می تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور دهد که کالا نزد شخص ثالثی به امانت گذاشته یا در صورت ضرورت فروخته شود. تودیع یا فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از وضع کالا انجام گیرد.
با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت کالا ادعا می شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می توان از فروش کالا جلوگیری کرد.

باب دوم - حقوق و تکالیف تاجر

فصل اول - تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری

ماده ۹۱ - تاجر مکلف به داشتن دفاتر زیر است و باید آنها را مطابق مقررات این قانون و براساس استانداردهای حسابداری تنظیم و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند:

۱- دفتر روزنامه

۲- دفتر کل

۳- دفتر دارایی

۴- دفتر ثبت مکاتبات

ماده ۹۲ - دفتر روزنامه دفتری است که کلیه معاملات تاجر، عملیات مربوط به اوراق تجاری شامل صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت و هویت و نشانی دقیق اشخاصی که اسناد مذکور به نفع آنها صادر، قبول، ظهرنویسی یا

ضمانت می‌شود و وجوهی که تاجر برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند، همه روزه و با تمام جزئیات در آن ثبت می‌شود. ثبت معاملات مربوط به حوایج شخصی تاجر در دفتر روزنامه الزامی نیست.

ماده ۹۳ - دفتر کل دفتری است که مندرجات دفتر روزنامه به طور خلاصه و به تفکیک موضوع در آن ثبت می‌شود. این امر باید حداقل هر ماه یکبار انجام شود.

ماده ۹۴ - دفتر دارایی دفتری است که صورت جامعی از کلیه دارایی‌های منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته تاجر با تمام جزئیات در آن ثبت و به وسیله تاجر امضاء می‌شود. تنظیم دفتر دارایی برای هر سال الزامی است و این امر باید حداکثر تا پایان فروردین سال بعد انجام شود.

ماده ۹۵ - دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مراسلات، مخابرات و صورت‌حساب‌های صادر و وارد شده تاجر به ترتیب تاریخ در آن ثبت می‌شود.

ماده ۹۶ - تاجر باید کلیه مراسلات، مخابرات و صورت‌حساب‌های خود را، حسب مورد، به ترتیب تاریخ صدور یا ورود در لفاف مخصوصی ضبط و از پایان هر سال تا ده سال تمام نگهداری کند.

ماده ۹۷ - دفاتر مذکور در ماده (۹۱) این قانون به استثناء دفتر ثبت مکاتبات قبل از آن‌که در آن چیزی نوشته شود، به وسیله نماینده اداره ثبت امضاء می‌شود. برای دفتر ثبت مکاتبات امضاء مذکور لازم نیست، ولی اوراق آن باید شماره ترتیبی داشته باشند. در موقع تجدید سالانه هر دفتر رعایت حکم این ماده الزامی است.

ماده ۹۸ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای شماره ترتیبی و قیطان‌کشیده باشد. متصدی امضاء باید صفحات دفتر را بشمارد و در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به هویت صاحب دفتر بنویسد و با قید تاریخ، امضاء کند و دو طرف قیطان را با مهر سربی که به وسیله وزارت دادگستری تهیه می‌شود منگنه نماید. کلیه اعداد حتی تاریخ باید با حروف نوشته شود.

ماده ۹۹ - کلیه معاملات تاجر و عملیات مربوط به اوراق تجارتي باید به ترتیب تاریخ در صفحات دفاتر مذکور نوشته شود. جای خالی گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است یا هرگونه جعل از قبیل تراشیدن، حک کردن، پاک کردن و نوشتن در حاشیه و یا بین سطوح ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۱۰۰ - تاجر برای هر یک از معاملات خود که ثبت آن در دفتر روزنامه الزامی است، باید صورت‌حسابی صادر و با قید تاریخ امضاء کند. اگر طرفین معامله تاجر باشند، صدور صورت‌حساب به وسیله یکی از طرفین کافی است. دفاتر تجاری که برای معاملات موضوع این ماده صورت‌حساب ارایه نمی‌کند، نامرتب محسوب می‌شود.

ماده ۱۰۱ - متخلف از مفاد مواد (۹۱)، (۹۶)، (۹۷) و (۹۸) این قانون به جزای نقدی درجه سه محکوم می‌شود. علاوه بر این، شخصی که مطابق ماده (۹۹) هر یک از عملیات مربوط به اوراق تجارتي و معاملات خود را در دفاتر تجارتي درج نکند و یا مطابق ماده (۱۰۰) برای هر یک از معاملات خود صورت‌حساب صادر ننماید، به جزای نقدی از یک‌هشتم تا یک‌چهارم ارزش معامله‌ای که باید در دفتر درج یا برای آن صورت‌حساب صادر می‌شود، محکوم می‌گردد. دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد. مفاد این ماده مانع اعمال مقررات مربوط به تاجری که دفتر مرتب ندارد، نمی‌شود.

ماده ۱۰۲ - نحوه تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي و صورت‌حساب معاملات به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارت‌خانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن

و تجارت و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در مواردی که به موجب این مقررات دفاتر تجارتهای باید به صورت الکترونیکی تنظیم شوند، تنظیم آنها به صورت غیرالکترونیکی یا به نحوی که مطابق مقررات مذکور صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آنها مورد خدشه باشد در حکم عدم تنظیم است. رعایت مفاد ماده (۹۸) این قانون در مورد دفاتر الکترونیکی الزامی نیست.

تبصره - کلیه شرکتهای تجارتهای باید دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون را مطابق مقررات مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کنند. شرکتهای تعاونی غیرسهامی روستایی مشمول این ماده نیستند.

ماده ۱۰۳ - درآمد مشمول مالیات تاجر مشروط بر آنکه دفاتر تجارتهای مطابق مقررات این قانون مرتب شود فقط بر اساس مندرجات آن دفاتر تشخیص می‌شود. مأموران مالیاتی باید هر گونه تخلف از مقررات مواد (۹۱)، (۹۶)، (۹۷)، (۹۸)، (۹۹) و (۱۰۰) این قانون را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند در غیر این صورت به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می‌شوند. فهرست مشاغلی که به موجب این قانون باید دفاتر تجارتهای تنظیم کنند ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون با همکاری وزارتخانههای امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۰۴ - دفاتر تجارتهای مذکور در ماده (۹۱) این قانون، در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشند، بین تاجر در دعاوی مربوط به معاملات تجارتهای قابل استناد است و در غیر این صورت فقط علیه صاحب آن معتبرند.

فصل دوم - ثبت نام تجارتهای

ماده ۱۰۵ - هر شخص حقیقی تاجر اعم از ایرانی و خارجی باید نام خود را نزد مرجع ثبت شرکتهای به ثبت برساند. مرجع ثبت شرکتهای مکلف است به هر تاجر که نام خود را نزد این مرجع ثبت می‌کند شماره انحصاری اختصاص دهد. مقررات مربوط به دفتر ثبت نام تجارتهای و موضوعاتی که باید در دفتر مذکور به ثبت برسد به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۰۶ - تاجر متخلف از تکلیف مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون به جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود. اتحادیه‌های صنفی و کمیسیون نظارت مربوط و وزارت صنعت، معدن و تجارت باید تخلف از حکم این ماده را به دادستان محل اقامت تاجر گزارش کنند. هر دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم کند.

ماده ۱۰۷ - تاجر برای ثبت تجارتهای باید اطلاعات واقعی و کامل را ارائه و در صورت تغییر اطلاعات مذکور ظرف پانزده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکتهای اعلام کند. متخلف به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۱۰۸ - هر تاجر باید در همه اسناد، صورت حسابها، آگهیها، تابلوها و سایر مکتوبات خود، اعم از دست‌نویس، چاپی یا الکترونیک، شماره انحصاری خود را درج کند در غیر این صورت به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود. دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.

ماده ۱۰۹ - مرجع ثبت شرکتهای باید هر ماه یکبار مشخصات تاجران را که ثبت نام می‌کنند، برای آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، به آن روزنامه ارسال کند.

ماده ۱۱۰ - اطلاعات مندرج در دفتر ثبت نام تجارتي جز در موارد مصرح، غير محرمانه محسوب مي شود و تمام اشخاص مي توانند با مراجعه به دفتر مذکور اطلاعات تاجر را مطالعه و به هزينه خود از آن رونوشت و يا تصوير بگيرند.

ماده ۱۱۱ - مراجع قضايي بايد نسخه اي از آراء قطعي مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارتي با تاجر ثبت نام شده مانند منع معامله، توقف، ورشكستگي و حجر را براي درج در دفتر ثبت نام تجارتي به مرجع ثبت شركت ها ارسال كنند. در صورت فوت تاجر ثبت نام شده، سازمان ثبت احوال كشور بايد حداكثر ظرف بيست و چهار ساعت مراتب را براي درج در دفتر ثبت نام تجارتي به مرجع ثبت شركت ها اعلام كند. در صورت رفع حجر يا منع معامله يا اعاده اعتبار تاجر ورشكسته، كليه اطلاعات مذکور، محرمانه محسوب و افشاءكننده آن به حبس درجه هفت محكوم مي گردد.

ماده ۱۱۲ - ثبت اسم تجارتي، موضوع قانون ثبت اختراعات، طرح هاي صنعتي و علايم تجاري، اختياري است، مگر در مواردی که به موجب مقررات خاص ثبت آن الزامي باشد. آيين نامه نحوه ثبت اسم تجارتي ظرف شش ماه از تاريخ لازم الاجراء شدن اين قانون به وسيله سازمان ثبت اسناد و املاك كشور تهيه مي شود و به تصويب رييس قوه قضاييه مي رسد. در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامي است، چنانچه ثبت در موعد مقرر انجام نشود از متقاضی ثبت سه برابر حق الثبت اخذ می شود.

باب سوم - مقررات متفرقه

ماده ۱۱۳ - در هر مورد که چند شخص به موجب قرارداد یا قانون به طور مستقل مسؤول ايفاء دين واحدی باشند، بستانكار مي تواند براي وصول تمام يا بخشي از طلب خود به هر يك از مسؤولان رجوع كند، مگر اينكه مطابق قانون يا قرارداد مكلف شده باشد در ابتدا به يكي از مسؤولان مراجعه و در صورت عدم وصول طلب به ديگري رجوع كند.

ماده ۱۱۴ - ضامن قبل از رسيدن اجل دين اصلي ملزم به تأديه نيست، حتي اگر به سبب فوت يا انحلال مديون اصلي، دين، حال شود. ضامن حال از اين قاعده مستثني است.

ماده ۱۱۵ - اگر حق مطالبه دين اصلي مشروط به شرطي مانند اخطار قبلي باشد، رعايت آن شرط نسبت به ضامن نیز الزامي است.

ماده ۱۱۶ - ايفاء تمام يا بخشي از تعهد از جانب ضامن يا مضمون عنه سبب برائت ذمه هر دو نسبت به قسمت ايفاء شده در مقابل مضمون له است. دين اصلي به هر نحو كه ساقط گردد، ضامن نیز بری الذمه می شود.

ماده ۱۱۷ - پس از آن كه ضامن، دين اصلي را پرداخت، مضمون له بايد تمام اسناد و مداركي را كه براي رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفيد است به او بدهد و اگر دين اصلي وثيقه داشته باشد، آن را به ضامن تسليم كند. اگر دين اصلي وثيقه غير منقول داشته باشد، وثيقه دهنده مكلف است تشريفاتي را كه براي انتقال وثيقه به ضامن لازم است، انجام دهد.

ماده ۱۱۸ - ضامنی که بدون اذن مضمون عنه یا تبرعاً ضمانت كند، حق رجوع به مضمون عنه را ندارد. ضامن مأذون از طرف مضمون عنه محسوب مي شود، مگر اينكه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۹ - مواد مربوط به تنظيم و نگهداري دفاتر تجارتي در مورد مؤسسات غير تجارتي، موقوفات و شركت هاي تجارتي اعم از اينكه شركاء و يا سهام داران آنها دولت، مؤسسات دولتي، مؤسسات و نهادهاي عمومي غير دولتي و اشخاص خصوصي باشند، نیز مجري است.

ماده ۱۲۰ - مواد مربوط به تنظیم و نگهداری دفاتر تجاری در مورد کسبه جزء اعمال نمی‌شود. تاجری کاسب جزء محسوب می‌شود که کالا و یا خدمات را به مصرف‌کننده نهایی عرضه می‌کند و مجموع گردش مالی سالانه او از میزان مقرر در آیین‌نامه تشخیص کسبه جزء بیشتر نیست. این آیین‌نامه ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزیران امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت تصویب و ابلاغ می‌شود. تاجر موضوع این ماده باید ثابت کند مجموع گردش مالی سال گذشته او کمتر از میزان مقرر در آیین‌نامه مذکور بوده است.

ماده ۱۲۱ - موارد سکوت قراردادهای بین تجار، به ترتیب بر عرف و عادت تجاری، عرف عام و قواعد تکمیلی مقرر در قوانین مربوط محمول است.

ماده ۱۲۲ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات‌های نقدی روزانه سیصد هزار ریال تبدیل می‌شود. مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۱۲۳ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب دوم - اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

باب اول - اشخاص حقوقی

ماده ۱۲۴ - اشخاص حقوقی داخلی شامل دولت، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات غیرتجاری، شرکت‌های تجاری و موقوفات است. تبصره - دولت از شمول مقررات این باب مستثنی است.

ماده ۱۲۵ - اشخاص حقوقی باید نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسند و شخصیت حقوقی آنها پس از ثبت در مرجع مذکور و آگهی مراتب در روزنامه رسمی کشور به هزینه شخص حقوقی علیه ثالث قابل استناد است. حوالثبت اشخاص حقوقی بر اساس قانون اخذ می‌شود.

ماده ۱۲۶ - مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی که به موجب قانون خاص، با ذکر نام و ارکان، تشکیل می‌شوند از زمان لازم‌الاجراء شدن قانون تشکیل، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و نیاز به ثبت ندارند.

ماده ۱۲۷ - نحوه تشکیل و شرایط ثبت مؤسسات غیرتجاری مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به وسیله وزارت دادگستری، با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

ماده ۱۲۸ - ثبت اشخاص حقوقی که موضوع فعالیت آنها نا مشروع یا مخالف نظم عمومی باشد، ممنوع است.

ماده ۱۲۹ - اشخاص حقوقی کلیه حقوق و تکالیفی را که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، دارند، مگر حقوق و تکالیفی مانند حقوق و تکالیف ناشی از ابوت و بنوت که انسان حسب طبیعت خویشمی‌تواند داشته باشد.

ماده ۱۳۰ - اقامت‌گاه شخص حقوقی، مرکز اصلی آن است. اقامت‌گاه مقرر در اساسنامه شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجارتی مرکز اصلی آنها محسوب می‌گردد، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۳۱ - شخص حقوقی ثبت‌شده در ایران، ایرانی محسوب می‌شود.

ماده ۱۳۲ - هیچ یک از ارکان شخص حقوقی نمی‌تواند تابعیت آن را تغییر دهد.

ماده ۱۳۳ - اشخاص حقوقی ایرانی نمی‌توانند اقامت‌گاه خود را در خارج از قلمرو حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

ماده ۱۳۴ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که، حسب مورد، به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت دارند اتخاذ می‌شود.

ماده ۱۳۵ - تشکیل، اداره، انحلال ویا ورشکستگی اشخاص حقوقی خصوصی غیرایرانی تابع قانون دولت محل اقامت‌گاه آنها است.

ماده ۱۳۶ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید برای کلیه اشخاص حقوقی که ثبت آنها الزامی است شناسه انحصاری اختصاص دهد.

ماده ۱۳۷ - کلیه اشخاص حقوقی باید در همه اسناد، صورت‌حساب‌ها، آگهی‌ها، تابلوها و سایر مکتوبات خود، اعم از دست‌نویس، چاپی یا الکترونیکی نام و شناسه انحصاری خود را درج کنند. اشخاص حقوقی متخلف به جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم می‌شوند. دادگاه می‌تواند رأساً و بدون تقاضای دادستان به این مجازات حکم دهد.

ماده ۱۳۸ - استفاده از نام‌های بیگانه، مبتذل، مستهجن و نام‌هایی که موهم انتساب شخص حقوقی به نهادهای عمومی یا دولتی است از قبیل واژه‌های ایران و کشور برای شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجارتی ممنوع است. شعب و نمایندگی‌های اشخاص حقوقی خارجی از شمول این حکم در مورد ممنوعیت استفاده از نام‌های بیگانه مستثنی می‌باشند.

ماده ۱۳۹ - اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی که نزد مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد جز در موارد مصرح، غیرمحرمانه محسوب می‌شود و تمام اشخاص می‌توانند با مراجعه به مرجع مذکور اطلاعات مربوط به اشخاص حقوقی را مطالعه و به‌هزینه خود از آن رونوشت ویا تصویر بگیرند.

ماده ۱۴۰ - مراجع قضایی باید نسخه‌ای از آراء قطعی مؤثر بر حقوق اشخاص ثالث در تجارت با اشخاص حقوقی مانند توقف، ورشکستگی، انحلال و منع معامله را برای درج در دفتر ثبت شرکت‌ها به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کنند. در صورت رفع موارد مذکور یا اعاده اعتبار ورشکسته کلیه اطلاعات راجع به امور مذکور محرمانه محسوب و افشاءکننده آن به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

ماده ۱۴۱ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است کلیه مراحل و فرآیندهای ثبت اشخاص حقوقی و تغییرات مربوط به آنها را به‌صورت الکترونیکی و روزآمد نگهداری کند به‌نحوی که امکان دسترسی آنی، برخط و الکترونیک به اطلاعات قابل دسترسی شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجارتی فراهم شود. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به‌وسیله وزارت دادگستری و با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۴۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آنها مطابق این قانون الزامی است در سامانه الکترونیک خود که صحت، تمامیت، اعتبار و انکار ناپذیری آنها را تأمین می‌کند قرار دهد و حداقل تا سی سال نگهداری کند.

باب دوم - شرکت‌های تجاری

ماده ۱۴۳ - شرکت تجاری یازده نوع است:

- ۱- سهامی عام
- ۲- سهامی خاص
- ۳- با مسئولیت محدود
- ۴- تضامنی
- ۵- نسبی
- ۶- مختلط سهامی عام
- ۷- مختلط سهامی خاص
- ۸- مختلط غیر سهامی
۹. تعاونی سهامی عام
- ۱۰- تعاونی سهامی خاص
- ۱۱- تعاونی غیر سهامی

ماده ۱۴۴ علاوه بر انواع شرکت مذکور در ماده (۱۴۳) این قانون شرکت تجاری می‌تواند طبق مقررات خاصی که با تراضی شرکاء و یا سهام‌داران معین می‌شود با هر میزان سرمایه تشکیل شود ولی در هر حال رعایت احکام مندرج در فصل‌های اول و سوم این باب الزامی است.

فصل اول - کلیات

مبحث اول - تشکیل شرکت

ماده ۱۴۵ - برای تشکیل شرکت تجاری، مؤسسان آن باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها، اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد تمام سرمایه شرکت را به ضمیمه مدارک زیر به مرجع مذکور تسلیم و رسید دریافت کنند:

- ۱- مدارک مصدق هویت مؤسسان
- ۲- گواهی نامه بانکی حاکی از تأدیه سرمایه نقدی در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع اسناد مالکیت سرمایه غیرنقدی به نام شرکت مذکور، به ترتیب مقرر در این قانون
- ۳- صورت جلسه مجمع عمومی مؤسس
- ۴- اساسنامه شرکت
- ۵- اعلامیه قبولی سمت به وسیله مدیر یا مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت و تصویر مصدق مدارک هویت آنان
- ۶- تصویر مصدق موافقت نامه مرجع خاص برای تشکیل شرکت، مشروط به الزام قانون برای جلب موافقت آن

مرجع

ماده ۱۴۶ - اظهارنامه مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود:

۱- هویت مؤسسان و نشانی دقیق اقامت‌گاه آنان

۲- نام شرکت

۳- موضوع شرکت

۴- مدت شرکت

۵- اقامت‌گاه شرکت

۶- میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک

۷- تعیین مالک آورده‌های غیرنقد و اوصاف و ارزش هریک از آنها، طبق نظریه کارشناس یا کارشناسان رسمی

دادگستری

۸- میزان تعهد هریک از مؤسسان و مقدار تأدیه و یا تسلیم شده از تعهدات هریک از آنان

۹- تصریح به نوع مسئولیت هریک از مؤسسان

۱۰- شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت تقاضای مؤسسان برای

اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به ایشان

۱۱- نام مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت

۱۲- نام روزنامه اصلی و علی‌البدل شرکت، در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا

اساسنامه

ماده ۱۴۷ - مراد از هویت در این قانون نام، نام خانوادگی و شماره ملی شخص حقیقی و نام، نوع و شناسه

انحصاری شخص حقوقی است.

ماده ۱۴۸ - روزنامه شرکت روزنامه کثیرالانتشار سراسری است که آگهی‌هایی که به موجب قانون یا اساسنامه

نشر آن ضروری است در آن منتشر می‌شود.

ماده ۱۴۹ - علاوه بر موارد مذکور در ماده (۱۴۶) این قانون

۱- ذکر مطالب زیر در اظهارنامه ثبتی شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص و تعاونی سهامی خاص

الزامی است:

۱-۱- تعداد سهام شرکت

۱-۲- مبلغ اسمی هر سهم

۱-۳- تعیین مبلغ پرداخت‌شده هر سهم

۱-۴- نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن حداکثر تا پنج سال

۲- در مورد شرکت‌های موضوع ماده (۱۴۴) میزان سرمایه تأدیه و یا تسلیم شده و نحوه مطالبه بقیه سرمایه شرکت

در صورتی که تمام آن تأدیه و یا تسلیم نشده باشد و مهلت تأدیه آن که در هر حال نباید از پنج سال بیشتر باشد باید در

اظهارنامه ثبتی و اساسنامه شرکت درج شود.

ماده ۱۵۰ - گواهی‌نامه مذکور در بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که سرمایه

نقدی در آن تأدیه شده است و نیز تعداد اسناد مالکیت تودیع‌شده و مندرجات اصلی آنها باشد.

ماده ۱۵۱ - اساسنامه مذکور در بند (۴) ماده (۱۴۵) این قانون باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسان برسد و موارد زیر در آن ذکر شود:

- ۱- نام شرکت
 - ۲- موضوع شرکت
 - ۳- مدت شرکت
 - ۴- اقامت گاه شرکت
 - ۵- میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک
 - ۶- شرح مزایای مترتب بر سهم الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازهای سهم ممتاز و نحوه تغییر آنها و ایجاد امتیازهای جدید در صورت تقاضای مؤسسان برای اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به ایشان
 - ۷- نحوه واگذاری سهم الشرکه و یا سهام
 - ۸- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت
 - ۹- مواقع تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه
 - ۱۰- ترتیب دعوت هر یک از مجامع عمومی
 - ۱۱- تعیین نحوه دسترسی شرکاء و یا سهام داران به صورت های مالی شرکت و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه
 - ۱۲- حد نصاب تشکیل هر یک از مجامع عمومی در صورت اقتضاء و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیم های آنها
 - ۱۳- ترتیب اداره و نحوه شور و اخذ رأی در هر یک از مجامع عمومی و تنظیم صورت جلسه آنها
 - ۱۴- تعداد مدیران شرکت و نحوه انتخاب و مدت مأموریت و پیش بینی امکان یا عدم امکان انتخاب مجدد آنان
 - ۱۵- مواقع و ترتیب دعوت مدیران
 - ۱۶- حد نصاب تشکیل جلسه مدیران و اکثریت لازم برای اعتبار تصمیمات در جلسه مذکور، در صورت اقتضاء
 - ۱۷- نحوه اداره جلسه مدیران و تنظیم صورت جلسه آن
 - ۱۸- نحوه تعیین جانشین برای مدیر یا مدیران در صورت فوت، انحلال، استعفاء، عزل یا منع از تصدی سمت
 - ۱۹- نحوه انتخاب و مدت مأموریت مدیرعامل شرکت و تعداد قائم مقام های وی
 - ۲۰- تعداد بازرسان شرکت و نحوه انتخاب آنها
 - ۲۱- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم صورت های مالی و تسلیم آن به بازرس یا بازرسان شرکت و مجمع عمومی عادی سالانه
 - ۲۲- نحوه تغییر اساسنامه
 - ۲۳- نحوه انحلال اختیاری شرکت
 - ۲۴- قید موارد مذکور در بند (۱) ماده (۱۴۹) این قانون در باره شرکت های موضوع ماده مذکور
- تبصره - متغیر یا ثابت بودن سرمایه و قابلیت و نحوه نقل و انتقال سهم الشرکه و یا سهام شرکت های موضوع ماده (۱۴۴) این قانون از طریق صدور و ابطال و یا خرید و فروش باید در اساسنامه این شرکت ها قید شود. در صورتی که در اساسنامه، سرمایه شرکت متغیر باشد شرکت فقط با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار ثبت می شود.
- ماده ۱۵۲ - مرجع ثبت شرکت ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۱۴۵) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی شرکت را ثبت نماید و در غیر این

صورت، ظرف همان مهلت، به درخواست متقاضی ثبت، مراتب را به طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد.

ماده ۱۵۳ - سند مالکیت آورده غیرنقد در دفاتر اسناد رسمی و سایر مراجع ذی ربط با اخذ گواهی نامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون و اصل سند مالکیت آورده غیرنقد و بدون نیاز به امضاء مالک سابق به نام شرکت ثبت شده تنظیم می شود.

ماده ۱۵۴ - تصرف در آورده غیرنقد و وجوه تأدیه شده به نام شرکت در شرف تأسیس، پیش از ثبت شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

ماده ۱۵۵ - هرگاه شرکت تا سه ماه از تاریخ تسلیم مدارک مذکور در ماده (۱۴۵) این قانون به مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد، مرجع مذکور به درخواست هریک از مؤسسان، گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر می نماید و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که وجوه و اسناد آورده های غیرنقد در آن تأدیه و تسلیم شده است ارسال می کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان وجوه پرداختی و اسناد مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهی نامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی اثر می شود.

ماده ۱۵۶ - پس از سپری شدن مهلت مذکور در ماده (۱۵۵) این قانون مرجع ثبت شرکت‌ها باید به درخواست هر شخص، نام تعیین شده برای شرکت در شرف تأسیس را به وی اختصاص دهد.

ماده ۱۵۷ - هر یک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقداماتی که قبل از ثبت، به نام شرکت در شرف تأسیس انجام شده است به انفراد مسؤولیت دارند.

ماده ۱۵۸ - هزینه های متعارفی که مؤسسان برای ثبت شرکت متحمل می گردند پس از ثبت به حساب شرکت محسوب می شود.

ماده ۱۵۹ - مقررات این مبحث در باره تشکیل شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجرا نیست مگر در مواردی که در این قانون برخلاف آن تصریح شود.

مبحث دوم - اداره شرکت

گفتار اول - ارکان شرکت

ماده ۱۶۰ - ارکان شرکت تجارتي عبارت است از:

۱- مجمع عمومی

۲- مدیر یا مدیران

۳- مدیرعامل

۴- بازرس یا بازرسان

اول- مجمع عمومی

ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی از اجتماع شرکاء و یا سهام داران شرکت تشکیل می گردد. نصاب لازم برای تشکیل هر یک از مجامع و یا تصمیم گیری در آنها به موجب اساسنامه معین می شود، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

ماده ۱۶۲ - انواع مجمع عمومی عبارتست از:

۱- مجمع عمومی مؤسس

۲- مجمع عمومی عادی

۳- مجمع عمومی فوق العاده

ماده ۱۶۳ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به شرح زیر است:

۱- تصویب اساسنامه شرکت

۲- اتخاذ تصمیم درباره گزارش کارشناس یا کارشناسان رسمی دادگستری در مورد ارزش آورده غیر نقد

۳- انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت

۴- تعیین روزنامه اصلی و علی البدل شرکت و پایگاه الکترونیک آن، در صورت تکلیف شرکت به داشتن آنها

به موجب قانون یا اساسنامه

ماده ۱۶۴ - تصمیم گیری در مجمع عمومی مؤسس با موافقت همه اعضا انجام می گیرد.

ماده ۱۶۵ - مجمع عمومی مؤسس نباید آورده غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس یا کارشناسان

رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.

ماده ۱۶۶ - مجمع عمومی عادی می تواند درباره کلیه امور شرکت تصمیم بگیرد، به جز آنچه که در صلاحیت

مجمع عمومی مؤسس و فوق العاده است.

ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار و در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است، برای

رسیدگی به صورت های مالی شرکت، گزارش مدیر یا مدیران و گزارش بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت

تشکیل شود. مجمع عمومی عادی می تواند مطابق این قانون به طور فوق العاده نیز تشکیل گردد.

ماده ۱۶۸ - صورت های مالی و گزارش های مذکور در ماده (۱۶۷) این قانون باید حداقل پانزده روز پیش از

تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی در اقامت گاه شرکت و نیز به نحوی که اساسنامه معین می کند، برای ملاحظه شرکاء

و یا سهام داران در دسترس باشد. هر شریک و یا سهام دار می تواند طی این مدت به شرکت مراجعه کند و به هزینه خود

از صورت های مالی و گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان، رونوشت یا تصویر بگیرد.

تبصره - در شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نسخه ای از گزارش های مذکور

باید ظرف مهلت مقرر در این ماده به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال شود.

ماده ۱۶۹ - تقسیم سود بین شرکاء و یا سهام داران فقط پس از تصویب مجمع عمومی عادی مجاز است. در هر

حال، حداقل ده درصد از سود قابل تقسیم سالانه باید بین شرکاء و یا سهام داران تقسیم شود.

ماده ۱۷۰ - بدون ارائه و قرائت گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی عادی،

تصمیم گیری در مورد صورت های مالی و تقسیم سود اعتبار ندارد.

ماده ۱۷۱ - سود به ترتیب مقرر در اساسنامه تقسیم می شود. اگر در اساسنامه ترتیبی مقرر نشود، سود به نسبت

سرمایه شرکاء و یا سهام داران تقسیم می گردد.

ماده ۱۷۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارد شده سرمایه ثبت شده شرکت کاهش یابد، مادام که این کمبود جبران

نشود تأدیه هر نوع سود به شرکاء و یا سهام داران ممنوع است و مبلغ تأدیه شده باید مسترد گردد.

ماده ۱۷۳ - چنانچه مدیر یا مدیران، مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکنند، بازرس یا

بازرسان شرکت باید خود مجمع مذکور را دعوت کنند.

ماده ۱۷۴ - مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را به طور فوق‌العاده دعوت کنند.

ماده ۱۷۵ - هرگونه تغییر در مقررات اساسنامه، تصمیم‌گیری در مورد انتشار اوراق بهادار در مواردی که قانون انتشار آن را تجویز می‌کند، تجزیه، ادغام، تبدیل و انحلال شرکت فقط در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است، لکن تغییر نشانی شرکت در محدوده شهر محل اقامت شرکت به وسیله مدیر یا مدیران مجاز است.
تبصره - هر نوع امتیاز برای شرکاء و یا سهام‌داران تنها با تغییر اساسنامه ایجاد می‌شود.

ماده ۱۷۶ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک‌پنجم سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد همواره می‌توانند دعوت شرکاء و یا سهام‌داران را برای تشکیل مجمع عمومی به صورت مکتوب و با قید دستور جلسه از مدیر یا مدیران شرکت تقاضا کنند و مدیر یا مدیران باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت نمایند. در صورت عدم اجابت این درخواست ظرف مهلت مذکور، درخواست‌کننده می‌تواند از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند. اگر بازرس یا بازرسان شرکت نیز ظرف این مهلت مجمع مورد درخواست را دعوت نکنند، درخواست‌کننده می‌تواند به طور مستقیم به دعوت مجمع اقدام کند، مشروط بر اینکه کلیه تشریفات مربوط به دعوت مجمع عمومی را رعایت و در مفاد دعوت به عدم اجابت درخواست خود از جانب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت تصریح کند. در مورد این ماده دستور مجمع فقط موضوعی است که در تقاضانامه ذکر شده است.

ماده ۱۷۷ - شریک و یا سهام‌دار برای شرکت در مجمع عمومی به ترتیب مقرر در اساسنامه دعوت می‌شود. در مواردی که به موجب این قانون ترتیب دیگری برای دعوت پیش‌بینی شده باشد، رعایت ترتیب مذکور نیز الزامی است.

ماده ۱۷۸ - در شرکت‌هایی که مطابق مقررات این قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند، در کلیه موارد برای تشکیل مجمع عمومی، شرکا و یا سهام‌داران باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت دعوت شوند. مجمع عمومی عادی سالانه باید در هر سال حداقل یک روزنامه اصلی و یک روزنامه علی‌البدل برای شرکت تعیین کند. این تصمیم باید در روزنامه قبلی شرکت منتشر گردد. در صورتی که انتشار روزنامه شرکت به هر علت متوقف گردد، روزنامه علی‌البدل جانشین روزنامه اصلی می‌شود.

ماده ۱۷۹ - بین نشر آگهی دعوت مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن باید حداقل ده روز و حداکثر چهل روز فاصله باشد.

ماده ۱۸۰ - در صورتی که کلیه شرکاء و یا سهام‌داران در جلسه مجمع عمومی حاضر باشند و در مواقعی که صورت جلسه مجمع مذکور به امضاء کلیه شرکاء و یا سهام‌داران برسد و تصمیمات به اتفاق آراء اتخاذ شود، رعایت ترتیبات دعوت الزامی نیست.

ماده ۱۸۱ - مکان تشکیل مجمع عمومی باید در محدوده شهر اقامت‌گاه شرکت باشد، مگر اینکه کلیه شرکاء و یا سهام‌داران بر تشکیل مجمع عمومی در مکان دیگر توافق کنند.

ماده ۱۸۲ - در مجمع عمومی حضور نماینده شریک و یا سهام‌دار و نیز نماینده شخص حقوقی با ارائه مدرکی دال بر نمایندگی به منزله حضور شریک و یا سهام‌دار است. ارتباط شریک و یا سهام‌دار یا نماینده آنان با محل برگزاری مجمع عمومی از طریق ویدیوکنفرانس با رعایت مقررات مربوط در حکم حضور در مجمع است، مشروط بر اینکه امکان این نوع ارتباط در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۱۸۳ - ترتیب اداره مجمع عمومی و تنظیم صورت جلسه آن به موجب اساسنامه معین می شود، مگر در مواردی که قانون ترتیب دیگری مقرر نماید.

ماده ۱۸۴ - هریک از شرکاء به نسبت سرمایه و هر سهام دار به تعداد سهام خود در شرکت رأی دارد مگر اینکه قانون یا اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نماید.

ماده ۱۸۵ - در مجمع عمومی باید در باره کلیه مواردی که به عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده است، اتخاذ تصمیم شود و هریک از موارد مذکور فقط با تصویب اکثریت لازم برای تصمیم گیری در جلسه این مجمع از دستور کار مجمع عمومی خارج می شود.

ماده ۱۸۶ - هرگاه در مجمع عمومی در مورد تمام یا برخی از موضوعات مندرج در دستور جلسه اتخاذ تصمیم نشود، رئیس جلسه باید تنفس اعلام و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین و به حاضران اعلام کند. تشکیل جلسه بعد به دعوت مجدد نیاز ندارد.

ماده ۱۸۷ - اتخاذ هر تصمیم خارج از آنچه که به عنوان دستور جلسه در مفاد دعوت قید شده فاقد اعتبار است، مگر آن که کلیه شرکاء و یا سهام داران در جلسه حضور داشته و با طرح مورد یا موارد پیشنهادی موافق باشند.

ماده ۱۸۸ - در مجامع عمومی برای انتخاب مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و تصویب صورت های مالی و موارد دیگری که اساسنامه معین می کند رأی گیری به صورت مخفی انجام می گیرد.

ماده ۱۸۹ - برای جلسه مجمع عمومی صورت جلسه ای تنظیم و نسخه ای از آن در اقامت گاه شرکت نگهداری می شود. در صورتی که در اساسنامه ترتیب دیگری پیش بینی نشود، صورت جلسه مجمع عمومی باید حداقل به امضاء اکثریت لازم برای تصمیم گیری در آن مجمع عمومی برسد.

ماده ۱۹۰ - در صورت جلسه مجمع عمومی نام شرکاء و یا سهام داران حاضر و غایب و خلاصه ای از مذاکرات و تصمیمات اتخاذ شده در جلسه با قید زمان و تاریخ ذکر می گردد. نظر هر یک از شرکاء و یا سهام دارانی که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالفند، باید در صورت جلسه قید شود. مسؤولیت صحت مندرجات صورت جلسه برعهده امضاء کنندگان است.

ماده ۱۹۱ - هر شریک و یا سهام دار می تواند به هزینه خود از صورت جلسه مجمع عمومی رونوشت یا تصویر بگیرد.

ماده ۱۹۲ - در مواردی که تصمیم گیری در مجمع عمومی به ارایه پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان شرکت منوط است، این پیشنهاد، گزارش و یا تأییدیه باید مکتوب باشد و به صورت جلسه مجمع عمومی ضمیمه شود. بدون ارائه و قرائت موارد مذکور تصمیمات مجمع عمومی اعتبار ندارد.

ماده ۱۹۳ - مقررات مواد (۱۶۳)، (۱۶۴)، (۱۸۹) و (۱۹۰) این قانون در مورد شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام اجراء نمی شود.

دوم - مدیر یا مدیران

ماده ۱۹۴ - شرکت به وسیله شخص یا اشخاصی که از میان شرکاء و یا سهام داران و یا غیر آنان به عنوان مدیر شرکت انتخاب می شوند، اداره می گردد. مدیر یا مدیران، در هر حال، قابل عزل می باشند.

ماده ۱۹۵ - تعداد مدیران شرکت به موجب اساسنامه معین می‌شود. در صورتی که تعداد مدیران بیش از دو شخص باشد به اجتماع مدیران، هیأت مدیره اطلاق می‌شود.

تبصره - تعداد اعضاء هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نباید از پنج عضو و در شرکت‌های سهامی خاص، مختلط سهامی خاص، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی نباید از سه عضو کمتر باشد.

ماده ۱۹۶ - انتخاب یا عزل مدیر یا مدیران شرکت با مجمع عمومی عادی است، مگر اولین مدیر یا مدیران شرکت که در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۹۷ - مدت مدیریت مدیر در اساسنامه معین می‌شود، لکن این مدت نباید از دو سال بیشتر باشد. در اساسنامه می‌توان انتخاب متوالی مدیر یا مدیران را منع کرد.

ماده ۱۹۸ - سمت مدیریت، قائم به شخص است.

ماده ۱۹۹ - اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی مدیر، به‌طور مستقل کلیه مسؤولیت‌های مدنی و جزایی شخص حقیقی مدیر را دارد و باید به‌طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی مدیریت شرکت است، به عنوان نماینده تام‌الاختیار خود برای انجام وظایف مدیریت معرفی کند. نماینده مذکور نیز به‌طور مستقل کلیه وظایف، تعهدات و مسؤولیت‌های مدنی و جزایی مدیر را دارد.

اگر شخص حقوقی مدیر ظرف یک ماه نماینده تام‌الاختیار خود را برای انجام وظایف مدیریت معرفی نکند یا پس از فوت یا عزل یا معذوریت وی جانشین او را ظرف مهلت مذکور تعیین ننماید، از تصدی سمت مدیریت، مستعفی شناخته می‌شود. در این صورت، اگر تعداد مدیران از حداقل مقرر کم‌تر شود، رعایت مفاد مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون الزامی است.

ماده ۲۰۰ - مدیران شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام باید فاقد محکومیت قطعی کیفری مؤثر و از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردار باشند. در صورت فقدان یا سلب صلاحیت حرفه‌ای نامبردگان، مرجع انتخاب‌کننده باید، حسب مورد، از انتخاب آنان به سمت یادشده خودداری یا شخص منتخب را از آن سمت برکنار کند. معیارهای صلاحیت حرفه‌ای فقط از حیث تحصیلات، سوابق تجربی مرتبط و مرجع و نحوه سلب صلاحیت به موجب آئین‌نامه‌ای است که با پیشنهاد وزارت‌خانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت ظرف شش ماه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۰۱ - اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت ابقا شوند:

۱- محجوران

۲- تاجر ورشکسته و مدیر یا مدیران و مدیرعامل شخص حقوقی ورشکسته تا پیش از اعاده اعتبار

۳- اشخاصی که به موجب حکم قطعی کلاً یا بعضاً از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند، در مدت محرومیت

۴- محکومان به موجب حکم قطعی به ارتکاب جرائم خیانت در امانت، کلاهبرداری، سرقت، اختلاس، جعل،

استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی، جرائم موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ و جرائم در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری تا پنج سال پس از اجراء حکم

ماده ۲۰۲ - اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت‌ها ابقاء شوند:

- ۱- رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان
- ۲- نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- ۳- وزیران و سرپرستان وزارت‌خانه‌ها و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان
- ۴- نمایندگان مجلس خبرگان رهبری
- ۵- اعضاء شورای نگهبان
- ۶- اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونان وی
- ۷- اعضاء شوراهای عالی
- ۸- رییس دفتر مقام رهبری و معاونان وی و مدیران کل حوزه دفتر مقام رهبری
- ۹- نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها، شهرستان‌ها و دستگاه‌های اجرایی و ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر

آنها

- ۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، معاونان و مشاوران وی
- ۱۱- اعضاء شوراهای اسلامی شهر و روستا در محدوده حوزه انتخابیه مربوط و شهرداران و رؤسای نهادها و دستگاه‌های عمومی غیردولتی و معاونان، مشاوران و رؤسای دفاتر آنان
- ۱۲- رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی
- ۱۳- اعضاء هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و تابع و وابسته دولت
- ۱۴- اعضاء هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری
- ۱۵- کارمندان دستگاه‌های اجرایی و اعضاء نیروهای مسلح و سازمان‌های تابع آنها
۱۶. دارندگان پایه قضایی

تبصره - عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های تعاونی سازمان‌های متبوع از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۰۳ - مدیر یا مدیران باید ضمن اعلامیه قبولی سمت، عدم شمول مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون را اعلام کنند. هرکس برخلاف مقررات مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) به عنوان مدیر شرکت انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ممنوعیت‌های مذکور گردد، حسب مورد، باید از قبول سمت امتناع یا استعفاء کند. دادگاه صالح به تقاضای دادستان محل اقامت شرکت ویا هر ذی‌نفع، حکم عزل متخلف و ضبط وجوه دریافتی بابت تصدی مدیریت در مدت ممنوعیت را صادر می‌کند.

ماده ۲۰۴ - مدیری که برخلاف مفاد مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون انتخاب می‌شود تکالیف و مسؤولیت‌های سمت مدیر را برعهده دارد.

ماده ۲۰۵ - مدیر یا مدیران در صورت انقضای مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسؤولیت‌های مدیر را برعهده دارند. هرگاه مقامات موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیر یا مدیران از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند.

ماده ۲۰۶ - اگر به علت فوت، انحلال و استعفاء یا عزل هر یک از مدیران شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هر یک از آنان از تصدی سمت مدیریت، تعداد مدیران از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کم‌تر شود، اعضاء علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و در غیر این صورت به ترتیب مقرر به وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان

می‌شوند. اگر عضو علی‌البدل، تعیین نشود یا به هر علت ناتوان و یا ممنوع از تصدی مدیریت شرکت باشد یا تعداد اعضاء علی‌البدل برای تصدی محل‌های خالی کافی نباشد، شخص یا اشخاص باقی‌مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند.

ماده ۲۰۷ - هرگاه شخص یا اشخاص باقی‌مانده از دعوت مجمع عمومی مذکور در ماده (۲۰۶) این قانون خودداری کنند یا دعوت به وسیله آنان ممکن نباشد یا سمت مدیریت بلامتصدی شود، بازرس یا بازرسان شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع با رعایت تشریفات لازم، مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به وسیله بازرس یا بازرسان شرکت به هر علت یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور چنانچه حداقل یک‌ماه از بلامتصدی بودن سمت مدیریت گذشته باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد مدیران تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه عدم دعوت مجمع مذکور به وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند...

ماده ۲۰۸ - مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدود کردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

ماده ۲۰۹ - عدم رعایت تشریفات مربوط به نحوه انتخاب مدیر یا مدیران یا ممنوع بودن آنان از تصدی سمت مذکور سبب عدم اعتبار تصمیمات آنان در مقابل اشخاص ثالث نیست.

ماده ۲۱۰ - در صورت تعدد مدیران شرکت، در جلسه مدیران با اکثریت عددی بیش از نصف آنان اتخاذ تصمیم می‌شود، مگر آن‌که اساسنامه در مورد نصاب تصمیم‌گیری در این جلسه اکثریت بیشتری را معین کند. رسمیت جلسات مدیران را می‌توان در اساسنامه به حضور تعداد خاصی از آنان منوط کرد.

تبصره - برای تشکیل جلسه هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی حضور بیش از نصف اعضاء لازم است. تصمیمات با رأی بیش از نصف حاضران گرفته می‌شود، مگر آن‌که در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شود.

ماده ۲۱۱ - تصمیمات مدیر یا مدیران باید مکتوب و نسخه‌ای از آن در اقامت‌گاه شرکت نگهداری شود.

ماده ۲۱۲ - در صورت تعدد مدیران، برای هر یک از جلسات آنان باید صورت‌جلسه‌ای تنظیم شود و حداقل به امضاء اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه مدیران برسد. در صورت جلسه مذکور نام مدیران حاضر و غایب و خلاصه‌ای از مذاکرات و تصمیمات با قید تاریخ مکتوب می‌شود. نظر هر یک از مدیران نیز که با تمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت‌جلسه مخالف باشند باید در صورت جلسه قید شود. مسئولیت صحت مندرجات صورت‌جلسه برعهده امضاءکنندگان است.

ماده ۲۱۳ - مدیر یا مدیران باید حداقل هر شش ماه یک‌بار خلاصه‌ای از صورت اموال، مطالبات و دیون شرکت را تنظیم و به بازرس یا بازرسان شرکت ارائه کنند.

ماده ۲۱۴ - مدیر یا مدیران شرکت باید پس از انقضای سال مالی، ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است، صورت‌های مالی شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره وضع شرکت طی آن سال مالی تنظیم و مجمع عمومی عادی سالانه را برای رسیدگی به صورت‌های مالی و گزارش خود و بازرس یا بازرسان و سایر امور مالی شرکت دعوت

کنند. اسناد مذکور در این ماده باید حداقل سی روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرس یا بازرسان شرکت گذاشته شود. گزارش مدیر یا مدیران شرکت باید شامل خلاصه‌ای از صورت‌های مالی شرکت باشد.

تبصره ۱- در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و شرکت‌های تابع و وابسته آنها گزارش حسابدار رسمی نیز باید به صورت‌های مالی شرکت ضمیمه شود. حسابدار رسمی باید علاوه بر اظهارنظر درباره صحت صورت‌های مالی و انطباق آنها با استانداردهای حسابداری گواهی کند که کلیه دفاتر و صورت‌حساب‌ها و توضیحات لازم را در اختیار داشته است. حسابدار رسمی موضوع این تبصره باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انتخاب شود.

تبصره ۲- استانداردهای حسابداری به پیشنهاد سازمان حسابرسی کشور ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۱۵- مدیر یا مدیران باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی ذخیره کنند. به محض اینکه اندوخته قانونی به یک‌پنجم سرمایه شرکت رسید ذخیره کردن آن اختیاری است. چنانچه سرمایه شرکت افزایش پیدا کند تا زمانی که اندوخته قانونی به یک‌پنجم سرمایه بالغ گردد، کسر یک‌دهم مذکور ادامه می‌یابد.

ماده ۲۱۶- اگر بر اثر زیان‌های وارد شده اموال شرکت بر اساس صورت‌های مالی از نصف سرمایه ثبت شده شرکت کمتر شود، مدیر یا مدیران باید بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقاء شرکت تصمیم‌گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیان‌های وارد شده یا کاهش سرمایه شرکت تا مبلغ اموال موجود تصمیم بگیرد. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در این قانون گردد. چنانچه مدیر یا مدیران بر خلاف این ماده مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی، منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذ شده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود.

ماده ۲۱۷- اگر بر اثر زیان‌های وارد شده اموال شرکت بر اساس صورت‌های مالی از نصاب مقرر در این قانون کمتر شود، مدیر یا مدیران باید بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنند تا درباره انحلال، تبدیل یا بقاء شرکت تصمیم‌گیری شود. چنانچه مجمع مذکور رأی به انحلال یا تبدیل شرکت ندهد، باید در همان جلسه در مورد جبران زیان‌های وارد شده تصمیم بگیرد. چنانچه مدیر یا مدیران بر خلاف این ماده مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نکنند یا مجمع دعوت شده نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد یا اتخاذ تصمیم کند یا تصمیم اتخاذ شده ظرف مهلت مقرر عملی نشود، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح درخواست کند. مادام که حکم قطعی انحلال شرکت صادر نشده است، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به ترتیب مقرر در این ماده مانع انحلال شرکت شود.

ماده ۲۱۸- هر یک از مدیران در باره تصمیماتی که بر خلاف قانون، مقررات، اساسنامه و یا مصوبات مجمع عمومی اتخاذ می‌کند، حسب مورد، به انفراد یا اشتراک در مقابل شرکت و اشخاص ثالث مسؤول است. حدود مسؤولیت هر یک از مدیران را دادگاه تعیین می‌کند.

ماده ۲۱۹- تصویب صورت‌های مالی شرکت در هر دوره مالی به منزله مفاد حساب مدیر یا مدیران برای همان دوره است، مگر این‌که ثابت شود صورت‌های مالی شرکت با اعمال تقلب به تصویب مجمع عمومی رسیده است.

ماده ۲۲۰ - در شرکت‌هایی که هیأت مدیره دارند، مدیران باید در اولین جلسه خود از بین اعضای هیأت یک رئیس و یک نایب‌رئیس برای هیأت مدیره تعیین کنند. رئیس و نایب‌رئیس هیأت مدیره باید شخص حقیقی باشند. لکن فردی که به عنوان نماینده شخص حقوقی مدیر معرفی شده است می‌تواند به اعتبار شخصیت حقیقی خویش به‌عنوان رئیس یا نایب‌رئیس هیأت مدیره انتخاب شود.

ماده ۲۲۱ - در غیاب رئیس هیأت مدیره و یا در مواردی که وی به‌طور موقت نتواند وظایف خود را انجام دهد نایب‌رئیس هیأت مدیره وظایف او را بر عهده می‌گیرد.

ماده ۲۲۲ - مدت ریاست رئیس و نیابت نایب‌رئیس هیأت مدیره نباید از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره بیشتر باشد. هیأت مدیره، همواره، می‌تواند رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. اتخاذ هر ترتیبی برخلاف مقررات این ماده و مواد (۲۲۰) و (۲۲۱) این قانون اعتبار ندارد.

ماده ۲۲۳ - رئیس هیأت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیأت مدیره باید مجمع عمومی را در مواردی که مدیر یا مدیران به دعوت آن مکلفند بر اساس مصوبه هیأت مدیره دعوت کند. چنانچه هیأت مدیره در مواردی که مکلف به دعوت مجمع عمومی است، حسب مورد، ظرف مهلت مقرر در اساسنامه یا قانون، تصمیمی در این باره اتخاذ نکند، رئیس هیأت مدیره رأساً مجمع عمومی را دعوت می‌کند.

ماده ۲۲۴ - ترتیب دعوت جلسات هیأت مدیره را اساسنامه معین می‌کند. ولی در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد، عده‌ای از مدیران که حداقل یک‌سوم اعضاء هیأت مدیره را تشکیل می‌دهند می‌توانند با ذکر دستور جلسه، هیأت مدیره را برای تشکیل جلسه دعوت کنند. مدیرعامل شرکت نیز می‌تواند با ذکر دستور جلسه دعوت هیأت مدیره را از رئیس هیأت مدیره تقاضا کند. در این صورت، رئیس هیأت مدیره باید با رعایت تشریفات مقرر مدیران را دعوت کند.

ماده ۲۲۵ - هریک از مدیران شرکت، شرکت مادر و شرکت‌های تابع یا وابسته شرکت و نیز اشخاص حقوقی که هر یک از اشخاص مذکور مدیر، مدیرعامل و یا شرکت مادر، تابع یا وابسته آنها است نمی‌توانند در معامله‌ای که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود، بدون اجازه هیأت مدیره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، طرف معامله واقع و یا در آن سهم شوند. در صورت اجازه نیز هیأت مدیره باید و بازرس یا بازرسان شرکت را از مفاد چنین درخواستی مطلع کند و مراتب را به اولین مجمع عمومی عادی گزارش دهد. بازرس یا بازرسان نیز باید ضمن گزارشی خاص مشتمل بر جزئیات معامله مذکور، نظر خود را درباره انجام این معاملات در شرایط منصفانه و رعایت حقوق کلیه شرکا و یا سهام‌داران و قوانین و مقررات مربوط، به‌طور کتبی ظرف ده روز به هیأت مدیره اعلام و به مجمع مذکور نیز تقدیم کنند. در شرکت‌های فاقد هیأت مدیره، اجازه حسب مورد از مدیر یا مدیران اخذ می‌شود. چنانچه خود مدیر یا مدیران، طرف معاملات مذکور در این ماده باشند باید ضمن گزارش مراتب به اولین مجمع عمومی عادی در غیر شرکت‌های تک عضو، بازرس یا بازرسان را از وقوع چنین معامله‌ای مطلع کنند. هرگاه ذی‌نفع در معامله، مدیر شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در جلسه هیأت مدیره حق رأی ندارد.

ماده ۲۲۶ - شرکت تجارتي که بیش از پنجاه درصد سرمایه آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگری تعلق دارد شرکت تابع نامیده می‌شود. همچنین شرکت تجارتي که به طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه و یا به علت کسب اکثریت مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر باشد شرکت وابسته نامیده می‌شود، اگرچه کم‌تر از پنجاه درصد سرمایه آن به

شرکت کنترل کننده تعلق داشته باشد. به شرکتهای که از طرق مذکور کنترل شرکت دیگر را در دست دارد، شرکت مادر اطلاق می شود.

ماده ۲۲۷ - هرگاه معامله مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون بدون رعایت تشریفات مقرر در آن ماده انجام شود و یا بازرس یا بازرسان شرکت انجام این معامله در شرایط مقرر در ماده مذکور را تأیید نکنند، مجمع عمومی عادی می تواند، پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان شرکت، در باره درخواست اعلام بطلان معامله از دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ کند. اگر ذی نفع در معامله مذکور از شرکاء و یا سهام داران شرکت باشد، به هنگام اخذ تصمیم در مورد آن معامله در مجمع عمومی عادی حق رأی ندارد.

ماده ۲۲۸ - معاملات مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون، در هر حال، حتی اگر به وسیله مجمع عمومی عادی تصویب نشود، در مقابل اشخاص ثالث معتبر است، مگر اینکه شخص ثالث با ذی نفع در معامله مذکور تبانی کرده باشد.

ماده ۲۲۹ - در صورتی که بر اثر انجام معاملات موضوع ماده (۲۲۵) این قانون به شرکت خسارتی وارد شود، ذی نفع در معامله، مدیرعامل، مدیران شرکت که انجام معامله را اجازه داده اند و بازرس یا بازرسان شرکت که بر خلاف واقع رعایت شرایط مقرر در ماده (۲۲۵) را تأیید کرده اند، به انفراد، مسؤول جبران کلیه خسارات وارد شده می باشند.

ماده ۲۳۰ - اشخاص مذکور در ماده (۲۲۵) این قانون نمی توانند وام یا اعتباری از شرکت دریافت کنند و شرکت نیز نمی تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند. این گونه معاملات باطل اند. این ممنوعیت شامل همسر و بستگان نسبی و سببی مدیر یا مدیران تا درجه سوم از طبقات سه گانه می شود.

در مورد بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری معاملات مذکور به شرط آن که تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر است، لکن جزئیات این معاملات باید به همراه اظهار نظر بازرس یا بازرسان به مجمع عمومی عادی گزارش شود.

ماده ۲۳۱ - مدیر یا مدیران شرکت نمی توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند مسؤول جبران خسارت وارد شده است.

تبصره - منظور از ضرر در این قانون اعم از ورود خسارت یا تفویت منفعت است.

ماده ۲۳۲ - مجمع عمومی عادی می تواند بابت ساعات حضور اعضاء غیرموظف هیأت مدیره در جلسات هیأت مذکور پرداخت مبلغی مقطوع را به آنها تصویب کند. اعضاء غیرموظف هیأت مدیره حق ندارند به جز آنچه در این ماده و ماده (۲۳۳) این قانون پیش بینی می شود وجهی را در قبال سمت مدیریت خود به طور مستمر یا غیرمستمر از شرکت دریافت کنند.

ماده ۲۳۳ - مجمع عمومی عادی می تواند در صورت پیش بینی اساسنامه تخصیص مبلغ معینی را به عنوان پاداش سالانه مدیر یا مدیران تصویب کند. حداکثر مبلغ پرداختی به هر یک از مدیران به عنوان پاداش سالانه تحت هر عنوان نباید برای عضو غیرموظف از پنج برابر دریافتی وی و برای عضو موظف از دو برابر دریافتی وی در طول سال مالی مورد رسیدگی بیشتر باشد.

ماده ۲۳۴ - در صورت عضویت شخص حقوقی در هیأت مدیره حق الزحمه و پاداش سالانه مدیر به شخص حقوقی مدیر تعلق می گیرد.

ماده ۲۳۵ - شخص یا اشخاصی که حداقل یک دهم مجموع سرمایه شرکت به آنها تعلق دارد می توانند در صورت تقصیر مدیر یا مدیران به نام شرکت و به هزینه خود علیه اشخاص مذکور اقامه دعوا و جبران کلیه خسارات

وارد شده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. چنانچه از تقصیر اشخاص ثالث نیز زبانی به شرکت برسد همین حکم مجری است. در صورت محکومیت مدیر یا مدیران، مدیرعامل، بازرس یا بازرسان و یا اشخاص ثالث به جبران خسارات و پرداخت هزینه دادرسی، حکم به نفع شرکت اجراء و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوا پرداخت شده است، از محل محکوم‌به به وی مسترد می‌شود. در صورت محکومیت اقامه‌کننده دعوا هزینه‌ها و خسارات برعهده او است.

ماده ۲۳۶ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی به هیچ وجه نمی‌تواند حق شرکاء و یا سهام‌داران را در مورد اقامه دعوی مدنی یا کیفری علیه مدیر یا مدیران شرکت محدود کند.

ماده ۲۳۷ - در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد اموال شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هر یک از مدیران را که مطابق ماده (۲۱۹) این قانون مفصاحساب نگرفته‌اند یا با اعمال تقلب، مفصاحساب اخذ کرده‌اند به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از اموال شرکت ممکن نشده است محکوم کند، مگر این‌که ثابت شود ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن اموال آن ناشی از جرائم و یا تخلف صریح آن مدیر از مفاد قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت نبوده است. در صورتی که ثابت شود مجمع عمومی عادی علی‌رغم تخلفات مدیر یا مدیران صورت‌های مالی را تصویب کرده است، شخصی که به هنگام تصمیم‌گیری بیش از پنجاه درصد سرمایه شرکت، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، متعلق به وی بوده یا به هر نحو کنترل مجمع را در اختیار داشته است مسؤول جبران خسارت وارد شده به اشخاص ذی‌نفع است، مگر اینکه ثابت کند تصمیم مجمع به وی مستند نبوده است.

بند سوم - مدیرعامل

ماده ۲۳۸ - در صورت تعدد مدیران شرکت، آنان باید یک شخص حقیقی را از بین خود یا خارج به عنوان مدیرعامل شرکت برگزینند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کنند. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد. چنانچه شرکت تنها یک مدیر داشته باشد، مدیر مذکور سمت مدیرعامل را نیز تصدی می‌کند.

ماده ۲۳۹ - عزل و پذیرش استعفاء مدیرعامل همواره با مدیران است.

ماده ۲۴۰ - مدیرعامل می‌تواند با تصویب هیأت مدیره یک یا چند شخص حقیقی را به عنوان قائم‌مقام خود انتخاب و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه آنان را تعیین کند. حداکثر تعداد قائم‌مقام‌های مدیرعامل در اساسنامه معین می‌شود.

ماده ۲۴۱ - مدیرعامل در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌شود و انجام کلیه امور شرکت و اقامه دعوا و دفاع از دعوی اقامه‌شده علیه شرکت را برعهده دارد. درج امضای او تحت اسناد تعهد آور شرکت، موجب تعهد شرکت می‌گردد و تحدید اختیارات او به موجب اساسنامه، تصمیمات مجمع عمومی و یا مدیران تنها در روابط بین مدیرعامل و شرکت، معتبر و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه به حدود اختیارات مدیرعامل بی‌اثر است. قائم‌مقام مدیرعامل در حدود موضوع اختیارات تفویض شده، اختیارات مدیرعامل را دارد.

ماده ۲۴۲ - مدیرعامل باید کلیه تصمیمات هیأت مدیره را اجرا کند. در صورت استنکاف مدیرعامل از اجراء تصمیمات هیأت مدیره، مجامع عمومی، اساسنامه، مقررات و قوانین، رئیس هیأت مدیره می‌تواند هیأت مدیره را برای استماع توضیحات مدیرعامل در این باره دعوت کند. چنانچه رئیس هیأت مدیره از انجام دعوت خودداری کند، عده‌ای از مدیران که لااقل یک سوم اعضاء هیأت مدیره را تشکیل می‌دهند می‌توانند هیأت مدیره را برای استماع توضیحات

مدیرعامل دعوت کنند. مدیرعامل باید با حضور در جلسه مذکور توضیح مقتضی را ارائه کند. در هر حال، فاصله دعوت از مدیرعامل تا تشکیل جلسه نباید از یک هفته کم تر باشد. در صورت عدم حضور مدیرعامل یا پس از استماع توضیحات وی، هیأت مدیره در باره عزل نام برده با رعایت قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. اساسنامه شرکت نمی تواند ترتیبی برخلاف مقررات این ماده مقرر کند. عزل مدیرعامل در سایر موارد تابع تشریفات مقرر در این ماده نیست.

ماده ۲۴۳ - تصمیمات، اعمال و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف تشریفات مربوط به طرز انتخاب مدیرعامل یا علی رغم ممنوعیت وی از تصدی سمت مدیریت عامل انتخاب گردد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

ماده ۲۴۴ - مدیرعامل و قائم مقام های وی در برابر تصمیماتی که برخلاف قوانین و مقررات، مفاد اساسنامه، مصوبات مجمع عمومی و یا مدیران اتخاذ کرده اند مسؤول می باشند.

ماده ۲۴۵ - مدیرعامل در مورد اقدامات و تصمیمات قائم مقام های خود در برابر مدیران مسؤول است.

ماده ۲۴۶ - هیچ شخصی نمی تواند هم زمان در بیش از یک شرکت به سمت مدیر عامل یا عضو موظف هیأت مدیره انتخاب شود. همچنین عضویت غیرموظف در هیأت مدیره بیش از دو شرکت ممنوع است. شرکت های مادر و تابع آن و یا شرکت های تابع یک شرکت مادر در صورتی که هیچکدام از آنها جزء شرکت های دولتی نباشند از شمول این ماده مستثنی می باشند. متخلف از این ماده مشمول مقررات مواد (۲۰۳) و (۲۰۴) و (۲۰۵) این قانون است.

ماده ۲۴۷ - مقررات مواد (۲۰۰)، (۲۰۱)، (۲۰۲)، (۲۰۳)، (۲۰۴)، (۲۰۵)، (۲۰۶)، (۲۰۷)، (۲۰۸)، (۲۰۹)، (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۲)، (۲۱۳)، (۲۱۴)، (۲۱۵)، (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۲۱۸)، (۲۱۹)، (۲۲۰)، (۲۲۱)، (۲۲۲)، (۲۲۳)، (۲۲۴)، (۲۲۵)، (۲۲۶)، (۲۲۷)، (۲۲۸)، (۲۲۹)، (۲۳۰)، (۲۳۱)، (۲۳۲)، (۲۳۳)، (۲۳۴)، (۲۳۵)، (۲۳۶) و (۲۳۷) این قانون در مورد مدیرعامل و قائم مقام وی نیز مجرا است.

بند چهارم - بازرس یا بازرسان

ماده ۲۴۸ - مجمع عمومی عادی در هر سال از میان اشخاص واجد صلاحیت، یک یا چند بازرس انتخاب می کند تا طبق مقررات این قانون انجام وظیفه کنند. انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان تا چهار دوره متوالی بلامانع است. مجمع عمومی عادی در هر حال می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند، به شرط آن که در همان زمان جانشین وی را نیز انتخاب کند.

تبصره - تعداد بازرسان در شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام و همچنین شرکت های تابع و وابسته آنها نباید از سه شخص کم تر باشد.

ماده ۲۴۹ - اولین بازرس یا بازرسان در مجمع عمومی مؤسس انتخاب می شوند.

ماده ۲۵۰ - مجمع عمومی عادی باید حداقل یک بازرس علی البدل نیز انتخاب کند تا در صورت فوت، انحلال، معذوریت، استعفاء، سلب شرایط، استنکاف یا عدم قبول سمت به وسیله بازرس یا بازرسان اصلی برای انجام وظایف بازرسی دعوت شود.

ماده ۲۵۱ - اگر به علت فوت، انحلال یا استعفاء هر یک از بازرسان شرکت یا معذوریت یا ممنوعیت هر یک از آنان از تصدی این سمت، تعداد بازرسان از حداقل مقرر در این قانون یا اساسنامه کم تر شود، اعضاء علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه در غیر این صورت به ترتیب مقرر به وسیله مجمع عمومی عادی جانشین آنان می شوند. اگر عضو علی البدل تعیین نشود یا به هر علت از تصدی بازرسی شرکت ناتوان و یا ممنوع گردد یا تعداد اعضاء علی البدل برای تصدی محل های خالی کافی نباشد، مدیر یا مدیران باید بلافاصله مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند.

ماده ۲۵۲ - هرگاه مدیر یا مدیران از دعوت مجمع عمومی در مورد مذکور در ماده (۲۵۱) این قانون خودداری کنند یا دعوت به وسیله آنان ممکن نباشد، بازرس یا بازرسان باقی مانده شرکت باید رأساً یا به تقاضای هر ذی نفع با رعایت تشریفات لازم مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان دعوت کنند. در صورت عدم امکان دعوت به وسیله بازرس یا بازرسان باقی مانده شرکت، به هر علت، یا خودداری آنان از انجام تکلیف مذکور و نیز در صورتی که شرکت بازرس دیگری نداشته باشد، هر ذی نفع می تواند از مرجع ثبت شرکت ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای تکمیل تعداد بازرسان تقاضا کند، مشروط بر اینکه ضمن ذکر دستور جلسه، عدم دعوت مجمع مذکور به وسیله بازرس یا بازرسان را با بیان علت در تقاضانامه قید کند.

ماده ۲۵۳ - اشخاص حقوقی را می توان به عنوان بازرس شرکت انتخاب کرد. در این صورت، شخص حقوقی به طور مستقل کلیه مسؤولیت های مدنی شخص حقیقی بازرس را دارد و باید به طور کتبی یک نفر را که واجد شرایط تصدی بازرسی شرکت است به نمایندگی تام الاختیار خود برای انجام وظایف بازرسی معرفی کند. نماینده مذکور کلیه وظایف، تعهدات و مسؤولیت های مدنی و جزایی بازرس را مستقلاً بر عهده دارد. در صورت انتخاب شخص حقوقی به عنوان بازرس، حواله زحمه بازرس به شخص حقوقی تعلق می گیرد.

ماده ۲۵۴ - اشخاص زیر نمی توانند به عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند:

- ۱- اشخاصی که در مواد (۲۰۱) و (۲۰۲) این قانون ذکر شده اند.
- ۲- هر یک از اشخاصی که سمت مدیریت و مدیریت عامل شرکت و قائم مقامی وی را بر عهده دارند.
- ۳- کسانی که با مدیر و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقات سه گانه نسبت سببی و نسبی دارند.
- ۴- هر شخصی که خود و یا همسرش از اشخاص مذکور در بند «۲» موظفاً حقوق دریافت می کند.
- ۵- هر شخصی که خود و یا همسرش از شرکتهای که مدیر یا مدیرعامل شرکت در آنها مدیر و یا مدیرعامل است، موظفاً حقوق دریافت می کند.

۶- شخص حقوقی ای که مدیر و یا مدیرعامل شرکت در آن سمت مدیر و یا مدیرعامل دارد.

تبصره - در شرکت های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی، علاوه بر اشخاص مذکور در این ماده، اشخاص زیر نیز نمی توانند به عنوان بازرس شرکت انتخاب یا در این سمت ابقاء شوند:

- ۱- شریک و یا سهام داری که بیش از پنج درصد سرمایه شرکت را دارد.
- ۲- شخص حقوقی ای که بیش از پنج درصد سرمایه آن به مدیر و یا مدیرعامل شرکت تعلق دارد؛
- ۳- شخص حقوقی ای که مدیر، مدیرعامل، شرکاء و یا سهام داران آن در مجموع بیش از پنج درصد سرمایه شرکت را دارند.

ماده ۲۵۵ - علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است، آنان باید در هر سال گزارش جامعی در مورد وضع شرکت تهیه و به مجمع عمومی عادی سالانه تقدیم کنند.

ماده ۲۵۶ - گزارش مذکور در ماده (۲۵۵) این قانون باید حداقل مشتمل بر اظهارنظر در باره موارد زیر باشد:

- ۱- صحت صورت های مالی و اطلاعات ارائه شده به وسیله مدیر یا مدیران
- ۲- انطباق صورت های مذکور با استانداردهای حساب داری
- ۳- رعایت قوانین، مقررات و مفاد اساسنامه به وسیله مدیر یا مدیران و مدیرعامل
- ۴- رعایت حقوق شرکاء و یا سهام داران به طور یکسان در حدود مقرر در قوانین، مقررات و اساسنامه

ماده ۲۵۷ - چنانچه شرکت بازرسان متعدد داشته باشد، هر یک از آنان می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد، لکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید می‌شود.

ماده ۲۵۸ - بازرس یا بازرسان باید هر گونه تخلف و یا تقصیر مدیر یا مدیران و مدیرعامل در انجام وظایف مربوط به شرکت را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند.

ماده ۲۵۹ - اگر بازرس یا بازرسان ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی در شرکت از جمله نداشتن دفاتر موضوع ماده (۹۱) این قانون یا نامرتب بودن آنها، ارائه صورت‌های مالی خلاف واقع و یا عدم پرداخت حقوق دولتی مطلع شوند، باید مراتب را به وسیله اظهارنامه رسمی به دادستان محل اقامت شرکت اعلام و مآوقع را به اولین مجمع عمومی گزارش کنند. در صورتی که انتظار تا تشکیل جلسه مذکور موجب ورود زیان به شرکت شود، بازرس یا بازرسان باید با قید فوریت مجمع یادشده را با رعایت تشریفات مربوط دعوت کنند.

ماده ۲۶۰ - بازرس یا بازرسان، در هر حال، می‌توانند به صلاح دید خود در امور شرکت تحقیق و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کنند و مورد رسیدگی قرار دهند. همچنین بازرس یا بازرسان می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند.

ماده ۲۶۱ - بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند، به شرط آن که آنها را از قبل به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس یا بازرسان تعیین می‌کنند مانند خود بازرس حق هر گونه تحقیق و رسیدگی را دارند و حق الزحمه آنان باید در حد متعارف به وسیله شرکت پرداخت شود.

ماده ۲۶۲ - در صورتی که مجمع عمومی بازرس یا بازرسان را معین نکرده باشد یا بازرس یا بازرسان به عللی نتوانند گزارش دهند یا از ارائه گزارش امتناع کنند، مجمع عمومی باید در مورد انتخاب بازرس یا بازرسان برای سال مالی مربوط اقدام مقتضی به عمل آورد و در صورت خودداری از انتخاب بازرس یا بازرسان، دادگاه به تقاضای هر ذی‌نفع بازرس یا بازرسان را با تعیین حق الزحمه به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب می‌کند. بازرس یا بازرسان منتخب دادگاه تا انتخاب بازرس یا بازرسان جدید به وسیله مجمع عمومی باید وظایف مربوط را انجام دهند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام هرگاه مجمع عمومی از انتخاب بازرس یا بازرسان خودداری کند سازمان بورس و اوراق بهادار به تقاضای هر ذی‌نفع به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت بازرس یا بازرسان را با تعیین حق الزحمه انتخاب می‌کند.

ماده ۲۶۳ - بازرس یا بازرسان در صورت انقضاء مدت تصدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی مسئولیت‌های بازرس را برعهده دارند.

ماده ۲۶۴ - تعیین حق الزحمه بازرس یا بازرسان جز در مورد مذکور در ماده (۲۶۲) این و تبصره آن با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۲۶۵ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت، شرکاء و یا سهام‌داران و اشخاص ثالث در مورد تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند، از جمله در باره تصدیق خلاف واقع موارد مذکور در ماده (۲۵۶) این قانون، طبق

قواعد عمومی مسؤولیت مدنی در مقابل شرکت، شرکا، و یا سهام‌داران و اشخاص ثالث مسؤول جبران خسارت وارد شده می‌باشند.

ماده ۲۶۶ - بازرس یا بازرسان در هر حال ملزم به رعایت ضوابط و موازین حرفه‌ای مربوط از جمله بی‌طرفی، رازداری، عدم افشاء اسرار تجارتی و عدم مداخله در امر اداره شرکت می‌باشند.

ماده ۲۶۷ - بازرس یا بازرسان و همسر و فرزندان و اقرباء سببی و نسبی آنان تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه نمی‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد، طرف معامله و یا سهام شوند.

ماده ۲۶۸ - چنانچه بازرس شخص حقوقی باشد، شرکت‌های مادر، تابع و وابسته آن نیز مشمول ممنوعیت مذکور در ماده (۲۶۷) این قانون می‌شوند.

ماده ۲۶۹ - در مورد بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های مالی و اعتباری هرگاه اشخاص مذکور در مواد (۲۶۷) و (۲۶۸) این قانون تحت قیود و شرایط عادی و جاری و بدون دخالت بازرس از بانک یا مؤسسه یا شرکت مالی و اعتباری ذریبط وام یا اعتبار تحصیل کنند، معامله منعقدشده معتبر است لکن این معاملات باید با جزئیات آنها به مجمع عمومی عادی گزارش شود.

ماده ۲۷۰ - مفاد مواد (۲۳۵) و (۲۳۶) این قانون در مورد بازرس یا بازرسان نیز مجرا است.

ماده ۲۷۱ - رعایت کلیه تکالیف و مسؤولیت‌هایی که در این گفتار برای بازرس یا بازرسان مقرر شده است برای حسابدار رسمی موضوع تبصره ماده (۲۱۴) این قانون نیز الزامی است.

گفتار دوم - حساب‌های شرکت

ماده ۲۷۲ - صورت‌های مالی عبارت است از گزارش وضع مالی شرکت مشتمل بر صورت دارایی، ترازنامه، حساب عمل‌کرد، حساب سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد که بر اساس استانداردهای حساب‌داری و به گونه‌ای که بیانگر محتوای اقتصادی معاملات و کلیه اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد تهیه می‌شود.

ماده ۲۷۳ - در تنظیم صورت‌های مالی هر سال باید همان شکل و روش‌های ارزیابی که در سال مالی قبل به کار رفته است رعایت شود. هرگاه تغییری در شکل و روش‌های ارزیابی سال قبل مورد نظر باشد، باید صورت‌های مالی به هر دو شکل و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردند تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان در مورد صورت‌های مذکور تصمیم بگیرد.

ماده ۲۷۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته‌های لازم در نظر گرفته شود حتی اگر پس از وضع استهلاک و اندوخته‌ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد. کاهش ارزش اموال ثابت، خواه در نتیجه استعمال، خواه بر اثر تغییرات فنی و خواه به علل دیگر، باید در استهلاک منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اموال و زیان‌ها و هزینه‌های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۷۵ - دیونی که شرکت تضمین کرده است باید با قید مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شوند.

ماده ۲۷۶ - هزینه‌های تأسیس شرکت باید قبل از تقسیم هر گونه سود و هزینه‌های افزایش سرمایه حداکثر تا پنج سال از تاریخ هزینه‌کرد مستهلک شوند. چنانچه در نتیجه افزایش سرمایه، سهام جدید صادرشده به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شود، هزینه‌های افزایش سرمایه را می‌توان از محل اضافه ارزش مستهلک کرد.

ماده ۲۷۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی حاصل کسر کلیه هزینه‌ها و استهلاکات از درآمد همان سال مالی است.

ماده ۲۷۸ - پس از وضع زیان‌های وارد در سال‌های قبل باید معادل یک‌دهم سود خالص شرکت طبق ماده (۲۱۵) این قانون به عنوان اندوخته قانونی ذخیره شود. هر تصمیم بر خلاف این ماده باطل است.

ماده ۲۷۹ - مجمع عمومی عادی می‌تواند درصدی از سود قابل تقسیم شرکت را به عنوان اندوخته اختیاری منظور کند.

ماده ۲۸۰ - سود قابل تقسیم حاصل تفاوت زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده (۲۷۸) این قانون و اندوخته اختیاری مصوب مجمع عمومی عادی از سود خالص سال مالی شرکت است که به آن سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است، اضافه می‌شود.

ماده ۲۸۱ - مجمع عمومی عادی پس از تصویب صورت‌های مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی از آن را که باید با رعایت مفاد مواد (۱۶۹)، (۱۷۰) و (۱۷۱) این قانون بین شرکاء و یا سهام‌داران تقسیم شود تعیین می‌کند. تقسیم سود و یا اندوخته‌های اختیاری منوط به پیشنهاد سقف سود قابل تقسیم به‌وسیله مدیر یا مدیران همراه با اظهار نظر بازرس یا بازرسان شرکت مبنی بر وجود نقدینگی لازم برای پرداخت آن در مهلت‌های مقرر و فقدان شرط درآمدی و یا هزینه‌ای در صورت‌های مالی است. هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص تقسیم سود بر خلاف مفاد این ماده ممنوع و باطل است.

ماده ۲۸۲ - در شرکت‌هایی که تهیه صورت‌های مالی تلفیقی برای آنها الزامی است، سود تلفیقی مبنای تقسیم سود است.

ماده ۲۸۳ - مجمع عمومی عادی می‌تواند مقرر کند مبالغی از اندوخته‌های اختیاری شرکت بین شرکاء و یا سهام‌داران تقسیم شود. در این صورت، در تصمیم مجمع مذکور به‌طور صریح قید می‌شود که مبالغ مورد نظر باید از کدام یک از اندوخته‌ها برداشت و تقسیم گردند.

ماده ۲۸۴ - نحوه پرداخت سود قابل تقسیم به وسیله مجمع عمومی عادی تعیین می‌شود. اگر این مجمع در مورد نحوه پرداخت تصمیمی نگیرد، مدیر یا مدیران نحوه پرداخت را تعیین می‌کنند. در هر حال، پرداخت سود به شرکاء و یا سهام‌داران باید حداکثر ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی عادی در مورد تقسیم سود انجام شود.

گفتار سوم - تغییرات در سرمایه شرکت

ماده ۲۸۵ - هیچ یک از مجامع عمومی نمی‌تواند بدون موافقت کلیه شرکاء و یا سهام‌داران بر تعهدات آنان بیفزاید.

ماده ۲۸۶ - در اساسنامه شرکت نمی‌توان به مدیر یا مدیران شرکت اختیار تغییر سرمایه را داد.

ماده ۲۸۷ - تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در مورد افزایش سرمایه باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- مبلغ افزایش سرمایه

۲- طریق افزایش سرمایه و شیوه تأمین مبلغ لازم برای آن

۳- زمان آغاز و مهلت افزایش سرمایه

۴- نام بانک و شماره حسابی که وجوه مربوط در آن واریز و اسناد مالکیت اموال غیرنقد در آن تودیع می‌شود، در صورتی که افزایش سرمایه به غیرنقد مجاز باشد

۵- شرح امتیازات سهم‌الشرکه و یا سهام جدید و موجبات آن در صورت اراده ایجاد امتیاز جدید

۶- نحوه تخصیص اضافه ارزش سهام در شرکت‌های سهامی

تبصره - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند اختیار تعیین موارد مذکور در بندهای (۳) و (۴) این ماده را به مدیر یا مدیران واگذار کند.

ماده ۲۸۸ - هرگاه قسمتی از افزایش سرمایه به صورت غیرنقد باشد باید تمام آن قسمت، با جلب نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری، تقویم و تسلیم شود و با رعایت ماده (۱۶۵) این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد و مراتب در صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که آن را تصویب کرده است درج گردد. اگر افزایش سرمایه از طریق وارد کردن شریک و یا سهام‌دار جدید مورد نظر باشد، مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور شرکاء و یا سهام‌داران شرکت و تعهدکنندگان جدید تشکیل می‌شود.

ماده ۲۸۹ - افزایش سرمایه به غیرنقد جز در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز است. چنانچه افزایش سرمایه مطابق مقررات این قانون از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص معین، مورد نظر باشد، در شرکت‌های مذکور نیز افزایش سرمایه به غیرنقد مجاز است.

ماده ۲۹۰ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ افزایش سرمایه معین می‌شود و در صورت تمدید مهلت پس از انقضاء آن، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک‌ماه به تعهدات شرکاء و یا سهام‌داران رسیدگی می‌نمایند و در صورت تأمین کل مبلغ لازم برای افزایش سرمایه ضمن اصلاح اساسنامه، میزان سهم‌الشرکه و یا تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و برای ثبت و آگهی به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند.

تبصره ۱ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در صورتی که مقدار سهام پذیره‌نویسی شده حداقل سه چهارم مبلغ مقرر برای افزایش سرمایه باشد، ثبت افزایش سرمایه مجاز است، مگر آن‌که مجمع عمومی فوق‌العاده میزان بیشتری را برای افزایش سرمایه مقرر کند.

تبصره ۲ - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان در ابتدا به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌شود و پس از تأیید سازمان مذکور مراتب برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رسد. سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مربوط نظر خود را اعلام کند.

ماده ۲۹۱ - مدیر یا مدیران باید برای ثبت افزایش سرمایه کلیه شرکت‌های تجارتی اظهارنامه‌ای به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱- صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای مشتمل بر تصویب افزایش سرمایه شرکت

۲- مصوبه مدیران در صورت اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده برای تعیین موضوع بندهای (۳) و (۴) ماده (۲۸۷)

این قانون به وسیله مدیران

۳- گواهی نامه موضوع بند (۲) ماده (۱۴۵) این قانون

۴- صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مذکور در ماده (۲۸۸)، در صورت اقتضاء

ماده ۲۹۲ - اگر مجمع عمومی فوق العاده تأمین سرمایه لازم برای افزایش سرمایه را با رعایت مقررات این قانون از طریق تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل تصویب کند، باید مدارک حاکی از موافقت دارندگان این نوع اوراق که بازرس یا بازرسان شرکت صحت آن را تأیید کرده‌اند، به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم شود.

ماده ۲۹۳ - اظهارنامه مذکور در ماده (۲۹۱) این قانون باید با قید تاریخ به امضاء مدیر یا مدیران برسد و مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- تصریح بر تعهد مبلغ لازم برای افزایش سرمایه و تأدیه ویا تسلیم تمام آن

۲- میزان سهم‌الشرکه ویا سهام هر یک از تعهدکنندگان

ماده ۲۹۴ - هر نوع تصرف در آورده‌های غیرنقد و وجوهی که به عنوان افزایش سرمایه تسلیم می‌گردد پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت ممنوع است و مرتکب به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. همچنین تأمین و توقیف آورده‌های مذکور در مقابل دیون شرکت پیش از ثبت افزایش سرمایه شرکت مجاز نیست.

ماده ۲۹۵ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تا سه ماه از تاریخ آغاز مهلت افزایش سرمایه به ثبت نرسد، مقررات ماده (۱۵۵) این قانون در نحوه استرداد مبالغ دریافتی از تعهدکنندگان قابل اجراء است.

تبصره - مهلت مذکور در این ماده برای شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام شش ماه است.

ماده ۲۹۶ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه موضوع ماده (۲۱۶) این قانون، مجمع عمومی فوق العاده می‌تواند به پیشنهاد مدیر یا مدیران در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت تصمیم گیرد، مشروط بر آن که بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق شرکاء ویا سهام‌داران لطمه‌ای وارد نگردد و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در این قانون برای آن نوع شرکت کم‌تر نشود.

تبصره - کاهش سرمایه در شرکت‌های سهامی از طریق کاهش تعداد سهام به نسبت مساوی ویا کاهش بهای اسمی سهم به نسبت مساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌شود.

ماده ۲۹۷ - پیشنهاد مدیر یا مدیران برای کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم گردد. پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و شامل گزارشی درباره امور شرکت و صورت‌های مالی از بدو سال مالی در جریان باشد و در صورت عدم تصمیم‌گیری مجمع عمومی در خصوص حساب‌های مالی سال قبل این گزارش حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل نیز گردد.

ماده ۲۹۸ - بازرس یا بازرسان شرکت به پیشنهاد مدیر یا مدیران رسیدگی و نظر خود را طی گزارشی با رعایت ماده (۱۶۸) این قانون به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم می‌کنند. تصمیم‌گیری در مجمع مذکور پس از استماع گزارش بازرس یا بازرسان انجام می‌گیرد.

ماده ۲۹۹ - مدیر یا مدیران قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی در این باره را حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد، در روزنامه شرکت، آگهی کنند.

ماده ۳۰۰ - در مورد کاهش اختیاری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق بهادار ویا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۲۹۹) این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود به کاهش سرمایه شرکت را به دادگاه تقدیم کنند.

ماده ۳۰۱ - در صورتی که طی مهلت مذکور در ماده (۳۰۰) این قانون و اعتراضی نشود و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد، کاهش سرمایه شرکت ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در مورد رد اعتراض موضوع ماده (۳۰۰) صادر شده باشد.

ماده ۳۰۲ - کاهش سرمایه با ثبت آن محقق می‌شود و پیش از آن، پرداخت هر وجهی به شرکا تحت این عنوان ممنوع است.

ماده ۳۰۳ - پس از کاهش سرمایه برای رد مبلغ کاهش یافته به شرکا و یا سهام‌داران، مدیر یا مدیران باید مراتب را به نحوی که برای دعوت مجامع مقرر است به اطلاع کلیه شرکا و یا سهام‌داران برسانند. آگهی مذکور باید برای شرکا و صاحبان سهام بانام به وسیله پست سفارشی ارسال گردد.

ماده ۳۰۴ - آگهی مذکور در ماده قبل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- اقامت‌گاه شرکت

۳- مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذ تصمیم در مورد کاهش سرمایه

۳- میزان کاهش سرمایه و نحوه تخصیص مبلغ کاهش یافته به شرکا و یا سهام‌داران

۴- نحوه پرداخت و مهلت و محل بازپرداخت مبلغ کاهش یافته

ماده ۳۰۵ - خروج یا اخراج شریک با رعایت مقررات کاهش سرمایه صورت می‌گیرد و باید مبلغ پرداختی به عضو خارج یا اخراج شده به تأیید کارشناس رسمی دادگستری برسد. خروج شریک از شرکت با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده خواهد بود. اخراج شریک از شرکت زمانی قابل انجام است که در این قانون پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۳۰۶ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه، ممنوع و در صورت انجام باطل است.

ماده ۳۰۷ - شرکت تجارتي نمی‌تواند به‌طور مستقیم یا به‌وسیله شرکت‌های تابع یا وابسته به خود سهام یا سهم‌الشرکه خود را تملک کند، لکن شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام می‌توانند به‌طور غیرمستقیم و از طریق شرکت‌های تابع و وابسته مجموعاً پنج درصد از سهام خود را در اختیار بگیرند. این سهام باید بانام و تمام وجه آن تأدیه شده باشد. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهام‌داران تقسیم می‌گردد.

تبصره - شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که سهام آنها به صورت بلوک یا عمده در بازار بورس یا خارج از بورس عرضه می‌شود نمی‌توانند از طریق شرکت‌های تابع و وابسته خود با سایرین در خرید سهام مورد عرضه رقابت کنند. منظور از سهام عمده در شرکت‌هایی که سرمایه ثبت شده آنها کمتر از بیست میلیارد ریال باشد حداقل پنج درصد سهام آن شرکت و در شرکت‌هایی که سرمایه ثبت شده آنها بیش از مبلغ مذکور باشد حداقل یک درصد سرمایه شرکت است.

ماده ۳۰۸ - هرگاه شرکت تجارتي برخلاف ماده (۳۰۷) این قانون و تبصره آن مستقیم یا غیر مستقیم سهام یا سهم‌الشرکه خود را تملک کند، باید مقدار مازاد را ظرف سه ماه به طریق مقتضی واگذار نماید. در غیر این صورت، هر ذی‌نفع می‌تواند الزام شرکت را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه درخواست کند. سهام مذکور فاقد سود، حق تقدم و رأی است و در نصاب مجامع عمومی لحاظ نمی‌شود و منافع آن پس از انحلال شرکت به نسبت میان سهام‌داران تقسیم می‌گردد.

مبحث سوم - انحلال و تصفیه شرکت

ماده ۳۰۹ - شرکت تجارتي در موارد زیر منحل می‌شود:

۱- شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.

۲- شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد، مگر اینکه مدت مذکور، قبل از انقضاء تمدید شود.

۳- مجمع عمومی فوق‌العاده به هر علتی به انحلال شرکت رأی دهد.

۴- ادغام یا تجزیه در صورتی که منجر به محو شخصیت حقوقی شرکت شود.

۵- صدور حکم قطعی دادگاه که طبق قانون موجب انحلال شرکت شود.

ماده ۳۱۰ - در موارد زیر هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه درخواست کند:

۱- تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی برای انجام موضوع آن صورت نگرفته یا فعالیت‌های

شرکت به مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.

۲- مجمع عمومی عادی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که

اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.

۳- سمت تمام یا برخی از مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

۴- تحقق مفاد بندهای (۱) و (۲) ماده (۳۰۹) این قانون در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده برای اعلام انحلال

شرکت تشکیل نشود یا به انحلال شرکت رأی ندهد یا تصمیم انحلال به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نشود.

۵- بیش از شش ماه تعداد شرکاء و یا سهام‌داران شرکت از حداقل مقرر در این قانون کم‌تر باشد.

۶- موارد مذکور در مواد (۲۱۶)، (۲۱۷)، (۳۱۲) و (۳۱۳) این قانون

ماده ۳۱۱ - در مورد بندهای (۱) و (۲) و (۳) و (۵) ماده (۳۱۰) این قانون دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به

مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که نباید از شش ماه تجاوز کند می‌دهد تا

موجبات انحلال را رفع کنند. چنانچه ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود، دادگاه حکم به انحلال شرکت

می‌دهد.

ماده ۳۱۲ - بستانکار شخصی هر یک از شرکاء در صورتی که نتوانسته باشد در اجراء حکم قطعی دادگاه یا مفاد

اسناد لازم‌الاجراء طلب خود را از اموال شخصی شریک وصول کند و سهم شریک از منافع شرکت نیز برای تأدیه طلب

وی کافی نباشد می‌تواند توقیف سهم‌الشرکه وی را از دادگاه بخواهد. در این صورت هرگاه واگذاری سهم‌الشرکه با

رعایت مقررات مربوط ظرف شش‌ماه پس از توقیف محقق نشود یا سایر شرکاء و یا سهام‌داران نتوانند با رعایت این

قانون مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف کنند، دادگاه حکم انحلال شرکت را صادر می‌کند.

ماده ۳۱۳ - در صورت ورشکستگی شریک مدیر تصفیه او می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صالح تقاضا

کند، مشروط بر آنکه شش‌ماه قبل از تقدیم دادخواست انحلال، مراتب را به وسیله اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام

کرده‌باشد و شرکاء نیز نتوانند با رعایت مقررات این قانون مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف کنند.

ماده ۳۱۴ - تصفیه امور شرکت‌های تجارتي با رعایت مقررات این مبحث انجام می‌گیرد، مگر در صورت

ورشکستگی شرکت و انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه که تابع مقررات ورشکستگی است. انحلال و تصفیه

بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با رعایت مقررات مربوط انجام می‌گیرد.

ماده ۳۱۵ - تصمیم یا حکم انحلال، نام مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنان و نام بازرس یا بازرسان تصفیه با رعایت این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود تا پس از ثبت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی گردد. اگر شرکت روزنامه نداشته باشد، تصمیم یا حکم، علاوه بر روزنامه رسمی در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری آگهی می‌شود.

تبصره - در شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مدیران تصفیه باید نسخه‌ای از صورت‌جلسه انحلال شرکت را ظرف مهلت مقرر برای اعلام تصمیم به مرجع ثبت شرکت‌ها و به سازمان بورس و اوراق بهادار نیز ارسال کنند.

ماده ۳۱۶ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد به ضرر اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست.

ماده ۳۱۷ - از تاریخ ثبت تصمیم انحلال اختیارات مدیر یا مدیران شرکت خاتمه می‌یابد و تصفیه شرکت شروع می‌شود.

گفتار اول - اداره‌کنندگان امور شرکت منحل شده

ماده ۳۱۸ - امر تصفیه با مدیر یا مدیران تصفیه است. مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله مجمع عمومی فوق‌العاده تصویب‌کننده انحلال و با رعایت مقررات ماده (۳۱۹) این قانون انتخاب می‌شوند، لکن در مورد انتخاب آنان رعایت نصاب مقرر برای انتخاب مدیر یا مدیران شرکت در مجمع عمومی عادی الزامی است. اگر مجمع مذکور مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب نکند، دادگاه به تقاضای بازرس یا بازرسان شرکت یا هر ذی‌نفع، مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می‌کند.

ماده ۳۱۹ - نحوه انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه همان است که برای مدیر یا مدیران شرکت مقرر شده است. شرایط تصدی مدیریت تصفیه و نحوه تعیین حق‌الزحمه و تعداد مدیران تصفیه همان است که برای مدیران تصفیه ورشکستگی مقرر شده است.

ماده ۳۲۰ - در مواردی که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه است، دادگاه در حکم انحلال، مدیر یا مدیران تصفیه را منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از حکم را بلافاصله برای دادستان محل ارسال می‌کند.

ماده ۳۲۱ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شوند، در صورت فوت، انحلال یا معذوریت مدیر تصفیه یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت، دادگاه دوباره به تعیین مدیر تصفیه اقدام می‌کند.

ماده ۳۲۲ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر برای دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده ۳۲۳ - ترتیب تشکیل اداره جلسات و تصمیم‌گیری مدیران تصفیه در صورت تعدد آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد است.

ماده ۳۲۴ - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی دقیق شرکت است، مگر آن که حسب مورد به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شود.

ماده ۳۲۵ - مدیر یا مدیران تصفیه، نماینده شرکت در حال تصفیه‌اند و کلیه اختیارات لازم برای تصفیه را حتی از طریق ارجاع به داور، طرح دعوا یا سازش دارند و می‌توانند برای طرح دعوا و دفاع از آن وکیل تعیین کنند. محدود کردن اختیارات مدیر یا مدیران تصفیه در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۳۲۶ - مجمع عمومی عادی می‌تواند مدیر یا مدیران تصفیه را عزل کند، مگر آن‌که مدیر یا مدیران به وسیله دادگاه انتخاب شوند که در این صورت عزل آنها با دادگاه است.

ماده ۳۲۷ - مدیر تصفیه مطابق مقررات مسؤولیت مدنی، مسؤول کلیه خسارت‌های ناشی از اعمال خود است.

ماده ۳۲۸ - کلیه اعمال جاری مدیر تصفیه از جانب هر ذی‌نفع نزد دادگاه قابل شکایت است.

ماده ۳۲۹ - اگر مدیر یا مدیران تصفیه قصد استعفاء داشته باشند باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای اعلام استعفاء خود و تعیین جانشین دعوت کنند. در صورتی که مجمع مذکور تشکیل نشود یا نتواند مدیر یا مدیران تصفیه جدید را انتخاب کند و نیز چنانچه مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شده باشند، مدیر یا مدیران تصفیه باید استعفاء خود را به دادگاه اعلام کنند و تعیین مدیر یا مدیران تصفیه جدید را از دادگاه درخواست کنند. در هر حال، استعفاء مدیر یا مدیران تصفیه تا زمانی که جانشین آنان به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشود و مراتب مطابق مقررات این قانون ثبت و آگهی گردد بی‌اثر است.

ماده ۳۳۰ - در صورت فوت، انحلال، معذوریت، حجر یا ورشکستگی هر یک از مدیران تصفیه متعدد، چنانچه مدیر به وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقی‌مانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین دعوت کنند. هرگاه مجمع دعوت‌شده تشکیل نشود یا نتواند جانشین را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شده باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باقی‌مانده و در غیر این صورت بازرس یا بازرسان تصفیه باید تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کنند. در صورت عدم تقاضای اشخاص مذکور، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه درخواست نماید.

ماده ۳۳۱ - در مورد ماده (۳۳۰) این قانون اگر مدیر تصفیه واحد و به وسیله مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی عادی شرکت را برای انتخاب جانشین مدیر دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی شرکت را برای تعیین جانشین او از مرجع ثبت شرکت‌ها درخواست کند. هرگاه مجمع دعوت‌شده تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شده باشد، هر ذی‌نفع می‌تواند تعیین جانشین را از دادگاه تقاضا کند.

ماده ۳۳۲ - مجمع یا دادگاهی که مدیر یا مدیران تصفیه را انتخاب می‌کند باید هم‌زمان بازرس یا بازرسان اصلی و علی‌البدل تصفیه را نیز انتخاب کند. شرایط، اختیارات، وظایف و مسؤولیت‌های بازرس یا بازرسان تصفیه همان است که برای بازرس یا بازرسان شرکت مقرر شده است. مفاد ماده (۳۲۶) این قانون در مورد عزل بازرسان تصفیه نیز مجرا است.

ماده ۳۳۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تعیین بازرس تصفیه الزامی نیست. لکن پس از اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی و قطعیت حکم انحلال، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه صادرکننده حکم به عنوان قاضی ناظر تصفیه تعیین می‌کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می‌کند. قاضی ناظر، علاوه بر اختیارات و وظایفی که به موجب مواد قانونی دیگر دارد، نظارت بر جریان تصفیه و سرعت آن و سایر امور اجرایی را بر عهده دارد.

گفتار دوم - اداره امور شرکت منحل شده

- ماده ۳۳۴ -** شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می‌شود و همواره پس از نام شرکت باید عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود. نام مدیر یا مدیران تصفیه نیز باید در کلیه اوراق و آگهی‌های مربوط به شرکت قید گردد.
- ماده ۳۳۵ -** مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف پنج روز پس از تصمیم انحلال، مراتب را برای اجراء مقررات ماده (۳۱۵) به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند. در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تاریخ قطعیت حکم، مبدأ مهلت مذکور است.
- ماده ۳۳۶ -** پس از شروع تصفیه شرکت، مدیر یا مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل و بلافاصله امر تصفیه شرکت را برعهده بگیرند. مدیر یا مدیران تصفیه پس از تحویل گرفتن دفاتر، باید ذیل آنها را ببندند و مراتب را با ذکر کیفیت دفاتر به طور خلاصه در صورت‌مجلس قید کنند.
- ماده ۳۳۷ -** هرگاه شرکت قبل از انحلال در حالت توقف باشد، مدیر یا مدیران تصفیه باید رسیدگی به امر ورشکستگی شرکت را از دادگاه صالح تقاضا کنند، در غیر این صورت به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند.
- ماده ۳۳۸ -** مدیر یا مدیران تصفیه باید پس از انتشار آگهی انحلال شرکت، سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه با نشر آگهی در روزنامه شرکت و حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری دیگر از کلیه بستانکاران و بدهکاران شرکت منحل شده و اشخاصی که به هر عنوان اموال شرکت مذکور را در تصرف دارند دعوت کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد زیر باشد:
- ۱- هویت و نشانی دقیق شرکتی که منحل شده است.
 - ۲- دعوت از بستانکاران شرکت منحل شده و کسانی که ادعایی نسبت به آن دارند برای اینکه تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود را ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون به مدیر تصفیه تقدیم و رسید دریافت کنند.
 - ۳- دعوت از بدهکاران شرکت منحل شده که ظرف مدت مذکور خود را معرفی و ضمانت اجراء آن را بیان کنند.
 - ۴- دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال شرکت منحل شده را در تصرف دارند برای آن که اموال را با رعایت مقررات این قانون ظرف مهلت مذکور با ضمانت اجرای آن در اختیار مدیر یا مدیران تصفیه بگذارند.
- ماده ۳۳۹ -** کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعایی نسبت به او دارند باید ظرف حداکثر یک‌ماه پس از انتشار آخرین آگهی موضوع ماده (۳۳۸) این قانون تصویر یا رونوشت مصدق اسناد طلب یا ادعای خود را به مدیر تصفیه تقدیم و رسید دریافت و یا از طریق پست سفارشی دوقبضه برای وی ارسال کنند.
- ماده ۳۴۰ -** بدهکاران شرکت منحل شده و نیز اشخاصی که مالی از اموال آن را به نحوی در تصرف دارند باید ظرف مهلت مقرر در ماده (۳۳۹) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۳۴۱) اموال مذکور را به مدیر تصفیه تسلیم کنند.
- ماده ۳۴۱ -** اگر اموال مذکور در ماده (۳۴۰) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به مدیر تصفیه لازم نیست. در غیر این صورت، عمل مستنکف از تسلیم، خیانت در امانت محسوب می‌شود.
- ماده ۳۴۲ -** مدیر یا مدیران تصفیه به مطالبات رسیدگی و با موافقت بازرس یا بازرسان تصفیه آنها را تصدیق یا رد می‌کنند. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمین‌های مربوط به آن تصدیق نشود، مراتب بلافاصله به

بستان کار اخطار و از او توضیح خواسته می‌شود. بستان کار مذکور باید حداکثر ظرف پنج روز پس از دریافت اخطار در این باره توضیح دهد. عملیات تشخیص، شامل فروع و جزئیات طلب نیز می‌شود.

ماده ۳۴۳ - در صورت انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه تصدیق یا رد مطالبات بستان کاران مطابق مقررات تشخیص مطالبات ورشکستگی انجام می‌گیرد.

ماده ۳۴۴ - مدیر یا مدیران تصفیه حداکثر تا شش ماه پس از انحلال باید صورت داری‌های شرکت را تنظیم و به‌طور مرتب آن را روزآمد کنند و در اقامت‌گاه شرکت در دست‌رس عموم قرار دهند. در دست‌رس بودن صورت داری باید در روزنامه شرکت و در صورتی که شرکت روزنامه نداشته‌باشد، در یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر شود. صورت مذکور باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول به‌طور مشروح و میزان وجوه نقدی که شرکت منحل شده نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی به هر عنوان دارد و مشخصات حساب‌های مذکور که به‌طور دقیق درج شده است.

۲- صورت کلیه مطالبات، دیون و تضمین آنها که اسامی کلیه بدهکاران و بستان کاران همراه آن است.

۳- صورت کلیه اموال اشخاص ثالث که به هر عنوان در تصرف شرکت است و نیز صورت کلیه اموالی که شرکت به هر عنوان نزد دیگران دارد.

۴- صورت کلیه دعوای اقامه شده له و علیه شرکت که در جریان رسیدگی است یا حکم صادر شده در مورد آن نهایی و یا اجراء نشده است.

۵- صورت‌های مالی نهایی شرکت که به تصویب آخرین مجمع عمومی عادی رسیده است.

ماده ۳۴۵ - اسامی بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلایل رد، در صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون درج می‌شوند.

ماده ۳۴۶ - هریک از شرکاء، سهام‌داران و یا بستان کاران شرکت که در مورد صورت موضوع ماده (۳۴۴) این قانون اعتراضی دارند، می‌توانند در دادگاه اقامه دعوا کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا ادعای او قبول شده است مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوا می‌شود. رسیدگی به موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت است.

ماده ۳۴۷ - تا زمانی که تصفیه تمام نشده است، مدیر یا مدیران تصفیه باید همه‌ساله مجمع عمومی عادی سالانه شرکت را با رعایت تشریفات مربوط، دعوت و صورت‌های مالی شرکت را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. نسخه‌ای از صورت‌های مالی و گزارش مذکور سی روز پیش از تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه باید برای اظهارنظر به بازرس یا بازرسان شرکت ارایه شود.

ماده ۳۴۸ - نحوه دعوت، تشکیل و اداره مجامع عمومی و تصمیم‌گیری در آنها در مدت تصفیه مانند زمان قبل از انحلال است. هرگاه مجمع عمومی مطابق مقررات این قانون دعوت نشود، بازرس یا بازرسان تصفیه باید مجمع عمومی را دعوت کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی را از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند.

ماده ۳۴۹ - شرکاء و یا سهام‌داران در مدت تصفیه می‌توانند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از صورت‌های مالی شرکت کسب اطلاع کنند.

ماده ۳۵۰ - در مواردی که به موجب این قانون مدیر یا مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجمع عمومی و تسلیم گزارش باشند، هرگاه مجمع عمومی دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت گردد ولی تشکیل نشود یا نتواند تصمیم بگیرد، مدیر یا مدیران تصفیه باید گزارش خود و خلاصه صورت‌های مالی مقرر در ماده (۳۴۷) این قانون را در صورتی که شرکت، روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت در غیر این صورت در روزنامه رسمی منتشر کنند.

ماده ۳۵۱ - چنانچه شرکت سهامی منحل شود و سهام‌داران تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند، مدیر یا مدیران تصفیه آنچه را که بر عهده سهام‌داران باقی است وصول می‌کنند، مگر آن‌که به علت کفایت اموال شرکت، حقوق طلبکاران و یا سهام‌داران تزییع نشود.

ماده ۳۵۲ - مقررات دعوای استرداد در مورد انحلال نیز مجری است.

گفتار سوم - تصفیه امور شرکت منحل شده

ماده ۳۵۳ - تصفیه باید ظرف مدتی که مجمع عمومی فوق‌العاده معین می‌کند انجام شود. مدت مذکور نباید بیش از دو سال باشد. چنانچه تصفیه ظرف این مدت خاتمه نیابد، مدیر یا مدیران تصفیه باید به‌طور کتبی و مستدل جهات خاتمه‌نیافتن تصفیه، مهلتی را که برای خاتمه‌دادن به تصفیه لازم می‌دانند و تدابیری را که برای پایان‌دادن به امر تصفیه در نظر گرفته‌اند به اطلاع مجمع عمومی عادی برسانند. مجمع عمومی مذکور پس از استماع نظریه بازرس یا بازرسان در مورد گزارش مدیر یا مدیران تصفیه به تمدید دوره تصفیه حداکثر برای دو سال دیگر اقدام می‌کند.

ماده ۳۵۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله دادگاه تعیین شوند، تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده (۳۵۳) این قانون با دادگاه است.

ماده ۳۵۵ - مدیر تصفیه باید اموال شرکت منحل شده را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و شرکاء و یا سهام‌داران بفروشد. در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش به کم‌تر از آن قیمت مجاز نیست. همچنین اشیاء ساخته شده از فلزات گران‌بها مانند طلا و نقره نباید به بهایی کم‌تر از بهای فلزی آنها فروخته شود.

ماده ۳۵۶ - پس از وضع مخارج تصفیه و جوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع حاصل فروش اموال شرکت بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می‌شود. برای مطالبات معلق و نیز مطالباتی که بابت آنها علیه شرکت طرح دعوا شده ولی هنوز در باره آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی متناسب با این مطالبات در حساب‌های شرکت منظور گردد. در صورت عدم تصدیق مطالباتی که جوهی برای آنها منظور گردیده است، وجوه مذکور مطابق مقررات این قانون تقسیم می‌شود. مدیر یا مدیران تصفیه باید هر ماه یک مرتبه گزارش تصفیه شرکت مشتمل بر وجوه تقسیم شده و وجوه موجود را به بازرس یا بازرسان تصفیه ارائه کنند.

ماده ۳۵۷ - مدیر تصفیه هیچ طلبی را نمی‌پردازد، مگر آن‌که مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشد. وی مبلغی را که می‌پردازد در روی سند قید می‌کند. در هر حال بستانکاران باید رسید وجه را ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۳۵۸ - آن قسمت از وجوه نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست، بین شرکاء و یا سهام‌داران به نسبت سرمایه آنان در شرکت تقسیم می‌شود به شرط آن‌که حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعده تأدیه آنها نرسیده است کنار گذاشته شود.

ماده ۳۵۹ - در پایان امر تصفیه از کلیه شرکاء و یا سهام‌داران برای رسیدگی به حساب نهایی و تسویه حساب با مدیر یا مدیران تصفیه و خاتمه‌دادن به نمایندگی آنان و احراز ختم تصفیه دعوت می‌شود. در صورت عدم دعوت، تا یک ماه پس از ختم تصفیه هر ذی‌نفع می‌تواند دعوت مجمع عمومی عادی را از مرجع ثبت شرکت‌ها تقاضا کند. در صورتی که مجمع عمومی دعوت‌شده تشکیل نشود یا نتواند در باره صورت‌های مالی ارائه‌شده به وسیله مدیر یا مدیران تصفیه تصمیم بگیرد یا از تصویب صورت‌های مالی ارائه‌شده خودداری ورزد، دادگاه به تقاضای مدیر یا مدیران تصفیه و یا هر ذی‌نفع دیگر در باره ختم تصفیه تصمیم می‌گیرد.

ماده ۳۶۰ - تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت برای انجام امور مربوط به تصفیه باقی است و مدیر یا مدیران تصفیه موظف به خاتمه‌دادن کارهای جاری و اجراء قراردادهای و وصول مطالبات و در صورت اقتضاء فروش اموال منقول و غیرمنقول شرکت و تقسیم اموال آن می‌باشند و چنانچه برای اجرای قراردادهای شرکت معاملات جدیدی لازم شود، این معاملات را انجام می‌دهند.

ماده ۳۶۱ - هرگاه پس از خاتمه تصفیه اموالی متعلق به شرکت منحل‌شده کشف شود، مطابق این قانون تقسیم می‌شود.

ماده ۳۶۲ - پس از ختم تصفیه و اجراء قراردادهای و ایفاء کلیه دیون مطابق مقررات این مبحث، مابقی اموال شرکت به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه، ساکت باشد به نسبت سرمایه شرکاء و یا سهام‌داران بین آنان تقسیم می‌شود.

تبصره - در شرکت‌های سهامی، پس از ختم تصفیه، اموال شرکت ابتدا به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهام‌داران می‌رسد و مازاد به ترتیب مقرر در این ماده تقسیم می‌شود.

ماده ۳۶۳ - مدیر یا مدیران تصفیه باید قبل از تقسیم، نحوه تقسیم اموال بین شرکاء و یا سهام‌داران را در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت منتشر کند در غیر این صورت به طریق مقتضی به اطلاع آنان برسانند.

ماده ۳۶۴ - تقسیم اموال شرکت بین شرکاء و یا سهام‌داران، خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست، مگر آن‌که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران از قبل سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه شرکت آگهی شده و حداقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد. در صورتی که شرکت روزنامه نداشته باشد، آگهی مذکور در روزنامه کثیرالانتشار سراسری به عمل می‌آید.

ماده ۳۶۵ - مدیر یا مدیران تصفیه در صورت تخلف از مواد (۳۶۲) و (۳۶۴) این قانون مسؤول جبران خسارت بستانکارانی می‌باشند که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

ماده ۳۶۶ - هرگاه شرکت تجارتی منحل شود تا زمانی که دیون شرکت از اموال آن پرداخت نشده است، هیچ‌یک از بستانکاران شخصی شرکاء و یا سهام‌داران حقی در اموال شرکت ندارند.

ماده ۳۶۷ - مدیر یا مدیران تصفیه باید ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند تا در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها حذف گردد.

ماده ۳۶۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیر یا مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است با رعایت غبطه بستانکاران، شرکاء و یا سهام‌دارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسمی آنان را به آن بانک تسلیم کنند و مراتب را طی آگهی مذکور در ماده قبل به اطلاع اشخاص ذی‌نفع برسانند تا برای استیفاء طلب خود به بانک مراجعه کنند.

ماده ۳۶۹ - مدیر یا مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها نسخه‌ای الکترونیکی از دفاتر و اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده تهیه نمایند و آن را به مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل دهند تا نگهداری شود و برای مراجعه اشخاص ذی‌نفع در دسترس باشد. دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه‌شده باید تا ده سال تمام پس از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند.

ماده ۳۷۰ - تا زمانی که شرکت منحل نشده است، دیون آن باید از خود شرکت مطالبه شود. پس از انحلال و تصفیه شرکت نیز اگر اموال آن برای پرداخت دیون کافی نباشد، تنها بستانکاران شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء ضامن یا به تمام آنان رجوع کنند. در این مورد، بستانکاران شرکت بر بستانکاران شخصی شرکاء تقدم ندارند. در این مورد هیچ‌یک از شرکاء نمی‌تواند به استناد اینکه میزان دیون شرکت از میزان آورده او در شرکت تجاوز می‌کند از تأدیه دیون شرکت امتناع ورزد. در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه دیون شرکت به نسبت سرمایه‌ای است که به شرکت آورده است، مشروط بر اینکه در اساسنامه ترتیب دیگری مقرر نشده باشد.

ماده ۳۷۱ - واگذاری کل اموال شرکت در حال تصفیه یا جزئی از آن به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به اشخاص زیر ممنوع است:

- ۱- اشخاصی که مدیر یا مدیران تصفیه یا بستگان آنان تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه می‌باشند.
- ۲- شرکتی که مدیر یا مدیران تصفیه در آن سمت مدیریت یا مدیرعاملی دارند.
- ۳- شرکتی که بیش از بیست درصد سرمایه آن به اشخاص مذکور در بند «۱» تعلق دارد.
- ۴- شرکتی که مادر، تابع و یا وابسته به شرکت در حال تصفیه است و نیز اشخاصی که مدیر یا مدیران و مدیرعامل آنها می‌باشند.
- ۵- مدیر و مدیرعامل مدیر تصفیه و اقارب آنها تا درجه سوم از طبقات سه‌گانه، چنان‌چه مدیر تصفیه شخص حقوقی باشد.
- ۶- شخص حقوقی که شریک، مدیر و یا مدیرعامل آن مدیر تصفیه شرکت در حال تصفیه باشد.

فصل سوم - اقسام شرکت‌های تجاری و احکام آنها

مبحث اول - شرکت سهامی عام

ماده ۳۷۲ - شرکت سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن از طریق مراجعه به عموم تأمین می‌شود. سهام‌دار شرکت سهامی عام، به جز آنچه که به عنوان آورده تعهد می‌کند، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

ماده ۳۷۳ - تعداد سهام‌داران شرکت سهامی عام نباید از هفت شخص کم‌تر باشد.

ماده ۳۷۴ - سرمایه شرکت سهامی عام در موقع تأسیس نباید از پنج میلیارد ریال کم‌تر باشد.

گفتار اول - تشکیل شرکت

ماده ۳۷۵ - برای تأسیس شرکت سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه‌ای حاکی از تعهد حداقل بیست درصد سرمایه شرکت را به همراه مدارک زیر به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱- گواهی نامه تأیید نام شرکت در شرف تأسیس

۲- مدارک مصدق هویت مؤسسان

۳- گواهی نامه بانکی حاکی از سپردن حداقل پنجاه درصد مبلغ تعهدشده در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس به عنوان بخش نقدی سرمایه و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به نام شرکت مذکور، با رعایت مفاد ماده (۱۵۰) این قانون

۴- طرح اساسنامه شرکت

۵- طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام

۶- گزارش تحلیلی مشتمل بر طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و خطرهای (ریسک‌های) مرتبط با

آن

۷- تصویر مستندات مربوط به هر حق انحصاری تسلیم شده به عنوان آورده

۸- برآورد هزینه‌ها و مخارج نقدی و غیرنقدی مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با تأسیس شرکت

۹- برآورد خالص وجوه دریافتی

۱۰- نسخه‌ای از هر نوع موافقت‌نامه یا قرارداد منعقدشده مرتبط با تأسیس شرکت

۱۱- نسخه‌ای از قرارداد تعهد پذیره نویسی مشتمل بر تعهد حداقل بیست و پنج درصد سرمایه شرکت، در صورت

عدم تکمیل کل سرمایه در جریان پذیره نویسی

۱۲- تصویر مصدق موافقت‌نامه مرجع خاص مشروط به جلب موافقت آن مرجع

ماده ۳۷۶ - اظهارنامه موضوع ماده (۳۷۵) باید با قید تاریخ به امضاء کلیه مؤسسان برسد و موارد مذکور در

ماده (۱۴۶) و بند (۱) ماده (۱۴۹) این قانون به جز موارد مذکور در بندهای (۱۱) و (۱۲) ماده (۱۴۶) در آن ذکر شود.

ماده ۳۷۷ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسان برسد و مشتمل بر موارد مذکور در بند (۱)

ماده (۱۴۹) و ماده (۱۵۱) این قانون باشد.

ماده ۳۷۸ در طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون باید نکات زیر لحاظ شود:

۱- نام شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامت‌گاه شرکت

۴- مدت شرکت؛

۵- هویت، اقامت‌گاه و شغل مؤسسان و در صورتی که تمام یا بعضی از آنان در امور مربوط به موضوع شرکت

و یا امور مشابه با آن سوابق، اطلاعات و یا تجاربی داشته باشند به اختصار ذکر شود.

۶- مبلغ سرمایه شرکت و مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک تعیین شود.

۷- مشخصات و اوصاف و ارزش آورده غیرنقد طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری تعیین شود.

۸- مقداری از سرمایه که مؤسسان تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده‌اند ذکر گردد.

۹- تعداد سهام بانام و بی‌نام شرکت تعیین شود.

۱۰- ذکر دقیق امتیازات در صورتی که مؤسسان برای خود امتیازاتی در نظر گرفته باشند.

۱۱- برآورد هزینه‌های لازم تا شروع فعالیت‌های شرکت و ذکر هزینه‌هایی که مؤسسان تا آن موقع برای تدارک

مقدمات تشکیل شرکت و مطالعات انجام شده پرداخت کرده‌اند.

۱۲- ذکر مشخصات اجازه‌نامه یا موافقت اصولی مراجع خاص در صورتی که انجام موضوع شرکت به‌طور قانونی مستلزم موافقت آن مراجع باشد.

۱۳- ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید به وسیله پذیره‌نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره‌نویسی نقدی پرداخت گردد و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مهلت تأدیه آن تعیین شود.

۱۴- تعیین مهلتی که طی آن اشخاص می‌توانند برای پذیره‌نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به محلی که پذیره‌نویسی در آن انجام می‌شود مراجعه کنند.

۱۵- ذکر شماره و نوع حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام پذیره‌نویسی شده به آن حساب پرداخت می‌شود.

۱۶- ذکر نام، اقامت‌گاه و میزان تعهدات متعهد پذیره‌نویسی که شخصی حقوقی است غیر از مؤسسان و پذیره‌نویسان که پذیره‌نویسی سرمایه پذیره‌نویسی نشده را ظرف مهلت مقرر تعهد می‌کند.

۱۷- تصریح به اینکه اظهارنامه مؤسسان به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه اشخاص به مرجع ثبت شرکت‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردیده و در پایگاه الکترونیک آنها قرار داده شده است؛

۱۸- تصریح به مفاد مقررات قانونی در صورتی که عدم تکمیل سرمایه شرکت در جریان پذیره‌نویسی تکمیل نشود.

۱۹- چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان مشخص شود.

۲۰- ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار اصلی و علی‌البدلی که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی مؤسس به‌طور انحصاری در آن منتشر می‌شود.

ماده ۳۷۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار باید حداکثر ظرف ده روز پس از دریافت مدارک مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون در مورد توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت اظهار نظر کند. در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی، این سازمان ظرف مهلت مذکور مراتب را به‌طور کتبی و مستدل به متقاضی تأسیس اعلام و در غیر این صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه مدارک تسلیم شده به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال می‌کند.

ماده ۳۸۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۳۷۹) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت موارد نقص را به‌طور کتبی به سازمان مذکور ارسال کند.

ماده ۳۸۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی باید آن را ظرف پانزده روز، به هزینه مؤسسان در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محلی که پذیره‌نویسی در آن صورت می‌گیرد در معرض دید اشخاص قرار داده شود.

ماده ۳۸۲ - ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است، متقاضیان به محلی که پذیره‌نویسی در آن انجام می‌گیرد مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که باید نقدی پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند.

ماده ۳۸۳ - ورقه تعهد سهم علاوه بر امضاء باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:

۱- نام شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامت‌گاه شرکت

۴- مدت شرکت

۵- سرمایه شرکت

۶- مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی شامل شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام و مرجع صدور آن

۷- تعداد سهام پذیرهنویسی شده و مبلغ اسمی آن و همچنین مبلغ لازم برای پرداخت نقدی در زمان پذیرهنویسی

۸- نام بانک، شماره و نوع حساب برای واریز مبلغ لازم

۹- هویت و نشانی دقیق پذیرهنویس

۱۰- قید تعهد پذیرهنویس برای پرداخت مبلغ پرداخت نشده سهام پذیرهنویسی شده طبق مقررات اساسنامه شرکت.

ماده ۳۸۴ - ورقه تعهد سهم در دو نسخه تنظیم می شود و با قید تاریخ به امضاء پذیرهنویس یا قائم مقام قانونی او می رسد و نسخه اول نزد شخصی که پذیرهنویسی کند نگهداری و نسخه دوم با قید رسید وجه و مهر و امضاء به پذیرهنویس تسلیم می شود. چنانچه ورقه تعهد سهام را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل و امضاء کند، هویت، نشانی دقیق و سمت وی در ورقه تعهد سهم قید و مدرک نمایندگی او اخذ می شود.

ماده ۳۸۵ - صرف امضاء ورقه تعهد سهم به وسیله پذیرهنویس حاکی از قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی سهام داران است.

ماده ۳۸۶ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است یا در صورتی که مهلت تمدید شده باشد پس از انقضای مهلت تمدید شده، مؤسسان حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی می کنند و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت به طور صحیح تعهد گردیده و حداقل پنجاه درصد آن پرداخت شده است، تعداد سهام هریک از پذیرهنویسان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت می کنند. برای رسمیت جلسه مجمع عمومی مؤسس، دعوت از نماینده سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.

ماده ۳۸۷ - مؤسسان باید همزمان با دعوت مجمع عمومی مؤسس مدارک و مستندات زیر را به سازمان بورس و اوراق بهادار ارسال کنند:

۱- گواهی بانک عامل در مورد مانده حساب در پایان پذیرهنویسی

۲- فهرست پذیرهنویسان شامل هویت و نشانی دقیق اشخاص مذکور و میزان تعهد هر یک از آنان

ماده ۳۸۸ - هرگاه پس از گذشتن مهلت پذیرهنویسی یا مهلت تمدید شده سرمایه مذکور در اعلامیه پذیرهنویسی تأمین نشود، کسری سرمایه باید ظرف ده روز به وسیله متعهد پذیرهنویسی تأمین گردد. چنانچه تمام سرمایه شرکت از طریق مذکور تأمین نگردد، شرکت تشکیل نمی شود و مؤسسان باید ظرف ده روز مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اطلاع دهند. در صورت عدم تشکیل شرکت، متعهد پذیرهنویسی مسئول جبران خسارات وارده است.

ماده ۳۸۹ - مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی و احراز تعهد کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره طرح اساسنامه شرکت و در صورت ضرورت، اصلاح و سپس تصویب آن، اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می کند. مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت باید به طور کتبی قبول سمت کنند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیران و بازرس یا بازرسان با علم به تکالیف و مسؤولیت های سمت خود آن را برعهده گرفته اند.

ماده ۳۹۰ - هر گونه دعوت و اطلاعیه برای سهام‌داران تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در دو روزنامه کثیرالانتشار سراسری منتشر شود. یکی از این دو روزنامه به وسیله مجمع عمومی مؤسس تعیین و روزنامه دیگر همان است که اعلامیه پذیره‌نویسی در آن منتشر می‌شود.

ماده ۳۹۱ - اساسنامه‌ای که به وسیله مجمع عمومی مؤسس به تصویب می‌رسد، به ضمیمه صورت جلسه مجمع مذکور، اعلامیه قبولی سمت مدیران و بازرس یا بازرسان و تصویر مصدق مدارک هویت ایشان به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم می‌شود. در صورت رعایت مواد (۳۸۶)، (۳۸۷)، (۳۸۸) و (۳۸۹) این قانون، سازمان باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مذکور، برای ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها، تأییدیه صادر کند.

ماده ۳۹۲ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از دریافت تأییدنامه موضوع ماده (۳۹۱) این قانون و ضمایم آن شرکت را ثبت می‌کند.

ماده ۳۹۳ - مفاد مواد (۱۵۳) و (۱۵۴) این قانون در باره شرکت‌های سهامی عام نیز مجری است.

ماده ۳۹۴ - هرگاه شرکت تا شش ماه از تاریخی که مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه مذکور در ماده (۳۷۵) این قانون را دریافت می‌کند به ثبت نرسد، مرجع ثبت شرکت‌ها به درخواست هریک از مؤسسان و پذیره‌نویسان گواهی‌نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به همراه تصویر مصدق اظهارنامه به بانکی که تأدیه وجوه و تسلیم مدارک آورده‌های غیرنقدی در آن به عمل آمده است، ارسال می‌کند. بانک مذکور باید با مراجعه هریک از مؤسسان و پذیره‌نویسان تعهدنامه، وجوه پرداختی و یا مدارک مالکیت تودیع شده آنان را مسترد کند. پس از صدور گواهی‌نامه مذکور اقدامات ثبتی انجام شده بی اثر است.

ماده ۳۹۵ - کلیه اعمال و اقداماتی که مؤسسان در حدود مقرر در اعلامیه پذیره‌نویسی به نام شرکت انجام داده‌اند پس از ثبت، به حساب شرکت محسوب می‌شود. هرگونه هزینه خارج از حدود مقرر در اعلامیه پذیره‌نویسی باید به تصویب مجمع عمومی مؤسس برسد. اگر مجمع عمومی مؤسس این گونه هزینه‌ها را تصویب نکند، هریک از مؤسسان در مورد کلیه اعمال و اقدامات مذکور به تنهایی مسؤولیت دارند.

گفتار دوم - سهام

ماده ۳۹۶ - سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که بیان‌گر میزان مشارکت، حقوق و تعهدات صاحب آن در شرکت سهامی است.

ماده ۳۹۷ - ورقه سهم سندی قابل معامله و نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. ورقه سهم می‌تواند بانام یا بی‌نام باشد، لکن پذیره‌نویسی سهام بی‌نام بیش از سی درصد کل سهام شرکت باطل است.

ماده ۳۹۸ - در صورتی که برای بخشی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایایی مقرر شود، این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود. اعطاء هر نوع امتیاز به سهام‌داران در شرکت‌های سهامی جز در قالب سهام ممتاز مجاز نیست. سهام ممتاز باید بانام باشد.

ماده ۳۹۹ - اوراق سهام باید متحدالشکل، چاپی و دارای شماره ترتیب باشد و به امضاء حداقل دو نفر، که به موجب اساسنامه تعیین می‌شوند، برسد. همچنین سهام شرکت‌ها را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد.

ماده ۴۰۰ - قید نکات زیر در ورقه سهم الزامی است:

۱- هویت و اقامت‌گاه شرکت

۲- هویت سهام‌دار

۳- مبلغ سرمایه ثبت‌شده و مقدار پرداخت‌شده آن

۴- تعیین نوع سهم

۵- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت‌شده آن به حروف و عدد

۶- تعیین تعداد سهام در هر ورقه سهم

۷- ذکر سمت اشخاص امضاءکننده ورقه سهم طبق اساسنامه

تبصره - مقررات بند (۲) در مورد سهام بی‌نام اعمال نمی‌شود.

ماده ۴۰۱ - مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون ریال بیشتر باشد. مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید مساوی باشد.

ماده ۴۰۲ - تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است، شرکت باید به سهام‌داران گواهی‌نامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد، نوع سهام و مبلغ پرداخت‌شده آن است. این گواهی‌نامه در حکم سهم است. در هر حال، ظرف یک سال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم، باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی‌نامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد. در مورد صدور گواهی‌نامه موقت سهم مواد (۳۹۹) و (۴۰۰) این قانون باید رعایت شود.

ماده ۴۰۳ - تا زمانی که شرکت به ثبت نرسد، صدور ورقه سهم یا گواهی‌نامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، هریک از امضاءکنندگان ورقه منفرداً مسؤول جبران کلیه خسارات وارد شده بر اشخاص ثالث می‌باشد.

ماده ۴۰۴ - برای تبدیل گواهی‌نامه موقت به ورقه سهم مراتب یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به سهام‌داران داده می‌شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامت‌گاه شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد گواهی‌نامه‌هایی که تبدیل نشده است، سهام بانام صادر و در اقامت‌گاه شرکت نگهداری می‌شود تا هر موقع که دارندگان گواهی‌نامه‌های مذکور به شرکت مراجعه کردند گواهی‌نامه آنان اخذ و ابطال گردد و ورقه سهم به آنان داده شود.

ماده ۴۰۵ - در صورت صدور ورقه سهم تا زمانی که سهام‌دار گواهی‌نامه موقت سهم را تعویض نکرده است، حق حضور و رأی در مجامع عمومی را ندارد.

ماده ۴۰۶ - گواهی‌نامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات این‌گونه سهام است.

ماده ۴۰۷ - تا زمانی که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشود، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه موقت بی‌نام ممنوع است. به تعهدکننده این‌گونه سهام گواهی‌نامه موقت بانام داده می‌شود که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است.

ماده ۴۰۸ - مبلغ پرداخت‌نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت‌شده سرمایه یا تبدیل شرکت دعوت کند و تشکیل دهد و گرنه هر ذی‌نفع حق دارد که برای درخواست تقلیل سرمایه ثبت‌شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت‌شده به دادگاه رجوع کند. کاهش سرمایه نباید موجب تقلیل سرمایه شرکت از نصاب مقرر در قانون شود.

ماده ۴۰۹ - مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض مطالبه شود.
ماده ۴۱۰ - کسی که خرید سهمی را تعهد می‌کند، مسؤول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن است و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم آن را به دیگری انتقال دهد، انتقال‌گیرنده مسؤول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن است.
ماده ۴۱۱ - هر موقع که شرکت تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت‌نشده سهام را طبق مقررات اساسنامه مطالبه کند، باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت مناسبی بین ده روز تا دو ماه برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه تعیین کند. با انقضای مهلت مذکور و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یک ماه، اگر مبلغ مورد مطالبه به‌طور کامل پرداخت نشود، شرکت این‌گونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس پذیرفته شده باشد از آن طریق و گرنه از طریق مزایده می‌فروشد. از حاصل فروش سهم، ابتدا کلیه هزینه‌های مترتب برداشت و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم بابت اصل و خسارات بیشتر باشد، مازاد به وی پرداخت می‌شود.

تا زمانی که سهم موضوع این ماده فروخته نشود، دارنده آن می‌تواند بدهی خود را به همراه هزینه‌های مترتب به شرکت پرداخت و از فروش آن جلوگیری کند.

ماده ۴۱۲ - در مورد ماده (۴۱۱) این قانون آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود. در صورت فروش سهم نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام با قید کلمه «المثنی» به نام خریدار صادر و اوراق سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام قبلی ابطال می‌شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

ماده ۴۱۳ - دارندگان سهام مذکور در ماده (۴۱۱) این قانون حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را ندارند و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر می‌شود و حق دریافت سود قابل تقسیم و حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید شرکت موضوع ماده (۴۵۶)، و حق دریافت اندوخته قابل تقسیم برای این‌گونه سهام معلق می‌ماند.

ماده ۴۱۴ - در مورد ماده (۴۱۳) این قانون، چنانچه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و هزینه‌ها به شرکت پرداخت کنند، دوباره حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند داشت و می‌توانند حقوق مالی معوق وابسته به سهام خود را مطالبه کنند.

ماده ۴۱۵ - سهم بی‌نام سند در وجه حامل محسوب و دارنده، مالک آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. این‌گونه سهام با قبض و اقباض واگذار می‌شود.

ماده ۴۱۶ - واگذاری سهام بانام باید در دفتر الکترونیک ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده یا نمایندگان آنها باید مراتب انتقال را در دفتر مذکور امضاء کنند. هویت و نشانی دقیق انتقال‌گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید می‌شود و از نظر اجراء تعهدات ناشی از واگذاری سهم، معتبر است. هرگونه تغییر اقامت‌گاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت برسد و امضاء شود. هرگونه انتقال سهم بدون رعایت شرایط مذکور از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

تبصره - در صورتی که واگذاری سهم در بورس یا بازار خارج از بورس انجام شود، حضور انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده برای امضاء در شرکت ضروری نیست و در این مورد دفاتر بازار بورس یا بازار خارج از بورس در حکم

دفتر ثبت سهام شرکت است، لکن مراتب واگذاری باید ظرف ده روز از جانب مرجع ذی ربط در بازار مربوط به شرکت اطلاع داده شود. سازمان بورس و اوراق بهادار مسؤول جبران خسارات ناشی از عدم اطلاع رسانی است.

ماده ۴۱۷ در اساسنامه نمی توان واگذاری سهام را محدود کرد.

ماده ۴۱۸ - هر شرکت سهامی تنها به موجب اساسنامه می تواند سهام ممتاز اعطاء کند. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به وضوح تعیین شود. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز مستلزم اصلاح اساسنامه است. در این صورت سهام دارانی که امتیازاتی به نفع آنان ایجاد می شود یا تغییر می کند، در این مورد در حد نصاب تشکیل و تصمیم گیری مجمع عمومی فوق العاده ای که اساسنامه را اصلاح می کند لحاظ نمی شوند. تصمیم مجمع عمومی فوق العاده در مورد تغییر امتیازات سهام ممتاز قطعی نیست، مگر آن که دارندگان بیش از نصف این گونه سهام در جلسه حاضر شوند و با دوسوم آراء با تغییر امتیازات موافقت کنند. اگر در دعوت اول این حد نصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان بیش از یک سوم این گونه سهام کافی است.

گفتار سوم - تبدیل سهام

ماده ۴۱۹ - سهام بی نام با رعایت مفاد این قانون و مطابق اساسنامه یا بر اساس تصمیم مجمع عمومی فوق العاده به سهام با نام تبدیل می شود. تبدیل سهام بانام به بی نام مجاز نیست.

ماده ۴۲۰ - در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هریک به فاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کم تر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا برای تبدیل سهام خود به اقامت گاه شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح می شود که پس از انقضای مهلت مذکور کلیه اوراق سهام تبدیل شده باطل می گردد.

ماده ۴۲۱ - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده (۴۲۰) این قانون برای تبدیل به سهام بانام به اقامت گاه شرکت تسلیم نشده باشد، باطل می شود. شرکت باید برابر تعداد سهام باطل شده، سهام بانام صادر کند و در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد آن را از طریق بورس و گرنه از طریق بازار خارج از بورس بفروشد.

ماده ۴۲۲ - از حاصل فروش سهامی که طبق ماده (۴۲۱) این قانون فروخته می شود، در ابتدا هزینه های مترتب از قبیل کارمزد بورس و کارگزار آن و نیز مالیات نقل و انتقال سهام کسر و مازاد آن به وسیله شرکت به صندوق دادگستری واریز می گردد و رسید آن به دادستان شهرستان محل اقامت شرکت تسلیم می شود تا در صورت مراجعه صاحبان سهام باطل شده به آنها پرداخت شود. پس از انقضاء ده سال، باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب است.

ماده ۴۲۳ - در مورد مواد (۴۲۱) و (۴۲۲) این قانون صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند با ترتیب مراجعه اختیار دارند از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده است به نسبت سهام بی نامی که در دست دارند، وجه نقد دریافت و یا آن که برابر تعداد سهام بی نام خود سهام بانام تحصیل کنند. این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده، هر دو در اختیار شرکت قرار دارد، رعایت می شود.

ماده ۴۲۴ - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام بانام یا پس از گذشتن مهلت مذکور در ماده (۴۲۳) این قانون شرکت باید مرجع ثبت شرکت ها را از تبدیل سهام خود به طور کتبی مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسد و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۴۲۵ - دارندگان سهامی که بر طبق مقررات این گفتار سهام خود را تبدیل نکرده باشند، مشمول حکم مندرج در ماده (۴۱۳) این قانون می‌شوند.

گفتار چهارم - مقررات خاص مجامع عمومی

ماده ۴۲۶ - وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار زیر است:

- ۱- رسیدگی به گزارش مؤسسان و تصویب آن
- ۲- احراز پذیره‌نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم
- ۳- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن
- ۴- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت
- ۵- تعیین روزنامه شرکت

ماده ۴۲۷ - گزارش مؤسسان باید حداقل پانزده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع مذکور تعیین می‌شود، برای ارائه به پذیره‌نویسان آماده باشد.

ماده ۴۲۸ - در مجمع عمومی مؤسس حضور اشخاصی که بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشود، مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت دیگر به وسیله مؤسسان دعوت می‌شود، مشروط بر اینکه حداقل بیست روز قبل از انعقاد مجمع، آگهی دعوت با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره‌نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید زمانی قانونی است که صاحبان بیش از یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در مجمع عمومی مؤسس کلیه تصمیمات باید با اکثریت حداقل دو سوم آراء حاضران دارای حق رأی اتخاذ شود، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشوند، مؤسسان عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند.

ماده ۴۲۹ - در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسان و پذیره‌نویسان حق حضور دارند.

ماده ۴۳۰ - هرگاه برخی از مؤسسان آورده غیرنقدی داشته باشند، باید نظر کتبی کارشناس رسمی دادگستری در مورد تقویم آورده‌های غیرنقد را جزء گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس قرار دهند. چنانچه مؤسسان برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند، باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مذکور به مجمع عمومی مؤسس تقدیم شود.

ماده ۴۳۱ - گزارش مربوط به تقویم آورده‌های غیرنقد و علل و موجبات مطالبه مزایا باید در مجمع عمومی مؤسس مطرح گردد. دارندگان آورده غیرنقد و اشخاصی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که تقویم آورده غیرنقدی یا مزایای مورد مطالبه آنها موضوع رأی‌گیری است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقد نیز که موضوع مذاکره است از حیث حد نصاب، جزء سرمایه شرکت محاسبه نمی‌شود.

ماده ۴۳۲ - امتیازاتی که در مجمع عمومی مؤسس تصویب می‌شود نمی‌تواند با مفاد آگهی پذیره‌نویسی مغایر باشد. همچنین مجمع عمومی نمی‌تواند آورده‌های غیرنقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است، قبول کند.

ماده ۴۳۳ - هرگاه آورده غیرنقد یا مزایای مطالبه‌شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها

تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل می‌شود و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند به جای آنها سهام شرکت را تعهد و مبالغ آن را تأدیه کنند.

ماده ۴۳۴ - در جلسه دوم مجمع عمومی مؤسس که طبق ماده (۴۳۳) این قانون به منظور رسیدگی به وضع آورده‌های غیرنقد و مزایای مطالبه‌شده تشکیل می‌گردد باید اشخاصی که حداقل بیش از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند حاضر شوند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد.

ماده ۴۳۵ - هرگاه در جلسه دوم در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و یا مطالبه‌کنندگان مزایا و عدم تعهد و تأدیه سهام آنها از طرف سایر پذیره‌نویسان، قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نگردد، مطابق مفاد ماده (۳۸۸) این قانون عمل می‌شود.

ماده ۴۳۶ - در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر شوند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شوند و با حضور دارندگان بیش از یک‌سوم سهامی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

ماده ۴۳۷ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت دوسوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

ماده ۴۳۸ - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از سهام‌دارانی که حق رأی دارند رسمیت می‌یابد و اخذ تصمیم می‌گیرد به شرط آن که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

ماده ۴۳۹ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است. در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی‌دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی‌دهنده برابر با حاصل ضرب مذکور است. رأی‌دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر تقسیم کند. رعایت همین ترتیب در انتخاب بازرس یا بازرسان نیز الزامی است.

ماده ۴۴۰ در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مفاد مواد (۴۳۶)، (۴۳۷)، (۴۳۸) و (۴۳۹) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۴۴۱ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر سهام‌داری که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید با ارائه ورقه سهم یا گواهی‌نامه موقت سهم متعلق به خود به شرکت مراجعه و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند.

ماده ۴۴۲ - فقط سهام‌دارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

ماده ۴۴۳ - از حاضران در مجمع فهرستی تنظیم می‌شود و در آن هویت کامل و اقامت‌گاه و تعداد سهام و تعداد آراء هریک از آنان قید می‌شود و صحت اطلاعات فهرست مذکور حسب مورد به تأیید مدیر یا مدیران یا مقام دعوت‌کننده می‌رسد.

ماده ۴۴۴ - مجامع عمومی به وسیله هیأت‌رئیس‌های مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شوند. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد، ریاست مجمع با رئیس هیأت‌مدیره است، مگر در موارد مذکور در ماده (۱۷۶) و (۲۰۵) این قانون یا در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزء دستور جلسه مجمع عمومی عادی باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهام‌داران حاضر در جلسه انتخاب می‌شود. ناظران از بین سهام‌داران انتخاب می‌شوند. منشی جلسه می‌تواند سهام‌دار نباشد. در انتخاب رئیس، ناظران و منشی مجامع عمومی، رأی اکثریت نسبی سهام‌داران حاضر دارای حق رأی کافی است.

ماده ۴۴۵ - مقام دعوت‌کننده مجمع می‌تواند از دادگاه درخواست کند شخص یا اشخاصی را برای تکمیل اعضاء هیأت‌رئیس معین کند. دادگاه بلافاصله در این باره در جلسه اداری و غیر قابل اعتراض تصمیم می‌گیرد. در صورت انتخاب اعضاء هیأت‌رئیس مطابق مقررات ماده (۴۴۴) این قانون سمت عضو منتخب دادگاه زایل می‌شود. حق‌الرحمه عضو منتخب بر عهده شرکت است.

ماده ۴۴۶ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت‌جلسه‌ای به وسیله منشی تنظیم می‌شود که به امضاء هیأت‌رئیس مجمع می‌رسد و یک نسخه از آن در اقامت‌گاه شرکت نگهداری می‌شود. صورت‌جلسه باید برای امضاء به کلیه اعضاء هیأت‌رئیس ارائه شود و در صورت امتناع هریک از اعضاء از امضاء آن به گواهی سایر اعضاء صورت‌جلسه مذکور با امضاء اکثریت هیأت‌رئیس معتبر است. مسؤولیت صحت مندرجات صورت‌جلسه با امضاءکنندگان آن است.

ماده ۴۴۷ - برای رسمیت کلیه جلسات مجامع عمومی شرکت‌های سهامی عام، دعوت از سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است.

گفتار پنجم - افزایش سرمایه شرکت

ماده ۴۴۸ - سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد. افزایش سرمایه از طریق صدور سهام بی‌نام باطل است.

ماده ۴۴۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نیست، مگر آن‌که کلیه سهام‌داران با آن موافق باشند.

ماده ۴۵۰ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد، تمام مبلغ افزایش سرمایه باید به‌طور نقدی پرداخت شود.

ماده ۴۵۱ - مبلغ لازم برای افزایش سرمایه فقط به شیوه‌های زیر تأمین می‌شود:

۱- پرداخت مبلغ اسمی سهم به‌طور نقدی

۲- انتقال سود تقسیم‌نشده و یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت

۳- تبدیل اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم، در موارد تجویز قانونی انتشار این‌گونه اوراق بهادار به‌وسیله شرکت

ماده ۴۵۲ - تا زمانی که سرمایه اولیه شرکت به‌طور کامل تأدیه نشده است، افزایش سرمایه مجاز نیست.

ماده ۴۵۳ - مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت‌مدیره پس از قرائت گزارش بازرس یا بازرسان در مورد افزایش سرمایه تصمیم می‌گیرد. گزارش مذکور باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیأت‌مدیره باشد.

ماده ۴۵۴ - پیشنهاد هیأت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید دربرگیرنده توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی در مورد امور شرکت از شروع سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی عادی در باره حساب‌های سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد.

ماده ۴۵۵ - مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد تا ظرف مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معین به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد.

ماده ۴۵۶ - پس از تصویب افزایش سرمایه در مجمع عمومی فوق‌العاده، در صورتی که افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به سهام‌داران به نسبت سرمایه آنان تصویب شود، هیأت مدیره شرکت باید ضمن صدور گواهی‌نامه حق خرید سهم برای هر یک از سهام‌داران مراتب را با تصریح موارد زیر به‌نحوی که برای دعوت از مجامع مقرر شده است به اطلاع سهام‌داران شرکت برساند:

۱- مبلغ افزایش سرمایه

۲- شیوه افزایش سرمایه

۳- مهلت تأمین مبلغ افزایش سرمایه و زمان آغاز آن

۴- نام بانک و شماره حساب برای تأدیه وجوه مربوط به افزایش سرمایه

ماده ۴۵۷ - گواهی‌نامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون برای سهام‌داران بانام باید به‌وسیله پست سفارشی دو قبضه ارسال گردد. اگر بخشی از سهام شرکت بی‌نام باشد، در اطلاعیه موضوع ماده (۴۵۶) باید قید شود که سهام‌داران بی‌نام برای دریافت گواهی‌نامه، ظرف مهلت معینی که نباید کم‌تر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید می‌شود مراجعه کنند.

ماده ۴۵۸ - گواهی‌نامه حق خرید سهم مذکور در ماده (۴۵۶) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- اقامت‌گاه شرکت

۳- مبلغ سرمایه فعلی و هم‌چنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت

۴- تعداد و نوع سهام قابل خرید برای دارنده گواهی‌نامه با ذکر مبلغ اسمی هر سهم

۵- نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم

۶- مهلت مندرج در گواهی‌نامه برای استفاده از حق خرید

۷- هرگونه شرط مقرر دیگر برای پذیره‌نویسی

ماده ۴۵۹ - گواهی‌نامه حق خرید سهم باید به همان ترتیب که برای امضاء اوراق سهام شرکت مقرر است به

امضاء برسد.

ماده ۴۶۰ - سهام‌داران، ظرف مهلت مقرر، با مراجعه به بانک و آرایه گواهی‌نامه حق خرید سهم و واریز مبلغ مربوط به شماره حساب اعلام‌شده، ورقه تعهد سهم دریافت می‌کنند.

ماده ۴۶۱ - ورقه تعهد سهم مذکور در ماده (۴۶۰) این قانون باید مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامت‌گاه شرکت

۴- سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه

۵- مبلغ افزایش سرمایه

۶- تعداد و نوع سهام پذیرهنویسی شده و مبلغ اسمی آن

۷- نام بانک و مشخصات حساب برای واریز بهای سهم

۸- هویت و نشانی دقیق پذیرهنویس

ماده ۶۶۲ - هرگاه سهام جدید مطابق ماده (۲۹۲) واگذار شود، درج مورد مذکور در بند (۷) ماده (۴۶۱) ضروری نیست.

ماده ۶۶۳ - رعایت مفاد ماده (۳۸۴) این قانون در مورد ورقه تعهد سهم جدید نیز الزامی است.

ماده ۶۶۴ - اگر سهام‌داران ظرف مهلت مقرر سهام جدید را تعهد نکنند، سهام باقی‌مانده با رعایت مفاد این قانون از طریق عرضه عمومی واگذار می‌شود.

ماده ۶۶۵ - اگر تصویب افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به برخی از سهام‌داران موجود مدنظر باشد، این سهام‌داران در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که در این مورد تصمیم می‌گیرد حق رأی ندارند. در این مورد و نیز چنانچه افزایش سرمایه از طریق واگذاری سهام جدید به اشخاص خاصی مورد نظر باشد، هرگاه سهام شرکت در بازار بورس یا بازار خارج از بورس پذیرفته شود ارزش سهام برای واگذاری نمی‌تواند از قیمت موجود در بازار در روز انجام معامله و در مورد سایر شرکت‌ها از مبلغی که به وسیله کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌شود کمتر باشد.

ماده ۶۶۶ - در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده افزایش سرمایه را از طریق عرضه عمومی تمام یا بخشی از سهام جدید تصویب کند، مدیران باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیرهنویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید را به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۶۶۷ - طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده (۴۶۶) این قانون باید به امضاء مدیران شرکت برسد و مشتمل بر نکات زیر باشد:

۱- هویت شرکت

۲- موضوع شرکت

۳- اقامت‌گاه شرکت

۴- تاریخ انقضاء مدت شرکت در صورت تشکیل آن برای مدت محدود

۵- مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه

۶- تعداد و امتیازات سهام ممتاز در صورت انتشار آن

۷- هویت اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت

۸- شرایط حضور و حق رأی سهام‌داران در مجامع عمومی

۹- مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم اموال بعد از تصفیه

۱۰- مبلغ و تعداد اوراق بهادار قابل تبدیل به سهم منتشره شرکت و مهلت و شرایط تبدیل این‌گونه اوراق به

سهم

۱۱- مبلغ بازپرداخت‌نشده انواع دیگر اوراق بهادار منتشره شرکت و تضمینهای مربوط به آن

۱۲- مبلغ دیون شرکت و هم چنین مبلغ دیون اشخاص ثالث تضمین شده به وسیله شرکت

۱۳- مبلغ افزایش سرمایه

۱۴- برآورد هزینه‌های افزایش سرمایه و نحوه استهلاك آن

۱۵- تعداد و نوع سهام جدیدمورد تعهد صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم موضوع ماده (۴۵۶) این قانون

۱۶- تاریخ شروع و خاتمه مهلت پذیرهنویسی

۱۷- مبلغ اسمی و نوع سهام مورد تعهد

۱۸- مبلغ اضافه ارزش سهم و نحوه تخصیص آن، حسب تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده تصویب‌کننده

افزایش سرمایه به شرکت، سهام‌داران فعلی یا سهام‌داران فعلی و جدید

۱۹- حداقل سهام تعهدشده هنگام پذیرهنویسی

۲۰- نام بانک و مشخصات حساب سپرده برای واریز وجوه لازم در آن

۲۱- نام روزنامه شرکت

ماده ۴۶۸ - آخرین صورت‌های مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی می‌رسد و توجیه اقتصادی افزایش

سرمایه باید به ضمیمه طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم گردد، مگر آن‌که هنوز موعد تنظیم اولین صورت‌های مالی شرکت نرسیده باشد که در صورت اخیر این نکته باید در طرح اعلامیه پذیرهنویسی قید شود.

ماده ۴۶۹ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در

مواد (۴۶۶) و (۴۶۸) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای افزایش سرمایه شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند.

ماده ۴۷۰ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۴۶۹) و تطبیق

مندرجات آنها با قانون، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی را صادر و مراتب را به‌طور کتبی به شرکت متقاضی افزایش سرمایه و سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام کند. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را به‌طور کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.

ماده ۴۷۱ - سازمان بورس و اوراق بهادار پس از دریافت اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی باید این اعلامیه را

ظرف پانزده روز در روزنامه شرکت منتشر کند و در پایگاه الکترونیک خود قرار دهد. اعلامیه مذکور باید در محل پذیرهنویسی در معرض دید اشخاص قرار گیرد. در اعلامیه پذیرهنویسی باید قید شود که آخرین صورت‌های مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است، نزد مرجع ثبت شرکت‌ها و در اقامت‌گاه شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان در دسترس است.

ماده ۴۷۲ - خریداران ظرف مهلتی که در اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید معین می‌شود و نباید از سی روز

بیشتر باشد به محل پذیرهنویسی مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضاء و مبلغی را که باید پرداخت شود تأدیه و رسید دریافت می‌کنند. این مهلت تنها یک‌بار و حداکثر به مدت سی روز قابل تمدید است. در ورقه تعهد سهام موضوع این ماده، علاوه بر موارد مندرج در ماده (۴۶۱) این قانون باید مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیرهنویسی موضوع ماده (۴۷۰) نیز درج گردد. رعایت مفاد مواد (۳۸۴) و (۳۸۵) این قانون در مورد ورقه تعهد سهام موضوع این ماده نیز الزامی است.

ماده ۴۷۳ - اضافه ارزش حاصل از واگذاری سهام جدید در افزایش سرمایه براساس تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که افزایش سرمایه را تصویب کرده است به عنوان اندوخته اختیاری به شرکت منتقل می‌شود یا به صورت سهام جایزه به سهامداران فعلی یا سهامداران فعلی و جدید تعلق می‌گیرد.

مبحث دوم - شرکت سهامی خاص

ماده ۴۷۴ - شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در موقع تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می‌شود. سهام‌دار شرکت سهامی خاص، به جز آنچه به عنوان آورده تعهد می‌کند، مسؤلیتی در قبال دیون شرکت ندارد. تعداد سهام‌داران در شرکت سهامی خاص نباید از سه عضو کم‌تر باشد.

ماده ۴۷۵ - سرمایه شرکت سهامی خاص در موقع تأسیس نباید از پنج میلیون ریال کم‌تر باشد.

ماده ۴۷۶ - برای ثبت شرکت سهامی خاص مؤسسان باید کل سرمایه شرکت را تعهد کنند و حداقل پنجاه درصد بخش نقدی سرمایه را در حساب شرکت در شرف تأسیس بسپارند و کل سرمایه غیرنقدی را تسلیم کنند.

ماده ۴۷۷ - احکام مربوط به سهام که در مورد شرکت سهامی عام پیش‌بینی شده است و نیز رعایت مفاد مواد (۴۳۶) تا (۴۴۳) این قانون در مورد مجامع عمومی این شرکت در شرکت سهامی خاص نیز الزامی است، لکن سهام شرکت سهامی خاص نمی‌تواند بی‌نام باشد. شرکت‌های سهامی خاصی که پیش از تصویب این قانون سهام بی‌نام منتشر کرده‌اند باید ظرف دو سال کلیه سهام بی‌نام شرکت را با رعایت مقررات مربوط، به سهام بانام تبدیل کنند.

ماده ۴۷۸ - رعایت مفاد مواد مربوط به افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام به جز مواد (۶۶۴) و (۶۶۶) تا (۶۷۲) این قانون در مورد شرکت سهامی خاص نیز الزامی است.

مبحث سوم - شرکت بامسئولیت محدود

ماده ۴۷۹ - شرکت بامسئولیت محدود شرکتی است که به وسیله یک یا چند شخص تشکیل می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و هر یک از شرکاء آن، به جز آنچه که به عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است، هیچ مسؤلیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد.

ماده ۴۸۰ - در صورتی که شرکت به وسیله یک شخص تشکیل شود، آن شخص وظایف و تعهدات مؤسسان را برعهده دارد و صورت جلسه موضوع بند (۳) ماده (۱۴۵) این قانون فقط باید شامل تقویم آورده‌های غیرنقد بر اساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری و انتخاب اولین مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت باشد.

ماده ۴۸۱ - شرکت بامسئولیت محدود با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

ماده ۴۸۲ - برای ثبت شرکت بامسئولیت محدود باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۴۸۳ - هر یک از شرکاء در مورد کل قیمتی که به هنگام ثبت شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین می‌شود در مقابل اشخاص ثالث مسؤلیت دارد.

ماده ۴۸۴ - دعاوی ناشی از مفاد ماده (۴۸۳) این قانون حداکثر باید ظرف ده سال تمام از تاریخ ثبت شرکت اقامه شود.

ماده ۴۸۵ - مجمع عمومی عادی با رأی اکثریت عددی شرکایی که بیش از نصف سرمایه به آنها تعلق دارد تصمیم می‌گیرد. اگر این اکثریت در جلسه اول حاضر نشوند، باید تمام شرکاء دوباره دعوت شوند. در این صورت تصمیمات با رأی دارندگان بیش از نصف سرمایه شرکت اتخاذ می‌شود.

ماده ۴۸۶ - در شرکت با مسئولیت محدود مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب اکثریت عددی شرکایی که بیش از دو سوم سرمایه را دارند تصمیم می‌گیرد مگر در مورد تغییر در سرمایه که اتفاق آراء لازم است.

ماده ۴۸۷ - در مورد مواد (۴۸۵) و (۴۸۶) این قانون در اساسنامه می‌توان اکثریت بیشتری را مقرر کرد.

ماده ۴۸۸ - هرگاه شرکت به وسیله یک شخص تأسیس شود یا پس از تشکیل به هر علت تعداد شرکاء آن به یک شخص تقلیل یابد، شخص مذکور کلیه وظایف و اختیارات مجامع عمومی را برعهده دارد. در این صورت، رعایت مقررات مربوط به دعوت، تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در مجامع عمومی الزامی نیست.

ماده ۴۸۹ - کلیه صورت‌های مالی شرکت تک‌عضو باید به صورت سالانه به تأیید حسابدار رسمی برسد. تأییدیه مذکور برای مدیر یا مدیران این‌گونه شرکت‌ها در حکم مفاد حساب دوره مدیریت است. حسابدار مذکور در این ماده، کلیه مسئولیت‌های بازرس شرکت را نیز دارد.

ماده ۴۹۰ - سهم‌الشرکه، قابل واگذاری به غیر نیست مگر اینکه مجمع عمومی عادی شرکت موافقت کند.

ماده ۴۹۱ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد زیر نیز منحل می‌شود:

۱- در صورت فوت یا محجور شدن هریک از شرکاء، مشروط بر پیش‌بینی در اساسنامه

۲- حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکاء مطابق ماده (۴۹۲) این قانون

ماده ۴۹۲ - هر یک از شرکاء می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش‌ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام نماید. سایر شرکاء می‌توانند ظرف مهلت مذکور با رعایت مفاد این قانون از طریق انتقال سهم‌الشرکه به خود یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک از شرکت، مانع انحلال شوند. در غیر این صورت، اگر دادگاه جهات تقاضا را موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. جهات تقاضا در صورتی موجه است که به عللی از قبیل عدم انجام تعهدات شرکاء در قبال شرکت، عدم همکاری یا هم‌آهنگی بین شرکاء و یا متعسر شدن انجام موضوع شرکت مستند باشد که موجب اختلال در اداره شرکت است.

مبحث چهارم - شرکت تضامنی

ماده ۴۹۳ - شرکت تضامنی شرکتی است که به وسیله دو یا چند شخص تشکیل می‌شود و هریک از شرکاء آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه، منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول‌نشده شرکت است. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکاء مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.

ماده ۴۹۴ - در نام شرکت تضامنی باید حداقل نام یکی از شرکاء بلافاصله بعد از نام شرکت ذکر شود. در صورتی که نام شرکت بر نام تمام شرکاء مشتمل نباشد باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکاء» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۴۹۵ - شرکاء ضامن می‌توانند سقف معینی از دیون شرکت را به‌نحوی که در اساسنامه مشخص می‌شود تضمین کنند. در این صورت لازم است در نام شرکت به نام شریک یا حداقل یکی از شرکای ضامن و میزان ضمانت

آنها اشاره شود. در این مورد درج میزان مسؤلیت شرکاء ضامن در اظهارنامه ثبتی موضوع ماده (۱۴۵) این قانون الزامی است.

ماده ۴۹۶ - شرکت تضامنی با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

ماده ۴۹۷ - برای ثبت شرکت تضامنی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۴۹۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده در شرکت تضامنی به اتفاق آراء اتخاذ می‌شود.

اساسنامه نمی‌توان ترتیبی بر خلاف مقررات این ماده مقرر کرد.

ماده ۴۹۹ - هرکس به عنوان شریک در شرکت تضامنی موجودی داخل شود، منفرداً، مسؤل کلیه دیونی است

که شرکت قبل از ورود او داشته است، اعم از اینکه در نام شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر توافقی بر خلاف این ترتیب در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۰۰ - در صورت خروج ارادی هریک از شرکاء از شرکت تضامنی، شریک مذکور کما کان ملتزم به تأدیه

دیونی است که قبل از خروج او برای شرکت ایجاد شده است، مشروط بر اینکه ظرف یک‌سال از خروج وی شرکت منحل یا ورشکستگی آن تقاضا شود.

ماده ۵۰۱ - سهم‌الشرکه شریک شرکت تضامنی قابل واگذاری به سایر شرکاء ویا غیر نیست جز در صورتی که

تمام شرکاء موافقت کنند.

ماده ۵۰۲ - شرکت تضامنی در موارد زیر نیز منحل می‌شود:

۱- فوت یا محجورشدن یکی از شرکاء، مطابق مواد (۵۰۳) و (۵۰۴) این قانون

۲- حکم دادگاه به انحلال، در صورت تقاضای یکی از شرکاء مطابق ماده (۵۰۵)

ماده ۵۰۳ - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت به رضایت سایر شرکاء و ورثه متوفی موقوف است. اگر

سایر شرکاء با بقاء شرکت موافق باشند، ورثه متوفی باید در مدت سه ماه از تاریخ فوت از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت اعلام کنند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شود و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نیست. در صورت عدم موافقت سایر شرکاء با جانشینی ورثه یا عدم اعلام رضایت از سوی آنان ظرف مهلت مقرر، سایر شرکاء می‌توانند پس از گذشت شش‌ماه از تاریخ فوت شریک، با رعایت مفاد این قانون، از طریق انتقال سهم‌الشرکه به خود یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا تأدیه سهم شریک متوفی مانع انحلال شوند.

ماده ۵۰۴ - در صورت محجورشدن یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده (۵۰۳) این قانون عمل می‌شود.

ماده ۵۰۵ - هر یک از شرکاء می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش‌ماه قبل از

تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام نماید. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) این قانون موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. در این مورد، هرگاه علل مذکور فقط مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد، دادگاه می‌تواند با تقاضای سایر شرکاء به اخراج شریک یا شرکاء مذکور حکم کند.

مبحث پنجم - شرکت نسبی

ماده ۵۰۶ - شرکت نسبی شرکتی است که به وسیله دو یا چند شخص تشکیل می‌شود و شرکاء آن در صورت عدم کفایت اموال شرکت پس از ختم تصفیه به نسبت سرمایه خود در شرکت ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول‌نشده آن می‌باشند. هر توافقی که برخلاف مفاد این ماده بین شرکاء مقرر شود، در مقابل اشخاص ثالث اعتبار ندارد.

ماده ۵۰۷ - کلیه مقررات شرکت تضامنی در شرکت نسبی نیز جاری است، به جز مسؤلیت شرکاء که به نسبت سرمایه است.

مبحث ششم - شرکت مختلط سهامی عام

ماده ۵۰۸ - شرکت مختلط سهامی عام شرکتی است که بخشی از سرمایه آن به سهام تقسیم و از طریق واگذاری به عموم تأمین می‌شود و مابقی به وسیله مؤسسان شرکت که پس از ختم تصفیه و عدم کفایت اموال شرکت منفرداً ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول‌نشده شرکت می‌باشند تأمین می‌گردد. مسؤلیت شرکاء ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یک‌دیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.

ماده ۵۰۹ - در نام شرکت مختلط سهامی عام باید حداقل نام یکی از شرکاء ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکاء ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر می‌شود عبارتی از قبیل «و شرکاء» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۵۱۰ - تعداد شرکاء ضامن از یک شخص و تعداد سهام‌داران نباید از هفت شخص کم‌تر باشد.

ماده ۵۱۱ - سرمایه شرکت مختلط سهامی عام در زمان تأسیس نباید از پنج میلیارد ریال کم‌تر باشد.

ماده ۵۱۲ - برای تأسیس شرکت مختلط سهامی عام مؤسسان باید پس از تعیین نام در مرجع ثبت شرکت‌ها اظهارنامه‌ای به همراه مدارک موضوع بندهای «۱»، «۲»، «۳»، «۴»، «۵»، «۶»، «۷»، «۸»، «۹»، «۱۰»، «۱۱» و «۱۲» ماده (۳۷۵) این قانون به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند.

ماده ۵۱۳ - اگر مؤسسان، بخشی از سرمایه شرکت را تعهد کنند، اظهارنامه باید حاکی از تعهد سرمایه مذکور و تأدیه و تسلیم تمام آن باشد. در این صورت باید گواهی‌نامه بانکی حاکی از سپردن بخش نقدی سرمایه به وسیله مؤسسان در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس و تودیع مدارک مالکیت بخش غیرنقدی سرمایه به نام شرکت مذکور نیز به اظهارنامه موضوع ماده (۵۱۲) این قانون ضمیمه شود. گواهی‌نامه مذکور باید متضمن نام بانک و شماره حسابی که تأدیه سرمایه نقدی در آن به عمل آمده است و نیز تعداد و مندرجات اصلی اسناد مالکیت تودیع‌شده باشد.

ماده ۵۱۴ - رعایت مقررات تشکیل شرکت سهامی عام جز ماده (۳۷۵) این قانون و نیز مقررات مربوط به سهام این شرکت در مورد سهام شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است. لکن سهام شرکت مختلط سهامی عام نمی‌تواند بی‌نام باشد.

ماده ۵۱۵ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در شرکت مختلط سهامی عام نیز مجری است، لکن سرمایه شرکاء ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری مجامع لحاظ نمی‌شود. در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکاء ضامن لازم است.

ماده ۵۱۶ - هرگاه در مجمع عمومی مؤسس شرکت مختلط سهامی عام آورده غیرنقد، سهام ممتاز و یا مزایای مطالبه‌شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع ظرف مدتی که نباید از یک ماه تجاوز کند تشکیل می‌شود. در فاصله دو

جلسه، اشخاصی که آورده غیرنقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می‌توانند تعهد غیرنقد خود را به تعهد نقد تبدیل و آن را تأدیه کنند و اشخاصی که سهام ممتاز و یا مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده است می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان سهام ممتاز به نظر مجمع مذکور تسلیم نشوند، تعهد آنان حسب مورد نسبت به سهام یا سهم‌الشرکه خود باطل می‌شود. در این صورت هرگاه شرکت به‌جز شریکی که آورده غیرنقد یا سهام ممتاز او مورد قبول واقع نشده است شریک ضامن دیگری داشته باشد یا شخص دیگری با موافقت مجمع عمومی مؤسس به عنوان شریک ضامن در شرکت داخل شود سایر شرکا و یا پذیره‌نویسان می‌توانند به‌جای آنان سرمایه باقی‌مانده شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه کنند. در این مورد نیز مفاد مواد (۴۳۴) و (۴۳۵) این قانون مجری است.^۳

ماده ۵۱۷ - مدیران فقط به وسیله شرکاء ضامن و به اتفاق آرای آنان و بازرسان فقط به وسیله سهام‌داران و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب یا عزل می‌شوند. در اساسنامه نمی‌توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۵۱۸ رعایت مقررات افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام در مورد شرکت مختلط سهامی عام نیز الزامی است.

ماده ۵۱۹ - سهم شرکاء ضامن در افزایش سرمایه نمی‌تواند بیش از نسبت آورده آنها از کل سرمایه شرکت باشد.

ماده ۵۲۰ - واگذاری سهم‌الشرکه شرکاء ضامن منوط به موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت است، لکن واگذاری سهام را به هیچ‌وجه نمی‌توان محدود کرد.

ماده ۵۲۱ - شرکت مختلط سهامی عام در موارد زیر نیز منحل می‌شود:

۱- در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به‌وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۲) این قانون

۲- در صورت فوت یا محجورشدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون

ماده ۵۲۲ - هر یک از شرکای ضامن می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند، مشروط بر اینکه شش ماه قبل از تقاضای انحلال مراتب را از طریق اظهارنامه رسمی به شرکت اعلام کرده باشد. اگر دادگاه جهات تقاضا را مطابق ماده (۴۹۲) موجه تشخیص دهد، حکم انحلال را صادر می‌کند. مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌تواند ظرف مهلت مذکور با رعایت مقررات این قانون از طریق واگذاری سهم‌الشرکه شریک متقاضی انحلال یا اخراج وی از شرکت مانع انحلال شود.

ماده ۵۲۳ - در صورت فوت همه شرکاء ضامن، مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت باید ظرف سه ماه تشکیل شود و در باره انحلال شرکت، تبدیل آن یا واردکردن شریک ضامن جدید تصمیم مقتضی بگیرد. در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. در صورت محجورشدن همه شرکاء نیز رعایت همین حکم الزامی است.

ماده ۵۲۴ - در صورت فوت یکی از شرکاء، ورثه وی می‌توانند با موافقت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت، جانشین شریک متوفی گردند. در صورت موافقت مجمع مذکور، ورثه متوفی باید ظرف سه ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خویش را با جانشینی مورث خود در شرکت به‌وسیله اظهارنامه رسمی اعلام کند. اگر ورثه متوفی ظرف مهلت مقرر رضایت خود را اعلام کنند، نسبت به اعمال شرکت در مدت مذکور از نفع و ضرر شریک و در صورت اعلام عدم رضایت فقط در منافع حاصل در مدت مذکور شریک محسوب می‌شوند و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم

نیستند. در صورت عدم موافقت مجمع عمومی فوق العاده شرکت یا عدم اعلام رضایت به ترتیب مذکور، باید ظرف شش ماه از تاریخ فوت شریک، سهم وی از اموال شرکت به ورثه تأدیه گردد، مگر اینکه مجمع عمومی فوق العاده با واگذاری سهم شرکت شریک متوفی موافقت کند. رعایت مفاد این ماده مانع تصویب انحلال شرکت به وسیله مجمع عمومی فوق العاده نیست. در صورت محجور شدن یکی از شرکاء نیز رعایت همین حکم الزامی است.

مبحث هفتم - شرکت مختلط سهامی خاص

ماده ۵۲۵ - شرکت مختلط سهامی خاص شرکتی است که به وسیله دو یا چند سهام دار و یک یا چند شریک ضامن تشکیل می شود. سهام دار شخصی است که سرمایه وی به صورت اوراق سهام با قیمت های مساوی در آمده است و جز آنچه به عنوان سرمایه در شرکت گذاشته است هیچ مسؤولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد و شریک ضامن شخصی است که سرمایه او به صورت اوراق سهام در نیامده و پس از ختم تصفیه و احراز عدم کفایت اموال، منفرداً، ملتزم به تأدیه کلیه دیون وصول نشده شرکت است. مسؤولیت شرکاء ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.

ماده ۵۲۶ - در نام شرکت مختلط سهامی خاص باید حداقل نام یکی از شرکاء ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکاء ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکاء» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۵۲۷ - سرمایه شرکت مختلط سهامی خاص در زمان ثبت نباید از پنج میلیون ریال کم تر باشد.

ماده ۵۲۸ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت سهامی خاص در شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است، لکن سرمایه شرکاء ضامن در نصاب تشکیل و تصمیم گیری مجامع لحاظ نمی شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع، موافقت کلیه شرکاء ضامن لازم است.

ماده ۵۲۹ - مفاد مواد (۴۷۶) تا (۴۷۸) و مواد (۵۱۷)، (۵۱۹)، (۵۲۰) و (۵۲۴) این قانون در مورد شرکت مختلط سهامی خاص نیز مجری است.

ماده ۵۳۰ - شرکت مختلط سهامی خاص در موارد زیر نیز منحل می شود:

۱- در صورت فوت یا محجور شدن همه شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۲۳) این قانون

۲- در صورت تقاضای انحلال شرکت از دادگاه به وسیله یکی از شرکای ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

ماده ۵۳۱ - شرکتهای مختلط سهامی موجود، شرکت مختلط سهامی خاص محسوب می شوند.

مبحث هشتم - شرکت مختلط غیرسهامی

ماده ۵۳۲ - شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که به وسیله یک یا چند شریک ضامن و یک یا چند شریک با مسؤولیت محدود تشکیل می شود و سرمایه آن قابل تقسیم به سهام یا هرنوع اوراق بهادار دیگر نیست. مسؤولیت شرکاء ضامن در مقابل بستانکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی است.

ماده ۵۳۳ - در نام شرکت مختلط غیرسهامی باید حداقل نام یکی از شرکاء ضامن ذکر شود. در صورتی که نام شرکت مشتمل بر نام تمام شرکاء ضامن نباشد، باید بعد از نام شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل «و شرکاء» یا «و برادران» قید شود.

ماده ۵۳۴ - هریک از شرکاء بامسئولیت محدود که نامش جزء نام شرکت باشد، در مقابل بستانکاران شرکت، شریک ضامن محسوب می شود. هر توافقی که برخلاف این ترتیب بین شرکاء مقرر شود در مقابل اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۳۵ - سرمایه شرکت مختلط غیرسهامی در موقع ثبت نباید از پنج میلیون ریال کم تر باشد.

ماده ۵۳۶ - برای ثبت شرکت مختلط غیرسهامی باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۵۳۷ - کلیه مقررات مربوط به مجامع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی نیز مجری است، لکن سرمایه شرکاء ضامن در نصاب تصمیم گیری مجامع لحاظ نمی شود و در هر حال، برای اعتبار تصمیمات مجامع موافقت کلیه شرکاء ضامن لازم است.

ماده ۵۳۸ - مدیران فقط به وسیله شرکاء ضامن و به اتفاق آراء آنان و بازرسان فقط به وسیله شرکاء با مسئولیت محدود و با اکثریت نسبی آراء آنان انتخاب می شوند. در اساسنامه نمی توان بر خلاف مقررات این ماده ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۵۳۹ - سهم الشرکه شرکاء ضامن به سایر شرکاء و یا غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی فوق العاده و سهم الشرکه شرکاء با مسئولیت محدود به غیر فقط در صورت موافقت مجمع عمومی عادی شرکت واگذار می شود.

ماده ۵۴۰ - شرکت مختلط غیر سهامی در موارد زیر نیز منحل می شود:

۱- در صورت فوت یا محجورشدن هر یک از شرکاء ضامن، مطابق ماده (۵۴۱) این قانون

۲- در صورت فوت یا محجورشدن هریک از شرکاء بامسئولیت محدود، مشروط به پیش بینی در اساسنامه

۳- حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکاء بامسئولیت محدود، مطابق ماده (۴۹۲) این قانون

۴- حکم دادگاه به انحلال در صورت تقاضای یکی از شرکاء ضامن، مطابق ماده (۵۰۵) این قانون

ماده ۵۴۱ - در صورت فوت یکی از شرکاء ضامن مفاد ماده (۵۰۳) این قانون مجری است. اگر برخی از شرکاء بامسئولیت محدود با بقاء شرکت مخالف باشند، سایر شرکاء می توانند با رعایت مقررات این قانون از طریق انتقال سهم الشرکه وی به خود یا موافقت با واگذاری آن به غیر یا اخراج شریک مذکور، مانع انحلال شوند. در صورت محجورشدن یکی از شرکاء نیز رعایت همین حکم الزامی است.

مبحث نهم - شرکت تعاونی سهامی عام

ماده ۵۴۲ - شرکت تعاونی سهامی عام شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و بخشی از سرمایه آن به وسیله عموم تأمین می شود و تعداد سهام هر یک از سهام داران از میزان مشخصی که به موجب این قانون تعیین می شود تجاوز نمی کند. سهام دار شرکت تعاونی سهامی عام جز آن چه که به عنوان آورده تعهد کرده است، مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

ماده ۵۴۳ - تعداد سهام داران شرکت تعاونی سهامی عام نباید از بیست عضو کمتر باشد.

ماده ۵۴۴ - در شرکت تعاونی سهامی عام هیچ شخصی نمی تواند بیش از پنج درصد از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه، به هر علت، تعداد سهام هریک از سهام داران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زاید فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی گیرد. سهام دار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زاید را

با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت مدیره شرکت، سازمان بورس و اوراق بهادار و هر یک از سهام‌داران می‌توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.

ماده ۵۴۵ - سرمایه شرکت تعاونی سهامی عام در موقع ثبت نباید از پنج میلیارد ریال کمتر باشد.

ماده ۵۴۶ - در شرکت تعاونی سهامی عام صدور سهام بی‌نام و صدور یا ایجاد سهام ممتاز ممکن نیست.

ماده ۵۴۷ - کلیه احکام شرکت سهامی عام با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی عام نیز مجری است.

مبحث دهم - شرکت تعاونی سهامی خاص

ماده ۵۴۸ - شرکت تعاونی سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن به سهام تقسیم و در زمان تأسیس فقط به وسیله مؤسسان تعهد می‌شود و تعداد سهام هر یک از سهام‌داران از میزان مشخصی که به موجب این قانون تعیین شده است تجاوز نمی‌کند. سهام‌دار شرکت تعاونی سهامی خاص به جز آنچه که به عنوان آورده تعهد می‌کند مسئولیتی در قبال دیون شرکت ندارد.

ماده ۵۴۹ - تعداد سهام‌داران شرکت تعاونی سهامی خاص نباید از ده عضو کمتر باشد.

ماده ۵۵۰ - در شرکت تعاونی سهامی خاص هیچ شخصی نمی‌تواند بیش از ده درصد از سهام شرکت را دارا باشد. هرگاه، به هر علت، تعداد سهام هر یک از سهام‌داران به طور مستقیم یا غیرمستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند، سهام زاید فاقد حق رأی است و به آن سود تعلق نمی‌گیرد. سهام‌دار مذکور باید ظرف سه ماه سهام زاید را با رعایت مقررات مربوط واگذار کند. در غیر این صورت، هیأت مدیره شرکت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و هر یک از سهام‌داران می‌توانند الزام او را به واگذاری سهام مذکور از دادگاه تقاضا کنند.

ماده ۵۵۱ - شرکت تعاونی سهامی خاص با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

ماده ۵۵۲ - برای ثبت شرکت تعاونی سهامی خاص باید کل سرمایه نقدی تأدیه و تمام سرمایه غیرنقدی تقویم و تسلیم شود.

ماده ۵۵۳ در اساسنامه می‌توان شرایط عضویت در تعاونی را تعیین و یا واگذاری سهام شرکت را محدود کرد. در صورتی که هر یک از اعضاء، شرایط عضویت خود را از دست بدهد، هیأت مدیره باید با تصویب مجمع عمومی عادی شرکت، آن عضو را اخراج و سهام او را مطابق مقررات مربوط واگذار کند.

ماده ۵۵۴ - انتقال سهام شرکت تعاونی سهامی خاص به غیر در صورتی مجاز است که منتقل‌الیه مطابق اساسنامه شرایط عضویت در تعاونی را داشته باشد.

ماده ۵۵۵ - اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی سهامی خاص باید از میان اعضاء تعاونی انتخاب شوند، مگر آن‌که در اساسنامه خلاف آن مقرر شود.

ماده ۵۵۶ - احکام شرکت سهامی خاص با رعایت مقررات این مبحث در مورد شرکت تعاونی سهامی خاص نیز مجری است.

ماده ۵۵۷ - عضویت شرکت تعاونی سهامی خاص در شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و اتاق‌های تعاون و میزان سهام و یا حق عضویت سالانه پرداختی منوط به موافقت مجمع عمومی عادی شرکت است.

ماده ۵۵۸ - کلیه امتیازات و اموالی که از منابع عمومی در اختیار شرکت تعاونی سهامی خاص قرار می‌گیرد باید با انحلال آن مسترد شود و هریک از مدیران شرکت تعاونی در قبال استرداد امتیازات و اموال مذکور به‌طور مستقل مسؤولیت دارد.

ماده ۵۵۹ - برای ثبت شرکت‌های تعاونی سهامی خاص اخذ مجوز از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، الزامی است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر رعایت مفاد این قانون و اساسنامه در شرکت‌های تعاونی سهامی خاص نظارت می‌کند و اصلاح اساسنامه این شرکت‌ها منوط به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. شرایط اعطاء مجوز به شرکت‌های تعاونی سهامی خاص، نحوه نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر این شرکت‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای است که به وسیله وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه و دادگستری تدوین می‌شود و ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پیگیری جرائم و تخلفات مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی خاص در حکم ذی‌نفع و از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف است.

مبحث یازدهم - شرکت تعاونی غیرسهامی

ماده ۵۶۰ - شرکت تعاونی غیرسهامی شرکتی است که به‌وسیله چند شخص تشکیل و سرمایه آن در موقع تأسیس فقط به‌وسیله مؤسسان تأمین می‌شود و سرمایه آن به سهام یا هر نوع ورقه بهادار دیگر قابل تقسیم نیست و میزان سهم الشرکه هر یک از شرکاء از سقف مشخصی که به موجب این قانون تعیین می‌شود تجاوز نمی‌کند. شریک شرکت تعاونی غیرسهامی، به جز آن‌چه که به عنوان آورده در شرکت گذاشته است هیچ مسؤولیتی در قبال دیون و تعهدات شرکت ندارد. به هریک از شرکاء شرکت تعاونی غیرسهامی عضو اطلاق می‌شود.

ماده ۵۶۱ - شرکت تعاونی غیرسهامی فقط به اعضای تعاونی خدمات ارائه می‌کند.

ماده ۵۶۲ - تعداد اعضای شرکت تعاونی غیرسهامی نباید از هفت شخص کم‌تر باشد.

ماده ۵۶۳ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سهم‌الشرکه هیچ‌یک از شرکاء نباید بیش از یک‌هفتم سرمایه شرکت باشد. هرگاه به هر علت میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکاء به طور مستقیم یا غیر مستقیم از میزان مذکور در این ماده تجاوز کند سهم‌الشرکه زاید باید ظرف سه‌ماه بارعایت مقررات مربوط واگذار شود در غیر این صورت به سهم‌الشرکه زاید سود تعلق نمی‌گیرد.

ماده ۵۶۴ - در اساسنامه می‌توان شرایط عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی را تعیین کرد. هر شخصی که مطابق اساسنامه شرایط عضویت در شرکت را داشته باشد می‌تواند عضو تعاونی باشد. برای عضویت در شرکت تعاونی غیرسهامی داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران و عدم عضویت در تعاونی مشابه شرط است.

ماده ۵۶۵ - در شرکت تعاونی غیرسهامی هر یک از اعضاء فارغ از میزان سهم‌الشرکه خود، فقط یک رأی دارد.

ماده ۵۶۶ - هر یک از اعضاء شرکت تعاونی می‌تواند به موجب سند رسمی استفاده از حق خود برای حضور و دادن رأی در مجمع عمومی را به‌یک عضو دیگر واگذار کند، لکن هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر رأی خود بیش از سه رأی با وکالت داشته باشد.

ماده ۵۶۷ - در مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی غیرسهامی بیش از نصف اعضا باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر تعداد از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد، به شرط آن‌که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

ماده ۵۶۸ - تصمیمات مجمع عمومی عادی همواره با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است، مگر در مورد انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است.

ماده ۵۶۹ - در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تعاونی غیرسهامی باید بیش از نصف اعضا حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشود، مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور یک‌سوم اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیم می‌گیرد، به شرط آن‌که در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شود.

ماده ۵۷۰ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره با اکثریت بیش از دوسوم آراء حاضران دارای حق رأی در جلسه رسمی معتبر است.

ماده ۵۷۱ در اساسنامه نمی‌توان برخلاف مواد (۵۶۴)، (۵۶۵) و (۵۶۷) تا (۵۷۰) این قانون ترتیب دیگری مقرر کرد.

ماده ۵۷۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی، مجمع عمومی می‌تواند درصدی از سود خالص شرکت را برای آموزش اعضا اختصاص دهد.

ماده ۵۷۳ - در پایان هر سال مالی مابه‌التفاوت قیمت پرداختی بابت کالاها و یا خدمات ارائه شده به هریک از اعضا و قیمت تمام شده آن کالاها و یا خدمات به‌عنوان مازاد برگشتی به نسبت معاملات هریک از اعضا با شرکت به آنها پرداخت می‌شود.

ماده ۵۷۴ - در شرکت تعاونی غیرسهامی سود قابل تقسیم با لحاظ مقادیر مندرج در مواد (۵۷۲) و (۵۷۳) این قانون محاسبه و با رعایت مفاد این قانون و اساسنامه شرکت بین اعضا تقسیم می‌شود.

ماده ۵۷۵ - تصمیم درباره انحلال و ادغام و تجزیه و تبدیل شرکت تعاونی غیرسهامی پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتبر است. انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه شرکت تعاونی غیرسهامی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین کننده اعتبار، کمک مالی، امکانات مختلف، سرمایه‌گذاری و مشارکت است ممنوع می‌باشد.

ماده ۵۷۶ - پس از تشکیل شرکت تعاونی غیرسهامی، در صورت وجود شرایط زیر اشخاص دیگر نیز می‌توانند به عضویت تعاونی درآیند:

۱- دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی مطابق اساسنامه

۲- وجود ظرفیت در تعاونی

۳- پرداخت حق عضویت

۴- پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید پس از عضویت

تبصره ۱- پرداخت مابه‌التفاوت حق عضویت و قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو جدید براساس صورت‌های مالی و متناسب با توسعه اموال و امکانات شرکت در ابتدای هر سال به وسیله مجمع عمومی تعیین و به تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌رسد.

تبصره ۲ - حق عضویت، حداقل مبلغی است که به موجب اساسنامه هریک از اعضاء برای تشکیل شرکت می‌پردازند.

تبصره ۳ - تشخیص موارد مذکور در این ماده با هیأت مدیره شرکت است. شخصی که تقاضای عضویت او به وسیله هیأت مدیره رد می‌شود، می‌تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت تسلیم کند. بازرس یا بازرسان باید شکایت مذکور را با اظهار نظر خود به اولین مجمع عمومی عادی گزارش کنند. در این صورت، تصمیم‌گیری در مورد عضویت متقاضی برعهده مجمع عمومی است.

ماده ۵۷۷ - هر یک از اعضاء شرکت تعاونی غیرسهامی می‌تواند با ارسال اظهارنامه رسمی به شرکت از آن خارج شود، مشروط بر اینکه تعداد اعضاء تعاونی از حداقل مقرر در این قانون کم‌تر نشود. در صورت خروج عضو از تعاونی، سهم او از اموال شرکت، که مطابق مقررات اساسنامه و بر اساس صورت‌های مالی سال قبل محاسبه می‌شود، پس از تأیید کارشناس رسمی دادگستری و کسر بدهی عضو خارج‌شده، به صورت علی‌الحساب به وی پرداخت می‌گردد. مابه‌التفاوت قیمت واقعی سهم‌الشرکه عضو و مبلغ پرداخت‌شده بر اساس صورت‌های مالی سال خروج عضو از تعاونی محاسبه می‌شود.

ماده ۵۷۸ رعایت مقررات مربوط به تغییرات سرمایه در ورود اعضاء جدید یا خروج یا اخراج اعضاء تعاونی الزامی نیست.

ماده ۵۷۹ - در موارد زیر عضو از تعاونی اخراج می‌شود:

- ۱ - ازدست‌دادن هر یک از شرایط عضویت
 - ۲ - عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی به وسیله هیأت مدیره، به فاصله ۱۵ روز، و گذشتن ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ اخطار دوم
 - ۳ - ارتکاب اعمال موجب ورود زیان به تعاونی و عدم توان جبران آن ظرف یک سال
- تبصره - تشخیص موارد مذکور، بر اساس تقاضای هر یک از اعضاء هیأت مدیره یا بازرسان با مجمع عمومی عادی است.

ماده ۵۸۰ - در صورت فوت هر یک از اعضاء تعاونی غیرسهامی، یکی از وراث وی در صورت دارا بودن شرایط عضویت در تعاونی، می‌تواند با موافقت سایر وراث به جانشینی متوفی، به عضویت تعاونی درآید. عضویت سایر ورثه منوط به رعایت شرایط مقرر در ماده (۵۷۶) این قانون است. در صورت عدم تمایل وراث یا عدم توافق آنها، عضویت لغو می‌گردد.

ماده ۵۸۱ - در صورت لغو عضویت به سبب فوت، انحلال و اخراج، سهم آن عضو از اموال شرکت مطابق ماده (۵۷۷) این قانون محاسبه و به وی پرداخت می‌شود.

ماده ۵۸۲ - در شرکت تعاونی غیرسهامی انتخاب مجدد هریک از اعضاء اصلی هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی مجاز است. افرادی که موفق به کسب دوسوم آراء کل اعضاء شرکت تعاونی مذکور شوند، از مقررات ممنوعیت بیش از دو نوبت مندرج در ماده مستثنی می‌باشند.

ماده ۵۸۳ - هر یک از دستگاه‌های اجرایی که در شرکت تعاونی غیر سهامی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در شرکت و حضور در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به عنوان ناظر داشته باشند.

ماده ۵۸۴ - هر یک از اعضاء شرکت تعاونی غیرسهامی که از خدمات شرکت یا هرنوع عملکرد هیأت مدیره یا مدیرعامل شرکت شکایتی دارد می تواند شکایت خود را به بازرس یا بازرسان شرکت اعلام کند. بازرس یا بازرسان باید مراتب را به همراه اظهار نظر خود به مجمع عمومی عادی گزارش کنند.

ماده ۵۸۵ - قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در مورد ذخیره قانونی غیر قابل تقسیم شرکت های تعاونی موجود و نحوه مصرف آن پس از انحلال شرکت، کماکان مجری است لکن رعایت قانون مذکور در مورد درآمدهای بعدی آن دسته از شرکت های تعاونی که اساسنامه خود را با این قانون تطبیق داده اند الزامی نیست.

ماده ۵۸۶ - کلیه شرکت های تعاونی موجود که بر اساس قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ یا قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۳ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها تشکیل شده اند شرکت تعاونی غیرسهامی محسوب می شوند، مگر اینکه اساسنامه خود را با رعایت مقررات تبدیل شرکت ها بر اساس شرکت تعاونی سهامی خاص یا شرکت تعاونی سهامی عام اصلاح کنند.

ماده ۵۸۷ - مجامع عمومی شرکت های تعاونی غیرسهامی که تعداد اعضاء آنها افزون بر پانصد عضو است و در مناطق مختلف کشور پراکنده اند می توانند به صورت دو مرحله ای برگزار گردد. در مرحله اول نماینده یا نمایندگان اعضاء در حوزه های مختلف فعالیت شرکت تعیین و در مرحله دوم، مجمع عمومی با حضور نمایندگان منتخب اعضاء تشکیل می شود. چگونگی انتخاب نماینده یا نمایندگان در مرحله اول و حدود اختیارات و نحوه اعمال رأی آنها در مرحله دوم مجمع عمومی مطابق اساسنامه تعیین می گردد.

ماده ۵۸۸ - در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به شرکت تعاونی غیرسهامی پس از سه بار اخطار کتبی ظرف یک سال به وسیله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که فاصله هر اخطار حداقل یک ماه باشد این وزارتخانه انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا می کند.

ماده ۵۸۹ - مفاد مواد (۵۵۱)، (۵۵۲)، (۵۵۴)، (۵۵۵)، (۵۵۷)، (۵۵۸) و (۵۵۹) این قانون در مورد شرکت تعاونی غیرسهامی نیز مجری است.

فصل سوم - مقررات تکمیلی

مبحث اول - ادغام، تجزیه و تبدیل شرکت ها

گفتار اول - ادغام و تجزیه

ماده ۵۹۰ - ادغام بر دو قسم ساده و مرکب است. جذب یک یا چند شرکت به وسیله شرکت دیگر، ادغام ساده و تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یک دیگر، ادغام مرکب است. در ادغام ساده شرکت جذب شده و در ادغام مرکب شرکت های طرف ادغام، شخصیت حقوقی خود را از دست می دهند.

ماده ۵۹۱ - ادغام شرکت ها با رعایت مقررات قانونی تسهیل رقابت و منع انحصار و در مواردی که به موجب آیین نامه اجرایی این ماده مشخص می شود پس از اخذ مجوز از شورای رقابت انجام می گیرد. آیین نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد شورای رقابت شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۵۹۲ - تجزیه بر دو قسم جزئی و کلی است. واگذاری بخشی از اموال و دیون شرکت به یک یا چند شرکت جدید، تجزیه جزئی و واگذاری کلیه اموال و دیون شرکت به حداقل دو شرکت جدید، تجزیه کلی است. در تجزیه کلی شرکت تجزیه شده شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد.

ماده ۵۹۳ - ادغام ساده یا مرکب هر یک از شرکت‌ها در یکدیگر یا تجزیه کلی یا جزئی هر یک از شرکت‌ها به شرکت‌های دیگر با رعایت مواد این مبحث مجاز است.

ماده ۵۹۴ - مسؤلیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود و شرکای مذکور کماکان ضامن دیون شرکت تا پیش از ادغام یا تجزیه می‌باشند.

ماده ۵۹۵ - تشکیل شرکت جدیدی که در آن شریک ضامن وجود دارد از طریق ادغام یا تجزیه به رضایت تمام شرکاء و یا سهام‌دارانی منوط است که قرار است شریک ضامن شرکت جدید شوند.

ماده ۵۹۶ - هرگاه در اثر ادغام یا تجزیه، شریک و یا سهامدار یک شرکت به شریک ضامن شرکت دیگر تبدیل شود یا سهام‌دار یک شرکت به شریک شرکت دیگر تبدیل شود یا سهام‌دار شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام به سهام‌دار شرکت سهامی خاص، مختلط سهامی خاص یا تعاونی سهامی خاص تبدیل شود رضایت شریک و یا سهام‌دار مذکور شرط است.

ماده ۵۹۷ - شرکت‌های تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی فقط می‌توانند با رعایت مقررات این قانون با شرکت‌های هم‌نوع خود به‌روش ساده یا مرکب ادغام یا به شرکت‌های هم‌نوع خود به‌طور کلی یا جزئی تجزیه شوند، لکن سایر شرکت‌ها می‌توانند با رعایت این قانون در این شرکت‌ها یا شرکت تعاونی سهامی عام ادغام شوند مشروط بر اینکه شرکاء و یا سهام‌دارانی که پس از ادغام با شرکت تعاونی مجبور به انتقال بخشی از سهام خود می‌باشند با این ادغام موافقت کنند. همچنین تشکیل هر یک از این شرکت‌ها از طریق ادغام شرکت‌های هم‌نوع آن شرکت با سایر شرکت‌ها با رعایت این قانون مجاز است.

ماده ۵۹۸ - طرح مشترک ادغام به وسیله مدیران شرکت‌های طرف ادغام و طرح تجزیه به وسیله مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه تهیه می‌شود و به تصویب می‌رسد. در اساسنامه شرکت می‌توان تصمیم‌گیری در مورد تهیه و تصویب طرح مزبور را به موافقت اولیه مجمع عمومی فوق‌العاده موکول کرد.

ماده ۵۹۹ - طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- گزارش توجیهی دلایل ادغام یا تجزیه

۲- نام شرکت‌های طرف ادغام، میزان سرمایه و موضوع آنها در ادغام و نام شرکت موضوع تجزیه در تجزیه

۳- نوع ادغام یا تجزیه؛

۴- تعیین نام شرکت یا شرکت‌های ادغام شده و بازمانده در ادغام ساده و تعیین نام شرکت‌های منحل شده و شرکت جدید در ادغام مرکب و تعیین نام شرکت بازمانده و یا جدید در تجزیه

۵- صورت‌های مالی مشتمل بر توصیف و ارزیابی اموال و دیون هر یک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت

موضوع تجزیه

تبصره- این صورت‌های مالی حداکثر دوماه قبل از تاریخ انتشار طرح موضوع ماده (۵۹۸) این قانون با تأیید بازرس یا بازرسان شرکت تهیه می‌شود و در صورتی که بازرس یا بازرسان شرکت حسابدار رسمی نباشند به تأیید حسابدار رسمی می‌رسد.

- ۶- ذکر میزان اوراق بهادار و نوع آن و تعیین عوض اوراق مذکور در شرکت جدید یا بازمانده
- ۷- طرح اساسنامه شرکت بازمانده و یا جدید و اسامی مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و اعلام قبولی آنها
- ۸- تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم‌الشرکه، سهام‌داران و یا شرکای شرکت جدید یا بازمانده
- ۹- تبیین شیوه‌های تعیین تعداد سهام و یا میزان سهم‌الشرکه مذکور همراه با نظریه کارشناس رسمی دادگستری
- ۱۰- نحوه تعویض سهام غیرقابل تبدیل در اثر ادغام
- ۱۱- تعیین تکلیف در مورد مسئولیت تأدیه دیون ایفای تعهدات شرکت موضوع تجزیه با قید میزان دیون مذکور

در طرح تجزیه

- ۱۲- نحوه تقسیم اموال و مطالبات بین شرکت‌های جدید و یا بازمانده در تجزیه
 - ۱۳- تعیین تکلیف در مورد حقوق خاص شرکاء و یا سهام‌داران شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه
 - ۱۴- تعیین وضع کارکنان شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه با رعایت مقررات مربوط
 - ۱۵- ذکر دعاوی له و علیه شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه در مراجع قانونی
 - ۱۶- تعیین روزنامه شرکت جدید
 - ۱۷- تعیین نحوه انتقال اموال به روش ارزش روز یا دفتری
 - ۱۸- برآورد هزینه‌های ادغام یا تجزیه
- ماده ۶۰۰ -** خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه شامل خلاصه گزارش موضوع بندهای «۱»، «۲»، «۳»، «۴»، «۶»، «۸»، «۱۱»، «۱۲»، «۱۳»، «۱۵» و «۱۷» ماده (۵۹۹) این قانون به وسیله مدیر یا مدیران هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا تجزیه ظرف پانزده روز از تاریخ تصویب آن در هیأت مدیره در روزنامه هریک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه آگهی می‌شود و کل آن در پایگاه الکترونیک شرکت قرار می‌گیرد. در صورتی که شرکت فاقد روزنامه و یا پایگاه الکترونیک باشد، خلاصه طرح مشترک ادغام و طرح تجزیه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار سراسری و کل آن در پایگاه الکترونیک مرجع ثبت شرکت‌ها منتشر می‌شود.
- ماده ۶۰۱ -** در مورد ادغام یا تجزیه، هریک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده (۶۰۰) این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را در مورد ادغام یا تجزیه به دادگاه تقدیم کنند.
- ماده ۶۰۲ -** در مهلت مذکور در ماده (۶۰۱) این قانون و همچنین در صورتی که اعتراضی شده و وثیقه کافی برای پرداخت طلب معترض تودیع نشده باشد ادغام یا تجزیه ممنوع است، مگر اینکه رأی قطعی در باره رد اعتراض موضوع ماده (۶۰۱) از سوی دادگاه صادر شده باشد.
- ماده ۶۰۳ -** اتخاذ تصمیم در مورد ادغام یا تجزیه پس از ارائه طرح مربوط و گزارش مدیر یا مدیران در مورد پایان یافتن اعتراضات موضوع ماده (۶۰۱) این قانون و گزارش بازرس یا بازرسان در باره جزئیات طرح در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده هر یک از شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه انجام می‌گیرد.
- ماده ۶۰۴ -** دعوت از مجمع عمومی فوق‌العاده باید ظرف یک‌ماه پس از انقضای مهلت اعتراض اشخاص ذی‌نفع موضوع ماده (۶۰۳) این قانون انجام گیرد.
- ماده ۶۰۵ -** در صورتی که ادغام یا تجزیه بدون رعایت تشریفات مربوط انجام شود، هر ذی‌نفع می‌تواند ابطال ادغام یا تجزیه را از دادگاه تقاضا کند. در هر حال، تا تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم در ماهیت دعوی به وسیله دادگاه

رسیدگی کننده، شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه کماکان با حفظ شخصیت حقوقی خود فعالیت می‌نمایند.

ماده ۶۰۶ - انحلال شرکت یا تشکیل شرکت جدید در روند ادغام یا تجزیه مطابق این قانون مستلزم رعایت احکام مربوط به تصفیه یا تشکیل شرکت تجارتي نیست.

ماده ۶۰۷ - برای ثبت ادغام و تجزیه، مدیران شرکت‌های طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه باید حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تصویب ادغام یا تجزیه، اظهارنامه‌ای به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند:

۱ - آگهی طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه

۲ - فهرست کامل بستانکاران شرکت و مبلغ طلب آنها و وضع هریک از طلب‌ها پس از انتشار آگهی طرح مشترک

۳ - اساسنامه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه

۴ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده دایر بر تصویب ادغام یا تجزیه

ماده ۶۰۸ - اظهارنامه موضوع ماده (۶۰۷) این قانون باید به امضاء مدیران شرکت‌های طرف ادغام و مدیر یا مدیران شرکت موضوع تجزیه برسد و متضمن موارد زیر باشد:

۱- نام و موضوع و مدت و اقامت‌گاه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه

۲- سرمایه شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه و مبلغ پرداخت شده آن

۳- تعداد و امتیارات سهام ممتاز در صورت انتشار آن سهام

۴- هویت مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت

۵- ذکر نام روزنامه شرکت و پایگاه الکترونیک آن

ماده ۶۰۹ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۰۷) این قانون در صورت کامل بودن مدارک و مطابقت مندرجات آنها با مقررات قانونی به ثبت ادغام یا تجزیه و شرکت جدید حاصل از آن اقدام نماید و در غیر این صورت، ظرف همان مهلت به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به طور کتبی به وی اعلام کند. نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد نقص و یا مغایرت باشد.

ماده ۶۱۰ - شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم مقام شرکت یا شرکت‌های منحل شده‌اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می‌تواند به قائم مقامی شرکت‌های منحل شده دعاوی آنها علیه اشخاص ثالث را پی‌گیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوا کند. اشخاص ثالث نیز می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت‌های منحل شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پی‌گیری یا مطرح کنند. در تجزیه کلی یا جزئی، اشخاص ثالث می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت تجزیه شده را حسب مورد علیه هریک از شرکت‌های جدید و یا بازمانده مطرح کنند. هریک از شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و هریک از شرکت‌های بازمانده و جدید در تجزیه جزئی نیز به نحوی که مطالبات را در طرح مصوب تجزیه، بین خود تقسیم کرده‌اند می‌توانند علیه اشخاص ثالث اقامه دعوا کنند. مسؤولیت شرکای ضامن با ادغام یا تجزیه از بین نمی‌رود.

ماده ۶۱۱ - شرکت حاصل از ادغام یا تجزیه می‌تواند از نام شرکت‌های طرف ادغام یا شرکت موضوع تجزیه استفاده کند مشروط بر اینکه منجر به استفاده مشترک از یک نام نشود.

ماده ۶۱۲ - در صورت ثبت ادغام یا تجزیه، مراجع ذی ربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده مبنی بر اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح تجزیه یا ادغام اقدام کنند. در این مورد، واگذاری اموال به شرکت بازمانده یا جدید از دریافت حق الثبت و مالیات انتقال و هرگونه حقوق و عوارض انتقالی معاف است.

ماده ۶۱۳ - پس از تجزیه اگر شرکتی که تأدیه دیون و ایفای تعهدات را بر عهده گرفته است از ایفای به موقع آنها خودداری ورزد، هر یک از شرکت‌های ایجادشده در اثر تجزیه به‌طور مستقل مسؤول ایفای کلیه دیون و تعهدات مذکور می‌باشند.

ماده ۶۱۴ - شرکت متوقف و شرکت مشمول مواد (۲۱۶) ویا (۲۱۷) این قانون نمی‌تواند ادغام یا تجزیه شود.

ماده ۶۱۵ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌های موضوع ادغام یا تجزیه از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۶۱۶ - ادغام یا تجزیه از تاریخ ثبت محقق می‌شود.

گفتار دوم - تبدیل

ماده ۶۱۷ - تبدیل هر شرکت به انواع شرکت‌های دیگر با رعایت مفاد این قانون مجاز است و این امر بر دیون و تعهدات سابق شرکت و شرکاء تأثیری ندارد.

ماده ۶۱۸ - شرایط تبدیل شرکت به قرار زیر است:

۱- موضوع تبدیل به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت برسد.

۲- اساسنامه شرکت با رعایت این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده برسد.

۳- حداقل دو سال از تاریخ ثبت شرکت بگذرد و دو صورت مالی آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد.

۴- سرمایه آن حداقل به میزانی باشد که برای شرکت جدید مقرر شده است یا شرکت سرمایه خود را بر اساس مقررات این قانون به میزان مذکور افزایش دهد.

۵- مجوزهای لازم برای تحقق موضوع شرکت جدید اخذ شود.

۶- تعداد اعضای آن از حداقل مقرر برای شرکت جدید کمتر نباشد.

تبصره ۱ - شرکت‌های تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی قابل تبدیل به سایر شرکت‌ها نیستند ولی سایر شرکت‌ها می‌توانند با رعایت مقررات این قانون به این دو نوع شرکت تبدیل شوند مشروط بر اینکه تعداد سهام هیچ‌یک از سهامدارن آنها از میزان مشخصی که به موجب این قانون معین شده است بیشتر نشود.

تبصره ۲ - برای تبدیل هر یک از انواع شرکت‌ها به شرکت تضامنی یا نسبی اتفاق آراء کلیه شرکاء ویا سهام‌داران و برای تبدیل هر یک از انواع شرکت‌ها به شرکت مختلط سهامی عام یا مختلط سهامی خاص یا مختلط غیرسهامی علاوه بر تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده، رضایت کلیه شرکاء ویا سهام‌دارانی که قرار است شریک ضامن شرکت جدید باشند لازم است.

تبصره ۳ - برای تبدیل شرکت‌های سهامی عام و مختلط سهامی عام به سایر شرکت‌ها و نیز برای تبدیل شرکت‌های سهامی خاص و مختلط سهامی خاص به شرکت با مسئولیت محدود یا مختلط غیرسهامی رضایت همه سهام‌داران الزامی است.

ماده ۶۱۹ رعایت مفاد مواد (۶۰۱)، (۶۰۲)، (۶۰۳) و (۶۱۵) این قانون در مورد تبدیل شرکت‌ها نیز الزامی است. شرکت جدید پس از تبدیل از هر جهت قائم‌مقام شرکت تبدیل‌شده محسوب می‌شود.

ماده ۶۲۰ - تبدیل شرکت‌های سهامی عام، سهامی خاص، مختلط سهامی عام و مختلط سهامی خاص به انواع شرکت‌های دیگر در موارد زیر مجاز نیست:

- ۱- سرمایه تعهدشده به وسیله سهام‌داران به‌طور کامل تأدیه نشده باشد.
- ۲- تا زمانی که اوراق بهادار صادرشده از جانب شرکت تسویه نشده باشد.
- ماده ۶۲۱ - برای ثبت تبدیل هر یک از شرکت‌ها به شرکتی غیر از شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید ظرف یک ماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق‌العاده تبدیل شرکت را تصویب می‌کند. اظهارنامه‌ای به همراه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت کنند:
 - ۱- صورت‌جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که تبدیل شرکت را تصویب کرده است.
 - ۲- اساسنامه جدید که با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکت جدید، اصلاح شده و به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده باشد.
 - ۳- صورت‌های مالی که در بند (۵) ماده (۵۹۹) این قانون ذکر شده است.
 - ۴- گواهی‌نامه حاکی از میزان سرمایه ثبت شده شرکت و میزانی از آن که پرداخت شده است.
 - ۵- تصویر مصدق موافقتنامه مرجع خاص در صورتی که انجام موضوع شرکت جدید به موجب قانون مستلزم موافقت آن مرجع باشد.
 - ۶- مدارک هویت مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که تصدیق شده باشد.

ماده ۶۲۲ - اظهارنامه تبدیل مذکور در ماده (۶۲۱) باید به امضاء مدیر یا مدیران شرکت برسد و مشتمل بر نکات

زیر باشد:

- ۱- هویت شرکت جدید
 - ۲- موضوع شرکت جدید
 - ۳- مدت شرکت جدید
 - ۴- اقامت‌گاه شرکت جدید و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد، نشانی دقیق شعب آن
 - ۵- میزان سرمایه ثبت شده شرکت جدید و مبلغ پرداخت‌شده آن
 - ۶- شرح مزایای مترتب بر سهم‌الشرکه و یا تعیین تعداد و امتیازات سهم ممتاز در صورت اختصاص مزایا و یا سهم ممتاز به اعضا
 - ۷- هویت مدیر یا مدیران، مدیرعامل و بازرس یا بازرسان شرکت جدید
 - ۸- ذکر نام روزنامه شرکت جدید در صورت تکلیف شرکت به داشتن روزنامه به موجب قانون یا اساسنامه
- تبصره - در موارد تبدیل شرکت به شرکت سهامی خاص یا مختلط سهامی خاص علاوه بر موارد مذکور در این ماده ذکر موارد مندرج در بند (۱) ماده (۱۴۹) این قانون نیز الزامی است.

ماده ۶۲۳ - مرجع ثبت شرکت‌ها پس از وصول مدارک مذکور در ماده (۶۲۱) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت می‌کند. در صورت نقص مدارک و یا مغایرت آنها با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز موارد مغایرت را به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند.

ماده ۶۲۴ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اظهارنامه تبدیل شرکت ذکر و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت‌های مالی مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم در مورد تبدیل شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها و در اقامت‌گاه شرکت برای مراجعه علاقه‌مندان، موجود است.

ماده ۶۲۵ - برای تبدیل هریک از شرکت‌ها به شرکت سهامی عام یا مختلط سهامی عام یا تعاونی سهامی عام، مدیر یا مدیران شرکت باید اظهارنامه تبدیل شرکت را به همراه مدارک موضوع ماده (۶۲۱) این قانون و طرح توجیه اقتصادی موضوع فعالیت شرکت و گزارش تحلیلی ریسک‌های مرتبط با آن به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم و رسید دریافت کنند. این اظهارنامه باید مشتمل بر موارد مندرج در ماده (۶۲۲) و تبصره آن باشد. همچنین هرگاه تأمین سرمایه لازم از طریق مراجعه به عموم مدنظر باشد باید طرح اعلامیه پذیره‌نویسی که با رعایت ماده (۴۶۷) تدوین می‌شود به همراه مدارک مذکور به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم شود.

ماده ۶۲۶ - سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف است حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده (۶۲۵) این قانون در صورت نقص مدارک و یا فقدان توجیه اقتصادی برای تبدیل شرکت، مراتب را به شرکت اعلام و در غیر این صورت، موافقت‌نامه خود را به همراه این مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند. تبصره - صدور موافقت‌نامه به منزله تضمین توجیه اقتصادی و سودآوری نیست و فقط بیانگر رعایت قوانین و مقررات و شفافیت اطلاعات ارائه‌شده است.

ماده ۶۲۷ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۶) این قانون و تطبیق مندرجات آنها با قانون حسب مورد تبدیل شرکت را ثبت یا اجازه انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی را صادر و مراتب را به‌طور کتبی به شرکت متقاضی تبدیل و سازمان بورس اوراق بهادار اعلام کند، در این صورت رعایت مفاد مواد (۴۷۱) و (۴۷۲) الزامی است. در صورت مغایرت مدارک ارسالی با مقررات قانونی، مرجع ثبت شرکت‌ها باید ظرف همان مهلت موارد مغایرت را کتبی به شرکت و سازمان مذکور اعلام کند.

ماده ۶۲۸ - پس از گذشتن مهلتی که برای تأمین مبلغ سرمایه لازم، معین شده است و در صورت تمدید پس از انقضای مدت تمدیدشده، مدیر یا مدیران حداکثر تا یک‌ماه به تعهدات پذیره‌نویسان رسیدگی و در صورت تأمین کل سرمایه لازم ضمن اصلاح اساسنامه، تعداد سهام و میزان تعهد هر یک از تعهدکنندگان را تعیین و مراتب را به سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام می‌کنند و پس از تأیید سازمان مذکور، مراتب را برای ثبت و آگهی به اطلاع مرجع ثبت شرکت‌ها می‌رسانند.

ماده ۶۲۹ - مرجع ثبت شرکت‌ها باید حداکثر ظرف ده روز از تاریخ دریافت مدارک موضوع ماده (۶۲۸) این قانون در باره مطابقت یا مغایرت مندرجات آنها با قانون اعلام نظر و به درخواست متقاضی ثبت مراتب را به‌طور کتبی به وی اعلام کند. در صورت اعلام مغایرت مندرجات مدارک با قانون، نظریه مرجع ثبت شرکت‌ها باید متضمن موارد مغایرت باشد.

ماده ۶۳۰ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده (۶۲۹) این قانون عرضه می‌شود به‌طور کامل تعهد نشود، شرکت نمی‌تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۶۳۱ - تبدیل شرکت از تاریخ ثبت محقق می‌شود.

مبحث دوم - مقررات ثبتی

ماده ۶۳۲ - ثبت کلیه شرکت‌های مذکور در این قانون در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (مرجع ثبت شرکت‌ها) الزامی است.

ماده ۶۳۳ - حداکثر یک ماه پس از ثبت هر شرکت تجاری، خلاصه اساسنامه آن طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزیر دادگستری که حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، منتشر می‌گردد.

ماده ۶۳۴ - هرگاه شرکت تجاری در چندین حوزه شعبه یا نمایندگی داشته باشد، شعب یا نمایندگی‌های مذکور نیز باید مطابق مقررات این قانون به ثبت برسند.

ماده ۶۳۵ - هر یک از شرکاء شرکت‌هایی که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند و خود را با رعایت احکام این قانون ثبت نکرده‌اند به نسبت سرمایه خود در شرکت، مسؤول کلیه دیون شرکت محسوب می‌شوند. در صورتی که این اشخاص در اسناد، صورت‌حساب‌ها و آگهی‌های خود از عنوان شرکت استفاده کنند به مجازات حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.

ماده ۶۳۶ - مؤسسات غیرتجارتی که به اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون اشتغال دارند در مورد دیون خود در مقابل طلبکاران و اشخاص ثالث، حکم شرکت تضامنی را دارند. هر یک از اعضاء مؤسسات مذکور در صورت عدم کفایت اموال مؤسسه پس از انحلال و تصفیه، مسؤول کلیه دیون شرکت محسوب می‌شود.

ماده ۶۳۷ - ثبت مؤسسات غیرتجارتی با موضوع هر یک از اعمال مندرج در ماده (۱) این قانون ممنوع است و چنین مؤسساتی در حکم مؤسسات موضوع ماده (۶۳۶) می‌باشند.

ماده ۶۳۸ - شرکت‌های خارجی که در کشور محل ثبت خود شرکت قانونی شناخته می‌شوند، با رعایت مفاد این قانون می‌توانند به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران اقدام کنند. هر شرکت خارجی که در تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در ایران شعبه یا نمایندگی دارد که به ثبت نرسیده است با رعایت مقررات این ماده باید حداکثر ظرف چهار ماه از تاریخ مذکور تقاضای ثبت کند.

ماده ۶۳۹ - سهم‌الشرکه فقط به موجب سند رسمی واگذار می‌شود. در غیر این صورت، واگذاری در مقابل شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست. دفتر اسناد رسمی ثبت‌کننده معامله باید نسخه‌ای از سند رسمی واگذاری سهم‌الشرکه را ظرف ده روز به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال کند.

ماده ۶۴۰ - موارد زیر باید برای ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال گردد و پس از ثبت، به هزینه شرکت در روزنامه رسمی و در صورتی که شرکت روزنامه داشته باشد در روزنامه شرکت آگهی شود. تسلیم رونوشت یا تصویر مصدق صورت‌جلسه‌ای که متضمن موارد مذکور است به همراه ضمائم آن به مرجع ثبت شرکت‌ها الزامی است:

۱- هویت مدیر یا مدیران و یا بازرس یا بازرسان و مدیر یا مدیران تصفیه و هویت مدیر یا مدیران جایگزین شده مطابق مواد (۲۰۶) و (۲۰۷) این قانون و هویت بازرس یا بازرسان جایگزین شده مطابق مواد (۲۵۱) و (۲۵۲)

۲- تصویب صورت‌های مالی

۳- تعیین روزنامه شرکت

- ۴- هر نوع تغییر در اساسنامه و سرمایه
- ۵- تصویب ادغام، تجزیه یا تبدیل و تحقق هر یک از آنها
- ۶- انحلال و نحوه تصفیه و انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه
- ۷- انتشار اوراق بهادار در صورت مجاز بودن شرکت به انتشار این اوراق به موجب قانون
- ۸- هویت مدیرعامل و قائم مقام یا قائم مقامان وی
- ۹- هویت نماینده معرفی شده به وسیله شخص حقوقی به عنوان مدیر یا برای شرکت در جلسات مدیران
- ۱۰- هویت مدیران شعب و نمایندگی های شرکت
- ۱۱- حدود اختیارات مدیرعامل و قائم مقام وی
- ۱۲- نشانی دقیق شرکت و شعب و نمایندگی های آن و تغییرات بعدی در نشانی آنها
- ۱۳- تغییر در شرکاء و یا میزان سهم الشرکه آنها

ماده ۶۴۱ - در کلیه مواردی که مصوبات مجمع عمومی یا مدیر یا مدیران باید به مرجع ثبت شرکتها ارائه شود این امر باید ظرف یک ماه از تاریخ مصوبه انجام پذیرد. اگر در متن مصوبه نماینده ای برای مراجعه به این مرجع معین نشود، مدیر یا مدیران شرکت ظرف مهلت مذکور موظف به مراجعه می باشند. عدم ثبت تصمیمات مذکور و آگهی آن به موجب این قانون باعث بطلان آنها نیست، ولی شرکت در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه نمی تواند به این تصمیمات استناد کند.

ماده ۶۴۲ - در کلیه مواردی که به موجب این قانون نشر آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، روزنامه شرکت، روزنامه دیگر و یا پایگاه الکترونیک مقرر شود، از نظر اجرای این قانون، مفاد و تاریخ آگهی مندرج در روزنامه رسمی مناط اعتبار است. هرگاه مطابق مقررات این قانون نشر آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار پیش بینی شود، از نظر اجرای مقررات این قانون، مفاد و تاریخ مندرج در آخرین آگهی معتبر است.

ماده ۶۴۳ - مراجع مذکور در این قانون نمی توانند برای ثبت شرکت یا شعبه یا نمایندگی یا صدور هرگونه اجازه در این مورد یا ثبت امور دیگر مدرکی جز مدارک مصرح در این قانون مطالبه کنند.

ماده ۶۴۴ - به کلیه اشتباهات ثبتی ناظر به ثبت شرکتها و نیز اعتراض اشخاص به اقدامات و نظریات مرجع ثبت شرکتها در مورد اشخاص حقوقی در شرف تأسیس و نیز عدم ثبت تغییرات آنها در هیأت نظارت ثبت استان مربوط، رسیدگی می شود. متقاضی می تواند ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی هیأت مذکور، در شورای عالی ثبت تجدید نظر خواهی کند. رأی شورای عالی ثبت لازم الاجراء و در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است.

مبحث سوم - مقررات جزایی

ماده ۶۴۵ - مجازات های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات های نقدی روزانه سیصد هزار ریال تبدیل می شود. مجازات های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۶۴۶ - کلیه شرکت های تجاری مذکور در این قانون باید در تمامی اسناد، صورت حسابها، آگهی ها و نشریات خود اعم از اینکه دست نویس، چاپی یا الکترونیک باشد آخرین سرمایه ثبت شده خود را درج کنند. اگر تمام سرمایه پرداخت نشده باشد قسمتی که پرداخت شده نیز باید معین شود. شرکت های متخلف به جزای نقدی درجه

شش محکوم می شوند. شعبه یا نماینده شرکت خارجی نیز که در ایران به تجارت اشتغال دارد در مورد اسناد و صورت حساب‌ها و آگهی‌ها و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده است.

گفتار اول - جرائم مربوط به تشکیل شرکت

ماده ۶۴۷ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجارتی محکوم می‌شود:

- ۱- تصدیق پذیره‌نویسی سهام شرکت برخلاف واقع
- ۲- اعمال تقلب به منظور تعیین ارزش آورده غیر نقد به بیش از قیمت واقعی
- ۳- درج مبلغ پرداخت شده در ورقه سهم یا گواهی‌نامه موقت سهم به بیش از آنچه به‌واقع پرداخت شده
- ۴- صدور سهام و یا قطعات سهام قبل از ثبت شرکت بر اساس این قانون
- ۵- صدور سهام و یا قطعات سهام بدون پذیره‌نویسی کلیه سرمایه شرکت و تأدیه حداقل پنجاه درصد آن و تسلیم کلیه سرمایه غیر نقد

ماده ۶۴۸ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجارتی محکوم می‌شود:

- ۱- صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام یا گواهی‌نامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی
- ۲- صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بی‌نام جدید برخلاف مقررات این قانون یا صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بی‌نام، قبل از پرداخت تمام مبلغ اسمی آن
- ۳- صدور، فروش یا عرضه عمومی سهام بانام، قبل از پرداخت حداقل پنجاه درصد مبلغ اسمی آن

ماده ۶۴۹ - هرگاه شخصی بدون رعایت مقررات این قانون با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیره‌نویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد یا بدون رعایت قوانین مربوط به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل یک‌چهارم تا نصف وجهی که به ترتیب مذکور در این ماده دریافت کرده‌اند یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. هرگاه شخصی به منظور انتشار آگهی پذیره‌نویسی از اعلام تمام یا برخی از مطالبی که به موجب این قانون باید به مرجع ثبت شرکت‌ها یا سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام شود خودداری ورزد یا اطلاعات نادرستی را به مراجع مذکور ارائه کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. مطالبات طلبکاران شرکت مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌گردد.

ماده ۶۵۰ - مدیر مسئول روزنامه‌ای که بدون دریافت مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکتها به انتشار آگهی پذیره‌نویسی اقدام کند به مجازات مذکور در ماده (۶۴۹) این قانون محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۱ - هرگاه شخصی مرتکب یکی از اعمال زیر شود به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود:

- ۱- مانع حضور شریک و یا سهام‌دار شرکت در جلسه مجمع عمومی صاحبان سهام شود
- ۲- با توسل به وسایل متقلبانه خود را شریک یا سهام‌دار معرفی و به این طریق در مجمع عمومی شرکت کند و خود یا به‌وسیله دیگری رأی بدهد.

ماده ۶۵۲ - اشخاص زیر کلاهبردار محسوب می‌شوند:

- ۱- مؤسسان و مدیر یا مدیرانی که پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت یا ثبت افزایش سرمایه بدهند بر خلاف واقع اظهار کنند.
- ۲- اشخاصی که به وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کنند.

گفتار دوم - جرائم مربوط به مدیر و مدیرعامل شرکت

ماده ۶۵۳ - هرگاه مدیر یا مدیران شرکت سهامی مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج یا هردو و محرومیت درجه شش از تأسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شود:

- ۱- عدم مطالبه قسمت پرداخت‌نشده مبلغ اسمی سهام شرکت ظرف مهلت مقرر در این قانون
- ۲- عدم دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده برای تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت‌شده حداکثر تا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور در این قانون

ماده ۶۵۴ - هرگاه در شرکتهای دارای هیات مدیره رئیس هیات مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر سال مالی، مجمع عمومی عادی را دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می‌شوند.

ماده ۶۵۵ - مدیری که مدارک مقرر در ماده (۲۱۴) این قانون را به موقع تنظیم و تسلیم نکند به مجازات مقرر در ماده (۶۵۴) محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۶ - هر یک از مدیران شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام که صورت حاضران در مجمع را مطابق ماده (۴۴۳) این قانون تنظیم نکند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۷ - هرگاه صورت جلسه مجمع عمومی مطابق مقررات قانونی یا اساسنامه تنظیم نشود و یا مقررات مربوط به حق رأی شرکا و یا سهامداران رعایت نگردد، هر یک از مسؤلان مربوط به مجازات مذکور در ماده (۶۵۶) این قانون محکوم می‌شود.

ماده ۶۵۸ - مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و محرومیت درجه شش از تأسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند:

- ۱- تقسیم منافع موهوم بین شرکاء و یا سهام‌داران بدون داشتن صورت‌های مالی یا به استناد صورت‌های مالی خلاف واقع؛
- ۲- ارائه یا انتشار صورت‌های مالی خلاف واقع به شرکاء و یا سهام‌داران به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت؛

۳- استفاده از اختیارات خود یا اموال یا اعتبارات شرکت، برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری داشتن نفع مستقیم یا غیر مستقیم در آن شرکت یا مؤسسه

۴- تقسیم سود برخلاف مقررات این قانون

تبصره - عدم امضای صورت‌های مالی به وسیله مدیرعامل یا هر یک از مدیران رافع مسؤولیت‌های مدنی و کیفری وی در مورد صورت‌های مالی نیست. سلب مسؤولیت از مدیرعامل یا مدیران مذکور منوط به آن است که نام‌برندگان نظر مخالف خود را به صورت مستدل در ذیل صورت‌های مالی درج کنند. در صورتی که به هر علت این امر

ممکن نگردد اشخاص مذکور باید ظرف ده روز از اطلاع از تصویب صورت‌های مالی به‌وسیله مدیران، مخالفت خود را کتبی به اطلاع شرکت برسانند.

ماده ۶۵۹ - هرگاه در نتیجه ارتکاب جرائم موضوع این مبحث خسارتی به شرکت وارد شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور در این مبحث به جبران خسارت وارد شده و جزای نقدی معادل زیانی که به شرکت وارد کرده است محکوم می‌شود. دادگاه رسیدگی کننده به جرم به جبران خسارت هم حکم می‌دهد. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در خصوص خسارات وارد شده رسیدگی و حکم صادر کند. مطالبات شرکت از مرتکب جرم مقدم بر جزای نقدی مقرر در این ماده وصول می‌شود.

ماده ۶۶۰ - هرگاه در شرکت‌های دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت، از دعوت مجمع عمومی در هر موقع که انتخاب بازرس یا بازرسان شرکت باید انجام شود خودداری کنند و یا بازرس یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی دعوت نکنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۱ - هر یک از مدیران شرکت و مدیرعامل که مانع یا مخل انجام وظایف بازرس یا بازرسان شرکت بشود یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف بازرس یا بازرسان لازم است در اختیار آنان قرار ندهد به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۶۶۲ - مدیر یا مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه بر خلاف واقع یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گیرد و یا قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام یا قطعات سهام جدید کنند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تاسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۳ - هرگاه مدیر یا مدیران یا مدیرعامل شرکت در موقع افزایش سرمایه مطابق ماده (۴۵۶) این قانون، حق تقدم سهامداران را رعایت نکنند یا مهلتی را که برای اعمال حق تقدم در نظر گرفته می‌شود را به سهام‌داران ندهند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه هفت از تاسیس و مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۴ - هرگاه مدیر یا مدیران و یا مدیرعامل شرکت در مورد کاهش سرمایه مفاد مواد (۲۹۶)، (۲۹۸)، (۳۰۰) و (۳۰۱) این قانون را رعایت نکنند به جزای نقدی درجه شش یا محرومیت درجه هفت از مدیریت هر شرکت تجاری و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۵ - هرگاه در شرکتهای دارای هیأت مدیره رئیس هیأت مدیره و در سایر شرکت‌ها مدیر یا مدیران شرکت حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق‌العاده، موضوع ماده (۲۰۶) این قانون را دعوت نکنند یا حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام ننمایند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو و محرومیت درجه شش از تاسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۶ - هر یک از مدیران یا مدیرعامل شرکت‌های تعاونی سهامی عام، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیرسهامی که امتیازات، اموال و تسهیلاتی را که از منابع عمومی برای صرف در موارد خاص در اختیار آنها قرار می‌گیرد در غیر مورد مصرف آنها صرف کند به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تاسیس یا مدیریت هر شرکت تجاری محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۷ - در صورتی که مدیر یا مدیران در طرح مشترک ادغام یا طرح تجزیه، هر گونه اطلاعات نادرست درج یا به مجمع عمومی شرکاء و یا سهام‌داران مدارک خلاف واقع ارائه کنند، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به اشخاص ذی‌نفع به پرداخت جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند.

ماده ۶۶۸ - در مواردی که برای مدیر یا مدیران به دلیل نقض تکالیف مقرر در این قانون مجازات معین شده باشد، هرگاه هر یک از مدیران قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه مدیران به صراحت اعلام کند که باید برای سلب مسؤلیت جزایی به تکلیف قانونی عمل شود، اما سایر مدیران به این اعلام توجه نکنند و جرم تحقق یابد مدیری که تکلیف قانونی را اعلام کرده است، مجرم شناخته نمی‌شود. سلب مسؤلیت جزایی از مدیر منوط به این است که وی علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه مدیران مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی نیز به هریک از مدیران اعلام کند. در صورتی که جلسه مدیران به هر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهار نامه رسمی برای سلب مسؤلیت جزایی از مدیر کافی است.

ماده ۶۶۹ - هرگاه شخصی به استناد مقررات این مبحث به محرومیت از سمت مدیریت محکوم شود از سمت مدیریت عاملی شرکت تجارتي نیز محروم می‌شود.

ماده ۶۷۰ - هرگاه مدیران شعب یا نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی در ایران قبل از انقضای موعد مقرر در ماده (۶۳۸) این قانون تقاضای ثبت نکنند، به تقاضای دادستان شهرستان محل و به حکم دادگاه عمومی مرکز کشور، به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شوند. به علاوه دادگاه برای هر روز تأخیر در ثبت پس از صدور حکم متخلف را به جزای نقدی درجه هشت محکوم می‌کند و هرگاه حکم فوق قطعی شود و تا سه ماه پس از تاریخ ابلاغ تخلف ادامه یابد دولت از عملیات شعبه یا نمایندگی شرکت متخلف جلوگیری می‌کند.

گفتار سوم - جرائم مربوط به بازرسی شرکت

ماده ۶۷۱ - هر شخصی که با وجود منع قانونی، سمت مدیریت، مدیریت عامل یا بازرسی را در شرکت تجارتي بپذیرد، به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شود.

ماده ۶۷۲ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتي یا حسابدار رسمی در مورد اوضاع شرکت، به مجمع عمومی گزارش خلاف واقع بدهد یا گزارش خلاف واقع را تصدیق کند یا اسرار تجارتي شرکت را افشا کند یا به تکلیف مقرر در ماده (۲۵۹) این قانون عمل نکند، به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی و حسابرسی شرکت محکوم می‌شود.

ماده ۶۷۳ - هر شخصی که در سمت بازرسی شرکت تجارتي بدون عذر موجه از ارائه گزارش به مجمع عمومی خودداری کند به جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

گفتار چهارم - جرائم مربوط به مدیر تصفیه شرکت

ماده ۶۷۴ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجارتي مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند:

۱- ظرف یک ماه پس از انتخاب، تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مراجع مذکور در ماده (۳۱۵) این قانون و تبصره آن اعلام نکنند.

۲- تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه، مجمع عمومی عادی شرکت را دعوت نکنند یا وضعیت اموال و مطالبات و دیون شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که برای پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند را به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳- قبل از خاتمه امر تصفیه، همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکنند یا صورت‌های مالی خود را به ضمیمه گزارش‌های عملی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نمایند.

۴- در خاتمه دوره تصدی خود، بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند، به فعالیت خود ادامه دهند.

۵- ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.

۶- در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه، وجوه باقیمانده را در حساب سپرده مخصوص با رعایت غبطه ذی‌نفع در یکی از بانک‌های ایرانی تودیع نکنند و صورت اسامی بستانکاران و شرکاء و یا سهام‌دارانی که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نمایند و مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.

ماده ۶۷۵ - مدیر یا مدیران تصفیه شرکت تجارتي که مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس تعزیری درجه هفت یا جزای نقدی درجه پنج و یا به هر دو مجازات و محرومیت درجه شش از تصدی مدیریت و بازرسی محکوم می‌شوند:

۱- اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را بر خلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع هستند مورد استفاده قرار دهند.

۲- اموال شرکت را برخلاف ماده (۳۷۱) این قانون واگذار کنند.

۳- بدون رعایت حقوق بستانکاران و لحاظ دیونی که هنوز موعد تأدیه آنها نرسیده است، اموال شرکت را بین شرکا و یا سهام‌داران تقسیم کنند.

مبحث چهارم - مقررات متفرقه

ماده ۶۷۶ - نام شرکت نباید متضمن نام شریک بامسئولیت محدود و یا سهام‌دار شرکت باشد در غیر این صورت شخصی که نام او در نام شرکت قید شده است در مقابل اشخاص ثالث، حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را دارد.

ماده ۶۷۷ - در کلیه شرکت‌ها باید نام شرکت، حسب مورد، مشتمل بر عبارت حاکی از نوع شرکت یا عبارت شرکت نامعین باشد و این نام در کلیه اسناد و اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت به طور روشن و خوانا قید شود در غیر این صورت متخلف با شرکت مذکور در مقابل شخص ثالث متضرر از این اقدام مسئولیت تضامنی دارد.

ماده ۶۷۸ - سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق بهادار از جمله ورقه سهم درآید.

ماده ۶۷۹ - انواع، ترتیب انتشار و احکام اوراق بهادار و نیز اشخاصی که مجاز به انتشار این اوراق می‌باشند به موجب قانون معین می‌شود.

ماده ۶۸۰ - هیچ شریک و یا سهام‌داری نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء و یا سهام‌داران به حساب شخصی خود یا شخص ثالث، وارد تجارتي از نوع تجارت شرکت شود و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک و یا سهام‌دار با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

تبصره - سهام‌دار شرکت سهامی عام، شرکت مختلط سهامی عام و شرکت تعاونی سهامی عام از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۶۸۱ - بستانکاران شخصی شرکاء و یا سهام‌داران نمی‌توانند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهم مدیون خود از منافع شرکت یا سهم‌الشرکه یا سهام او در شرکت هر اقدام قانونی را به عمل آورند.

ماده ۶۸۲ - مدیون شرکت نمی‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد به تهاتر استناد کند. همچنین شریک شرکت نیز نمی‌تواند در مقابل دینی که ممکن است بستانکار او به شرکت داشته باشند به تهاتر استناد نماید.

ماده ۶۸۳ - هرگاه مفاد این قانون در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که به وسیله هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود، حسب مورد، به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام می‌شود. مؤسس یا مؤسسان، مدیر یا مدیران، بازرس یا بازرسان و شریک و یا سهام‌دار شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند.

ماده ۶۸۴ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان رفع شود، دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر می‌کند. دادگاهی که دعوی بطلان نزد آن اقامه می‌شود می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی را که از شش ماه بیشتر نیست برای رفع موجبات بطلان تعیین کند. ابتدای مهلت مذکور تاریخ ثبت دادخواست بطلان است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشود، دادگاه حکم مقتضی صادر می‌کند.

ماده ۶۸۵ - شرایط لازم برای تصدی سمت بازرسی در شرکت‌های تجارتي فقط از جهت سوابق علمی، تخصصی و تجربی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۶۸۶ - در صورت صدور حکم قطعی دایر بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن اشخاص مسؤول بطلان متضامناً مسؤول خساراتی می‌باشند که از آن بطلان به هریک از شرکاء، سهام‌داران و یا اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۶۸۷ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌کند باید در رأی خود یک یا چند شخص را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا به موجب این قانون عمل کنند. تعیین حق‌الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه‌ای که به وسیله دادگاه تعیین می‌شود برعهده دادگاه است.

ماده ۶۸۸ - شرکت‌های تجارتي موجود باید حداکثر ظرف دو سال وضع خود را با این قانون تطبیق دهند. پس از انقضای این مهلت، هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند. دادگاهی که تقاضای انحلال نزد آن مطرح می‌شود، می‌تواند به درخواست خوانده مهلتی که از سه ماه بیشتر نیست برای تطبیق وضع شرکت با قانون جدید تعیین کند. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال برطرف نشده باشد، دادگاه حکم انحلال صادر می‌کند.

ماده ۶۸۹ - پس از انقضای مهلت مذکور در ماده (۶۸۸) این قانون، ثبت صورت‌جلسات شرکت‌های موضوع ماده مذکور در مرجع ثبت شرکت‌ها منوط به تطبیق وضع با این قانون است. انجام هرگونه معامله با شرکت‌های تجارتي از سوی کلیه دستگاه‌های اجرایی پیش از تطبیق وضع ممنوع است.

ماده ۶۹۰ - افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌هایی که به منظور تطبیق وضع با مقررات این قانون به افزایش سرمایه مبادرت می‌کنند از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۶۹۱ - شرکت‌های دولتی که به موجب قانون خاص تشکیل می‌شوند، تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و تنها در باره موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها به صراحت تعیین تکلیف نشده است، تابع این قانون محسوب می‌شوند. این حکم مانع شمول قوانین و مقررات مالی و محاسباتی در مورد این شرکت‌ها نیست.

ماده ۶۹۲ - دعاوی اشخاص ثالث علیه شرکاء یا وراث آنها که مربوط به معاملات شرکت است، در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها را مسؤل می‌داند، باید تا پنج سال تمام از تاریخی که انحلال شرکت یا کناره‌گیری شریک یا اخراج او از شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت می‌رسد و در روزنامه رسمی آگهی می‌گردد اقامه شود. در صورتی که طلب پس از ثبت و آگهی قابل مطالبه باشد، مدت مذکور از روزی شروع می‌شود که بستانکار حق مطالبه پیدا می‌کند.

تبصره - دعوایی که به موجب این قانون مدت زمان کوتاه‌تر یا طولانی‌تری برای اقامه آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۶۹۳ - شرکت‌هایی که بیش از ده عضو دارند و شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند. اساسنامه نیز می‌تواند شرکت را به داشتن روزنامه مکلف کند.

تبصره - شرکت‌های تعاونی غیرسهامی و شرکت‌های تعاونی سهامی خاص مشروط بر اینکه کل اعضای آنها در یک منطقه محدود فعالیت کنند و کمتر از پنجاه شخص باشند از شمول این ماده مستثنی می‌باشند. در این نوع شرکت‌ها آگهی‌های شرکت علاوه بر طریقی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است از طریق نصب در معابر حوزه عمل تعاونی به اطلاع شرکاء و یا سهام‌داران می‌رسد.

ماده ۶۹۴ - سازمان بورس و اوراق بهادار برای پیگیری کلیه تخلفات و جرائم موضوع این قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام در حکم ذی‌نفع است.

ماده ۶۹۵ - هیچ شرکتی جز شرکت سهامی عام، مختلط سهامی عام و تعاونی سهامی عام نمی‌تواند سهام یا سهم‌الشرکه خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بازار بورس اوراق بهادار یا بازار خارج از بورس عرضه کند یا با انتشار آگهی، اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغی دیگر به پذیره‌نویسی یا فروش سهام یا سهم‌الشرکه خود مبادرت ورزد، مگر اینکه سهام یا سهم‌الشرکه طبق مقررات مربوط در بازار خارج از بورس ارایه شود. همچنین هیچ شرکتی نمی‌تواند بدون رعایت مقررات مربوط با انتشار آگهی، اطلاعیه یا به هر نحو دیگر به جذب سرمایه از عموم اقدام کند.

ماده ۶۹۶ - کلیه شرکت‌های تجارتي که به موجب قانون یا اساسنامه مکلف به داشتن روزنامه می‌باشند باید پایگاه الکترونیکی اختصاصی دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (IR) ایجاد نمایند و تمامی آگهی‌هایی را که به موجب قانون مکلف به انتشار آن در روزنامه شرکت می‌باشند رادر پایگاه الکترونیکی مذکور نیز درج و نسخه ای از آن را برای درج نمایند در پایگاه الکترونیکی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به این سازمان ارسال کنند. شرکت‌های موضوع این ماده مکلفند کلیه سوابق الکترونیکی مربوط به آگهی‌های مذکور را حداقل تا بیست سال پس از درج در

پایگاه الکترونیک خود، در سامانه ای که صحت، تمامیت، اعتبار و انکار ناپذیری آنها را تأمین می کند نگهداری کنند. همچنین شرکت های موضوع این ماده باید آخرین اساسنامه، خلاصه آخرین صورت های مالی و کلیه مواردی را که ثبت و آگهی آن الزامی است پس از ثبت در پایگاه الکترونیک خود قرار دهند.

ماده ۶۹۷ - در مواردی که سهام دار و یا شریک شرکت تجارتي نشانی پست الکترونیک یا شماره تلفن همراه خود را برای اطلاع رسانی به شرکت ارایه کند، مدیر یا مدیران شرکت باید خلاصه ای از مواردی را که اطلاع رسانی آنها لازم است به نشانی پست الکترونیک و شماره تلفن همراه ارایه شده نیز ارسال کنند.

ماده ۶۹۸ - هرگاه شرکت یا مؤسسه غیرتجارتی بدون داشتن مجوز یا پس از لغو مجوز یا از دست دادن شرایط اخذ مجوز به فعالیتی که به موجب قانون داشتن مجوز برای آن الزامی است اقدام کند، دستگاه مربوط باید ضمن اعمال مقررات انضباطی مطابق مقررات مربوط و ابطال مجوز، توقف فعالیت شرکت را در آن موضوع از دادگاه درخواست نماید و در هر حال مراتب را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند. در این صورت مرجع ثبت شرکت ها از شرکت مربوط می خواهد که به تغییر موضوع فعالیت شرکت در اساسنامه اقدام کند.

ماده ۶۹۹ - در صورتی که اشخاص حقوقی موضوع این قانون مرتکب جرائمی غیر از جرائم مندرج در این قانون گردند مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی اعمال می شود.

ماده ۷۰۰ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه های اجرایی این قانون نیز به تناسب نرخ مذکور حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب سوم - اسناد تجارتي

ماده ۷۰۱ - سند تجارتي سندی است که شکل و مفاد آن مطابق قانون تنظیم می شود و به موجب آن تعهد مستقل پولی یا غیر پولی برعهده صادرکننده و یا دیگری ایجاد می گردد.

باب اول - برات

فصل اول - شرایط شکلی برات

ماده ۷۰۲ - برات سندی است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور بی قید و شرط می دهد تا مبلغی را در موعد معین یا به رؤیت یا به وعده از رؤیت در وجه شخص ثالث یا دستوردهنده و یا به حواله کرد آنها پرداخت کند. به دستوردهنده «برات دهنده»، به شخصی که دستور را دریافت می کند «برات گیر» و به شخصی که سند در وجه و یا به حواله کرد او صادر می گردد یا مطابق این قانون آن را به انتقال می گیرد یا قائم مقام آنان «دارنده برات» اطلاق می شود.

ماده ۷۰۳ - برات علاوه بر امضای برات دهنده باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- قید کلمه «برات» بر روی آن

۲- تاریخ صدور به روز و ماه و سال

۳- هویت «برات دهنده»

۴- هویت «برات گیر»

۵- مبلغ برات

۶- تاریخ پرداخت وجه برات

۷- نشانی کامل مکان پرداخت وجه برات

۸- هویت اولین دارنده برات

ماده ۷۰۴ - اگر مبلغ برات یا تاریخ پرداخت وجه آن بیش از یک بار با تمام حروف یا رقم نوشته شود، حسب مورد، مبلغ کمتر یا تاریخ مؤخر معتبر است.

ماده ۷۰۵ - چنانچه نشانی برات‌دهنده، برات‌گیر یا دیگر مسؤولان سند در برات ذکر شود، هر ابلاغی به نشانی‌های مذکور ابلاغ قانونی محسوب می‌شود و اخطار به وسیله نشر آگهی لازم نیست.

ماده ۷۰۶ - چنانچه برات مطابق شرایط مقرر در ماده (۷۰۳) این قانون تنظیم نشود، مشمول مقررات مربوط به برات نیست مگر در موارد زیر:

۱- عدم درج تاریخ پرداخت وجه برات که در این صورت برات به‌رؤیت تلقی می‌شود.

۲- عدم درج مکان پرداخت وجه برات که در این صورت نشانی برات‌گیر مکان پرداخت تلقی می‌شود.

ماده ۷۰۷ - اگر برات به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باشد و سپس به‌وسیله دارنده برات تکمیل شود، اعتبار برات را دارد. در این صورت هیچ‌یک از مسؤولان برات نمی‌توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار تکمیل‌کننده سند یا خروج اواز حدود اختیارات اعطایی استناد کنند.

ماده ۷۰۸ - چنانچه برات به نمایندگی از طرف شخص دیگری صادر، ظهرونیسی، ضمانت یا قبول شود، امضاءکننده مسؤول پرداخت وجه سند نیست مگر اینکه به وکالت خود در متن سند تصریح نکند یا خارج از حدود اختیارات خود یا بدون اختیار عمل نماید که در این صورت، حسب مورد، امضاءکننده با رعایت این قانون مسؤول پرداخت کل وجه سند یا میزانی است که از اختیارات خود تجاوز کرده است.

فصل دوم - در قبول و نکول

ماده ۷۰۹ - برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

ماده ۷۱۰ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته و امضاء می‌شود. اگر قبولی بدون قید تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت محسوب می‌شود.

ماده ۷۱۱ - هر عبارتی که برات‌گیر در برات بنویسد و امضاء کند قبول محسوب است، مگر اینکه عبارت به‌صراحت دال بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط دال بر عدم قبول یک جزء از برات باشد، بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. چنانچه برات‌گیر بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء کند برات قبول شده محسوب می‌شود.

ماده ۷۱۲ - ممکن است قبول منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد. در این صورت دارنده برات می‌تواند فقط برای بقیه وخواست کند.

ماده ۷۱۳ - اگر قبول برات مشروط به شرط نوشته شود، برات نکول شده محسوب می‌شود. با این حال، قبول‌کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسؤول پرداخت وجه برات است.

ماده ۷۱۴ - قبول‌کننده حق نکول ندارد و ملزم است وجه آن را در وعده تأدیه کند.

ماده ۷۱۵ - نکول برات به‌وسیله اظهارنامه‌ای که مطابق این قانون و تا پیش از سررسید آن به‌طور رسمی تنظیم می‌شود محقق می‌گردد. اظهارنامه مذکور وخواست‌نامه نکول نامیده می‌شود.

ماده ۷۱۶ - پس از واخواست نکول هر یک از ظهرنویسان، برات‌دهنده و ضامنان آنها به تقاضای دارنده برات باید تأدیه وجه در سررسید را تضمین کنند و در غیر این صورت وجه برات را با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت به انضمام هزینه‌های واخواست و متفرعات طلب، اگر باشد، بلافاصله تأدیه نمایند. هر یک از اشخاص مذکور می‌توانند با تصریح در متن سند، خود را از مسؤلیت مقرر در این ماده معاف کنند.

فصل سوم - در قبول شخص ثالث

ماده ۷۱۷ - هرگاه براتی نکول شود و واخواست به عمل آید، در صورت موافقت دارنده برات، هر شخص ثالثی می‌تواند آن را به نام یکی از ظهرنویسان یا برات‌دهنده یا ضامن یا ضامنان آنها قبول کند. قبول شخص ثالث باید بر روی برات قید شود و به امضاء او برسد.

ماده ۷۱۸ - پس از قبول شخص ثالث تا زمانی که وجه برات تأدیه نشود، کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل مسؤولان سند حاصل می‌شود در مقابل ایادی ماقبل شخصی که برات به نام او قبول شده است، محفوظ است.

فصل چهارم - ظهرنویسی

ماده ۷۱۹ - ظهرنویسی با درج هویت و امضاء ظهرنویس و هویت شخصی که برات به نام او ظهرنویسی می‌شود محقق می‌شود. ممکن است تاریخ ظهرنویسی و نشانی ظهرنویس نیز در برات درج گردد.

ماده ۷۲۰ - چنانچه امضاء با شرایط مقرر در ماده (۷۱۹) این قانون در ظهر سند صورت گیرد ظهرنویسی محسوب است، مگر اینکه امضاءکننده عبارت صریحی دال بر ضمانت‌بودن آن درج نماید.

ماده ۷۲۱ - ظهرنویسی سبب انتقال برات است، مگر اینکه ظهرنویس عبارت صریحی حاکی از وکالت در وصول یا ظهرنویسی به عنوان وثیقه را در سند قید کند.

ماده ۷۲۲ - هرگاه ظهرنویسی به عنوان وکالت در وصول باشد، انتقال واقع نمی‌شود، لکن وکیل در وصول وجه برات، ظهرنویسی مجدد آن به عنوان وکالت و در صورت اقتضاء واخواست و اقامه دعوا برای وصول وجه سند را دارد، مگر اینکه خلاف آن در برات تصریح شده باشد. مسؤولان برات در مقابل وکیل در وصول فقط می‌توانند به ایراداتی استناد کنند که در مقابل ظهرنویس مذکور قابل طرح باشد. وکیل در وصول برات می‌تواند پس از فوت یا حجر ظهرنویس، حسب مورد، به وصول وجه برات یا انجام واخواست یا اقامه دعوا اقدام کند، مگر اینکه خلاف آن در برات تصریح شود که در این صورت باید بلافاصله برات را به قائم‌مقام متوفی یا محجور تسلیم کند.

ماده ۷۲۳ - هرگاه انتقال برات با درج عباراتی مانند «غیرقابل انتقال» یا «فقط قابل پرداخت در وجه شخص معین» به صراحت منع شود، در صورتی که مشروط‌علیه سند را به عنوان انتقال ظهرنویسی کند، شخصی که انتقال را منع کرده است می‌تواند در مقابل منتقل‌الیه و ایادی مابعد وی به ایرادات ناشی از رابطه مبنایی خود با مشروط‌علیه استناد کند.

ماده ۷۲۴ - هرگاه برات به عنوان وثیقه ظهرنویسی شود، شخصی که برات به نفع او ظهرنویسی شده است تمام حقوق دارنده سند را دارد، لکن نمی‌تواند سند را به عنوان انتقال ظهرنویسی کند. در صورت ظهرنویسی مجدد به عنوان انتقال، دارندگان بعدی در حکم وکیل ظهرنویس در وصول محسوب می‌شوند.

ماده ۷۲۵ - اگر ظهرنویسی معلق یا مشروط به شرطی شود، آن شرط در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۷۲۶ - ظهرنویسی جزئی از مبلغ برات باطل است.

ماده ۷۲۷ - چنانچه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی را قید کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

فصل پنجم - ضمانت

ماده ۷۲۸ - پرداخت مبلغ برات می‌تواند از طرف هریک از مسؤولان برات ضمانت شود.

ماده ۷۲۹ - ضمانت با درج هويت و امضاء ضامن و تعیین هويت مضمون‌عنه محقق می‌شود. جز در مورد امضای برات‌دهنده و برات‌گیر، صرف درج امضاء روی برات ضمانت محسوب می‌شود، مگر اینکه عبارت صریحی دال بر ظهرنویسی بودن آن درج شود. در صورت عدم تعیین مضمون‌عنه در برات، ضمانت از طرف برات‌گیر محسوب می‌شود، مگر اینکه برات قبول نشود که در این صورت ضمانت از طرف برات‌دهنده محسوب است.

فصل ششم - مسؤولیت

ماده ۷۳۰ - برات‌دهنده، قبول‌کننده برات، ظهرنویسان و شخصی که پرداخت مبلغ برات را از طرف هریک از اشخاص مذکور ضمانت می‌کند در مقابل دارنده برات مسؤولیت دارند. دارنده برات در صورت اقتضاء و عدم تأدیه پس از انجام و اخواست می‌تواند برای وصول کل وجه سند به هر کدام از آنها که لازم بداند برای وصول تمام یا بخشی از وجه سند رجوع کند. اقامه دعوا علیه برخی از مسؤولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤولان نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۷۳۱ - هر یک از ظهرنویسان که به موجب این قانون وجه برات را بپردازد، در مقابل هر یک از ظهرنویسان ماقبل خود، برات‌دهنده، قبول‌کننده و ضامنان آنان، کلیه حقوق ناشی از برات را دارد. با این حال، پرداخت‌کننده نمی‌تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

ماده ۷۳۲ - ضامن در حدود مسؤولیت مضمون‌عنه مسؤول است. مسؤولیت ضامن جز در مورد ایرادات مربوط به شرایط شکلی برات و بطلان ضمانت همواره اعتبار دارد.

ماده ۷۳۳ - هر یک از ضامنان که به موجب این قانون وجه برات را بپردازد، از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل مضمون‌عنه و نیز اشخاصی که مضمون‌عنه در صورت پرداخت حق رجوع به آنها را دارد برخوردار است، لکن نمی‌تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

ماده ۷۳۴ - هرگاه برات‌دهنده به موجب این قانون وجه برات را بپردازد از کلیه حقوق ناشی از برات در مقابل قبول‌کننده برات و ضامنان او برخوردار است، لکن نمی‌تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهرنویسی کند.

ماده ۷۳۵ - هیچ‌یک از مسؤولان برات در برابر شخصی که حق رجوع به او را دارد نمی‌تواند جز به ایرادات مربوط به شرایط شکلی و بطلان تعهد براتی به ایراد دیگری استناد کند.

ماده ۷۳۶ - هرکدام از ظهرنویسان می‌توانند با تصریح به عدم مسؤولیت در متن سند، خود را از مسؤولیت مقرر در ماده (۷۳۰) این قانون معاف کنند.

ماده ۷۳۷ - هر یک از مسؤولان تأدیه برات می‌تواند پرداخت را به تسلیم برات و صورت‌حساب مخارج قانونی و متفرعاتی که باید بپردازد موکول کند. برات‌دهنده‌ای که برات او قبول می‌شود، ظهرنویسان و ضامنان آنها می‌توانند پرداخت وجه برات را علاوه بر موارد مذکور به تسلیم و اخواست‌نامه نیز موکول کنند.

ماده ۷۳۸ - هرگاه چند شخص از مسؤولان برات ورشکسته شوند، دارنده برات می‌تواند در هر یک از هیأت‌های بستانکاران یا در تمام آنها برای وصول تمام طلب خود شامل وجه برات، متفرعات و مخارج قانونی داخل شود تا طلب خود را به‌طور کامل وصول کند. مدیر تصفیه هیچ‌یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای وجهی که به دارنده مذکور پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگری که دارنده بابت آن سند در هیأت بستانکاران وی وارد شده است رجوع کند، مگر اینکه مجموع مبالغی که از اموال همه ورشکستگان به دارنده تخصیص می‌یابد بیش از میزان طلب او باشد. در این صورت مبالغ تخصیص‌یافته مازاد به ترتیب، جزء دارایی آخرین شخصی محسوب می‌گردد که بابت این سند به ورشکسته مذکور حق رجوع دارد.

فصل هفتم - پرداخت

ماده ۷۳۹ - برات با نوع پولی که در آن معین شده است پرداخت می‌شود.

ماده ۷۴۰ - هر یک از مسؤولان برات که وجه آن را به دارنده بپردازد بری‌الذمه محسوب می‌شود. چنانچه پرداخت در زمانی صورت گرفته باشد که دارنده حق رجوع به مسؤول مذکور را ندارد یا وجه برات به موجب رأی دادگاه نزد او توقیف شده باشد، پرداخت کننده در مقابل شخصی که نسبت به وجه برات حقی دارد مسؤول است.

ماده ۷۴۱ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود مسؤولان برات به همان میزان بری‌الذمه می‌شوند و دارنده فقط می‌تواند نسبت به بقیه و اخواست کند. در صورتی که دارنده از قبول بخشی از مبلغ برات امتناع کند نمی‌تواند برای آن بخش به برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است، ظهرونیسان و ضامنان آنها رجوع کند.

ماده ۷۴۲ - اگر دارنده برات به شخصی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرونیسان ماقبل خود و برات‌دهنده‌ای که به مهلت مذکور رضایت نداده‌اند و ضامنان آنها حق رجوع ندارد.

ماده ۷۴۳ - دادگاه رسیدگی کننده به دعوای مطالبه وجه برات نمی‌تواند بدون رضایت دارنده برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهد و یا پرداخت آن را تقسیط کند. این ماده مانع رسیدگی به دعوای اعسار غیر تاجر نیست.

فصل هشتم - مفقود شدن برات

ماده ۷۴۴ - در صورت مفقود شدن یا سرقت برات، دارنده آن می‌تواند به موجب اظهارنامه رسمی به هر یک از مسؤولان سند دستور عدم پرداخت و در صورتی که برات قبول نشده باشد به براتگیر دستور عدم قبول دهد، مشروط بر اینکه حداکثر ظرف یک هفته در مرجع قضایی محل پرداخت وجه سند، طرح شکایت کند و رسید آن را به هر یک از دستورگیرندگان ارایه کند. این اظهارنامه علاوه بر موارد مذکور در ماده (۷۰۳) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد. در صورت تقاضای دارنده، هر یک از مسؤولان سند باید وی را برای ابلاغ دستور عدم پرداخت به مسؤول ماقبل خود راهنمایی کند تا به برات‌گیر برسد. هر یک از مسؤولان سند در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسؤول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است. حکم این ماده در مواردی نیز که برات از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت و یا جرایم دیگر تحصیل شده باشد مجری است.

ماده ۷۴۵ - در صورتی که برات قبل از سررسید آن مفقود شود، دارنده می‌تواند با اثبات اینکه برات مفقود، متعلق به او بوده است و با دادن تضمین مناسب به موجب حکم دادگاه از صادرکننده، نسخه جایگزین مطالبه کند. صادرکننده سند جایگزین باید بر روی آن عبارت «نسخه جایگزین» را درج کند.

ماده ۷۴۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه جایگزین می‌تواند به ظهنروسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع کند. هر یک از ظهنروسیان نیز ملزم است صاحب برات را برای مراجعه به ظهنرویس ماقبل خود راهنمایی کند تا به برات‌دهنده برسد. مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود است. ظهنرویس در صورت امتناع از راهنمایی دارنده، مسؤول تأدیه وجه برات و خساراتی است که به صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۷۴۷ - در صورتی که سررسید برات مفقود شده فرا رسیده باشد، دارنده فقط می‌تواند با اثبات اینکه برات مفقود متعلق به او است و با دادن تضمین مناسب تأدیه وجه برات را به موجب حکم دادگاه از برات‌گیر مطالبه کند. در صورتی که به هر علت وصول وجه برات از برات‌گیر ممکن نشود، دارنده برات می‌تواند با رعایت مفاد این ماده وجه سند را از سایر مسؤولان سند مطالبه کند. چنانچه مسؤول مذکور بخواهد به ایادی ماقبل خود رجوع کند، شخص مرجوع‌الیه می‌تواند تأدیه وجه را به اعطاء تضمیناتی موقوف کند که شخص مراجعه‌کننده به موجب حکم دادگاه دریافت کرده است. در صورتی که دارنده برات مفقود به یکی از مسؤولان سند دستور عدم پرداخت ندهد و آن مسؤول به موجب این قانون وجه سند را پس از ارایه سند بپردازد بری‌الذمه می‌شود و کلیه حقوق ناشی از سند را به دست می‌آورد و می‌تواند به سایر مسؤولان ماقبل خود رجوع کند، حتی اگر به آنها دستور عدم پرداخت داده شده باشد.

ماده ۷۴۸ - مسؤولان سند ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی می‌باشند که در مورد مالکیت شخص مدعی فقدان سند در اختیار دارند، و در صورت عدم ارائه اطلاعات و مدارک مذکور، ضامن خسارت وارد شده می‌باشند.

ماده ۷۴۹ - در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد و پیش از رؤیت مفقود گردد، سررسید آن از تاریخ ابلاغ اظهارنامه در مورد درخواست قبول برات مفقود به برات‌گیر محاسبه می‌شود.

ماده ۷۵۰ - اگر دارنده‌ای که برات او مفقود شده است تضمین موضوع مواد (۷۴۵) یا (۷۴۷) این قانون را تسلیم نکند با اثبات اینکه برات مفقود متعلق به او بوده است و بدون دادن تضمین می‌تواند تأدیه وجه برات را سه سال پس از سررسید آن به موجب حکم دادگاه از قبول‌کننده یا برات‌دهنده‌ای که برات او قبول نشده است مطالبه کند. در هر حال دارنده مذکور می‌تواند از دادگاه تقاضا کند که مدیون، وجه سند را در صورتی که حال باشد بلافاصله و در صورت مؤجل بودن پس از انقضای اجل به صندوق دادگستری بسپارد. در این صورت پرداخت وجه به خواهان منوط به سپردن وثیقه یا گذشتن سه سال از تاریخ سررسید سند است.

ماده ۷۵۱ - هرگاه پس از گذشت سه سال از تاریخ سررسید برات در مورد آن به‌طور رسمی مطالبه یا اقامه دعوا نشود دارنده نمی‌تواند از حیث تعهد براتی به مسؤولان سند رجوع کند. پس از گذشت مهلت مذکور از تضمین موضوع مواد (۷۴۵) یا (۷۴۷) این قانون به درخواست تضمین دهنده رفع اثر می‌شود.

ماده ۷۵۲ - اگر قبل از ابطال سند به موجب ماده (۷۵۱) این قانون سند ابراز شود، متعهد سند باید ارایه‌کننده سند را به دادگاهی که دستور عدم پرداخت داده است دلالت کند. در صورتی که ارایه‌کننده سند به دادگاه مراجعه کند، دادگاه به مدعی فقدان سند یا تحصیل آن از طریق جرم اخطار می‌کند که دعوا یا شکایت خود را علیه ارایه‌کننده سند تعقیب و گواهی آن را ظرف ده روز ارایه کند. در غیر این صورت دعوی او رد می‌شود.

ماده ۷۵۳ - هرگاه دعوی شخصی که به موجب ماده (۷۴۴) این قانون دستور عدم پرداخت داده است رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، هریک از متعهدان سند مکلف به پرداخت وجه آن است و شخصی که دستور عدم پرداخت داده است مکلف به جبران خسارات وارد شده به دارنده است و در صورت علم به بلا

وجه بودن دستور عدم پرداخت به حبس تعزیری درجه هفت و یا جزای نقدی معادل نصف مبلغ مندرج در سند محکوم می‌شود.

ماده ۷۵۴ - در صورت دستور دادگاه به عدم پرداخت اگر ابراز کننده سند به تشخیص دادگاه تضمین کافی به متعهد آن بدهد او باید وجه سند را به ابراز کننده پردازد مشروط بر اینکه از قبل وجه سند به موجب سند یا حکم دادگاه به دارنده پرداخت نشده باشد. هرگاه دعوای شخصی که به موجب ماده (۷۴۴) این قانون دستور عدم پرداخت داده است رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود از تضمین مذکور رفع اثر می‌شود.

ماده ۷۵۵ - مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

فصل نهم - تأدیه وجه برات به وسیله شخص ثالث

ماده ۷۵۶ - هر شخص ثالثی می‌تواند وجه برات را پرداخت کند. پرداخت وجه به وسیله شخص ثالث باید در برات قید شود و به امضاء دارنده سند برسد. اصل برات و واخواست‌نامه، در صورت انجام واخواست، باید به شخصی که وجه برات را پرداخته است تسلیم شود.

ماده ۷۵۷ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته در مقابل مسئولان سند، کلیه حقوق و تکالیف ناشی از برات را دارد، مشروط بر اینکه در زمان پرداخت، دارنده حق رجوع به مسئولان برات را داشته باشد؛ با این حال، پرداخت‌کننده مذکور نمی‌تواند برات را به عنوان انتقال یا وثیقه ظهنویسی کند.

ماده ۷۵۸ - دارنده‌ای که پرداخت به وسیله شخص ثالث را رد می‌کند دیگر حق رجوع به برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است، ظهنویسان و ضامنان آنها را ندارد.

فصل دهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۷۵۹ - دارنده برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باید حسب مورد پرداخت یا قبول آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند در غیر این صورت حق رجوع به برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به براتگیر رسانده است ظهنویسان و ضامنان آنان را ندارد.

ماده ۷۶۰ - اگر در برات برای تقاضای قبولی یا پرداخت، مدتی بیشتر یا کم‌تر از مدت مذکور در ماده (۷۵۹) این قانون مقرر شود دارنده برات باید در همان مدت، قبولی یا پرداخت برات را تقاضا کند در غیر این صورت حق رجوع به برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به براتگیر رسانده است، ظهنویسان و ضامنان آنان ندارد.

ماده ۷۶۱ - اگر ظهنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کند دارنده برات باید در مدت مذکور تقاضای قبولی نماید و اگر پس از مدت مذکور مراجعه کند، حق رجوع به آن ظهنویس و ضامن او را ندارد.

ماده ۷۶۲ - دارنده برات باید در روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۷۶۳ - امتناع از تأدیه وجه برات به وسیله اظهارنامه‌ای که ظرف ده روز از تاریخ وعده‌ای که به موجب این قانون رسماً تنظیم می‌شود محقق می‌گردد. اظهارنامه مذکور واخواست‌نامه عدم تأدیه نامیده می‌شود.

ماده ۷۶۴ - فوت و ورشکستگی برات‌گیر، دارنده را از واخواست نکول و عدم تأدیه بی‌نیاز می‌کند.

ماده ۷۶۵ - در صورتی که به علت بروز حادثه خارجی غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل دفع، ارایه برات برای قبولی یا پرداخت یا واخواست عدم تأدیه میسر نشود، مهلت‌های مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان حادثه مذکور

افزایش می‌یابد. دارنده باید بلافاصله پس از برطرف شدن حادثه به ارائه برات برای قبول یا پرداخت و در صورت لزوم، واخواست عدم تأدیه اقدام کند.

ماده ۷۶۶ - دارنده براتی که به علت عدم تأدیه واخواست می‌شود باید ظرف ده روز از تاریخ واخواست، عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی به ظهرنویس ماقبل خود و ضامن او اطلاع دهد. در صورتی که نشانی ظهرنویس مذکور و یا ضامن او برای دارنده مشخص نباشد مراتب باید در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.

ماده ۷۶۷ - ظهرنویس مذکور در ماده (۷۶۶) این قانون باید، حسب مورد، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا اطلاع از مفاد آگهی، مراتب را به وسیله اظهارنامه رسمی به ظهرنویس سابق خود و ضامن او اطلاع دهد. در صورتی که نشانی ظهرنویس سابق و یا ضامن او برای ظهرنویس مذکور مشخص نباشد مراتب باید در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.

ماده ۷۶۸ - در صورت عدم انجام تکلیف مندرج در مواد (۷۶۶) و (۷۶۷)، دارنده برات و هریک از ظهرنویسان مسؤول خساراتی است که در نتیجه عدم اطلاع به ایادی ماقبل وارد شده است.

ماده ۷۶۹ - در مورد برواتی که در ایران تأدیه می‌شوند دعوی علیه برات‌دهنده، ظهرنویسان و یا ضامنان آنها باید ظرف سه ماه از تاریخ واخواست اقامه شود.

ماده ۷۷۰ - در مورد برواتی که در خارج از کشور تأدیه می‌شوند دعوی علیه برات‌دهنده و یا ظهرنویسان باید ظرف شش ماه از تاریخ واخواست اقامه شود.

ماده ۷۷۱ اگر هریک از ظهرنویسان یا ضامنان آنها بخواهد از حقی که به موجب مقررات این قانون به آنها داده شده استفاده کنند باید در مواعیدی که به موجب مواد (۷۶۹) و (۷۷۰) مقرر است اقامه دعوا کنند. در مورد اشخاص مذکور موعد از فردای ابلاغ دادخواست محاسبه می‌شود و اگر وجه برات را بدون اینکه علیه آنها اقامه دعوا شده باشد تأدیه نمایند از فردای روز تأدیه محاسبه می‌گردد.

ماده ۷۷۲ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد (۷۶۹)، (۷۷۰) و (۷۷۱) دعوی دارنده برات علیه ظهرنویسان، برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است و ضامنان آنها و همچنین دعوی هریک از ظهرنویسان علیه ایادی سابق خود، برات‌دهنده‌ای که برات او قبول شده است و ضامنان آنها در دادگاه مسموع نیست.

ماده ۷۷۳ - دادگاه باید به صرف تقاضای دارنده، معادل وجه برات را از اموال شخصی که دارنده به موجب مقررات این قانون حق رجوع به او را دارد به عنوان تأمین، توقیف کند.

تبصره - در اجرای قرارهای تأمین خواسته و احکام مربوط به اسناد تجارتي، مرجع قضایی باید به درخواست دارنده سند تجارتي به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های هریک از مسؤولان سند در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را، فارغ از نوع آن، برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین مرجع قضایی باید به درخواست دارنده سند تجارتي به مراجع ذی‌ربط از قبیل شهرداری دستور دهد که بر اساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به هریک از مسؤولان سند وجود دارد برای توقیف به مرجع مذکور اعلام کند. مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته و احکام مربوط به همه مطالبات مجری است.

ماده ۷۷۴ - هر یک از برات‌دهنده، ظهرنویسان یا ضامنان آنها می‌توانند با درج در برات، دارنده برات را از انجام واخواست نکول و یا عدم تأدیه و یا اقامه دعوی ظرف مهلت مقرر معاف کنند. آثار این شرط فقط در مورد شرط‌کننده جاری است. اگر علی‌رغم شرط مذکور دارنده برات واخواست یا اقامه دعوا کند، بابت هزینه واخواست یا

هزینه‌های دادرسی حق رجوع به شرط‌کننده را ندارد. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه برات ظرف مهلت مقرر یا ارسال اظهارنامه موضوع ماده (۷۶۶) این قانون معاف نمی‌کند.

فصل یازدهم - واخواست

ماده ۷۷۵ - واخواست در موارد زیر انجام می‌شود:

۱- نکول

۲- عدم تأدیه

ماده ۷۷۶ - واخواست‌نامه به اشخاص زیر ابلاغ می‌شود:

۱- برات‌گیر

۲- اشخاص تعیین‌شده در برات برای تأدیه وجه در صورت اقتضاء

۳- شخص ثالث قبول‌کننده برات

۴- برات‌دهنده

ماده ۷۷۷ - اظهارنامه‌ای که برای انجام واخواست تنظیم می‌شود باید متضمن واژه «واخواست‌نامه» و امر به تأدیه وجه برات باشد و رونوشت یا تصویر کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و سایر موارد به اظهارنامه ضمیمه شود.

ماده ۷۷۸ - هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جایگزین واخواست‌نامه شود مگر اینکه به موجب این قانون تعیین گردد.

ماده ۷۷۹ - واخواست‌نامه طبق قانون آیین دادرسی مدنی ابلاغ می‌شود.

فصل دوازدهم - قوانین خارجی

ماده ۷۸۰ - در مورد برواتی که در خارج ایران صادر می‌شود شرایط اساسی برات تابع قانون کشور محل صدور است.

هر قسمت از سایر تعهدات براتی اعم از تعهدات ناشی از صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت نیز که در خارج از کشور به وجود می‌آید تابع قانون کشوری است که تعهد در آن‌جا به وجود آمده است.

اگر شرایط شکلی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران صحیح باشد اشخاصی که در ایران تعهد براتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط شکلی برات یا تعهد براتی مطابق با قانون حاکم خارجی نیست.

ماده ۷۸۱ - واخواست و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در کشور خارجی باید به عمل آید تابع قانون کشوری است که اقدام مذکور باید در آن‌جا انجام شود.

باب دوم - سفته

ماده ۷۸۲ - سفته سندی است که به موجب آن امضاءکننده بدون قید و شرط تعهد می‌کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه و یا به‌حواله‌کرد شخص معین پرداخت کند.

ماده ۷۸۳ - سفته علاوه بر امضاء صادرکننده باید متضمن موارد زیر باشد:

۱- قید کلمه «سفته» روی آن

۲- تاریخ صدور، به روز و ماه و سال

۳- هویت صادرکننده

۴- مبلغ سفته

۵- تاریخ پرداخت وجه سفته، به روز و ماه و سال

۶- نشانی کامل مکان تأدیه وجه سفته

۷- هویت اولین دارنده سفته

ماده ۷۸۴ - در صورتی که سفته مطابق ماده (۷۸۳) این قانون تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات راجع به سفته نیست مگر در موارد زیر:

۱- عدم تعیین تاریخ تأدیه وجه سفته که در این صورت سفته عندالمطالبه تلقی می‌شود.

۲- عدم تعیین مکان تأدیه وجه سفته که در این صورت اقامت‌گاه صادرکننده مکان پرداخت تلقی می‌شود.

ماده ۷۸۵ - اگر سفته به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۳) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده

تکمیل شود، اعتبار سفته را دارد. در این صورت هیچ‌یک از مسؤولان سند نمی‌توانند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان

اختیار تکمیل‌کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی استناد کنند.

ماده ۷۸۶ - رعایت مفاد مواد (۷۰۴)، (۷۰۵)، (۷۰۸) این قانون و کلیه مواد فصل چهارم تا پایان فصل دوازدهم

باب اول کتاب سوم «اسناد تجارتي»، در مورد سفته نیز الزامی است.

باب سوم - چک

ماده ۷۸۷ - چک سندی است که به موجب آن صادرکننده به بانک دستور بيقيد و شرط می‌دهد تا تمام یا

بخشی از وجوهی را که نزد بانک دارد به وی رد یا به دیگری پرداخت کند.

ماده ۷۸۸ - صادرکننده چک علاوه بر امضاء باید موارد زیر را در آن درج کند:

۱- تاریخ چک، به روز و ماه و سال

۲- مبلغ چک

۳- هویت اولین دارنده چک

تبصره - بانک اعطاءکننده دسته چک باید بر روی هر برگ چک کلمه چک، نام بانک، نام، شناسه و نشانی شعبه

بانک اعطاءکننده و هویت صاحب حساب را درج کند و همچنین باید شماره حسابی را که مبلغ چک باید از محل آن

پرداخت شود قید کند.

ماده ۷۸۹ - در صورتی که چک مطابق مفاد متن ماده (۷۸۸) این قانون تنظیم نشود، مشمول مقررات راجع به

چک نیست.

ماده ۷۹۰ - اگر چک به هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۷۸۸) این قانون باشد و سپس به وسیله دارنده

تکمیل شود، اعتبار چک را دارد. در این صورت، صادرکننده چک نمی‌تواند در برابر دارنده ناآگاه به فقدان اختیار

تکمیل‌کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی استناد کند.

ماده ۷۹۱ - چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل مطالبه است.

ماده ۷۹۲ - رعایت مفاد مواد (۷۰۴)، (۷۰۵)، (۷۰۸) این قانون و مواد فصل چهارم تا پایان فصل دوازدهم از باب اول کتاب سوم «اسناد تجارتي»، در مورد چک نیز الزامی است.

ماده ۷۹۳ - مهلت و اخواست چک سی روز از تاریخ چک است. اگر دارنده چک ظرف مهلت مذکور و اخواست نکند، حق رجوع به ظهرنویسان و ضامنان آنها را ندارد. چنانچه دارنده چک پس از مهلت مذکور مراجعه کند و چک به سببی از قبیل ورشکستگی که مربوط به بانک است با عدم پرداخت مواجه گردد، حق مراجعه به صاحب حسابی را که حداقل معادل وجه چک، وجوه نقد نزد بانک داشته است ندارد و فقط میتواند به بانک رجوع کند.

ماده ۷۹۴ - شخصی که وجه چک را دریافت می کند باید در ظهر آن هويت خود را ذکر و امضاء کند. بانک باید هويت ارائه دهنده چک را در حدود عرف بانکداری احراز کند.

ماده ۷۹۵ - تمام بانک های کشور باید دسته چک های مختلف، متناسب با شرایط اشخاصی که مجاز به دریافت این نوع دسته چک ها می باشند را تهیه کنند و بر روی هر یک از برگ های چک، سقف مبلغ قابل پرداخت و مدت اعتبار آن را درج نمایند. مدت اعتبار چک نمیتواند از دو سال بیشتر باشد.

بانک محال علیه مجاز نیست چک هایی را که تاریخ مندرج در آنها پس از پایان مدت اعتبار موضوع این ماده است، پرداخت کند. اگر مبلغ درج شده در چک بیشتر از سقف مبلغ قابل پرداخت باشد، بانک فقط به میزان سقف مندرج در سند وجه آن را پرداخت می کند.

ماده ۷۹۶ - آیین نامه اجرایی ماده (۷۹۵) این قانون و نیز نحوه اعتبار سنجی و شرایط اعطای دسته چک به وسیله بانک مرکزی با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود تا حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران برسد.

ماده ۷۹۷ - بانک اعطاءکننده دسته چک باید هنگام افتتاح حساب، حسب مورد، هويت، نشانی کامل و کد پستی اشخاص حقیقی و هويت، سمت و حدود اختیارات و مدت مدیریت مدیران، مشخصات دارندگان حق امضاء، هويت نشانی کامل و کد پستی اشخاص حقوقی را ثبت و از صحت مشخصات اعلام شده اطمینان حاصل کند.

ماده ۷۹۸ - هرگاه چک طبق قوانین ایران بر عهده بانکهای داخل کشور و یا شعب آنها در خارج صادر شود، در حکم سند رسمی لازم الاجراء است و در صورتی که عدم وصول تمام یا قسمتی از وجه آن فقط به علت نبودن یا کسر موجودی باشد، دارنده می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط، وجه چک یا باقی مانده آن را از طریق اجرای ثبت از صاحب حساب وصول کند. برای صدور اجرائیه دارنده چک باید حسب مورد عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده (۸۰۲) این قانون یا گواهی نامه موضوع تبصره (۱) ماده مذکور را به واحد اجرای ثبت اسناد محل تسلیم کند. اجراء ثبت در صورتی دستور اجراء سند را صادر می کند که مطابقت امضای مندرج در چک با نمونه امضای موجود در بانک به وسیله بانک گواهی شده باشد.

ماده ۷۹۹ - صادرکننده چک باید در تاریخ چک معادل مبلغ چک در بانک وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده است، به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات یا ناخوانا بودن یا اصلاح مندرجات آن از پرداخت وجه سند خودداری کند. همچنین صادرکننده نباید از حسابی که آن را بسته است چک صادر کند یا حسابی را که از آن چک صادر کرده است ببندد.

بانک به تقاضای دارنده، در صورت فقدان موانع مذکور وجه چک را در تاریخ مندرج در سند یا پس از آن به وی می‌پردازد. هرگاه در چک شرطی برای پرداخت ذکر شود، بانک به آن شرط ترتیب اثر نمی‌دهد.

ماده ۸۰۰ - در صورت درج شماره حساب گیرنده وجه در چک به هنگام صدور یا ظهرونیسی و درج عبارت صریحی حاکی از واریز وجه به آن شماره حساب، فقط صاحب حساب مذکور، دارنده آن محسوب می‌شود و مبلغ چک فقط قابل واریز به آن حساب است.

ماده ۸۰۱ - هرگاه مبلغ چک به موجب حکم قضایی نزد بانک توقیف شود بانک نباید وجه آن را بپردازد و در صورت پرداخت مسؤول است.

ماده ۸۰۲ - هرگاه وجه چک به یکی از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون پرداخت نشود بانک باید ضمن درج عبارتی حاکی از عدم پرداخت وجه چک بر روی آن، در برگ مخصوصی که گواهی‌نامه عدم پرداخت نامیده می‌شود موارد زیر را همراه با نام بانک و نام و شناسه شعبه و تاریخ، درج نماید و پس از مهر و امضا کردن آن، به دارنده تسلیم کند:

۱- مبلغ چک

۲- تاریخ چک

۳- هویت و نشانی کامل دارنده یا دارندگان حق امضاء

۴- هویت و نشانی کامل صاحب حساب

۵- نام بانک و شناسه شعبه و اگذارکننده چک به صادرکننده

۶- میزان موجودی حساب در صورت عدم کفایت یا تصریح به کفایت موجودی

۷- گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضای مندرج در چک با نمونه امضای موجود در بانک

۸- هویت و نشانی کامل دارنده چک

۹- علت یا علل عدم پرداخت به طور صریح

تبصره ۱ - هرگاه موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد بانک باید به تقاضای دارنده چک، مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت چک پرداخت و گواهی‌نامه را با تصریح به مبلغ پرداخت‌شده صادر کند. گواهی‌نامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک است.

تبصره ۲ - صدور گواهی‌نامه موضوع این ماده در مهلت مقرر در ماده (۷۹۳) این قانون دارنده چک را از انجام واخواست معاف می‌کند؛ لکن مواد (۷۶۶) تا (۷۶۸) نیز در این مورد مجری است.

ماده ۸۰۳ - بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا صدور نادرست یا ناقص آن است.

ماده ۸۰۴ - در صورت صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت بانک باید تصویر یا رونوشت گواهی‌نامه مذکور را به هزینه دارنده برای صاحب حساب ارسال کند. در غیر این صورت، بانک ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب است.

ماده ۸۰۵ - هرگاه چک به هریک از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون پرداخت نگردد، دارنده می‌تواند محکومیت هریک از مسؤولان سند را به پرداخت وجه آن و متفرعات طلب از دادگاه تقاضا نماید.

ماده ۸۰۶ - در صورتی که دارنده چک برای حفظ حقوق خود در مقابل مسئولان سند و اخواست کند، و اخواست نامه به بانک ابلاغ می شود و بانک باید تصویر یا رونوشت و اخواست مذکور را به هزینه دارنده چک برای صاحب حساب ارسال کند. در غیر این صورت بانک ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب است.

ماده ۸۰۷ - صادرکننده یا دارنده چک با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده است، می تواند به طور کتبی دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری و در صورت ارائه چک، گواهی عدم پرداخت را به ارائه دهنده تسلیم می کند.

دستور دهنده مکلف است شکایت خود را در مراجع قضایی طرح و حداکثر ظرف یک هفته پس از اعلام به بانک، گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم کند در غیر این صورت، پس از انقضا مدت مذکور بانک به تقاضای دارنده چک از محل موجودی حساب وجه آن را پرداخت می کند.

تبصره - پرداخت چک هایی را که هر بانک بر عهده خود صادر می کند، به استثناء چک های صادر شده در وجه شخص معین، نمی توان به استناد این ماده متوقف کرد، مگر آنکه بانک صادرکننده در مورد آن ادعای جعل کند.

ماده ۸۰۸ - برات گیر و صادرکننده سفته می توانند مقرر کنند که وجه سند از محل حساب جاری خود در بانک پرداخت شود. در مورد بروات و سفته هایی که مقرر است از محل حساب بانکی برات گیر یا صادرکننده سفته مقرر پرداخت شود، مفاد مواد (۷۹۸)، (۸۰۰)، (۸۰۱)، (۸۰۲)، (۸۰۳)، (۸۰۴) و (۸۰۷) این قانون مجری است. آیین نامه اجرایی این ماده به وسیله بانک مرکزی تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۸۰۹ - در مورد کلیه ابلاغهای مربوط به چک، ابلاغ به آخرین نشانی صادرکننده در بانک ابلاغ قانونی محسوب می شود و احضار به وسیله نشر آگهی لازم نیست.

ماده ۸۱۰ - هر برگ چک باید دارای یک نسخه ضمیمه باشد. مفاد هر برگ چک به هنگام صدور باید به نحوی تنظیم شود که عین آن در برگ ضمیمه نیز منعکس گردد و دریافت کننده در نسخه مذکور یکسان بودن دو نسخه و نیز دریافت برگ چک را گواهی کند. صدور و تسلیم دسته چک بعدی برای صاحب حساب منوط به ارائه نسخ ضمیمه چک های صادر شده و انطباق مبلغ آنها با نسخه اصلی چک های ارائه شده به بانک است.

ماده ۸۱۱ - پس از صدور گواهی عدم پرداخت، بانک ها باید تا پیش از رفع سوء اثر از چک از ارائه خدمات زیر به صاحب حساب خودداری کنند:

۱- افتتاح اعتبار اسنادی ارزی و ریالی

۲- دریافت ضمانت نامه های ارزی و ریالی

۳- اعطای دسته چک جدید

۴- صدور و اعطاء کارت اعتباری

تبصره ۱- مؤسسات مالی و اعتباری نیز باید از ارائه خدمات مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۴) به اشخاص موضوع این ماده خودداری کنند.

تبصره ۲- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده در مورد نماینده نیز اعمال می‌گردد. مگر آنکه نماینده عدم مسؤلیت خود را به موجب این قانون اثبات کند.

ماده ۸۱۲ - در موارد زیر از چک برگشتی رفع سوء اثر می‌شود:

۱- هرگاه مبلغ مندرج در متن چک برگشتی به حسابی که چک از آن صادر شده است واریز شود و دارنده چک وجه آن را دریافت کند.

۲- هرگاه مبلغ مندرج در متن چک برگشتی به حسابی که چک از آن صادر شده است واریز شود و صاحب حساب درخواست مسدود شدن وجه مذکور برای پرداخت وجه چک برگشتی را برای مدت یک سال از تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت به بانک ارایه کند.

۳- هرگاه برگه چک برگشتی به بانک صادرکننده دسته چک مسترد شود.

۴- هرگاه شخصی که گواهی عدم پرداخت به نام او صادر شده است سندی رسمی دال بر استیفاء وجه چک ارایه کند.

۵- هرگاه دادگاه دستور رفع سوء اثر از چک را صادر کند. دادگاه در صورتی که به بانک دستور رفع سوء اثر از چک را می‌دهد که ادعای شاکی مبنی بر مفقود بودن چک یا تحصیل آن از طرق مجرمانه از قبیل سرقت، جعل، کلاهبرداری یا خیانت در امانت را مقرون به صحت تشخیص دهد.

تبصره - چنانچه صدور گواهی نامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت به وسیله دارنده چک باشد برای صاحب حساب سوء اثر محسوب نمی‌شود.

ماده ۸۱۳ - هرگاه چک ارائه شده به بانک فقط به علت فقدان یا کسر موجودی قابل پرداخت نباشد، بانک محال علیه باید بلافاصله به صادرکننده اخطار کند تمام دسته‌چک‌های تسلیمی را اعم از اینکه از ناحیه بانک محال علیه و یا بانک‌های دیگر صادر شده باشد، مسترد کند.

ماده ۸۱۴ - هرگاه تمام یا بخشی از مبلغ چک به علت فقدان یا کسر موجودی پرداخت نگردد بانک صادرکننده دسته‌چک مکلف به پرداخت ده درصد وجه پرداخت نشده از میزان سقف مندرج در چک است. چنانچه حساب مذکور دارای موجودی باشد، بانک مکلف به پرداخت مابه التفاوت است.

ماده ۸۱۵ - بانک‌ها باید از اعطای دسته چک به کلیه اشخاصی که حکم محکومیت قطعی به پرداخت وجه چک و یا محکومیت قطعی به ارتکاب جرائم موضوع مواد (۸۲۰) و (۸۲۳) این قانون علیه آنان صادر شده و در سوابق بانک مرکزی ثبت گردیده است، تا دو سال از تاریخ قطعیت حکم خودداری کنند.

دادگاه صادرکننده رأی قطعی رونوشتی از رأی صادر شده را به بانک مرکزی ارسال می‌کند.

مسئول شعبه هر بانکی که به تکالیف مقرر در این ماده و ماده (۸۱۱) عمل نکند، به محرومیت درجه شش از اشتغال به خدمات عمومی و دولتی و اشتغال در کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و جزای نقدی درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و حداکثر سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۸۱۶ - شخصی که مشمول ممنوعیت‌های مندرج در مواد (۸۱۱) و (۸۱۵) این قانون است نمی‌تواند به عنوان مدیر یا نماینده اشخاص حقوقی یا حقیقی نیز اقدامات موضوع مواد مذکور را انجام دهد.

ماده ۸۱۷ - بانک در صورت اعطای دسته چک بر خلاف مواد (۸۱۱) و تبصره (۲) آن، (۸۱۵) و (۸۱۶) این قانون، در برابر دارندگان چک‌های مذکور، مسؤول پرداخت وجه چک است.

ماده ۸۱۸ - هرگاه چک ارائه شده به بانک به یکی از علل مندرج در ماده (۷۹۹) این قانون قابل پرداخت نباشد، بانک مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از صدور گواهی نامه موضوع ماده (۸۰۲) رونوشتی از گواهی نامه مذکور را به بانک مرکزی یا مراکزی که از سوی بانک مرکزی تعیین می شود، ارسال کند.

ماده ۸۱۹ - بانک مرکزی به عنوان مرجع تمرکز اطلاعات بانکی مکلف است شرایط لازم را برای دسترسی آنی و الکترونیک به اطلاعات مربوط به افتتاح و انسداد حساب جاری، دریافت دسته چک، صدور گواهی عدم پرداخت، آرای قطعی محاکم دربار چک‌ها، محرومیت اشخاص از دریافت دسته چک، اصالت چک، صحت امضاء، سوابق صدور چک پرداخت نشده و سایر اطلاعات مورد نیاز در مورد دارندگان حساب جاری فراهم کند. نحوه جمع‌آوری، نوع اطلاعات و چگونگی حفاظت و دسترسی دستگاه‌های ذیربط به شبکه اطلاعاتی موضوع این ماده به موجب آیین نامه‌ای است که به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان ثبت احوال کشور تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره - اطلاعات مربوط به صاحبان حساب و صادرکنندگان چک‌های برگشتی که ظرف پانزده روز به رفع سوء اثر از آن چک‌ها اقدام نکرده‌اند و همچنین اطلاعات مربوط به اشخاص موضوع ماده (۸۱۵) این قانون نیز باید در دسترس عموم قرار گیرد. آیین نامه مشتمل بر اطلاعات لازم و چگونگی دسترسی عموم به وسیله بانک مرکزی و با همکاری وزارت دادگستری و سازمان ثبت احوال کشور تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۸۲۰ - هرگاه تمام یا بخشی از مبلغ چک فقط به علت فقدان یا کسر موجودی پرداخت نگردد، صادرکننده برای بار اول به جزای نقدی معادل یک چهارم تا یک دوم مبلغ چک محکوم می گردد. چنانچه پس از صدور حکم محکومیت قطعی دوباره گواهی عدم پرداخت صادر گردد صادرکننده به شرح زیر محکوم می گردد:

۱ - چنانچه مبلغ پرداخت نشده چک کمتر از یکصد میلیون ریال باشد به حبس تعزیری درجه هفت

۲ - چنانچه مبلغ پرداخت نشده چک یکصد میلیون ریال یا بیشتر باشد به حبس تعزیری درجه شش

تبصره ۱ - چنانچه پس از گذشت سه سال از تاریخ صدور آخرین حکم محکومیت به مجازات مندرج در این ماده، چک دیگری با عدم پرداخت مواجه نشود مجازات راجع به صدور مجدد گواهی عدم پرداخت اجرا نمی شود.

تبصره ۲ - چنانچه محکوم علیه به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی بازداشت شود مدت حبس آن نباید از درجه هفت بیشتر باشد.

ماده ۸۲۱ - در موارد زیر صادرکننده چک پرداخت نشدنی مجازات نمی شود:

۱- هرگاه صادرکننده در تاریخ مطالبه وجه چک از تصرف در اموال خود ممنوع باشد.

۲- هرگاه عدم پرداخت چک در تاریخ مطالبه مستند به حادثه خارجی غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفع باشد.

۳- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

۴- هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۵- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن به تحقق شرطی منوط است یا چک بابت

تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

تبصره - احراز ممنوعیت از تصرف موضوع بند (۱) این ماده منوط به حکم دادگاه صالح است لکن به موارد مذکور در بند های دیگر در دادگاه رسیدگی کننده به جرم صدور چک پرداخت نشدنی رسیدگی می شود.

ماده ۸۲۲ - در صورتی که صادرکننده چک، چک های متعدد صادر کند که به علت فقدان یا کسر موجودی یا توقیف بودن حساب پرداخت نگردد، مجموع مبالغ پرداخت نشده چک ها ملاک تعیین مجازات مقرر در ماده (۸۲۰) این قانون است.

ماده ۸۲۳ - هر شخصی که با علم به بسته بودن حسابی که از آن چک صادر می کند مبادرت به صدور چک نماید یا بعد از صدور چک اقدام به بستن آن حساب کند یا امضاء خود را به نحوی تغییر دهد که چک با عدم پرداخت مواجه گردد، حسب مورد، به حداکثر مجازات مقرر برای صدور چک پرداخت نشدنی محکوم می شود.

ماده ۸۲۴ - دارنده چک می تواند با تقدیم دادخواست و با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی وجه چک و متفرعات آن را از صادرکننده در دادگاه کیفری رسیدگی کننده به جرم صدور چک پرداخت نشدنی مطالبه کند. صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه در مورد مطالبه وجه چک و متفرعات آن از صادرکننده، رسیدگی و حکم صادر کند.

ماده ۸۲۵ - به کلیه شکایات و دعاوی حقوقی و جزایی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه در کلیه مراحل تا خاتمه دادرسی، خارج از نوبت و فوری رسیدگی می شود.

ماده ۸۲۶ - چنانچه صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و متفرعات آن را نقدی به دارنده چک پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا موجبات پرداخت آن را در بانک صادرکننده دسته چک فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست. در مورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

ماده ۸۲۷ - هرگاه شاکی قبل از صدور حکم قطعی گذشت کند یا متهم وجه چک و متفرعات آن را به دارنده چک پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و متفرعات مذکور را فراهم آورد یا در صندوق دادگستری تودیع کند قرار موقوفی تعقیب صادر می شود.

ماده ۸۲۸ - هرگاه شاکی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند یا محکوم علیه به ترتیب مذکور در ماده (۸۲۷) این قانون موجبات پرداخت وجه چک و متفرعات آن را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف و در صورتی که مجازات به استناد بند (۱) ماده (۸۲۰) باشد صادرکننده به جزای نقدی درجه هشت و اگر صدور حکم به استناد بند (۲) ماده (۸۲۰) باشد به جزای نقدی درجه هفت محکوم می شود.

ماده ۸۲۹ - جرائم مذکور در مواد (۸۲۰) و (۸۲۳) این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست؛ در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ چک برای اخذ گواهی عدم پرداخت یا انجام واخواست اقدام نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند دیگر حق شکایت کیفری ندارد.

ماده ۸۳۰ - شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک به وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آن که انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود در باره چک را به هر نحو به دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف می شود.

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت عدم پرداخت وجه چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی

آن شخص، در ظهر چک قید کند. در اینصورت بانک گواهی نامه عدم پرداخت را به نام صاحب چک صادر میکند و حق شکایت کیفری او محفوظ میماند.

ماده ۸۳۱ - در مواردی که به موجب ماده (۸۰۷) این قانون دستور عدم پرداخت چک صادر شود هرگاه دستوردهنده در مهلت مقرر به طرح شکایت اقدام نکند یا شکایت وی حسب مورد به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، دستوردهنده در صورت علم به بلا وجه بودن دستور عدم پرداخت حسب مورد به مجازاتهای مقرر برای صدور چک پرداخت نشدنی محکوم می شود.

ماده ۸۳۲ - وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۸۳۳ - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، امضاءکننده چک مطابق این قانون مسئولیت کیفری دارد مگر اینکه ثابت کند به موجب این قانون مسئولیتی در قبال پرداخت وجه چک ندارد که در این صورت حسب مورد اصیل و یا نماینده بعدی که عدم پرداخت مستند به او است مطابق این قانون مسئولیت کیفری دارد.

ماده ۸۳۴ - هر شخص که با توسل به شیوههای متقلبانه مبادرت به افتتاح حساب یا دریافت دسته چک کند حبس تعزیری درجه شش و در صورتی که عمل ارتكابی منطبق با عنوان مجرمانه دیگری با مجازات شدیدتر باشد مرتکب به مجازات آن جرم محکوم می شود.

ماده ۸۳۵ - تحویل دسته چک به دارندگان حسابهای جاری قبلی منوط به احراز شرایط مقرر در این قانون است.

باب چهارم - ضمانت نامه مستقل

ماده ۸۳۶ - ضمانت نامه مستقل سندی است که به موجب آن صادرکننده (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون عنه) پرداخت مبلغ معینی به ذی نفع (مضمون له) را با رعایت شرایط مقرر در ضمانت نامه برعهده می گیرد.

ماده ۸۳۷ - تعهدات ناشی از ضمانت نامه مستقل، جدای از تعهدات متقابل ذی نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین جدای از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است و سقوط، فسخ یا بطلان تعهد اصلی موجب برائت صادرکننده نمی گردد. تنها بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری مجاز به صدور چنین ضمانت نامه هایی می باشند.

ماده ۸۳۸ - ضمانت نامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضاء صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد:

- ۱ - درج عبارت «ضمانت نامه مستقل» بر روی سند
- ۲ - هويت و نشانی کامل متقاضی (مضمون عنه)
- ۳ - هويت و نشانی کامل صادرکننده (ضامن)
- ۴ - هويت و نشانی کامل ذی نفع (مضمون له)
- ۵ - تاریخ صدور به روز و ماه و سال
- ۶ - مبلغ ضمانت نامه
- ۷ - تاریخ اعتبار ضمانت نامه
- ۸ - تاریخ و شرایط مطالبه مبلغ
- ۹ - شرایط اصلاح ضمانت نامه

ماده ۸۳۹ - عدم درج هریک از موارد (۱) تا (۶) ماده (۸۳۸) این قانون موجب بطلان ضمانت نامه مستقل است.

ماده ۸۴۰ - اگر تاریخ اعتبار ضمانت نامه مستقل در آن ذکر نشود تا پنج سال از تاریخ صدور اعتبار دارد.

ماده ۸۴۱ - هر شرطی که استقلال ضمانت نامه را تغییر دهد بی اثر است.

ماده ۸۴۲ - ضمانت نامه مستقل به محض صدور غیر قابل برگشت است، مگر خلاف آن در ضمانت نامه تصریح شود.

ماده ۸۴۳ - به محض اینکه ضمانت نامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادر شده محسوب می شود، مگر آن که در ضمانت نامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانت نامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است.

ماده ۸۴۴ - ذی نفع می تواند با ارایه ضمانت نامه مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آن که در ضمانت نامه زمان و یا شرایط خاصی برای مطالبه تعیین شود.

ماده ۸۴۵ - اگر مفاد ضمانت نامه اصلاح شود، در صورت موافقت کتبی ذی نفع، از لحظه صدور اصلاحیه ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود، مگر آن که در متن موافقت نامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذی نفع در گذشته و به صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه ای که صادر کننده ضمانت نامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به وسیله ذی نفع را دریافت می کند، ضمانت نامه اصلاح شده تلقی می شود.

ماده ۸۴۶ - اصلاح ضمانت نامه مستقل تأثیری به زیان تأیید کننده ضمانت نامه ندارد، مگر اینکه وی به طور کتبی موافقت کرده باشد. تأیید کننده ضمانت نامه شخصی است که اجرای مفاد ضمانت نامه به وسیله ضامن را تعهد می کند.

ماده ۸۴۷ - انتقال قراردادی ضمانت نامه مستقل در صورتی ممکن است که در متن سند بر قابل انتقال بودن آن تصریح شود. در این صورت، انتقال ضمانت نامه با درج هویت و امضاء انتقال دهنده، هویت و نشانی کامل انتقال گیرنده و عبارت صریحی حاکی از انتقال سند در آن محقق می گردد.

ماده ۸۴۸ - انتقال قراردادی ضمانت نامه مستقل پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانت نامه باطل است.

ماده ۸۴۹ - هرگونه انتقال ضمانت نامه مستقل باید به طور کتبی به وسیله انتقال دهنده به اطلاع صادر کننده برسد. قبل از وصول مراتب انتقال به صادر کننده، انتقال گیرنده حق مطالبه مبلغ ضمانت نامه را ندارد.

ماده ۸۵۰ - هر یک از اطراف ضمانت نامه مستقل می تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرف های ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به طور رسمی وکالت دهد.

ماده ۸۵۱ - در صورتی که صادر کننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانت نامه را پرداخت کند، از سوی ذی نفع اطلاعیه ای مبنی بر انتقال ضمانت نامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانت نامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانت نامه بری می شود.

ماده ۸۵۲ - تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت نامه باید با رعایت شرایط مندرج در ضمانت نامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت نامه به منزله اقرار ذی نفع به موارد زیر است:

- ۱- کلیه اسناد ارائه شده منطبق با مقررات است و هیچ یک از آنها مجعول نیست؛
- ۲- هیچ پرداختی درباره اسناد ارائه شده انجام نشده است.

ماده ۸۵۳ - پرداخت مبلغ ضمانت نامه و ارایه اسناد مندرج در آن باید حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار ضمانت نامه و در محل اقامت صادر کننده یا نماینده او تقاضا شود، مگر اینکه در ضمانت نامه به نحو دیگری مقرر گردد.

ماده ۸۵۴ - انقضای اعتبار ضمانت نامه مستقل ممکن است در تاریخ مشخصی باشد یا به تحقق شرط معینی موکول شود.

ماده ۸۵۵ - تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانت نامه یا پرداخت مبلغ آن در چند مرحله ممکن است، مشروط بر آن که این امر در ضمانت نامه پیش بینی شود.

ماده ۸۵۶ - صادرکننده باید تقاضای ذی نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانت نامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین المللی حداکثر تا یک ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفاء کند. ایفاء تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانت نامه محقق می شود و ممکن است، حسب دستور ذی نفع، به طور نقدی یا از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد.

ماده ۸۵۷ - چنانچه مطالبه مبلغ به ارایه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارایه شده را با اسناد ذکر شده در ضمانت نامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف دو روز مراتب را به اطلاع ذی نفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذی نفع اصل اسناد را مسترد کند و دلیل رد را ظرف ده روز به صورت کتبی به وی اطلاع دهد.

ماده ۸۵۸ - قبول هیچ یک از اسناد به وسیله صادرکننده نباید به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانت نامه یا امضای شخص ثالث منوط شود.

ماده ۸۵۹ - در مواردی که اسناد ارائه شده مجعول یا وقوع جرمی در مورد آنها محرز باشد، پرداخت وجه متوقف و مراتب به مراجع ذی صلاح قضایی اعلام می شود.

ماده ۸۶۰ - در صورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران کلیه خسارات وارد شده به ذی نفع و متقاضی است.

ماده ۸۶۱ - در صورتی که صادرکننده، مبلغ ضمانت نامه مستقل را مطابق شرایط ضمانت نامه پرداخت کند، متقاضی باید مبالغ زیر را به وی بپردازد:

۱- مبلغ مندرج در ضمانت نامه تا سقفی که به ذی نفع پرداخت شده است.

۲- کارمزدی که ممکن است برای پرداخت معین شود.

۳- هزینه ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانت نامه متحمل شده است. طرفین می توانند بر مبلغ مقطوعی به عنوان خسارت توافق کنند.

ماده ۸۶۲ - در صورت مفقود شدن، سرقت یا از بین رفتن ضمانت نامه مستقل، هرگاه ضمانت نامه غیر قابل انتقال باشد ذی نفع می تواند ضمن دستور کتبی عدم پرداخت نسخه مفقود، حسب مورد، صدور نسخه جایگزین یا پرداخت مبلغ ضمانت نامه را مطابق شرایط مندرج در آن از صادرکننده تقاضا کند. هرگاه ضمانت نامه قابل انتقال باشد، ذی نفع می تواند به طور کتبی دستور عدم پرداخت نسخه مفقود را به صادرکننده بدهد. صادرکننده پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری می کند. دستوردهنده باید شکایت خود را در مراجع قضایی طرح و حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از دستور عدم پرداخت، گواهی تقدیم شکایت خود را به صادرکننده تسلیم کند. در غیر این صورت، پس از انقضاء مدت مذکور، صادرکننده به تقاضای ارایه دهنده و با احراز شرایط لازم مطابق مواد این باب وجه آن را پرداخت می کند. در هر حال، ذی نفع می تواند با دستور دادگاه و با دادن وثیقه کافی صدور نسخه

جایگزین یا پرداخت مبلغ ضمانت‌نامه را مطابق شرایط مندرج در آن از صادرکننده تقاضا کند. با انقضای اعتبار ضمانت‌نامه وثیقه مذکور فک می‌شود.

تبصره - عبارت «نسخه جایگزین» باید در ضمانت‌نامه جایگزین درج شود.

ماده ۸۶۳ - ذی‌نفع در موارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلغ ضمانت‌نامه را ندارد:

۱- صادرکننده را به‌طور کتبی ابراء کند.

۲- بین ذی‌نفع و صادرکننده تهاوتر صورت گیرد.

۳- مبلغ ضمانت‌نامه پرداخت شود.

۴- اعتبار ضمانت‌نامه منقضی شود.

ماده ۸۶۴ - وجود ضمانت‌نامه نزد صادرکننده به منزله برائت وی است، مگر اینکه ثابت شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن در اختیار صادرکننده قرار گرفته است.

ماده ۸۶۵ - در صورتی که ذی‌نفع به‌طور کتبی صادرکننده را ابراء کند، صادرکننده مذکور می‌تواند در مقابل او به این امر استناد کند. در این صورت، اگر ضمانت‌نامه قابل انتقال باشد ذی‌نفع حق انتقال آن را ندارد و در صورت انتقال به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده ۸۶۶ - ضمانت‌نامه مستقل در صورتی مشمول مواد این باب است که در متن ضمانت‌نامه به‌طور صریح تابع مقررات این قانون قرار داده شود.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ماده ۸۶۷ - متصرف هر سند در وجه حامل، دارنده آن محسوب می‌گردد، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۸۶۸ - دادگاه می‌تواند به تقاضای خواهان مبنی بر صدور دستور عدم پرداخت وجه سند در وجه حامل، بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی، مدیون را از پرداخت وجه سند به دارنده آن منع کند. در این صورت، تأدیه وجه سند به حامل، مسؤول سند را در مقابل شخصی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نمیکند.

ماده ۸۶۹ - در صورت مفقود شدن سند در وجه حاملی که به دارنده آن حق می‌دهد سودی را دریافت کند، مانند سهام بی‌نام و اوراق مشارکت، یا تحصیل آن از طریق مجرمانه، دارنده آن باید با اثبات اینکه سند در تصرف او بوده و مفقود یا از طریق مجرمانه تحصیل شده است از دادگاه ابطال آن را مطابق مواد این باب تقاضا کند. اگر سند دارای ضمیمه‌ای برای دریافت سود باشد و ضمیمه مذکور مفقود شود، ابراز خود سند به دادگاه برای اثبات تصرف کافی است.

ماده ۸۷۰ - در مورد ماده (۸۶۹) این قانون اگر دادگاه ادعای خواهان را مقرون به صحت تشخیص دهد، باید سه بار هریک به فاصله یک ماه از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به هزینه خواهان مراتب را اعلان و به دارنده مجهول سند اخطار کند. هرگاه از تاریخ انتشار آگهی تا سه سال سند ابراز نشود، حکم ابطال آن صادر میشود. ابطال سند باید به هزینه خواهان به وسیله نشر آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلان گردد. در صورتی که سند مفقود مانند اوراق مشارکت دارای سررسید باشد، مبدأ سه سال مذکور، سررسید سند است.

ماده ۸۷۱ - اگر قبل از ابطال سند به موجب ماده (۸۷۰) این قانون سند ابراز شود، متعهد سند باید ارایه‌دهنده سند را به دادگاهی که پرداخت وجه یا سود متعلق به آن را منع کرده است دلالت کند. در صورت مراجعه ارایه‌کننده سند به دادگاه، دادگاه اسناد ارایه‌شده را توقیف و به مدعی فقدان سند یا تحصیل آن از طریق مجرمانه، مهلت مناسبی می‌دهد و

اخطار می‌کند که هرگاه تا انقضای مهلت، دعوا یا شکایت خود را علیه ابراز کننده سند تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند، دعوای او رد و اسناد توقیف شده به ارایه دهنده آن مسترد می‌شود.

ماده ۸۷۲ - هرگاه دعوای شخص متقاضی دستور عدم پرداخت، رد شود یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود متعهد سند مکلف به پرداخت وجه سند یا سود ناشی از آن است و متقاضی دستور عدم پرداخت، مکلف به جبران خسارات وارد بر دارنده سند است و در صورت علم به بلاوجه بودن دستور عدم پرداخت، به حبس تعزیری درجه هفت و یا جزای نقدی معادل نصف قیمت سند محکوم می‌شود.

ماده ۸۷۳ - در صورت دستور دادگاه به عدم پرداخت اگر ابراز کننده سند به تشخیص دادگاه تضمین کافی را، به متعهد آن بدهد متعهد باید وجه سند را به ابراز کننده بپردازد مشروط بر اینکه در گذشته وجه سند به دارنده پرداخت نشده باشد. وثیقه مذکور در صورت رد دعوای خواهان فک می‌شود.

ماده ۸۷۴ - خواهان می‌تواند پس از شش ماه از انتشار اولین آگهی موضوع ماده (۸۷۰) این قانون، با اثبات اینکه سند مفقود متعلق به او بوده و با سپردن وثیقه کافی برای اصل سند و سود ناشی از آن، از دادگاه الزام مدیون را به صدور سند جایگزین تقاضا نماید؛ مشروط بر اینکه در گذشته وجه سند به ارایه دهنده پرداخت نشده باشد. وثیقه مذکور پس از ابطال سند مفقود فک می‌شود. در صورتی که مطابق ماده (۸۷۱) دعوای خواهان رد یا شکایت او به قرار منع تعقیب یا حکم برائت منتهی شود، مکلف به استرداد اسناد جایگزین است.

ماده ۸۷۵ - هرگاه سند مفقود از اسناد مذکور در ماده (۸۶۹) این قانون نباشد دادگاه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند یا تحصیل آن از طرق مجرمانه را مقرون به صحت تشخیص دهد دستور می‌دهد که مدیون، وجه سند را بلافاصله در صورتی که حال باشد و در صورت مؤجل بودن سند پس از انقضاء اجل به صندوق دادگستری بسپارد. اگر قبل از انقضای مهلت مندرج در ماده (۸۷۰) سند ابراز شود مطابق مواد (۸۷۱) و (۸۷۲) رفتار در غیر این صورت ابطال سند مفقود اعلام و وجهی که به صندوق دادگستری سپرده شده است به مدعی مسترد می‌شود.

ماده ۸۷۶ - مواد این باب شامل برات، سفته، چک، چک پول و اسکناس نیست.

باب ششم - مقررات متفرقه

ماده ۸۷۷ - مراد از هویت در این کتاب نام، نام خانوادگی شخص حقیقی و نام و نوع شخص حقوقی است.

ماده ۸۷۸ - دعوای راجع به برات، سفته و چک پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور و اخوست‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نیست. در صورت عدم اعتراض مبدأ مهلت مذکور از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود.

ماده ۸۷۹ - مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز زندان به مجازات نقدی روزانه سیصد هزار ریال تبدیل می‌شود مجازات‌های نقدی در نظر گرفته شده برای اشخاص حقیقی در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر افزایش می‌یابد. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

ماده ۸۸۰ - اسناد تجارتي را می‌توان با رعایت قوانین مربوط به صورت الکترونیک تنظیم کرد. هرگاه سند تجارتي به صورت الکترونیک تنظیم شود، قبول، ظهنویسی و ضمانت آن نیز به صورت الکترونیک انجام می‌شود.

ماده ۸۸۱ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می‌شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه‌های اجرایی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

ماده ۸۸۲ - بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری باید هویت کلیه دریافت‌کنندگان از حساب و واریزکنندگان به حساب را در حدود عرف بانکداری احراز و در دفاتر خود ثبت نمایند.

کتاب چهارم - ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه

ماده ۸۸۳ - حکم ورشکستگی تاجر در صورت توقف وی از تأدیه وجوهی که برعهده اوست صادر می‌شود، مگر اینکه به موجب این قانون کفایت اموال وی نسبت به دیون او احراز شود یا علی‌رغم عدم احراز کفایت اموال نسبت به دیون تاجر، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه منعقد گردد و در صورت انعقاد این قرارداد فسخ یا ابطال نشده باشد.

ماده ۸۸۴ - حکم ماده (۸۸۳) این قانون در مورد اشخاصی که از تجارت کناره‌گیری کرده‌اند نیز جاری است، مشروط بر این که اشخاص مذکور در زمان کناره‌گیری از تجارت در حالت توقف باشند و بیش از یک سال از تاریخ کناره‌گیری آنان سپری نشده باشد. حذف نام تاجر از دفتر ثبت تجارتي، اماره کناره‌گیری از تجارت محسوب می‌شود.

ماده ۸۸۵ - ورشکستگی تاجری را که زمان فوت در حال توقف بوده‌است تا یک سال پس از مرگ او نیز می‌توان تقاضا کرد.

ماده ۸۸۶ - هیچ اثری بر صرف توقف از تأدیه دیون مترتب نیست، مگر این که قانون بر آن تصریح کند.

باب اول - تقاضای ورشکستگی

ماده ۸۸۷ - هریک از بستانکاران تاجر می‌تواند در دادگاه محل اقامت وی علیه او دعوای ورشکستگی اقامه کند مشروط بر این که طلب حال و منجز وی در سررسید تأدیه نشده و بستانکار در قبال طلب مذکور وثیقه‌ای نداشته باشد که پس از فروش و وضع مخارج قانونی طلب مذکور را تکافو کند.

ماده ۸۸۸ - تقاضای ورشکستگی تاجر در صورت توقف از تأدیه جرائم و مجازات‌های نقدی، مالیات، مطالبات تأمین اجتماعی و عوارض شهرداری‌ها مجاز نیست.

ماده ۸۸۹ - اشخاص زیر می‌توانند، مطابق مواد این قانون، رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر را از دادگاه محل اقامت وی تقاضا کنند:

۱- شخص تاجر

۲- دارندگان طلب‌های مؤجل

۳- دادستان محل اقامت تاجر

تبصره - شروع رسیدگی در مورد این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست.

ماده ۸۹۰ - تاجر باید ظرف حداکثر یک ماه از تاریخ حصول اولین وقفه در پرداخت‌های حال خود مراتب را به دادگاه صالح اعلام و ضمن تسلیم صورت‌داری و کلیه دفاتر تجارتي خود به دفتر دادگاه مذکور رسیدگی به امر ورشکستگی خود را تقاضا کند. در صورتی که تقدیم دفاتر یا تنظیم دقیق صورت‌داری در مهلت مذکور متعسر یا متعذر باشد، تاجر باید ضمن درخواست علل آن را توضیح دهد.

ماده ۸۹۱ - صورت دارایی مندرج در ماده (۸۹۰) این قانون باید با قید تاریخ روز به امضای تاجر برسد و متضمن موارد زیر باشد:

۱- تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که تاجر به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، با مشخصات دقیق حسابهای مذکور
۲- صورت کلیه مطالبات، دیون و تضمینات آنها به همراه اسامی و اقامت گاه کلیه بدهکاران و بستانکاران
۳- صورت دیون اشخاص ثالث که تاجر آنها را ضمانت یا تضمین کرده است و میزان آنها، به همراه اسامی و اقامتگاه اشخاص مذکور

۴- صورت کلیه اموال اشخاص ثالث که تاجر به هر عنوان در تصرف خود دارد و نیز صورت کلیه اموال تاجر نزد اشخاص ثالث به هر عنوان، به همراه اسامی و اقامتگاه اشخاص مذکور
۵- صورت کلیه دعاوی اقامه شده له و علیه تاجر خواه در حال رسیدگی خواه نهایی نشدن حکم صادره یا اجرایی نشدن آن

۶- صورت اجمالی نفع و ضرر و مخارج شخصی در دو سال آخر منتهی به تقدیم دادخواست و در صورتی که مدت اشتغال به تجارت کمتر از دو سال باشد، در طول مدت مذکور

ماده ۸۹۲ - در مورد اشخاص حقوقی تاجر آخرین صورت های مالی نیز که به تصویب مجمع عمومی مربوط رسیده است باید به صورت دارایی ضمیمه شود. در این مورد درج صورت اجمالی نفع و ضرر و مخارج شخصی موضوع بند (۶) ماده (۸۹۱) این قانون در صورت دارایی ضروری نیست.

ماده ۸۹۳ - دارندگان طلب های مؤجل در موارد زیر می توانند رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر بدهکار را از دادگاه صالح تقاضا کنند، مشروط بر این که در قبال طلب مذکور وثیقه های نداشته باشند که پس از فروش و وضع مخارج قانونی طلب مذکور را تکافو کند و ثابت شود تاجر از تأدیة وجوه حال و منجز خود متوقف شده است:

- ۱- در صورتی که تاجر اقامتگاه مشخصی در ایران نداشته باشد.
 - ۲- در صورتی که تاجر تجارتخانه خود را بسته یا مخفی شده یا فرار کرده باشد.
 - ۳- در صورتی که تاجر در حال انجام اقداماتی به ضرر بستانکاران خود باشد.
- تبصره - این حکم در مواردی نیز جاری است که تاجر شخص حقوقی باشد و در اقامتگاه مندرج در اساسنامه خود شناخته نشود و یا مدیر یا مدیران و یا مدیر عامل آن اقدامات مذکور در بندهای (۲) و (۳) را مرتکب شده باشد.
- ماده ۸۹۴** - به دعوی ورشکستگی یا امر ورشکستگی در تمام مراحل به صورت خارج از نوبت رسیدگی می شود.

باب دوم - توقف

فصل اول - اعلام توقف

ماده ۸۹۵ - در مورد ماده (۸۸۷) این قانون دادگاه باید پس از وصول دادخواست ورشکستگی به ادعای خواهان در مورد توقف تاجر رسیدگی کند. در صورت احراز توقف، دادگاه قبل از هرگونه اقدام ده روز به تاجر مهلت می دهد که طلب خواهان را تأدیة یا برای وصول آن مال معرفی کند. اگر تاجر ظرف مهلت مذکور و مطابق یکی از بندهای زیر دستور دادگاه را انجام دهد، دادخواست خواهان رد می شود:

- ۱- تقدیم مدرکی که بر ایفای طلب و متفرعات آن ظرف مهلت مذکور دلالت کند.

۲- معرفی مال به همراه نظریه کارشناس رسمی دادگستری دال بر ارزش آن و این که ثمن ناشی از فروش مال معرفی شده پس از کسر هزینه‌های اجرایی تکافوی طلب خواهان و متفرعات آن را می‌کند.

ماده ۸۹۶- اگر تاجر متوقف مطابق مفاد ماده (۸۹۵) این قانون مال معرفی کند، دادگاه در صورت درخواست خواهان قرار دایر بر توقیف مال معرفی شده صادر می‌کند. قرار مذکور در حکم قرار تأمین خواسته‌ای است که قبل از تقدیم دادخواست صادر گردیده است.

ماده ۸۹۷- اگر طلب بستان‌کار خواهان ورشکستگی مطابق مقررات ماده (۸۹۵) این قانون تأدیه نشود، دادگاه با صدور رأی، توقف تاجر را اعلام می‌کند. همچنین اگر اشخاص موضوع ماده (۸۸۹) رسیدگی به امر ورشکستگی تاجر را از دادگاه تقاضا کند و دادگاه به طریق مقتضی توقف وی را احراز نماید رأی توقف تاجر صادر می‌شود. در مورد اخیر رأی حتی‌المقدور پس از استماع اظهارات تاجر صادر می‌شود.

ماده ۸۹۸- دادگاه باید در رأی اعلام توقف تاریخی را به عنوان تاریخ توقف تعیین و شخصی را مطابق مقررات این قانون به عنوان امین منصوب و مراتب را به اداره تصفیه امور ورشکستگی برای تعیین قاضی ناظر اعلام و تصویر یا رونوشتی از رأی را فوراً به دادستان محل ارسال و امین را نیز فوراً به وسیله اخطار کتبی مطلع کند.

ماده ۸۹۹- اگر دادگاه در رأی خود تاریخ توقف را تعیین نکرده باشد، تاریخ صدور رأی، تاریخ توقف محسوب می‌شود. در صورتی که دادگاه توقف تجری را پس از کناره‌گیری از تجارت، فوت یا انحلال شخص حقوقی اعلام کند و تاریخ توقف را تعیین ننماید، حسب مورد، تاریخ کناره‌گیری، فوت یا انحلال، تاریخ توقف محسوب می‌گردد.

ماده ۹۰۰- در صورتی که تاجر به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کند، امین تعیین نمی‌شود و خود تاجر تکالیف و مسؤولیت‌هایی را که در این قانون برای امین مقرر شده است، برعهده می‌گیرد مگر اینکه به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود.

ماده ۹۰۱- دادگاه می‌تواند رأساً یا به تقاضای هر ذی‌نفع تاریخ توقف را با ذکر دلیل تغییر دهد.

ماده ۹۰۲- دادگاه به هیچ‌وجه نمی‌تواند تاریخ توقف را بیش از شش ماه قبل از تاریخ رأی تعیین کند.

ماده ۹۰۳- دادستان بلافاصله توقف تاجر متوقف را به مراجع مربوط از جمله اداره ثبت اسناد و املاک کشور و ممنوع‌الخروج بودن وی را به مراجع ذی‌ربط ابلاغ می‌کند.

ماده ۹۰۴- رونوشت یا تصویر آرای صادرشده در خصوص ردّ دادخواست ورشکستگی، تصدیق قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه، فسخ یا ابطال آن و نیز اعلام و ختم ورشکستگی به دادستان و اداره تصفیه امور ورشکستگی ارسال می‌شود. دادستان باید پس از اطلاع از مفاد رأی، حسب مورد، رفع یا برقراری موارد مندرج در ماده (۹۰۳) این قانون را با رعایت مواد این قانون به مراجع ذی‌ربط اعلام کند.

ماده ۹۰۵- در صورتی که تاجر به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل نکرده باشد، یا آزادی تاجر متوقف محل جریان رسیدگی به دعوا و یا اجرای رأی باشد، دادگاه باید ضمن رأی اعلام توقف با ذکر دلایل، دستور بازداشت وی را برای مدت یک‌ماه صادر کند. تمدید مدت دستور مذکور منوط به بقاء علت صدور دستور است. در هر حال، این قرار ظرف ده روز پس از ابلاغ در دادگاه تجدید نظر استان قابل تجدیدنظرخواهی است. این امر مانع اجرای دستور نیست.

ماده ۹۰۶ - دادگاه می‌تواند ضمن رأی اعلام توقف یا پس از آن رأساً یا به درخواست هر ذی‌نفع دستور اتخاذ اقدامات احتیاطی در مورد اموال تاجر را صادر کند. اقدامات احتیاطی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ۱- توقف شروع دعاوی له یا علیه تاجر متوقف یا ادامه آنها یا هرگونه عملیات اجرایی علیه اموال وی
- ۲- قرار توقیف تمام یا بخشی از اموال تاجر متوقف
- ۳- تفویض اداره تمام یا بخشی از اموال بدهکار به امین
- ۴- تفویض فروش اموال سریع‌الفساد یا مستعد کاهش ارزش یا اموالی که نگهداری آنها دارای هزینه زیاد است

به امین

ماده ۹۰۷ - رأی دادگاه در مورد اتخاذ اقدامات احتیاطی و بازداشت متوقف بلافاصله اجراء می‌شود.

ماده ۹۰۸ - در صورتی که تاجر بدهکار فرار کند ویا تمام ویا قسمتی از دارایی خود را مخفی نماید، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر یک از بستانکاران بلافاصله و بدون تقدیم دادخواست ورشکستگی به اتخاذ اقدامات احتیاطی موضوع ماده (۹۰۶) این قانون دستور دهد. بستانکار مکلف است ظرف ده روز ورشکستگی تاجر را از دادگاه صالح تقاضا کند در غیر این صورت به تقاضای تاجر از دستور صادرشده رفع اثر می‌شود.

فصل دوم - اقدامات اولیه پس از اعلام توقف

مبحث اول - نشر آگهی توقف

ماده ۹۰۹ - امین باید به دستور قاضی ناظر خلاصه‌ای از رأی صادرشده در مورد اعلام توقف را در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری که به‌وسیله قاضی ناظر تعیین می‌شود منتشر کند. این امر باید حداکثر تا ده روز پس از دریافت اخطاریه از جانب امین انجام شود.

ماده ۹۱۰ - آگهی مذکور در ماده (۹۰۹) این قانون باید شامل موارد زیر باشد:

- ۱- هویت تاجر متوقف و نشانی کامل وی
- ۲- مشخصات دادگاه صادرکننده رأی، تاریخ صدور رأی و تاریخ توقف
- ۳- دعوت از بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعایی نسبت به او دارند برای تقدیم اسناد طلب یا ادعای خود به همراه تصویر یا رونوشت مصدق آنها ظرف مهلت مقرر در این باب به امین و دریافت رسید
- ۴- دعوت از بدهکاران تاجر متوقف برای معرفی خود ظرف مدت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن
- ۵- دعوت از اشخاصی که به هر عنوان اموال تاجر متوقف را در تصرف دارند برای استرداد آن اموال با رعایت مقررات این باب ظرف مهلت مذکور و بیان ضمانت اجرای آن

ماده ۹۱۱ - در صورت تغییر تاریخ توقف نیز امین باید حداکثر تا ده روز پس از صدور رأی مراتب را با رعایت مفاد ماده (۹۱۰) این قانون در روزنامه رسمی و یک روزنامه کثیرالانتشار سراسری که به‌وسیله قاضی ناظر تعیین می‌شود منتشر کند.

مبحث دوم - مهر و موم و صورت برداری

ماده ۹۱۲ - انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارت‌خانه و منزل تاجر متوقف باید بلافاصله پس از اعلام توقف مهر و موم شود.

ماده ۹۱۳ - مهر و موم باید به وسیله قاضی ناظر یا نماینده او انجام شود. در صورتی که اموال تاجر متوقف در حوزه دادگاه دیگری باشد، قاضی ناظر مهر و موم اموال مذکور را با نیابت قضایی و به موجب قانون آیین دادرسی مدنی از دادگاه صلاحیت دار محل درخواست میکند.

ماده ۹۱۴ - در صورتی که به عقیده قاضی ناظر برداشتن صورت دارایی تاجر متوقف در یک روز ممکن باشد، باید بلافاصله و بدون مهر و موم صورت برداری آغاز شود.

ماده ۹۱۵ - تاجر متوقف مکلف است اموال و دفاتر خود را به قاضی ناظر یا نماینده او معرفی کند و تحت اختیار آنان بگذارد در غیر این صورت به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود.

اگر تاجر متوقف فراری باشد شرکاء و مستخدمان او و نیز کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال تاجر متوقف تصرف و دخالت دارند، این تکلیف را برعهده دارند و در صورت تخلف از این تکلیف به مجازات مذکور محکوم میشوند. قاضی ناظر یا نماینده او اشخاص نام برده را از این تکلیف آگاه می کند و مجازاتی را که برای خودداری از انجام آن معین شده است، تذکر می دهد.

ماده ۹۱۶ تاجر متوقف مکلف است در مدت صورت برداری از دارایی در دسترس باشد مگر اینکه از جانب قاضی ناظر به طور صریح معاف شده باشد. امین می تواند جلب تاجر متوقف را از قاضی ناظر تقاضا کند.

ماده ۹۱۷ - پس از مهر و موم یا صورت برداری مطابق ماده (۹۱۴) این قانون باید مراتب در صورت مجلسی قید شود و به تأیید قاضی ناظر برسد.

ماده ۹۱۸ - اگر قبل از تعیین امین مهر و موم به عمل نیاید، وی باید انجام آن را تقاضا کند.

ماده ۹۱۹ - قاضی ناظر رأساً یا به تقاضای امین به عدم توقیف یا رفع توقیف از اشیاء زیر دستور می دهد:

۱- البسه، اثاثیه، اسباب و آذوقه‌ای که برای حوائج ضروری تاجر متوقف و خانواده او لازم است.

۲- وجوه نقدی که صرف آن در جهت هزینه‌های فوری و ضروری لازم است.

۳- اشیایی که ممکن است به سرعت ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید و یا نگهداری آن مستلزم صرف هزینه‌های سنگین است.

۴- اشیایی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر متوقف و استفاده از آن لازم است.

۵- اموالی که به تشخیص دادگاه متعلق اشخاص ثالث است مشروط به اینکه تضمین مناسب اخذ شود.

تبصره- اشیاء موضوع بند (۱) به تعیین قاضی ناظر به تاجر متوقف تسلیم و در قبال آن رسید دریافت می شود.

این رسید باید متضمن مشخصات و ارزش اموال تسلیم شده باشد. اشیاء مذکور در بندهای (۲) تا (۴) نیز باید بلافاصله تقویم و صورت آن برداشته شود و در قبال اخذ رسید به امین تسلیم گردد.

ماده ۹۲۰ - در صورتی که به تشخیص قاضی ناظر یا نماینده او تاجر و خانواده او جز مسکن فعلی محلی برای

سکنی نداشته باشند، منزل وی مهر و موم نمیشود، مگر اینکه مسکن فعلی وی بیش از حد متعارف باشد، که در این صورت تعیین تکلیف با دادگاه است.

ماده ۹۲۱ - امین به اتفاق قاضی ناظر دفاتر تاجر متوقف را از توقیف خارج می کند و پس از آن که ذیل دفاتر را

بست، آنها را نزد خود نگاه می دارد. وی باید در صورت مجلس، کیفیت دفاتر را به طور خلاصه درج کند. اسناد تجارتهای که وعده آن نزدیک است یا باید قبولی آن نوشته شود و یا ضروری است در مورد آن اقدامات تأمینی به عمل آید، از

توقیف خارج و در صورت مجلس ذکر و به امین تحویل می‌شود تا او اقدامات قانونی را برای وصول وجه آن انجام دهد.

ماده ۹۲۲ - امین، تاجر متوقف را برای بستن دفاتر به هر طریق ممکن احضار می‌نماید و برای حضور او حداکثر تا چهل و هشت ساعت مهلت می‌دهد. در صورتی که تاجر ظرف مهلت مقرر حاضر نشود یا به تشخیص قاضی ناظر ضرورت اقتضا نماید، دفاتر با حضور قاضی ناظر بسته می‌شود.

ماده ۹۲۳ - قاضی ناظر حسب درخواست امین، دستور رفع مهر و موم از اموال را برای صورت‌برداری صادر می‌کند. امین مکلف است پس از رفع مهر و موم بلافاصله با استفاده از دفاتر و اسناد تاجر متوقف و سایر اطلاعاتی که تحصیل می‌نماید صورت‌داری تاجر را مطابق مفاد ماده (۸۹۱) این قانون تنظیم کند. برای تنظیم صورت مذکور، امین می‌تواند از اشخاصی که لازم بداند استمداد کند و با کسب اجازه از قاضی ناظر از تاجر متوقف و مستخدمان او و همچنین اشخاص دیگر توضیح بخواهد. در این صورت او باید از تحقیقات مذکور صورت‌مجلس تهیه کند. صورت‌اشیایی که به موجب مواد (۹۱۹) تا (۹۲۱) توقیف نشده و یا از توقیف خارج شده‌اند، ضمیمه صورت‌داری می‌شود. حضور قاضی ناظر یا نماینده وی به هنگام برداشتن صورت‌داری ضروری است.

ماده ۹۲۴ - اشیائی که نزد تاجر متوقف وجود دارند و اشخاص ثالث نسبت به آنها ادعا دارند با ذکر ادعا در صورت‌داری قید می‌گردند.

ماده ۹۲۵ - کلیه اشیایی که در صورت‌داری قید شده‌اند باید تقویم شوند.

ماده ۹۲۶ - صورت‌داری که به ترتیب مذکور در مواد قبل تنظیم شده است به تاجر متوقف ارائه می‌شود و پاسخ وی مبنی بر صحیح و کامل بودن یا نبودن آن صورت در صورت مجلس قید می‌شود و به امضای او می‌رسد.

ماده ۹۲۷ - تاجر متوقف می‌تواند در موقع انجام مهر و موم و صورت‌برداری از اموال حضور داشته باشد.

ماده ۹۲۸ - دادستان و یا نماینده او نیز می‌توانند فقط به عنوان ناظر بر حسن انجام امور به منزل و تجارت‌خانه تاجر متوقف بروند و حین برداشتن صورت‌داری حاضر باشند. اشخاص مذکور حق دارند به دفاتر، اسناد و نوشتجات مربوط مراجعه کنند. این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امور شود.

ماده ۹۲۹ - امین، صورت‌داری تاجر متوقف را در سه نسخه تهیه می‌کند و یکی را نزد خود نگاه می‌دارد و دو نسخه دیگر را به قاضی ناظر و دفتر دادگاه تقدیم می‌کند.

ماده ۹۳۰ - پس از تهیه صورت‌داری، تمام اموال تاجر متوقف به غیر از آنچه که در بند (۱) ماده (۹۱۹) و ماده (۹۲۰) این قانون آمده، در قبال اخذ رسید به امین تسلیم می‌شوند.

ماده ۹۳۱ - مواد این مبحث در مورد تاجری که به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کرده است مجرا نیست مشروط بر این که به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار نگیرد و علیه او کیفرخواست صادر نشود.

فصل سوم - اداره کنندگان امور متوقف

مبحث اول - امین

ماده ۹۳۲ - امین از بین مدیران تصفیه که به موجب این قانون انتخاب می‌گردند تعیین می‌شود. در خصوص بانکها، شرکت‌های بیمه، و سایر شرکت‌های سهامی عام، تعاونی سهامی عام، مختلط سهامی عام و مواردی که به موجب

آیین‌نامه اجرایی مشخص می‌شود هیأتی مرکب از سه یا پنج شخص که از میان اشخاص حقوقی واجد صلاحیت انتخاب می‌شوند وظایف امین را بر عهده دارند. ترتیب تشکیل، اداره جلسه و تصمیم‌گیری امضاء متعدد تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد شرکت‌های تجارته است. حق‌الزحمه امین را قاضی ناظر در حدود آیین‌نامه اجرایی تعیین می‌کند.

ماده ۹۳۳ - موارد رد امین همان است که در قانون آیین دادرسی مدنی در مورد رد دادرسان مقرر شده است.

ماده ۹۳۴ - در صورتی که دادگاه مطابق ماده (۹۰۶) این قانون، دستور اتخاذ اقدامات احتیاطی را صادر کند، امین در حدود مقرر در دستور، قائم‌مقام قانونی متوقف محسوب می‌شود.

ماده ۹۳۵ - امین مکلف است از روز شروع مأموریت برای حفظ حقوق تاجر متوقف اقدامات لازم را انجام دهد.

ماده ۹۳۶ - امین باید گزارش روزانه اعمال خود درباره امور راجع به اداره اموال تاجر متوقف را در دفتری که صفحات آن دارای شماره ترتیبی است، بنویسد و به‌صورت ماهانه به رؤیت قاضی ناظر برساند مگر اینکه قاضی ناظر مهلت کمتری را مقرر کند. قاضی مذکور پس از هر رؤیت، دفتر را امضاء و پس از تمام‌شدن برگه‌های آن در زیر امضای خود بر این نکته تصریح می‌کند. دادگاه صادرکننده رأی و نیز هر ذی‌نفع با اجازه قاضی ناظر می‌توانند از مفاد این دفتر اطلاع حاصل کنند.

ماده ۹۳۷ - هرگاه امین یا بستگان سببی یا نسبی او تا درجه سوم از طبقه سوم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نسبت به دارایی تاجر متوقف بر خلاف غبطه بستانکاران طرف معامله واقع شوند، آن معامله باطل است و متخلف به مجازات خیانت در امانت محکوم می‌شود.

ماده ۹۳۸ - امین مطابق مقررات مسؤلیت مدنی مسؤل کلیه خسارت‌های ناشی از اعمال خود است.

ماده ۹۳۹ - کلیه اعمال جاری امین از جانب هر ذی‌نفع نزد قاضی ناظر قابل شکایت است. در این صورت، اگر قاضی ناظر ضروری بداند، عمل مورد شکایت متوقف می‌شود و نام‌برده باید ظرف پنج روز به این شکایت رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کند. رأی قاضی ناظر در این باره بلافاصله اجراء می‌شود.

ماده ۹۴۰ - دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست قاضی ناظر و یا هر ذی‌نفع دیگر به‌طور مستدل امین را عزل و دیگری را به‌جای او منصوب کند. در صورت فوت، انحلال یا معذوریت امین یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت نیز دادگاه شخص دیگری را به جای وی منصوب می‌کند.

مبحث دوم - قاضی ناظر

ماده ۹۴۱ - پس از صدور رأی توقف و اعلام مراتب به اداره تصفیه امور ورشکستگی به موجب ماده (۸۹۸) این قانون، رئیس اداره یک نفر از قضات ناظر را با موافقت دادگاه صادرکننده رأی به عنوان قاضی ناظر تعیین می‌کند. قاضی ناظر تحت نظارت دادگاه صادرکننده رأی فعالیت می‌کند. قاضی ناظر علاوه بر اختیارات و وظایف خود به موجب مواد قانونی دیگر نظارت بر جریان اقدامات احتیاطی و اداره امور متوقف و سرعت جریان آن و سایر امور اجرایی را بر عهده دارد. علاوه بر این، در کلیه مواردی که آگهی آراء یا تصمیمات مربوط و یا تشکیل جلسه به موجب مواد این باب ضروری است، دستور نشر آگهی و یا دعوت برای جلسات و ریاست آنها، بر عهده قاضی ناظر می‌باشد.

ماده ۹۴۲ - قاضی ناظر در هر زمان می‌تواند از تاجر متوقف، مستخدمان او و هر شخص دیگری که لازم بداند در مورد امور تاجر متوقف توضیح بخواهد و در صورت لزوم از تحقیقات مذکور صورت‌مجلس تهیه کند.

ماده ۹۴۳ - قاضی ناظر باید هرماه یکبار گزارشی از وضعیت امور تاجر متوقف و شکایات و اختلافاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت اوست، تهیه و به دادگاه تقدیم کند مگر اینکه دادگاه مدت کمتری را مقرر کند.

ماده ۹۴۴ - در مورد شکایات و اختلافاتی که رسیدگی به آنها در صلاحیت قاضی ناظر است، او باید رأی صادرشده را ظرف بیست و چهار ساعت پس از صدور به دفتر دادگاه تقدیم کند. دادگاه در صورت لزوم می‌تواند رأی مذکور را به افراد ذی‌نفع به هر طریقی که مقتضی می‌داند، ابلاغ کند.

ماده ۹۴۵ - اعتراض به تصمیمات قاضی ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین کرده است و مرجع اعتراض دادگاهی است که رأی توقف را صادر کرده است. اعتراض به هیچ وجه جریان کار را موقوف نمی‌کند، مگر در موارد مهم که عمل مورد اعتراض جبران‌ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد، که در این موارد دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری بدهد. در این صورت دادگاه فوری و خارج از نوبت و در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم خود را اعلام می‌کند. در سایر موارد دادگاه، در صورت موجه تشخیص دادن اعتراض، دستور لازم را به قاضی ناظر می‌دهد و به اقتضای مورد می‌تواند عمل قاضی ناظر را باطل کند.

ماده ۹۴۶ - اداره تصفیه در هر زمان می‌تواند با موافقت دادگاه قاضی ناظر را تغییر دهد و فرد دیگری را به جای او منصوب کند. در صورت غیبت موقت قاضی ناظر، اداره تصفیه با جلب نظر دادگاه قاضی دیگری را به‌طور موقت جایگزین او می‌کند.

فصل سوم - آثار اعلام توقف^۱

ماده ۹۴۷ - هیچ اثری بر رأی اعلام توقف مترتب نیست مگر این‌که قانون بر آن تصریح کند.

ماده ۹۴۸ - تاجر متوقف نمی‌تواند جز با اعلام کتبی قبلی به امین اقامتگاه خود را ترک کند. همچنین او نمی‌تواند اقامتگاه خود جز با اجازه قاضی ناظر را تغییر دهد.

ماده ۹۴۹ - اگر تاجر به تکلیف مقرر در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل نکرده و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود، دادگاه باید قرار توقیف اموال وی مطابق بند (۲) ماده (۹۰۶) را صادر کند. اموالی که توقیف آنها طبق قانون مجاز نیست و نیز نفقه‌ای که برای تاجر و افراد واجب‌النفقة وی مقرر شده است، توقیف نمی‌شود.

ماده ۹۵۰ - تاجری که توقف او اعلام می‌شود به هیچ وجه نمی‌تواند به‌عنوان متصدی اداره اموال غیر منصوب شود. اعلام توقف تاجر مانع اعمال ولایت تاجر در مورد اموال اولاد محجور وی نیست، مگر اینکه این امر متضمن ضرر مولی علیه باشد که در این صورت دادگاه باید شخصی را به‌عنوان امین به تاجر ضم کند.

ماده ۹۵۱ - اگر دادگاه دستور عدم شروع یا توقف ادامه دعاوی له یا علیه تاجر را صادر کند، کلیه دعاوی مذکور باید علیه امین اقامه یا به طرفیت او تعقیب شوند. تاجر متوقف می‌تواند با اجازه و تشخیص مصلحت از سوی دادگاه در دعاوی مذکور وارد شود. در مورد آن دسته از دعاوی که پیش از اعلام توقف به‌وسیله تاجر یا علیه او اقامه شده‌اند، دادرسی متوقف و مطابق قانون آیین دادرسی مدنی به طرفیت امین تعقیب می‌شود.

ماده ۹۵۲ - دستور عدم شروع یا توقف ادامه دعاوی و یا عملیات اجرایی علیه تاجر متوقف موارد زیر را شامل

نمی‌شود:

۱- دعاوی و اقدامات اجرایی مرتبط با اموال مشمول عدم مداخله

۲- دعاوی و اقدامات اجرایی مرتبط با شخصیت و یا احوال شخصیه تاجر متوقف

۳- دعاوی و اقدامات اجرایی کیفری

۴- دعاوی و اقدامات اجرایی مربوط به طلب‌های باوثیقه

تبصره - در صورتی که دعاوی موضوع بند دو متضمن مطالبات مالی باشد، هر یک از طرفین دعوا می‌توانند مطابق قانون آیین دادرسی مدنی امین را به دادرسی جلب کنند. همچنین در این موارد امین می‌تواند به عنوان ثالث وارد دعوا شود. در خصوص دعاوی موضوع بند سه نیز اگر دعوا متضمن آثار مالی باشد، امین می‌تواند در جلسه رسیدگی حاضر شود.

ماده ۹۵۳ - تاجر متوقف می‌تواند نفقه خود و افراد واجب‌النفقه‌اش را از دارایی خویش درخواست کند. در این

صورت امین نفقه و مقدار آن را با تصویب قاضی ناظر معین می‌کند.

ماده ۹۵۴ - قاضی ناظر می‌تواند رأساً یا به تقاضای امین و یا تاجر متوقف میزان نفقه را تعدیل کند.

ماده ۹۵۵ - افراد واجب‌النفقه تاجر رأساً می‌توانند نفقه یا تعدیل آن را درخواست کنند.

ماده ۹۵۶ - قرارهای مربوط به میزان نفقه و نیز تعدیل آن، بدون آن‌که در پرداخت نفقه خللی ایجاد کند، از

جانب هر ذی‌نفع نزد قاضی ناظر قابل شکایت است.

ماده ۹۵۷ - هر گونه نقل و انتقال بلا عوض یا محاباتی یا هر عمل حقوقی دیگر که تاجر انجام دهد و زمان

انجام معامله به ضرر بستانکاران آن زمان باشد، در مقابل بستانکاران مذکور باطل و بلا اثر است. هر یک از این بستانکاران یا امین می‌توانند در صورت عدم اجراء معامله، تعلیق اجراء آن و در صورت اجراء آن، توقیف مورد معامله را تا تعیین تکلیف نهایی از دادگاه تقاضا کنند. هرگاه اموال متوقف پس از صدور حکم ورشکستگی تکافوی کلیه مطالبات بستانکاران را نکند معامله باطل می‌شود و منتقل‌الیه در صورتی که عوض داده‌باشد بدون ورود در صف غرما عوض خود را دریافت می‌کند. در صورتی که مال، تلف شود یا به دیگری انتقال گردد منتقل‌الیه باید بدل آن را تأدیه و عوض خود را دریافت کند.

ماده ۹۵۸ - اگر در دادگاه ثابت شود که تاجر متوقف در هر زمان معامله‌ای را به طور صوری یا مسبوق به تبانی

انجام داده است، آن معامله باطل است و عین و منافع مالی که موضوع چنین معامله‌ای است باید مسترد گردد.

ماده ۹۵۹ - اشخاصی که نسبت به اموال تحت تصرف تاجر متوقف دعاوی خیاراتی دارند، در هر زمان می‌توانند

آن را ثابت کنند و به اجراء گذارند.

ماده ۹۶۰ - امین در هر زمان می‌تواند با اجازه قاضی ناظر طلب حال‌شده بستانکاران باوثیقه را تأدیه و رهنه را

فک و جزو دارایی تاجر متوقف منظور کند، مشروط بر اینکه ارزش وثیقه بیش از مقدار طلب باشد.

ماده ۹۶۱ - تأدیه طلب بستانکاران باوثیقه‌ای که طلب آنها، مؤجل است، قبل از سررسید، به وسیله امین مجاز

است مشروط بر این‌که ارزش وثیقه بیش از مقدار طلب باشد و بستانکار ذمه تاجر را نسبت به بخشی از طلب ابراء و یا آن را به میزان کم‌تر واگذار کند.

ماده ۹۶۲ - در مورد ماده (۹۶۰) این قانون اگر وثیقه فک نشود، امین باید آن را بفروشد. اگر ثمن پس از وضع مخارج بیش از اصل طلب و خسارت ناشی از کاهش ارزش پول باشد، مازاد به امین تسلیم می‌شود و اگر کم‌تر باشد مرتبه‌ها برای بقیه طلب خود جزو بستانکاران عادی محسوب می‌گردد. برای فروش رهنه باید از مرتبه‌ها نیز دعوت به عمل آید. نحوه فروش این اموال تابع احکام مواد (۱۰۹۷) تا (۱۱۰۷) این قانون است. بستانکاران با وثیقه در مورد خسارت ناشی از تأخیر تأدیه و خسارات دادرسی بستانکار با وثیقه محسوب نمی‌شوند، مگر این که وثیقه حسب قرارداد شامل موارد مذکور نیز باشد.

ماده ۹۶۳ - در مواردی که مالی از اموال تاجر متوقف موضوع وثیقه‌های متعدد باشد، در تقسیم وجوه حاصل از فروش، بستانکاری مقدم می‌شود که تاریخ وثیقه وی مقدم است.

ماده ۹۶۴ - اگر به علت مقدم بودن برخی بستانکاران، دیگر بستانکاران با وثیقه وجهی دریافت نکنند، جزء بستانکاران عادی محسوب می‌شوند.

ماده ۹۶۵ - با بستانکاران موضوع مواد (۹۶۲) و (۹۶۴) این قانون نیز مانند بستانکاران عادی رفتار می‌شود.

ماده ۹۶۶ - عین هر مال متعلق به دیگری که به هر عنوان نزد تاجر متوقف است، قابل استرداد است مگر این که در اجرای عقد لازمی به او تسلیم شده باشد. امین می‌تواند با اجازه قاضی ناظر، مالی را که تقاضای استرداد آن شده است به مالک یا نماینده قانونی او رد کند. در صورت بروز اختلاف متقاضی می‌تواند ظرف مهلت ده روز نزد دادگاه صادرکننده رأی از این تصمیم قاضی ناظر شکایت کند.

تبصره - در صورتی که تاجر متوقف برای نگهداری اموال موضوع این ماده هزینه‌هایی کند و یا در مواردی که اموال مذکور در راستای مأموریتی که تاجر از جانب صاحب مال داشته به وی تسلیم نماید، رد مال منوط به تأدیه هزینه‌ها و یا حسب مورد اجرت المسمی یا اجرت المثل اعمالی است که تاجر در عمل به مأموریت محول انجام داده است.

ماده ۹۶۷ - ممنوعیت‌های احصاء شده در این فصل، جز آنچه در مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) این قانون آمده است، شامل حال تاجری که به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون عمل کرده است، نمی‌شود مگر این که به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم شود.

فصل چهارم - اداره امور متوقف و تشخیص مطالبات

مبحث اول - اداره اموال متوقف

ماده ۹۶۸ - قاضی ناظر می‌تواند در صورت اقتضای مصالح بستانکاران و یا مصالح عمومی و حسب درخواست هر ذی‌نفع یا امین اجازه دهد که کار تجارت‌خانه تاجر ادامه یابد. در این صورت هرگاه اداره تجارت‌خانه به وسیله امین ممکن نباشد، امین با موافقت قاضی ناظر شخصی را برای اداره امور تجارت‌خانه تاجر تعیین می‌کند و اجرتی برای وی معین می‌نماید. انتخاب تاجر متوقف برای اداره تجارت‌خانه مجاز است مشروط بر این که به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب نباشد. در صورت انتخاب تاجر متوقف برای اداره تجارت‌خانه نفقه شخص تاجر بدل از اجرت تلقی می‌شود. قرار صادر شده دایره بر قبول یا رد درخواست ادامه کار تجارت‌خانه نزد دادگاه اعلام‌کننده توقف قابل شکایت است.

تبصره - تصمیم‌گیری در مورد نحوه ادامه کار بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام، تعاونی سهامی عام و موارد مهم دیگر به موجب آیین‌نامه اجرایی مشخص می‌شود.

ماده ۹۶۹ - شخصی یا اشخاصی که مطابق ماده (۹۶۸) این قانون یا تبصره آن متولی اداره تجارت‌خانه تاجر متوقف شده‌است، مشمول احکام راجع به امین در قانون مدنی است اموال تاجر ورشکسته در حضور قاضی ناظر به او تحویل داده می‌شود. شخص مذکور تحت نظارت امین انجام وظیفه می‌کند و در حدود وظیفه محول با امین متضامناً مسؤول است.

ماده ۹۷۰ - امین باید ماهانه گزارشی از فعالیت‌های تجارت‌خانه تهیه و به قاضی ناظر تقدیم کند.

ماده ۹۷۱ - وجوهی که امین وصول می‌کند باید بلافاصله در حساب مخصوصی که برای امور ورشکسته باز می‌کند واریز نماید. این وجوه از حساب مذکور فقط به امضای امین و موافقت قاضی ناظر قابل برداشت است.

ماده ۹۷۲ - امین باید ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود گزارشی از وضع تاجر متوقف و همچنین علل و اوضاعی که موجب توقف شده است، تهیه کند و به قاضی ناظر ارائه نماید.

ماده ۹۷۳ - مراسلاتی که به اسم تاجر متوقف واصل می‌شوند به امین تسلیم و به وسیله او باز می‌شوند و اگر تاجر متوقف حاضر باشد می‌تواند در باز کردن مراسلات شرکت کند. امین می‌تواند از اداره پست و گمرک بخواهد که در مدت رسیدگی به وضع تاجر متوقف کلیه برگ‌ها و بسته‌هایی که به عنوان تاجر متوقف ارسال می‌شود یا از طرف او فرستاده می‌شود، برای وی ارسال گردد.

ماده ۹۷۴ - امین به وصول مطالبات تاجر متوقف مداومت می‌نماید و گزارش آن را ماهیانه به قاضی ناظر می‌دهد. قاضی ناظر می‌تواند از امین بخواهد با تأیید یا اطلاع او اقدام کند. امین مطالبات تاجر متوقف را در مقابل اعطاء رسید وصول می‌کند.

ماده ۹۷۵ - فروش اشیایی که به سرعت فاسد می‌شود یا کسر قیمت پیدا می‌کند و اشیایی که نگاه‌داشتن آنها مفید نیست و یا مستلزم صرف هزینه‌های سنگین است و همچنین اداره اموال و به کار انداختن سرمایه تاجر متوقف با اجازه قاضی ناظر به وسیله امین انجام می‌گیرد. نحوه فروش این اموال مطابق آیین‌نامه اجرایی است. فروش سایر اموال تاجر متوقف مجاز نیست مگر این که متضمن نفع بسیار برای بستان‌کاران باشد. در این موارد اموال وی پس از استماع اظهارات تاجر متوقف و توضیحات وی فروخته می‌شود.

ماده ۹۷۶ - قرار صادرشده از جانب قاضی ناظر در مورد فروش هریک از اموال تاجر متوقف از جانب هر ذی‌نفع نزد دادگاه قابل شکایت است.

ماده ۹۷۷ - در تمام دعاوی که هیأت بستان‌کاران در آن ذی‌نفع می‌باشند، امین می‌تواند با اجازه قاضی ناظر، دعوا را به صلح خاتمه دهد یا با ارجاع آن به داوری موافقت نماید، هرچند دعاوی مذکور مربوط به اموال غیرمنقول باشد. در مورد اخیر صلح دعوا یا ارجاع آن به داوری پس از استماع اظهارات تاجر متوقف انجام می‌شود.

ماده ۹۷۸ - اگر خواسته قابل تقویم نباشد یا میزان آن بیش از یکصد میلیون ریال باشد، صلح یا موافقت‌نامه داوری نافذ نیست مگر اینکه دادگاه قرارداد را تنفیذ نماید. به هنگام تنفیذ صلح‌نامه یا موافقت‌نامه داوری تاجر متوقف احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که از صلح یا موافقت‌نامه داوری شکایت کند.

ماده ۹۷۹ - در مورد ماده (۹۷۷) این قانون اجرای صلح و یا رأی داوری تا تعیین تکلیف تاجر متوقف موقوف می‌ماند. در هر حال طلب بستان‌کاران ناشی از اجرای مواد (۹۷۷) و (۹۸۸) در حکم طلب تشخیص شده است.

ماده ۹۸۰ - اعلام توقف، باعث تعلیق قراردادهای در حال اجراء نیست.

ماده ۹۸۱ - انجام اعمال حقوقی مندرج در ماده (۹۵۷) این قانون تا تعیین تکلیف تاجر متوقف به وسیله هیچ کس مجاز نیست.

ماده ۹۸۲ - اگر تاجر با رعایت مفاد مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون ورشکستگی خود را تقاضا کرده باشد در فرض احراز توقف، مشمول مقررات مواد (۹۶۸) تا (۹۸۱) این فصل نمی شود. در این صورت تاجر متوقف با لحاظ ممنوعیت های مندرج در مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) و تحت نظارت قاضی ناظر اموال خود را اداره می کند. در این مورد رعایت مواد (۹۷۰) و (۹۷۱) الزامی است.

ماده ۹۸۳ - تاجری که مطابق ماده (۹۸۲) این قانون اداره اموال خود را بر عهده می گیرد به لحاظ مسؤلیت های ناشی از اداره اموال در حکم امین است و اجرت اعمال خود را در حدودی که برای امین مقرر است، دریافت می کند.

ماده ۹۸۴ - حکم مندرج در ماده (۹۸۲) این قانون تا زمانی است که تخطی تاجر از مسؤلیت های مندرج در ماده (۹۸۳) به اثبات نرسد و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب علیه او کیفرخواست صادر نشود.

ماده ۹۸۵ - هرگاه پس از تهیه صورت دارایی معلوم شود تاجر متوقف مالی جز اموال موضوع بند یک ماده (۹۱۹) این قانون ندارد، مراتب از طریق قاضی ناظر به دادگاه اعلام و حکم ورشکستگی صادر و امر تصفیه مختومه اعلام می گردد.

ماده ۹۸۶ - هرگاه پس از تهیه صورت دارایی معلوم شود حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده است برای پرداخت مخارج اداره امور ورشکسته کافی نیست، امین به دستور قاضی ناظر اقدام به تصفیه اختصاری می نماید مگر اینکه تمام یا برخی از بستانکاران درخواست کنند که کار بر طبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا کند مشروط به اینکه هزینه آن را از قبل بپردازند.

ماده ۹۸۷ - در مورد تصفیه اختصاری، امین به دستور قاضی ناظر آگهی می کند که هر کس هر گونه ادعایی دارد ظرف چهل روز مطرح نماید. پس از انقضای مهلت و رسیدگی فوری به ادعاهای احتمالی، امین به هر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء می کند و بدون رعایت تشریفات به فروش اموال و تقسیم حاصل آن بین بستانکاران اقدام می نماید و ختم عملیات تصفیه را اعلام می کند. نحوه اجرای این ماده به موجب آیین نامه اجرایی است.

مبحث دوم - تشخیص مطالبات

ماده ۹۸۸ - کلیه بستانکاران تاجر متوقف و کسانی که ادعایی درباره او دارند مکلف اند ظرف حداکثر یک ماه پس از انتشار رأی اعلام توقف در روزنامه، اسناد طلب یا ادعای خود را به همراه تصویر یا رونوشت مصدق آن به امین تقدیم و رسید دریافت نمایند و یا از طریق پست سفارشی دو قبضه برای وی ارسال کنند. اصل اسناد اعطایی پس از تقدیم صورت مطالبات تشخیص شده به دادگاه به صاحبان آنها برگردانده می شود.

ماده ۹۸۹ - بدهکاران تاجر متوقف و نیز کسانی که مالی از اموال او را به نحوی از انحاء در تصرف دارند مکلف اند ظرف مهلت مقرر در ماده (۹۸۸) این قانون خود را معرفی و با رعایت ماده (۹۹۲) اموال مذکور را به امین تسلیم نمایند.

ماده ۹۹۰ - اگر کلیه بستانکاران مذکور در صورت دارایی ظرف مهلت مقرر به تکلیف مندرج در ماده (۹۸۸) این قانون عمل ننمایند، و یا کلیه بدهکاران متوقف و متصرفان اموال او که اسامی آنها در صورت دارایی ذکر شده است،

ظرف مهلت مقرر به تکلیف مندرج در ماده (۹۸۹) عمل نکنند امین مکلف است با نشر آگهی در روزنامه از کلیه بستانکاران، بدهکاران، متصرفان اموال تاجر متوقف و نیز کسانی که ادعایی درباره او دارند دوباره دعوت به عمل آورد تا ظرف پانزده روز از انتشار آگهی تکالیف مذکور را اجرا کنند. آگهی دعوت باید شامل موارد مذکور در ماده (۹۱۰) باشد.

ماده ۹۹۱ - در صورتی که بدهکاران تاجر متوقف پس از انتشار آگهی دوم بدون عذر موجه از معرفی خود استنکاف نمایند، به جزای نقدی معادل بیست و پنج درصد بدهی محکوم می شوند. همچنین دادگاه می تواند متخلف را علاوه بر جزای نقدی به حبس تعزیری درجه هفت محکوم نماید.

ماده ۹۹۲ - اگر اموال مذکور در ماده (۹۸۹) این قانون در اجرای عقد لازمی به متصرف تسلیم شده باشد، تسلیم آن به امین لازم نیست؛ در غیر این صورت عمل مستنکف از تسلیم در حکم خیانت در امانت است. اگر در این باره اختلافی بروز کند، قاضی ناظر اظهار نظر می نماید. رأی قاضی مذکور در این باره نزد دادگاه قابل اعتراض است.

ماده ۹۹۳ - قاضی ناظر در حضور امین و تاجر متوقف یا پس از اخطار به آنها به مطالبات رسیدگی و آنها را تصدیق یا رد می نماید. در صورتی که اصل طلب یا مقدار آن و یا تضمینات مربوط بدان از جانب امین و یا تاجر متوقف انکار شود، مراتب بلافاصله به بستانکار اخطار و از او توضیح اخذ می شود. بستانکار مذکور مکلف است ظرف حداکثر پنج روز پس از دریافت اخطار در این باره توضیح دهد. عملیات تشخیص شامل متفرعات طلب نیز می شود.

ماده ۹۹۴ - رعایت این قانون در تشخیص مطالبات در مورد دیون موضوع ماده (۸۸۸) الزامی نیست.

ماده ۹۹۵ - نام و اقامتگاه بستانکاران یا وکلای آنها به همراه شرح مختصری از سند ارائه شده در صورت مجلس تشخیص مطالبات درج می گردد. آثار قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین سطور در سند نیز باید در صورت مجلس قید شود.

ماده ۹۹۶ - پس از انقضای مواعد ابراز اسناد، قاضی ناظر ظرف سی روز صورتی از مطالبات را با در نظر گرفتن طلب های با وثیقه یا حق رجحان و میزان پوشش وثیقه نسبت به اصل طلب و متفرعات آن، تهیه و به دادگاه تقدیم می کند. دادگاه می تواند مهلت مذکور در این ماده را در صورت کثرت بستانکاران تمدید کند.

ماده ۹۹۷ - بستانکارانی که طلب آنها رد شده است، با ذکر دلیل رد، در صورت مطالبات موضوع ماده (۹۹۶) این قانون قید می شوند.

ماده ۹۹۸ - صورت مذکور در ماده (۹۹۶) این قانون حداکثر تا یک هفته پس از تقدیم به دادگاه از طریق آگهی در روزنامه به وسیله امین به اطلاع بستانکاران می رسد و در اختیار هر ذی نفع گذاشته می شود. صورت مذکور به طور مستقیم به بستانکاران مردود و نیز بستانکارانی که وثیقه عینی یا حق رجحان برای خود قائل می باشند ولی به ادعای آنها ترتیب اثر داده نشده است، اعلام می شود.

ماده ۹۹۹ - هریک از بستانکاران یا خود تاجر که به صورت مذکور در ماده (۹۹۶) این قانون اعتراضی دارند، ظرف بیست روز از انتشار آگهی می توانند در دادگاه صادرکننده رأی از قرار قاضی ناظر در باره رد مطالبات شکایت کنند. اگر طلب یا وثیقه عینی یا حق رجحان شخصی که طلب یا ادعای او قبول شده مورد اعتراض باشد، علیه بستانکار مذکور اقامه دعوا می شود. به موضوع این ماده فوری و خارج از نوبت رسیدگی می شود.

ماده ۱۰۰۰ - در مواقعی که دادگاه نتواند ظرف سی روز از تاریخ ثبت شکایت در مورد دعاوی موضوع ماده (۹۹۹) این قانون قبل حکم صادر نماید، حسب قرائن مبلغی را معین و مقرر می‌کند. صاحب طلب مورد نزاع معادل مبلغ مذکور به طور موقت بستانکار شناخته می‌شود و در مذاکرات هیأت بستانکاران برای همان مبلغ شرکت می‌کند.

ماده ۱۰۰۱ - در صورتی که وثیقه عینی یا حق رجحان یکی از طلب‌های تشخیص شده مورد اعتراض باشد و دادگاه نتواند ظرف مهلت مقرر در ماده (۱۰۰۰) این ماده در این باره حکم مقتضی را صادر نماید، صاحب طلب مورد نزاع به عنوان بستانکار عادی در جلسه مجمع عمومی بستانکاران شرکت می‌نماید.

ماده ۱۰۰۲ - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزایی واقع شود دادگاه باید پس از انقضای مهلت مقرر در ماده (۱۰۰۰) این قانون به انعقاد جلسه مجمع عمومی بستانکاران امر کند و تا زمانی که نتیجه تعقیب جزایی معلوم نشود، دادگاه نمی‌تواند صاحب طلب را به طور موقت جزو بستانکاران قبول نماید و یا در سایر عملیات مربوط به امور تاجر متوقف شرکت دهد.

ماده ۱۰۰۳ - اسنادی که در ارائه آنها تأخیر شود در صورتی که عذر موجهی در بین باشد تا بیست روز پس از انتشار آگهی موضوع ماده (۹۹۸) این قانون قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده بر عهده مدعی طلب است.

اگر سند ابراز شده مورد قبول واقع شود، قاضی ناظر اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌نماید و امین سایر بستانکاران را به وسیله آگهی در روزنامه از این امر مطلع می‌کند.

ماده ۱۰۰۴ - بستانکارانی که در مواعد معین حاضر نشده‌اند، در مورد عملیات مربوط به تشخیص مطالبات حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارند.

ماده ۱۰۰۵ - نحوه اجرای مبحث دوم این فصل مطابق آیین‌نامه اجرایی خواهد بود. تا زمان تصویب آیین‌نامه مذکور، آیین‌نامه موضوع ماده (۶۰) قانون اداره تصفیة امور ورشکستگی در حدود عدم مغایرت با این قانون ملاک عمل است.

ماده ۱۰۰۶ - اگر تاجر با رعایت مفاد مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون ورشکستگی خود را تقاضا کند، تمام وظایف مصرح برای امین در مبحث دوم از این فصل را خود انجام می‌دهد و در این باره مسؤولیت‌های امین را برعهده دارد.

باب سوم - دعوت از بستانکاران برای تعیین تکلیف تاجر متوقف

ماده ۱۰۰۷ - قاضی ناظر به وسیله مدیر دفتر دادگاه کلیه صاحبان طلب‌های حال و کسانی که طلب‌شان تا روز تشکیل جلسه حال می‌شود را برای تعیین تکلیف تاجر متوقف دعوت می‌نماید مشروط بر این که طلب آنها تشخیص و یا به طور موقت قبول شده باشد. دعوت از بستانکاران مذکور باید به وسیله امین در روزنامه نیز آگهی شود. موضوع دعوت مجمع عمومی بستانکاران در اختطاریه‌های دعوت و آگهی مندرج در روزنامه باید تصریح شود. در صورتی که تاجر متوقف با رعایت مفاد ماده (۱۰۳۱) این قانون انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه را درخواست نماید، درج این امر نیز در اختطاریه‌ها و آگهی دعوت ضروری است.

ماده ۱۰۰۸ - در صورت عدم شکایت اشخاص ذی‌نفع از صورت نهایی مطالبات، ظرف مهلت مقرر در ماده (۹۹۹) این قانون، دعوت مذکور باید بلافاصله پس از انقضای مهلت شکایت به عمل آید. در غیر این صورت،

دعوت بلافاصله پس از رسیدگی به کلیه اعتراضات یا با انقضای مدت مندرج در ماده (۱۰۰۰) و پس از دستور دادگاه انجام می‌گیرد.

ماده ۱۰۰۹ - مجمع عمومی بستان‌کاران در محل، روز و ساعتی که در آگهی و برگه‌های اخطاریه دعوت از طرف قاضی ناظر معین شده است تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود. جلسه مجمع عمومی بستان‌کاران حداقل ده روز و حداکثر سی‌روز پس از انقضای آخرین مهلت مندرج در ماده (۱۰۰۸) این قانون برگزار می‌شود.

ماده ۱۰۱۰ - حضور وکلای بستان‌کارانی که طلب آنها تشخیص و یا به‌طور موقت قبول گردیده است، در صورت ارائه وکالت‌نامه معتبر در جلسه مجمع عمومی بستان‌کاران بلامانع است لکن تاجر متوقف باید خود در جلسه مذکور حاضر گردد. وی تنها در صورتی می‌تواند وکیل اعزام نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق قاضی ناظر برسد. کسانی که با متوقف مسؤولیت تضامنی دارند و یا ضامن او می‌باشند می‌توانند در جلسه حضور یابند.

ماده ۱۰۱۱ - امین در ابتدا گزارشی از وضعیت مالی تاجر متوقف و اقدامات انجام‌شده به مجمع عمومی بستان‌کاران ارائه و نسخه مکتوب و امضاء شده آن را به قاضی ناظر تقدیم می‌نماید. این گزارش باید شامل نظر امین در مورد کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی باشد. صورت تفصیلی اموال، قیمت آنها و نیز کلیه دیون تاجر متوقف ضمیمه گزارش فوق می‌شود.

ماده ۱۰۱۲ - برای اظهار نظر در خصوص کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی، امین معیارهای زیر را مبنای محاسبه ارزش اموال قرار می‌دهد:

۱- میانگین قیمت مال در فاصله ده تا سه روز منتهی به تشکیل جلسه مجمع عمومی بستان‌کاران برای اموالی که قیمت بورسی یا بازاری دارند.

۲- قیمتی که برای سایر اموال در صورت دارایی درج شده است.

تبصره - در صورتی که قیمت کالاهای موضوع بند (۲) این ماده ظرف پنج روز منتهی به تشکیل جلسه مجمع عمومی بستان‌کاران با بیش از بیست و پنج درصد نوسان قیمت مواجه شود، قیمت اخیر مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.

ماده ۱۰۱۳ - در محاسبه دیون تنها دیون حال و دیونی که تا روز تشکیل جلسه مجمع عمومی بستان‌کاران حال می‌شوند، لحاظ می‌گردد.

ماده ۱۰۱۴ - هرگونه تصمیم‌گیری در مجمع عمومی بستان‌کاران منوط به قرائت گزارش موضوع ماده (۱۰۱۱) این قانون از جانب امین است.

ماده ۱۰۱۵ - گزارش مذکور و ضمیمه آن باید از اول وقت اداری روز پیش از تشکیل جلسه در محلی که قاضی ناظر معین نموده و در آگهی و اخطاریه‌های دعوت درج شده است، در دسترس تمام بستان‌کاران و وکلای آنان قرار گیرد. افراد مذکور می‌توانند به هزینه خود از این گزارش و ضمیمه آن رونوشت یا تصویر تهیه نمایند.

ماده ۱۰۱۶ - مجمع عمومی بستان‌کاران در دو مورد تصمیم می‌گیرد:

۱- کفایت یا عدم کفایت اموال تاجر متوقف نسبت به دیون وی

۲- قبول یا رد تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه مشروط به درخواست تاجر متوقف با رعایت مفاد ماده (۱۰۳۱) این قانون

ماده ۱۰۱۷ - امین باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی بستان‌کاران صورت جلسه‌ای تهیه نماید و به تأیید قاضی ناظر برساند.

ماده ۱۰۱۸ - قاضی ناظر باید حسب مورد در اولین فرصت پس از تشکیل جلسه اول یا دوم مجمع عمومی بستان کاران صورت جلسه مذکور را به دادگاه تقدیم و نسخه‌ای از آن را به وسیله امین در روزنامه منتشر نماید.

ماده ۱۰۱۹ - مفاد صورت جلسه حداکثر تا ده روز پس از انتشار نزد دادگاه قابل شکایت است.

ماده ۱۰۲۰ - در صورتی که از مفاد صورت جلسه شکایتی نشود، دادگاه در اولین فرصت بر اساس مفاد صورت جلسه و موافق مواد آتی وضع تاجر را معین می‌کند. در غیر این صورت، دادگاه مکلف است ظرف ده روز به شکایت واصل شده رسیدگی و سپس وضعیت تاجر را معین نماید.

ماده ۱۰۲۱ - هرگاه در مجمع عمومی بستانکاران حداقل بیش از نصف بستانکاران که بیش از دوسوم طلب‌های تشخیص شده و یا به طور موقت قبول شده را به خود اختصاص داده‌اند اموال تاجر متوقف را برای وصول مطالبات خود کافی بدانند و صورت جلسه مجمع مذکور به تأیید دادگاه برسد، دادخواست ورشکستگی رد می‌شود. طلب‌های باوثیقه و صاحبان آنها، در حدود مقرر در انتهای ماده (۸۸۷) این قانون در رأی گیری لحاظ نمی‌شود.

ماده ۱۰۲۲ - رد دادخواست ورشکستگی در فرض ماده (۱۰۲۱) این قانون باعث زوال آثار اعلام توقف نیست تاجر متوف می‌تواند پس از سه ماه از تاریخ رد دادخواست ورشکستگی، اعلام زوال آثار را از دادگاه تقاضا نماید. اثر رأی دادگاه در این صورت ناظر به آتیه است.

ماده ۱۰۲۳ - پس از رد دادخواست ورشکستگی هیچ یک اشخاصی که مطالبات آنها مربوط به قبل از تاریخ رد ورشکستگی است نمی‌توانند دوباره تقاضای ورشکستگی کنند.

ماده ۱۰۲۴ - هرگاه در جلسه اول مجمع عمومی اکثریت عددی بستانکاران حاصل شود ولی حاضران از حیث مبلغ دارای بیش از پنجاه درصد از مطالبات نباشند و یا آن که حاضران، دارای بیش از پنجاه درصد از مطالبات باشند ولی حائز اکثریت عددی مذکور نباشند، نتیجه حاصل از آن جلسه معلق می‌شود و قرار انعقاد جلسه دوم برای دو هفته بعد گذاشته می‌شود. در این صورت امین باید مراتب دعوت مجدد از بستانکاران را در روزنامه آگهی کند.

ماده ۱۰۲۵ - بستانکارانی که خود و یا وکلای آنان در جلسه اول حاضر بوده‌اند و صورت مجلس را امضاء نموده‌اند، مکلف به حضور در جلسه دوم نیستند مگر آن که بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند. در صورت عدم حضور افراد فوق تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است. اگر در جلسه دوم اکثریت عددی و مبلغی مندرج در ماده (۱۰۲۱) این قانون کامل شود دادخواست ورشکستگی رد می‌گردد.

ماده ۱۰۲۶ - در صورت رد دادخواست ورشکستگی با استناد مواد (۱۰۲۱) یا (۱۰۲۵) این قانون، قاضی ناظر به وسیله امین مراتب را در روزنامه‌ای که رأی اعلام توقف در آن اعلان شده بود آگهی می‌کند.

ماده ۱۰۲۷ - کلیه بستانکارانی که حق شرکت در مجمع عمومی بستانکاران را داشته‌اند می‌توانند راجع به تصمیم مجمع شکایت کنند. شکایت باید ظرف یک هفته از تاریخ تصمیم مجمع انجام گیرد و بلافاصله به امین و خود تاجر متوقف ابلاغ شود. امین و تاجر متوقف در اولین فرصت برای رسیدگی به موضوع شکایت به دادگاه احضار می‌شوند.

ماده ۱۰۲۸ - دادگاه نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت شکایت، راجع به تصدیق صورت جلسه مجمع اتخاذ تصمیم نماید. هرگاه ظرف این مدت از طرف بستانکارانی که حق شکایت دارند، اعتراضی به عمل آید دادگاه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق صورت جلسه مجمع رأی واحد صادر کند. اگر اعتراضات تأیید شود، حکم ورشکستگی صادر می‌شود.

ماده ۱۰۲۹ - هرگاه اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون حاصل نشود حکم ورشکستگی تاجر متوقف صادر می‌شود مگر این‌که تاجر طبق ماده (۱۰۳۱) انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه را تقاضا نماید و حداقل بیش از نصف بستان‌کارانی که بیش از دوسوم کلیه مطالبات تشخیص شده و یا به‌طور موقت قبول شده را به خود اختصاص داده‌اند با این تقاضا موافقت نمایند.

ماده ۱۰۳۰ - در صورت عدم حصول اکثریت مذکور در قسمت اخیر ماده (۱۰۲۹) این قانون در جلسه اول، مطابق مواد (۱۰۲۴) و (۱۰۲۵) عمل می‌شود.

باب چهارم - قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه

فصل اول - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه و ترتیب آن

ماده ۱۰۳۱ - هر تاجر متوقف می‌تواند ضمن دادخواست تقاضای ورشکستگی یا حداکثر تا بیست روز انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه را به‌طور کتبی از دادگاه درخواست نماید مشروط بر این‌که در دو سال منتهی به صدور رأی اعلام توقف به تجارت اشتغال داشته و به تکالیف قانونی تجار در مورد نگهداری دفاتر تجاری و ثبت در دفتر ثبت نام تجاری عمل نموده باشد.

ماده ۱۰۳۲ - متقاضی انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه باید حسب مورد مدارک زیر را به دادخواست یا درخواست خود ضمیمه نماید:

- ۱- پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه
 - ۲- گواهی ثبت نام در دفتر ثبت نام تجاری
 - ۳- گواهی اشتغال به تجارت از سوی صنف مربوط ظرف مدت مذکور
- ماده ۱۰۳۳** - پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه باید متضمن موارد زیر باشد:
- ۱- نحوه ادامه فعالیت تجاری
 - ۲- میزان و نوع فعالیت‌ها شامل افزایش، حذف و نوسازی آنها
 - ۳- نحوه پرداخت دیون بستانکاران
 - ۴- چگونگی ایفاء تعهدات غیرنقدی
 - ۵- نحوه وصول مطالبات
 - ۶- دارایی‌های مازاد قابل واگذاری و تعیین موارد مصرف وجوه حاصل از آن
 - ۷- میزان منابع مالی لازم و نحوه تأمین آن
 - ۸- تعیین تکلیف کارکنان
 - ۹- مدت زمان اجرای قرارداد

ماده ۱۰۳۴ - اگر اخراج برخی از کارکنان به جهات اقتصادی در پیش‌نویس قرارداد ارفاقی پیش‌بینی شده باشد، در صورت تصویب قرارداد، کارکنان اخراجی حقوق مترتب بر اخراج را به طور کامل و مقدم بر سایر غرماء دریافت می‌کنند ولی درباره سایر حقوق معوق احتمالی جزء بستانکاران عادی منظور می‌شوند و می‌توانند در آن بخش از مطالبات خود وارد قرارداد ارفاقی شوند و یا طبق ماده (۱۰۴۵) این قانون سهم غرمایی دریافت کنند.

ماده ۱۰۳۵ - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه در موارد زیر قابل طرح در جلسه مجمع عمومی بستانکاران نیست:

۱- عدم تقدیم ضمایم موضوع ماده (۱۰۳۲) این قانون

۲- محکومیت قطعی تاجر به ورشکستگی به تقلب

۳- محکومیت قطعی تاجر به جعل، خیانت در امانت و صدور چک پرداخت نشدنی در دو سال آخر متهمی به

تقدیم دادخواست یا درخواست

۴- گذشت بیش از یک سال از کناره‌گیری تاجر از تجارت تا روز تشکیل جلسهٔ مجمع عمومی بستان‌کاران

ماده ۱۰۳۶ - قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه میان تاجر متوقف و بستان‌کاران او منعقد نمی‌شود مگر پس از تشکیل

جلسهٔ مجمع عمومی بستان‌کاران و اتخاذ تصمیم مطابق مواد (۱۰۲۹) و (۱۰۳۰) این قانون.

بستانکاران می‌تواند ضمن تصمیم خود شخصی یا اشخاصی را برای نظارت بر اجرای قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه با هزینه خود انتخاب کنند. حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های ناظر بر اساس حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های بازرس در شرکت‌های تجاری است. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه حکم ماده (۱۰۲۳) این قانون مجری است.

ماده ۱۰۳۷ - اصلاح و تغییر قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه در حین اجراء با رعایت این قانون، به پیشنهاد تاجر

متوقف و موافقت کلیه بستان‌کاران طرف قرارداد و تصدیق دادگاه امکان دارد.

ماده ۱۰۳۸ - هرگاه تاجر به عنوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شود، لازم است بستان‌کاران دعوت شوند و

معلوم کنند که آیا تصمیم خود در امر انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه را به زمان حصول نتیجهٔ رسیدگی به اتهام موکول می‌کنند و یا تصمیم فوری اتخاذ می‌نمایند. بستانکاران می‌توانند با اکثریت تعداد و مبلغ مندرج در ذیل ماده (۱۰۲۹) این قانون تصمیم‌گیری را به زمان بعد موکول یا به انعقاد قرارداد ارفاقی اقدام کنند.

تبصره - چنان‌چه پس از تبرئه تاجر متوقف انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه مورد تقاضا باشد، احکام مواد این

فصل باید اجراء گردد.

ماده ۱۰۳۹ - اگر تاجر متوقف به ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه ممکن

است، لکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد بستان‌کاران می‌توانند تا حصول نتیجهٔ تعقیب و با رعایت مقررات ماده (۱۰۳۸) این قانون تصمیم‌گیری در مورد انعقاد قرارداد را به تأخیر اندازند.

ماده ۱۰۴۰ - کلیه بستان‌کارانی که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه را دارند می‌توانند در مورد

قرارداد شکایت کنند. شکایت باید ظرف یک هفته از تاریخ تصمیم مجمع انجام گیرد و بلافاصله به امین و خود تاجر ابلاغ شود. امین و تاجر متوقف در اولین فرصت برای رسیدگی به موضوع شکایت به دادگاه احضار می‌شوند.

ماده ۱۰۴۱ - قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه باید به تصدیق دادگاه برسد و هر یک از اطراف قرارداد می‌توانند تأیید

آن را تقاضا نمایند. دادگاه نمی‌تواند قبل از انقضای مهلت شکایت درباره تأیید قرارداد تصمیم بگیرد. هرگاه ظرف این مدت از طرف بستان‌کارانی که حق شکایت دارند، اعتراضی به عمل آید دادگاه باید در موضوع اعتراضات و تأیید قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه رأی واحد صادر کند. اگر اعتراضات تأیید شود، قرارداد در مورد تمام اشخاص ذی‌نفع بلااثر می‌شود.

ماده ۱۰۴۲ - پیش از آن که دادگاه در باب تأیید قرارداد رأی دهد، قاضی ناظر باید گزارشی که متضمن کیفیت

امور تاجر متوقف و امکان قبول قرارداد باشد به دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۱۰۴۳ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر، دادگاه قرارداد ارفاقی را تصدیق نمی‌کند.

ماده ۱۰۴۴ - قاضی ناظر به وسیلهٔ امین، رأی صادرشده در خصوص تصدیق قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه را در روزنامه آگهی می‌کند.

فصل دوم - آثار قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه

ماده ۱۰۴۵ - قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه نسبت به بستان‌کارانی که در اکثریت می‌باشند و یا کسانی که ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده‌اند لازم است. بستان‌کارانی که جزء اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه که در صورت صدور حکم ورشکستگی و تصفیهٔ اموال از دارایی تاجر به آنها می‌رسد دریافت نمایند، لکن حق ندارند بقیهٔ طلب خود را در آتیه از دارایی تاجر مطالبه کنند مگر پس از تأدیة تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته و یا آن را ظرف ده روز مذکور امضاء نمایند.

ماده ۱۰۴۶ - پس از تصدیق قرارداد ارفاقی، دعوای بطلان درباره آن قبول نمی‌شود مگر اینکه کشف شود در میزان دارایی یا مقدار دیون، تقلب شده و به مقدار واقعی قلمداد نشده است.

ماده ۱۰۴۷ - زمانی که رأی دادگاه درباره تصدیق قرارداد قطعی شود، امین در حضور قاضی ناظر صورت‌حساب کاملی به تاجر می‌دهد و کلیهٔ دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی تاجر متوقف را به استثنای آنچه که باید به بستان‌کارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده‌اند داده شود به مشارالیه تسلیم می‌کند و رسید می‌گیرد. پس از آن که تأدیة سهم بستان‌کاران مذکور انجام شد، مأموریت امین خاتمه می‌یابد. قاضی ناظر نیز از تمام این مراتب صورت‌مجلسی تهیه می‌کند و به مأموریت خود خاتمه می‌دهد. در صورت بروز اختلاف در مورد صورت‌حساب و یا صورت‌مجلس دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌نماید.

ماده ۱۰۴۸ - پس از ختم مأموریت مدیر تصفیهٔ موقت، ممنوعیت تاجر متوقف از مداخله در امور مالی خود مرتفع و نفقه‌ای که برای او مقرر شده است قطع می‌گردد.

ماده ۱۰۴۹ - در طول دورهٔ اجرای قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه هیچ‌یک از بستان‌کاران دعوت‌شده به جلسهٔ مجمع عمومی بستان‌کاران در مورد دیون موضوع قرارداد و یا دیونی که از بابت آن سهم غرامتی دریافت کرده‌اند، حق اقامهٔ دعوا، ادامهٔ دعوای توقیف‌شده، شروع و یا ادامهٔ عملیات اجرایی را علیه تاجر متوقف ندارند.

ماده ۱۰۵۰ - تاجر متوقف در حال اجرای قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه مکلف است در سربرگ‌ها و مکاتبات خود، عنوان «در حال اجرای قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه» را درج کند.

فصل سوم - فسخ یا بطلان قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه

ماده ۱۰۵۱ - قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه در موارد زیر باطل است:

۱- محکومیت قطعی تاجر به ورشکستگی به تقلب پس از تصویب قرارداد در مجمع عمومی بستان‌کاران

۲- کشف تقلب در میزان دارایی یا مقدار دیون یا عدم قلمداد مقدار واقعی

ماده ۱۰۵۲ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجراء نکند، می‌توان برای فسخ قرارداد علیه او اقامهٔ دعوا نمود.

ماده ۱۰۵۳ - اگر تاجر پس از تصدیق قرارداد ارفاقی از بابت ورشکستگی به تقلب، تعقیب، توقیف یا حبس شود، دادگاه می‌تواند هر قسم اقدامات تأمینی را که مقتضی می‌داند اتخاذ نماید ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه اقدامات مذکور مرتفع می‌شوند.

ماده ۱۰۵۴ - پس از محکومیت کیفری قطعی تاجر به مجازات ورشکستگی به تقلب یا صدور حکم بطلان موضوع بند (۲) ماده (۱۰۵۱) این قانون یا فسخ قرارداد ارفاقی پیش گیرانه، دادگاه دوباره یک امین معین و مراتب را برای تعیین قاضی ناظر به اداره تصفیه مربوط ابلاغ می کند.

ماده ۱۰۵۵ - قاضی ناظر می تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید. امین بلافاصله از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی به اسناد و نوشتجات می نماید و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارایی ترتیب می دهد. در صورت وجود بستان کاران یا بدهکاران جدید امین باید به فوریت به وسیله اعلان در روزنامه آنان را دعوت نماید که ظرف مهلت های مقرر در ماده (۹۸۸) این قانون اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند. در اعلان مذکور مفاد قرار دادگاه که به موجب آن امین معین شده است باید درج شود.

ماده ۱۰۵۶ - بدون فوت وقت و با رعایت مقررات مواد (۹۹۳) تا (۹۹۸) این قانون به اسنادی که مطابق ماده (۱۰۵۵) ابراز شده است، رسیدگی می شود، ولی در مورد مطالباتی که در گذشته تشخیص شده است رسیدگی جدید به عمل نمی آید. مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق قرارداد ارفاقی پرداخته شده است کنار گذاشته می شود.

ماده ۱۰۵۷ - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم مربوط به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مذکور انجام داده است، باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود معامله به ضرر بستان کاران بوده است که در این صورت قرارداد منعقد شده در مقابل بستان کاران قابل استناد نیست.

ماده ۱۰۵۸ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی، ورشکستگی تاجر اعلام و دارایی او میان بستان کاران سابق و اشخاصی که بعد از قرارداد بستان کار شده اند حسب اصول تصفیه اموال ورشکسته تقسیم می شود.

ماده ۱۰۵۹ - اگر بستان کاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال قرارداد مالی دریافت کنند، دریافتی آنها از سهم غرمایی کسر می شود.

ماده ۱۰۶۰ - هرگاه بدون اعلام بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی پیش گیرانه، دوباره توقف تاجری که تحت چنین قراردادی مشغول فعالیت است اعلام شود، اجرای مواد (۱۰۵۸) و (۱۰۵۹) این قانون در مورد او الزامی است.

باب پنجم - اعلام ورشکستگی

فصل اول - شرایط اعلام ورشکستگی و اداره کنندگان امور ورشکسته

ماده ۱۰۶۱ - در موارد زیر می توان تاجر را ورشکسته اعلام نمود:

۱- در صورت عدم احراز کفایت اموال تاجر مطابق ماده (۱۰۲۹) این قانون و عدم موافقت بستان کاران با انعقاد قرارداد ارفاقی پیش گیرانه

۲- در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی پیش گیرانه

ماده ۱۰۶۲ - بستان کاران تاجر ورشکسته می توانند حداکثر تا پنج روز پس از صدور حکم ورشکستگی، شخصی را به عنوان مدیر تصفیه انتخاب نمایند. مدیر تصفیه باید از بین اشخاصی که به این منظور طبق این قانون انتخاب می گردند تعیین شود. برای انتخاب مدیر تصفیه موافقت اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون لازم است. در صورت عدم حصول موافقت، دادگاه، حداکثر تا پنج روز پس از انقضای مهلت بستان کاران برای انتخاب مدیر تصفیه، شخصی را بدین عنوان منصوب می کند.

ماده ۱۰۶۳ - در خصوص بانکها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سهامی عام، تعاونی‌های سهامی عام، مختلط سهامی عام و مواردی که به موجب آیین‌نامه اجرایی مشخص می‌شود هیأتی مرکب از سه یا پنج مدیر تصفیه که از میان اشخاص حقوقی واجد صلاحیت انتخاب می‌شوند وظایف مدیر تصفیه را بر عهده می‌گیرند. ترتیب تشکیل، اداره جلسه و تصمیم‌گیری مدیران تصفیه متعدد و انتخاب آنان تابع ترتیبات مقرر در مورد مدیران متعدد شرکت‌های تجارتهای است. بستانکاران می‌توانند حق الزحمه مدیر تصفیه را بپردازند و مقدم بر سایر مطالبات از اموال ورشکسته وصول نمایند. همچنین بستانکاران می‌توانند به هزینه خود، یک یا چند شخص را برای نظارت بر مدیر تصفیه انتخاب کنند. حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های ناظر بر اساس حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های بازرس در شرکت‌های تجارتهای است.

تبصره ۱- در مواردی که دادگاه مطابق بند (۲) ماده (۱۲۲۲) این قانون امر تصفیه را به اداره تصفیه ارجاع دهد رعایت مفاد این ماده الزامی نیست.

تبصره ۲- انتخاب یا نصب امین به عنوان مدیر تصفیه بلامانع است.

ماده ۱۰۶۴ - دادگاه باید با اخطار کتبی مدیر تصفیه را مطلع کند و انجام وظایف مربوط را از او بخواهد.

ماده ۱۰۶۵ - در صورتی که ورشکستگی تاجر مطابق بند (۱) ماده (۱۰۶۱) این قانون اعلام شود، امین مکلف است بلافاصله پس از انتخاب مدیر تصفیه در حضور قاضی ناظر صورت‌حساب کاملی به مدیر تصفیه جدید بدهد و کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به مدیر تسلیم و رسید دریافت و مأموریت خود را ختم کند. قاضی ناظر باید از تمام این مراتب صورت‌مجلسی تهیه کند. در صورت بروز اختلاف در مورد صورت‌حساب و یا صورت‌مجلس، دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی را صادر می‌نماید.

تبصره رعایت مفاد این ماده در مورد تبصره ماده (۱۰۶۳) الزامی نیست.

ماده ۱۰۶۶ - مدیر تصفیه مکلف است خلاصه‌ای از رأی صادرشده در مورد اعلام ورشکستگی را در روزنامه منتشر کند. این امر باید حداکثر تا ده روز پس از دریافت اخطاریه موضوع ماده (۱۰۶۴) این قانون از جانب مدیر تصفیه انجام شود.

آگهی مذکور باید شامل نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شماره تجارتهای تاجر ورشکسته، مشخصات دادگاه صادرکننده رأی، تاریخ صدور رأی، تاریخ توقف و نام، نام خانوادگی و عنوان مدیر تصفیه باشد.

ماده ۱۰۶۷ - وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های مدیر تصفیه، با رعایت تفاوت‌های اعلام توقف و اعلام ورشکستگی، همانی است که در مواد (۹۳۴) تا (۹۳۸) این قانون مقرر شده است. علاوه بر این تفریح حساب و ختم عملیات ورشکستگی موافق مقررات فصل سوم این باب از وظایف مدیر تصفیه محسوب می‌شود. قاضی ناظر میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را در حدود آیین‌نامه اجرایی معین می‌کند.

ماده ۱۰۶۸ - از تصمیمات مدیر تصفیه در چهارچوب ماده (۹۳۹) این قانون شکایت کرد.

ماده ۱۰۶۹ - عزل مدیر تصفیه انتخابی با تصمیم اکثریت مذکور در ماده (۱۰۲۱) این قانون و عزل مدیر تصفیه انتصابی موافق ماده (۹۴۰) انجام خواهد گرفت که در این صورت انتخاب مدیر تصفیه جدید مطابق ماده (۱۰۶۲) و در مهلت مقرر در آن انجام می‌گیرد. در صورت فوت، انحلال یا معذوریت مدیر تصفیه یا ممنوعیت وی از تصدی این سمت نیز مدیر تصفیه مطابق ماده (۱۰۶۲) انتخاب می‌شود.

ماده ۱۰۷۰ - پس از صدور حکم ورشکستگی، قاضی ناظر کماکان به انجام وظیفه ادامه می‌دهد مگر این‌که دادگاه تغییر او را از اداره تصفیه امور ورشکستگی بخواهد.

ماده ۱۰۷۱ - وظایف و اختیارات قاضی ناظر، با رعایت تفاوت‌های اعلام توقف و اعلام ورشکستگی، همان است که در مواد (۹۴۱) تا (۹۴۴) مقرر شده است. از تصمیمات قاضی ناظر می‌توان در چهارچوب ماده (۹۴۵) این قانون شکایت کرد.

فصل دوم - آثار اعلام ورشکستگی

مبحث اول - آثار ورشکستگی نسبت به تاجر ورشکسته و بستان‌کاران او

ماده ۱۰۷۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی، آثار اعلام توقف مندرج در مواد (۹۴۸)، (۹۵۰)، (۹۵۳) تا (۹۵۶) و (۹۵۸) تا (۹۶۶) این قانون به قوت خود باقی می‌ماند و اگر زایل شده دوباره برقرار می‌شود حتی در مورد تاجری که به تکلیف مندرج در مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) عمل کرده است.

ماده ۱۰۷۳ - از تاریخ اعلام ورشکستگی هر شخص که با تاجر ورشکسته دعوایی داشته باشد، باید علیه مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. دادگاه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را در دعاوی مطروح اجازه دهد. در خصوص آن دسته از دعاوی که پیش از اعلام ورشکستگی، از جانب تاجر یا علیه او اقامه شده‌اند، دادرسی متوقف و تابع قانون آیین دادرسی مدنی است. رعایت ماده (۹۵۲) این قانون در این مورد نیز الزامی است.

ماده ۱۰۷۴ - در کلیه اختیارات، حقوق و دعاوی مالی که استفاده از آن در اداره اموال یا تأدیه دیون تاجر متوقف مؤثر باشد، مدیر تصفیه قائم‌مقام قانونی وی محسوب است.

ماده ۱۰۷۵ - تاجر ورشکسته، مدیر یا مدیران و مدیر عامل شخص حقوقی ورشکسته از کلیه حقوق اجتماعی موضوع مجازات‌های تبعی در قانون مجازات اسلامی محروم می‌شود. همچنین اشخاص مذکور نمی‌توانند به امور زیر بپردازند:

- ۱- تأسیس شرکت تجاری
 - ۲- عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های تجاری
 - ۳- تصدی مدیر عاملی در شرکت‌های تجاری
 - ۴- کسب اعتبار و دریافت تسهیلات به هر عنوان از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری عمومی و دولتی به‌جز وام‌های ضروری از قبیل وام مسکن و ازدواج
 - ۵- انجام هرگونه معامله با دستگاههای اجرایی
- تبصره ۱- محرومیت‌های مذکور با اعاده اعتبار تاجر ورشکسته رفع می‌شود.
- تبصره ۲- ورشکسته به تقلب و تقصیر علاوه بر موارد مذکور از اشتغال به اعمال تجاری و ورود به عنوان شریک یا سهام‌دار جز در شرکت‌های شرکت تعاونی غیرسهامی محروم است.

ماده ۱۰۷۶ - هیچ‌یک از اعمال حقوقی و نیز اقرار تاجر ورشکسته از زمان صدور حکم ورشکستگی نسبت به اموال وی، به ضرر بستان‌کاران قابل استناد نیست. اموالی که پس از صدور حکم ورشکستگی عاید ورشکسته می‌گردد مشمول منع مداخله نیست.

ماده ۱۰۷۷ - با صدور حکم ورشکستگی دیون مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت به دیون حال مبدل می‌شود.

ماده ۱۰۷۸ - از تاریخ توقف، خسارت تأخیر در انجام تعهد به تاجر تعلق نمی‌گیرد. با وجود این، اعلام ورشکستگی سبب توقف تعلق خسارت ناشی از کاهش ارزش پول به بستان‌کار نمی‌شود لکن مطالبه آن منوط به ختم عملیات تصفیه و ملاتت تاجر است.

ماده ۱۰۷۹ - پس از صدور حکم ورشکستگی، میان دیون ورشکسته و مطالبات وی، حتی در صورت وجود شرایط، تهاتر انجام نمی‌شود.

ماده ۱۰۸۰ - نفقه تاجر و افراد واجب‌النفقه او که مطابق مواد (۹۵۳) تا (۹۵۶) این قانون برقرار می‌شود، تا ختم عملیات تصفیه، قطع نمی‌شود.

ماده ۱۰۸۱ - تاجر می‌تواند با رعایت ماده (۱۰۷۵) این قانون هر گونه تصرفی در اموالی که پس از صدور حکم ورشکستگی عاید او می‌گردد انجام دهد. کلیه بستان‌کاران ورشکسته نیز برای حفظ حقوق خود حق هر گونه اقدام قانونی شخصی درباره این اموال را دارند.

ماده ۱۰۸۲ - اعلام ورشکستگی سبب انفساخ عقود لازمی که سابق بر اعلام آن و به موجب قانون منعقد گردیده‌اند نیست مگر در مواردی که قانون معین می‌کند.

ماده ۱۰۸۳ - هرگاه مال یا شخصی در اجاره تاجر ورشکسته باشد، موجر یا اجیر حق فسخ اجاره را دارد و از بابت مال الاجاره‌ای که تا تاریخ فسخ مستحق شده و دریافت نکرده است، در ردیف غرماء منظور می‌شود. اگر مدیر تصفیه ابقاء اجاره را موافق منافع بستان‌کاران تشخیص دهد، می‌تواند در صورت موافقت موجر یا اجیر و در صورت لزوم با اعطای تأمین کافی مانع فسخ قرارداد گردد.

ماده ۱۰۸۴ - در صورت عدم فسخ اجاره از جانب موجر یا اجیر وی باید از بابت مال الاجاره‌هایی که دریافت نکرده است و یا حسب شرایط قرارداد در آتیه مستحق می‌شود، در صف غرماء داخل می‌گردد.

ماده ۱۰۸۵ - مدیر تصفیه در صورت بقای اجاره می‌تواند با اجازه قاضی ناظر عین مستأجره را برای بقیه مدت به دیگری اجاره دهد، مشروط بر اینکه این امر به موجب قرارداد ممنوع نشود. در این صورت، کلیه شرایط و مقررات اجاره‌نامه و نیز توافقات بعدی، در صورت وجود، باید به موقع اجراء شود.

ماده ۱۰۸۶ - انجام هیچ معامله‌ای با اموال تاجر ورشکسته از جانب مدیر تصفیه جز در موارد مندرج در ماده (۹۷۵) این قانون مجاز نیست، مگر وجوه نقد نزد بانک‌ها یا مؤسسات مالی و اعتباری برای حفظ ارزش پول با تأیید قاضی ناظر سپرده‌گذاری شود.

ماده ۱۰۸۷ - به محض صدور حکم ورشکستگی در صورتی که امکان واگذاری اموال تاجر مطابق ماده (۱۰۹۵) این قانون به صورت یکجا وجود نداشته باشد کلیه مستخدمان تاجر، فارغ از این که قرارداد آنها تابع چه قانونی است، اخراج می‌شوند.

مبحث دوم - دعوای استرداد

ماده ۱۰۸۸ - عین کالاها، اسناد، اوراق بهادار، و وجوه نقدی متعلق به غیر که نزد تاجر ورشکسته موجود است به درخواست مالک قابل استرداد است.

ماده ۱۰۸۹ - در بیع حال مبیع مشخص، چنانچه مشتری قبل از پرداخت ثمن ورشکسته شود و عین مبیع نزد او موجود باشد با بیع حق استرداد آن را دارد.

ماده ۱۰۹۰ - مدیر تصفیه می‌تواند در اجرای ماده (۱۰۸۹) این قانون، در صورت رضایت بائع، با اجازه قاضی ناظر عدم استرداد کالا یا تسلیم آن را تقاضا کند ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۱۰۹۱ - اگر کالایی که به عنوان مبیع برای تاجر ورشکسته حمل شده است، قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه‌ای که دارای امضاء ارسال‌کننده است فروخته شده باشد و فروش نیز صورتی نباشد، دعوای استرداد پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۱۰۹۲ - اموالی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری به صورت حال خریداری کرده و عین آن نزد ورشکسته موجود است اگر قیمت آن به بائع پرداخت نشده باشد به وسیله وی و در غیر این صورت به وسیله شخصی که آن مال به حساب او خریداری شده است، قابل استرداد است.

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه تمام یا قسمتی از اموالی که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده است معامله شود و وجه آن به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد، از طرف خریدار قابل استرداد است.

فصل سوم - تفریغ حساب و ختم عملیات ورشکستگی

ماده ۱۰۹۴ - مدیر تصفیه بلافاصله پس از صدور حکم ورشکستگی، عملیات تصفیه و تفریغ حساب ورشکسته را شروع می‌کند. مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را بفروشد و مطالبات و دیون او را حسب مورد به داوری ارجاع دهد، صلح و یا وصول نماید و حساب تاجر را تصفیه کند. تمام این مراتب تحت نظر قاضی ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می‌آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نماید، اطلاع دادستان کافی است.

ماده ۱۰۹۵ - اموال تاجر در موارد مذکور در تبصره ماده (۹۶۸) این قانون در صورت امکان باید به صورت یکجا واگذار شود. مدیر تصفیه به موجب مواد این باب و آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده (۹۶۸) که نحوه واگذاری اموال به صورت یکجا را نیز دربر می‌گیرد، تحت نظارت قاضی ناظر و با تصدیق وی نسبت به واگذاری اموال تاجر به صورت یکجا اقدام می‌کند. در غیر این صورت، اموال تاجر مطابق مقررات این باب واگذار می‌شود.

ماده ۱۰۹۶ - اگر به هر علت وثیقه‌ای فک نشود، مطابق مواد (۹۶۰) تا (۹۶۵) این قانون به فروش و فک آن اقدام می‌شود.

ماده ۱۰۹۷ - اموال منقول ورشکسته حسب مورد از طریق مزایده فروخته می‌شود.

ماده ۱۰۹۸ - در صورتی که مال منقول در بورس و یا بازار قیمت معینی داشته باشد، فروش آن به طریق غیر مزایده جایز است.

ماده ۱۰۹۹ - شرایط فروش حداقل ده روز قبل از مزایده در محلی که قاضی ناظر معین می‌کند، در دسترس عموم قرار می‌گیرد و هر کس می‌تواند اطلاعات لازم در این مورد را کسب نماید. آگهی فروش شامل مشخصات مال، شرایط فروش مال و نحوه پرداخت که نباید موعده آن بیشتر از سه ماه از تاریخ فروش باشد، مکان، روز و ساعت مزایده می‌شود.

ماده ۱۱۰۰ - مدیر تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین کند و به تأیید قاضی ناظر برساند.

ماده ۱۱۰۱ - اشیاء ساخته شده از فلزات گران بها مانند طلا و نقره نباید به بهایی کم تر از بهای فلزی آنها فروخته شود.

ماده ۱۱۰۲ - شرایط فروش از جانب هر ذی نفع نزد دادگاه قابل شکایت است. این امر باعث تعویق اجرای مزایده است مگر این که دادگاه به نحو دیگری مقرر کند.

ماده ۱۱۰۳ - مال منقولی که از طریق حراج حضوری فروخته می شود پس از سه مرتبه با صدای بلند مأمور حراج به کسی که قیمت حداکثر را پیشنهاد کرده است واگذار می شود.

ماده ۱۱۰۴ - در صورتی که نحوه پرداخت در مزایده حال باشد اعطای مهلت یکروزه مجاز است لکن در هر حال تسلیم مال نباید پیش از پرداخت بها صورت گیرد.

ماده ۱۱۰۵ - اگر پرداخت در موعد مقرر انجام نگیرد، معامله باطل محسوب می شود و مزایده جدید انجام می گیرد و پیشنهاددهنده سابق مسؤول کسر قیمت و سایر خسارات وارد شده است.

ماده ۱۱۰۶ - فروش اموال غیرمنقول تابع مقررات فروش این اموال در قانون اجرای احکام مدنی است.

ماده ۱۱۰۷ - در مورد فروش اموال غیرمنقول به اموری که انجام آن در دفتر املاک و یا سایر مراجع قانونی لازم است از طرف مدیر تصفیه اقدام می شود.

ماده ۱۱۰۸ - رعایت مواد (۱۰۹۷) تا (۱۱۰۷) این قانون در مورد فروش اموال موضوع ماده (۹۷۵) که متضمن نفع بسیار برای بستانکاران است نیز الزامی است.

ماده ۱۱۰۹ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکسته و نفقه ای که ممکن است به تاجر ورشکسته یا افراد واجب النفقه او پرداخت شود و جوهری که باید مطابق ماده (۱۱۱۶) این قانون به صاحبان مطالبات ممتاز تأدیه گردد، مجموع دارایی بین بستانکاران به نسبت طلب آنها که از قبل تشخیص شده است تقسیم می شود.

ماده ۱۱۱۰ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده (۱۱۰۹) این قانون هرماه یک مرتبه گزارش تصفیه ورشکسته را با تعیین وجوه موجود به قاضی ناظر ارائه می کند. قاضی مذکور در صورت لزوم به تقسیم وجوه مذکور بین کلیه بستانکاران دستور می دهد و مبلغ آن را معین و مواظبت می نماید که به تمام بستانکاران اطلاع داده شود.

ماده ۱۱۱۱ - تقسیم موقت سهم گرمایی فقط پس از انقضای مدت مذکور در ماده (۹۹۹) این قانون امکان دارد.

ماده ۱۱۱۲ - برای مطالبات معلق و مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی معادل سهم گرمایی صاحبان این گونه طلبها منظور گردد.

ماده ۱۱۱۳ - جوهری که برای مطالبات تصدیق نشده منظور گردیده است، به طور امانت به صندوق امانات دادگستری سپرده خواهد شد و در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین بستانکارانی که طلب آنها تأیید شده است، تقسیم می شود.

ماده ۱۱۱۴ - ممکن است هیأت بستانکاران با اطلاع تاجر ورشکسته از دادگاه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده است، به طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود، قبول کنند و مورد معامله قرار دهند. در این صورت، مدیر تصفیه اقدامات مقتضی را انجام می دهد. در این مورد هر بستانکار می تواند به قاضی ناظر مراجعه و تقاضا نماید که بستانکاران دیگر را برای اتخاذ تصمیم در این باره دعوت کند.

ماده ۱۱۱۵ - پس از مشخص شدن و تجمیع وجوه حاصل از فروش و قطعی شدن فهرست بستانکاران، مدیر تصفیه صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی آن تنظیم می‌کند و به تأیید قاضی ناظر می‌رساند. صورت تقسیم و حساب نهایی در مدت ده روز از طریق نشر آگهی در روزنامه به اطلاع بستانکاران می‌رسد. به علاوه خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم هر یک از بستانکاران برای آنها فرستاده می‌شود.

ماده ۱۱۱۶ - در برگ تقسیم حاصل فروش، بستانکاران با وثیقه نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه، مقدم بر سایر بستانکاران قرار می‌گیرند.

طلب‌های فاقد وثیقه و همچنین باقی‌مانده طلب‌هایی که وثیقه دارد ولی تمام آنها از فروش مال مورد وثیقه پرداخت نشده‌اند، به ترتیب طبقات زیر بر یک‌دیگر مقدم‌اند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال ورشکسته این تقدم رعایت و قید می‌شود:

طبقه اول:

نفقه زوجه

طبقه دوم:

سپرده‌های نقدی اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و کارگزاران بورس و بیمه و سایر حق‌العمل کاران تا سقف یک‌صد میلیون ریال
طبقه سوم:

حقوق کلیه مستخدمان تاجر ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از ورشکستگی و بیست و پنج درصد حقوق مترتب بر اخراج آنان
طبقه چهارم:

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده است به نسبت میزانی که وی برای ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی حق تقدم دارد که توقف تاجر در دوره قیمومت یا ولایت و یا تا یک سال پس از انقضای آن اعلام شود.
طبقه پنجم:

مهریه زن تا میزان یک‌صد میلیون ریال به شرط آن‌که ازدواج حداقل پنج سال قبل از توقف تاجر واقع شده باشد. مازاد بر این مقدار از مهریه جزء سایر دیون محسوب می‌شود.
طبقه ششم:

سایر بستانکاران

ماده ۱۱۱۷ - پس از انقضای مدت مذکور در ماده (۱۱۱۵) این قانون مدیر تصفیه به دستور قاضی ناظر مبادرت به پرداخت سهم هر یک از بستانکاران را پرداخت می‌نماید.

ماده ۱۱۱۸ - مدیر تصفیه هیچ طلبی را نمی‌پردازد مگر آن‌که مدارک و اسناد آن را از قبل ملاحظه کرده باشد. مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته‌است در روی سند قید می‌کند. قاضی ناظر در صورت عدم امکان ابراز سند می‌تواند اجازه دهد که به موجب صورت‌مجلسی که طلب در آن تصدیق شده، وجه پرداخته شود. در هر حال بستانکاران باید دریافت وجه را در زیر صورت تقسیم رسید کنند.

ماده ۱۱۱۹ - مدیر تصفیه به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها به طور کامل تأدیه نشده است و نیز به بستانکارانی که جزء صورت نیامده‌اند سند عدم کفایت دارایی می‌دهد. سند مذکور در حکم سند رسمی لازم‌الاجراء است.

ماده ۱۱۲۰ - مطالبه از شخصی که حکم ورشکستگی او صادر شده است منوط به اثبات ملائت وی است.

ماده ۱۱۲۱ - به محض این‌که تفریغ و تصفیه حساب تاجر به اتمام برسد، قاضی ناظر بستانکاران و تاجر ورشکسته را دعوت می‌نماید. در این جلسه مدیر تصفیه در حضور قاضی ناظر صورت حساب خود را خواهد داد و مأموریت خود را خاتمه می‌دهد. قاضی ناظر باید از تمام این مراتب صورت مجلسی تهیه کند. مفاد صورت مجلس و نیز خلاصه‌ای از صورت حساب باید حداکثر تا پنج روز پس از جلسه در روزنامه آگهی شود. بستانکاران معترض می‌توانند ظرف ده روز پس از نشر آگهی در مورد صورت حساب و یا صورت مجلس نزد دادگاه صادرکننده رأی شکایت کنند. دادگاه مکلف است خارج از نوبت و حداکثر تا بیست روز پس از وصول آخرین شکایت به مسأله رسیدگی و حکم مقتضی را صادر نماید.

ماده ۱۱۲۲ - پس از تقدیم صورت حساب و صورت مجلس موضوع ماده (۱۱۲۱) این قانون به مجمع عمومی بستانکاران، در صورت عدم وصول شکایت در مورد آنها و یا رسیدگی به کلیه شکایات واصل شده دادگاه ختم عملیات ورشکستگی را اعلام می‌کند. قاضی ناظر مراتب را در روزنامه آگهی می‌کند و به مأموریت خود خاتمه می‌دهد. پس از این اعلام کلیه آثار ورشکستگی به جز آنچه که در ماده (۱۰۷۵) آمده است بلااثر می‌گردد.

ماده ۱۱۲۳ - هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به ورشکسته کشف شود، به درخواست هریک از بستانکارانی که طلب‌شان تشخیص شده است و به دستور دادگاه صادرکننده حکم، توقیف و حاصل فروش آن بدون هیچ‌گونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌شود. در مورد سهامی که به مناسبت مشکوک یا معلق بودن طلب به ودیعه گذاشته شده است و بعد از این تصرف در آنها مجاز می‌شود نیز به همین ترتیب اقدام می‌گردد.

ماده ۱۱۲۴ - تفریغ و تصفیه حساب ورشکسته باید حداکثر تا نه ماه پس از صدور حکم ورشکستگی انجام شود. این مهلت تنها برای یکبار و به مدت سه ماه با حکم دادگاه قابل تمدید است. در صورتی که به هر علت تصفیه حساب ورشکسته در مهلت‌های مذکور ممکن نگردد، از بستانکاران برای تعیین تکلیف دعوت می‌شود.

باب ششم - مقررات خاص شرکت‌های تجاری

ماده ۱۱۲۵ - در صورت وجود شرایط مقرر در این باب، ورشکستگی شرکت تجاری را از زمان تشکیل تا ختم تصفیه می‌توان از دادگاه صالح تقاضا نمود حتی در صورتی که شرکت منحل شود و در حال تصفیه باشد.

ماده ۱۱۲۶ - تقاضای اعلام ورشکستگی شرکت تجاری به وسیله خود شرکت فقط با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده و به وسیله مدیر عامل مجاز است.

ماده ۱۱۲۷ - در صورت احتمال بهبود وضع مالی شرکت یا اقتضای مصالح ملی، دادگاه می‌تواند رأساً یا به تقاضای شرکت رسیدگی به دعوا را حداکثر به مدت سه ماه به تأخیر اندازد. در این موارد دادگاه باید به اتخاذ اقدامات احتیاطی لازم برای حفظ اموال شرکت دستور دهد.

ماده ۱۱۲۸ - در صورت اعلام توقف شرکت، دادگاه صادرکننده رأی برای رسیدگی به تقاضای ورشکستگی شخصی که در اموال شرکت مانند اموال شخصی خود تصرف می‌کرده و یا به نام شرکت و به حساب خود، معاملاتی

انجام داده، صالح است حتی در صورتی که به خودی خود صالح برای رسیدگی به تقاضای ورشکستگی شخص مذکور نباشد.

ماده ۱۱۲۹ - در کلیه مواردی که حسب مواد این باب حضور یا اخذ نظر تاجر و یا ادای توضیح از جانب وی لازم است، مدیرعامل شرکت جایگزین او می‌شود.

ماده ۱۱۳۰ - تقاضای انعقاد قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه و پیش‌نویس آن در شرکت تجارتمتوقف باید، به تصویب مجمع عمومی عادی سالانه یا عادی به طور فوق‌العاده برسد و سپس از جانب مدیرعامل شرکت تقدیم گردد.

ماده ۱۱۳۱ - ورشکستگی شرکاء و یا سهام‌داران ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت و ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و یا سهام‌داران آن ندارد.

ماده ۱۱۳۲ - ورشکستگی شرکت تجارتمتوقف را پس از انحلال نیز می‌توان تقاضا کرد، مشروط بر اینکه اموال شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۱۳۳ - هرگاه شرکت منحل شده قبل از انحلال از تأدیه وجوهی که بر عهده داشته متوقف باشد یا پس از انحلال از تأدیه وجوه مذکور متوقف شود، مدیر یا مدیران تصفیه باید ورشکستگی شرکت را مطابق مقررات مربوط از مراجع ذیصلاح قضایی تقاضا کنند.

باب هفتم - طرق شکایت از آرای صادرشده در دعوی ورشکستگی

ماده ۱۱۳۴ - شکایت از آرای صادر شده در رسیدگی به دعوی ورشکستگی تابع قانون آیین دادرسی مدنی است مگر در مواردی که در این باب پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۱۳۵ - رأی دادگاه رسیدگی کننده به دادخواست ورشکستگی فقط در موارد زیر و یا رعایت قانون آیین دادرسی مدنی، قابل واخواهی یا اعتراض ثالث یا تجدید نظرخواهی است:

۱- رأی دایر بر رد دادخواست ورشکستگی

۲- رأی اعلام توقف

۳- رأی تعیین تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلام توقف

۴- رأی اعلام ورشکستگی

۵- قرار بازداشت تاجر متوقف

ماده ۱۱۳۶ - مهلت واخواهی، اعتراض ثالث و تجدید نظرخواهی بیست روز از تاریخ اعلان رأی است.

ماده ۱۱۳۷ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص مطالبات بستان‌کاران معین می‌شود، دیگر هیچ تقاضایی از طرف آنان راجع به تغییر تاریخ توقف قبول نمی‌شود.

ماده ۱۱۳۸ - فقط آراء موضوع بندهای (۱)، (۲) و (۴) ماده (۱۱۳۵) این قانون در چهارچوب مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قابل فرجام‌خواهی می‌باشند.

باب هشتم - اعاده اعتبار

- ماده ۱۱۳۹ -** محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های مندرج در ماده (۱۰۷۵) این قانون سه سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی رفع و به حکم قانون از تاجر اعاده اعتبار می‌شود. اعاده اعتبار موضوع این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست.
- ماده ۱۱۴۰ -** از ورشکستگان به تقصیر اعاده اعتبار نمی‌شود مگر مجازات مربوط را تحمل کند یا عفو شود و از اعلام ختم عملیات ورشکستگی و تأدیه کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه چهار سال بگذرد.
- ماده ۱۱۴۱ -** از ورشکستگان به تقلب اعاده اعتبار نمی‌شود مگر مجازات مربوط را تحمل کند یا عفو شود و از اعلام ختم عملیات ورشکستگی و تأدیه کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه پنج سال بگذرد.
- ماده ۱۱۴۲ -** هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود و متفرعات آن و مخارج تصفیه را ظرف کم‌تر از دو سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی بپردازد، می‌تواند تقاضای اعاده اعتبار کند مشروط بر این‌که به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب محکوم نشده باشد.
- ماده ۱۱۴۳ -** در صورتی که ورشکستگی شریک ضامن، در یک شرکت ورشکسته اعلام گردد، اعاده اعتبار از وی جز با اثبات تأدیه تمام دیون شرکت از جانب او به ترتیب مقرر در ماده (۱۱۴۲) این قانون ممکن نیست.
- ماده ۱۱۴۴ -** در صورتی که یک یا چند نفر از بستان‌کاران غائب باشند و یا از دریافت مطالبات خود امتناع نمایند، تاجر ورشکسته برای اعاده اعتبار باید وجوهی را که به آنها مدیون است با اطلاع دادستان در صندوق امانات دادگستری تودیع نماید. رسید دال بر تودیع وجوه مذکور دلیل برائت ذمه تاجر محسوب است.
- ماده ۱۱۴۵ -** دادخواست اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبت آن به دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی تقدیم گردد. دادگاه باید بلافاصله رونوشت یا تصویری از دادخواست را برای دادستان ارسال نماید.
- ماده ۱۱۴۶ -** مدیر دفتر دادگاه باید به هزینه خواهان مفاد دادخواست مذکور را به کلیه بستان‌کارانی که سند عدم کفایت دارایی دریافت نموده‌اند، ابلاغ نماید.
- ماده ۱۱۴۷ -** دادستان باید حداکثر تا سی روز پس از دریافت رونوشت یا تصویر دادخواست اعاده اعتبار گزارشی از آرای کیفری صادرشده در مورد ورشکسته را به دادگاه تقدیم نماید.
- ماده ۱۱۴۸ -** در صورتی که پرونده تاجر از بابت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب در دادسرا یا دادگاه مطرح باشد، دادستان مکلف است بلافاصله مراتب را به دادگاه رسیدگی‌کننده به اعاده اعتبار اعلام نماید. در این صورت دادگاه مذکور با صدور قرار اناطه رسیدگی به دعوا را به تبرئه قطعی تاجر ورشکسته منوط می‌کند.
- ماده ۱۱۴۹ -** خواهان اعاده اعتبار و همچنین هر بستان‌کاری که سند عدم کفایت دارایی دریافت نموده و طلب خود را به‌طور کامل دریافت نکرده است، می‌تواند از حکم صادرشده تجدیدنظرخواهی کند.
- ماده ۱۱۵۰ -** در صورتی که پس از حکم به اعاده اعتبار، تاجر به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب محکوم شود حکم اعاده اعتبار ملغی می‌گردد و اعاده اعتبار به وجود شرایط مندرج در مواد (۱۱۴۰) و (۱۱۴۱) این قانون موقوف می‌شود.

فصل اول - کلیات

ماده ۱۱۵۱ - احکام این باب به شرط عمل متقابل یا وجود معاهدات دو یا چندجانبه در موارد زیر اعمال می‌شود:

- ۱- هم‌کاری دادگاه خارجی یا نماینده‌ی وی از دادگاه صالح ایرانی در مورد رسیدگی خارجی درخواست شود.
- ۲- هم‌کاری دادگاه صالح ایرانی از مرجع صلاحیت‌دار کشور خارجی در مورد دعاوی موضوع این قانون درخواست شود.
- ۳- رسیدگی‌های هم‌زمان که، به‌صورت توأمان، در ایران و حداقل یک کشور دیگر در جریان باشند.
- ۴- مواردی که بستانکاران یا دیگر اشخاص ذی‌نفع در کشور خارجی، در باره دادخواست شروع یا شرکت در دعاوی ورشکستگی داخلی ذی‌نفع باشند.

ماده ۱۱۵۲ - در غیر موارد مذکور در ماده (۱۱۵۱) این قانون، قانون اجرای احکام مدنی در مورد شناسایی رسیدگی‌های خارجی موضوع این باب مجری است و آثار شناسایی آنها تابع احکام این باب است. مواد این باب در مورد رسیدگی‌های خارجی مربوط به عجز از پرداخت بانک‌ها و شرکت‌های بیمه اعمال نمی‌گردد.

ماده ۱۱۵۳ - اصطلاحات زیر در معانی مشروح به کار می‌رود:

- ۱- «رسیدگی خارجی» عبارت است از رسیدگی جمعی قضایی یا اداری در یک کشور خارجی طبق قانون مربوط، از جمله رسیدگی‌های موقت، که در آن اموال و امور بدهکار، با هدف بازسازی یا تصفیه، در اختیار یا تحت نظارت دادگاه خارجی قرار می‌گیرد.
 - ۲- «رسیدگی خارجی اصلی» عبارت است از رسیدگی خارجی که در کشور مرکز منافع اصلی بدهکار، صورت می‌گیرد.
 - ۳- «رسیدگی خارجی غیراصلی» عبارت است از رسیدگی خارجی، غیر از رسیدگی خارجی اصلی، که در کشور محل وقوع «بنگاه تجاری» بدهکار، موضوع بند «۶» این ماده، صورت می‌گیرد.
 - ۴- «نماینده‌ی خارجی» عبارت است از شخصی که در رسیدگی خارجی، بازسازی، اداره یا تصفیه‌ی اموال یا امور بدهکار را به‌طور قانونی بر عهده دارد یا به‌عنوان نماینده‌ی رسیدگی مذکور مانند اشخاص منصوب‌شده در رسیدگی‌های موقت اقدام می‌کند؛
 - ۵- «دادگاه خارجی» عبارت است از مرجع قضایی یا اداری که برای انجام رسیدگی خارجی یا نظارت بر آن صالح است.
 - ۶- «بنگاه تجاری» عبارت است از هر محل فعالیتی که بدهکار در آن‌جا با نیروی انسانی و کالا یا خدمات به فعالیت اقتصادی غیرموقت می‌پردازد.
- ماده ۱۱۵۴ - در صورت تعارض احکام این باب با مفاد معاهدات بین‌المللی که ایران عضو آن است، تعهدات مذکور حاکم است.
- ماده ۱۱۵۵ - صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به دعاوی ورشکستگی بین‌المللی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۱۱۵۶ - مرجع تقاضای شناسایی رسیدگی های خارجی و هم کاری با دادگاه های خارجی در چهارچوب احکام این باب دادگاه عمومی محل اقامت بدهکار و اگر محل اقامت وی در ایران معلوم نباشد، دادگاه عمومی تهران است.

ماده ۱۱۵۷ - در مورد دعاوی ورشکستگی مطرح شده در دادگاه های ایران، مدیر تصفیه با نظارت قاضی ناظر ایرانی در کشور خارجی به عنوان نماینده ی رسیدگی داخلی اقدام می کند.

ماده ۱۱۵۸ - چنانچه اجرای احکام ناشی از مواد این باب مخالف نظم عمومی باشد، دادگاه، حسب مورد، به طور کلی یا جزئی از اجرای احکام این باب امتناع می کند.

ماده ۱۱۵۹ - مقررات این باب، مانع هم کاری بیشتر مراجع داخلی با دادگاه یا نماینده خارجی در حدود قوانین و مقررات نیست.

ماده ۱۱۶۰ - در تفسیر مواد این باب باید به خصوصیت بین المللی و ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در اعمال آنها توجه گردد.

فصل دوم - دسترسی بستان کاران و نمایندگان خارجی به دادگاه های داخلی

ماده ۱۱۶۱ - نماینده خارجی می تواند به طور مستقیم به دادگاه داخلی صالح مراجعه کند.

ماده ۱۱۶۲ - نماینده خارجی می تواند مطابق قوانین داخلی در ایران دعاوی ورشکستگی اقامه کند.

ماده ۱۱۶۳ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی می تواند در دعاوی ورشکستگی بدهکار مربوط که به موجب احکام این باب در دادگاه داخلی در حال رسیدگی است شرکت کند.

ماده ۱۱۶۴ - بستانکاران خارجی در مورد شروع یا شرکت در دعاوی ورشکستگی به موجب احکام این باب همان حقوقی را دارند که بستانکاران داخلی از آنها برخوردارند. طبقه بندی مطالبات بستانکاران خارجی در دعاوی داخلی با رعایت ماده (۱۱۱۶) این قانون انجام می گیرد.

ماده ۱۱۶۵ - هرگاه به موجب احکام این باب ابلاغ امری به بستانکاران مقیم داخل، الزامی باشد این امر باید به بستانکاران شناخته شده ای نیز که در ایران نشانی ندارند، ابلاغ شود. دادگاه می تواند برای ابلاغ به بستانکارانی که هنوز نشانی آنها معلوم نیست دستور مقتضی را صادر کند. ابلاغ به بستانکاران خارجی باید به صورت انفرادی صورت گیرد، مگر اینکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال شکل دیگری از ابلاغ را مناسب تر تشخیص دهد.

فصل سوم - شناسایی رسیدگی خارجی

ماده ۱۱۶۶ - نماینده خارجی می تواند به موجب دادخواست از دادگاه ایران شناسایی رسیدگی خارجی متبوع را تقاضا کند.

ماده ۱۱۶۷ - با رعایت ماده (۱۱۵۸) این قانون، رسیدگی خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل شناسایی است:

۱- در کشوری در حال انجام باشد که به موجب قوانین خود یا معاهداتی که عضو آن است رسیدگی های ایرانی در آن کشور قابل شناسایی است یا در این مورد معامله ی متقابل می کند.

۲- در کشوری که در حال انجام است واجد اثر قانونی باشد و به علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

۳- مشمول تعریف مندرج در بند (۱) ماده (۱۱۵۳) این قانون باشد.

۴- درخواست‌کننده شناسایی دارای شرایط مقرر در بند(۴) ماده (۱۱۵۳) این قانون باشد.

۵- دادخواست و پیوست‌های آن مطابق شرایط مقرر در ماده (۱۱۶۸) این قانون تنظیم شده باشند.

۶- دادخواست به دادگاه مورد اشاره در ماده (۱۱۵۶) این قانون تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۶۸ - مدارک زیر باید به دادخواست شناسایی ضمیمه شوند:

۱- تصویر تصمیم‌نامه یا گواهی دادگاه خارجی مبنی بر شروع رسیدگی و نصب نماینده‌ی خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله‌ی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که رسیدگی خارجی در آن جریان دارد یا مأمور سیاسی یا کنسولی دولت متبوع دادگاه خارجی در ایران گواهی شده باشد؛

۲- نماینده‌ی سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که رسیدگی خارجی در آن جریان دارد یا نماینده‌ی سیاسی یا کنسولی کشور مذکور در ایران صلاحیت‌داری بودن دادگاه خارجی برای شروع رسیدگی و نصب نماینده‌ی خارجی را گواهی کند.

۳- گواهی امضاء نماینده‌ی سیاسی یا کنسولی خارجی مذکور در بندهای (۱) و (۲) به وسیله‌ی وزارت امور خارجه گواهی شود.

۴- اعلامیه‌ای حاکی از تمام رسیدگی‌های خارجی مربوط به بدهکار که نماینده‌ی خارجی از آنها آگاه است.

۵- به درخواست دادگاه مدارک مذکور در بندهای پیشین ترجمه رسمی شود.

ماده ۱۱۶۹ - مدیر دفتر دادگاه عین دادخواست و پیوست‌های آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه، بلافاصله، در جلسه اداری فوق‌العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه‌ی آن، قرار شناسایی رسیدگی خارجی را، مطابق مواد آتی، صادر یا با ذکر علل و جهات، تقاضا را رد می‌کند.

ماده ۱۱۷۰ - قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن تجدیدنظر بخواهد. مرجع تجدیدنظر در جلسه‌ی اداری فوق‌العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی تجدیدنظرخواسته قرار قبول تقاضا را، مطابق مواد آتی، صادر و در غیر این صورت آن را تأیید می‌کند. رأی دادگاه قابل فرجام نیست.

ماده ۱۱۷۱ - چنانچه مدرک مذکور در بند(۱) ماده(۱۱۶۸) این قانون حاکی از آن باشد که رسیدگی خارجی از رسیدگی‌های مذکور در بند(۱) ماده(۱۱۵۳) و نماینده‌ی خارجی شخصی دارای شرایط مقرر در بند(۴) همان ماده است، دادگاه می‌تواند رسیدگی را مشمول بند(۱) ماده(۱۱۵۳) و نماینده‌ی خارجی را دارای شرایط مقرر در بند(۴) همان ماده فرض کند. در هر حال، اصل بر اعتبار مدارک ارائه‌شده است، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۷۲ - چنانچه رسیدگی خارجی در کشوری در جریان باشد که مرکز اصلی منافع بدهکار در آن است، رسیدگی خارجی به عنوان اصلی و اگر در کشوری در جریان باشد که بدهکار در آن بنگاه تجارتي دارد، رسیدگی خارجی به عنوان غیر اصلی شناسایی می‌شود.

ماده ۱۱۷۳ - اقامت‌گاه شخص حقیقی بدهکار مرکز منافع اصلی آن محسوب است. در مورد اشخاص حقوقی بدهکار محل ثبت منافع وی محسوب می‌شود، مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۷۴ - چنانچه ثابت شود که مبانی شناسایی رسیدگی خارجی، به طور کلی یا جزئی، وجود نداشته‌اند یا دیگر وجود ندارند، دادگاه صادرکننده‌ی قرار شناسایی می‌تواند قرار مذکور را، حسب مورد، لغو یا اصلاح کند.

ماده ۱۱۷۵ - پس از ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی باید بلافاصله دادگاه را از موارد زیر مطلع کند:

۱- هر تغییر اساسی که در وضع رسیدگی خارجی شناسایی شده یا وضع نصب نماینده خارجی به وجود آید.
۲- هر رسیدگی خارجی دیگر که در مورد همان بدهکار که نماینده خارجی از آن مطلع می گردد انجام شود.
ماده ۱۱۷۶ - پس از ثبت دادخواست شناسایی تا زمان اتخاذ تصمیم در مورد آن، دادگاه می تواند به درخواست نماینده خارجی برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران دستور موقت صادر کند. دستور مذکور می تواند در بردارنده موارد زیر باشد:

۱- هرگونه عملیات اجرایی علیه اموال بدهکار را متوقف کند.
۲- اداره یا فروش تمام یا بخشی از اموال بدهکار را که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه برای حفظ ارزش اموالی که به حسب ذات یا به علل دیگر، فاسدشدنی، مستعد کاهش ارزش، یا به طریق دیگری در معرض خطر می باشند تفویض کند.

۳- هر دستور دیگر مورد اشاره در بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۱۸۳) این قانون را دربر بگیرد.
ماده ۱۱۷۷ - دستور مذکور در ماده (۱۱۷۶) با رعایت مقررات ماده (۱۱۶۵) این قانون ابلاغ می شود.
ماده ۱۱۷۸ - پس از اتخاذ تصمیم در مورد دادخواست شناسایی، دستور صادر شده به موجب ماده (۱۱۷۶) این قانون، لغو می شود، مگر آن که به موجب بند (۳) ماده (۱۱۸۳) اعتبار دستور مذکور تمدید شود.

فصل چهارم - آثار شناسایی رسیدگی خارجی

ماده ۱۱۷۹ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، مقررات مواد (۹۵۱)، (۹۵۲)، (۹۵۷)، (۹۵۸)، (۹۵۹) و (۱۰۷۸) این قانون در مورد بدهکار مجری است. در این صورت شخصی که نسبت به تاجر متوقف دعوایی دارد باید علیه نماینده خارجی اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند.

ماده ۱۱۸۰ - آثار مذکور در ماده (۱۱۷۹) این قانون در موارد زیر مرتفع می شود:

۱- هرگاه آثار رسیدگی خارجی شناسایی شده در کشور متبوع دادگاه خارجی مرتفع شود.
۲- هرگاه اموال بدهکار مطابق ماده (۱۱۸۴) این قانون تقسیم شود.
۳- هرگاه رسیدگی داخلی به رد دادخواست ورشکستگی، انعقاد قرارداد ارفاقی پیش گیرانه یا ختم تصفیه منجر شود.

۴- هرگاه تا دو سال از شناسایی رسیدگی خارجی، آثار آن در کشور متبوع دادگاه خارجی مرتفع نشده و هیچ اقدامی برای تقسیم اموال مطابق ماده (۱۱۸۴) این قانون یا شروع رسیدگی داخلی صورت نگرفته باشد.

ماده ۱۱۸۱ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی غیر اصلی، هرگاه برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران ضرورت داشته باشد، دادگاه می تواند با درخواست نماینده خارجی و با رعایت احکام این باب آثار شناسایی خارجی اصلی را در مورد شناسایی خارجی غیر اصلی مقرر کند.

ماده ۱۱۸۲ - ماده (۱۱۷۹) این قانون مانع از اقامه دعوی ورشکستگی داخلی به موجب احکام این باب یا طرح ادعا در دعوی مذکور نیست.

ماده ۱۱۸۳ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، اعم از اصلی و غیراصلی، هرگاه برای حفاظت از اموال بدهکار یا منافع بستانکاران ضرورت داشته باشد، دادگاه می‌تواند، با درخواست نماینده خارجی، قرار مناسبی صادر کند که دربردارنده‌ی موارد زیر باشد:

۱- تحقیق از گواهان و مطلعان، اخذ دلیل یا ارائه‌ی اطلاعات مربوط به اموال و امور بدهکار
۲- تفویض اداره یا فروش تمام یا بخشی از اموال بدهکار که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه

۳- انجام هر کار ممکن دیگری برای مدیر تسفیه داخلی به موجب قوانین ایران.

ماده ۱۱۸۴ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، اعم از اصلی و غیراصلی، دادگاه می‌تواند به درخواست نماینده خارجی تقسیم تمام یا بخشی از اموال بدهکار را که در ایران قرار دارند، به شخص تعیین شده از سوی دادگاه تفویض کند، مشروط بر آن که دادگاه احراز کند که از منافع بستانکاران داخلی به قدر کفایت محافظت می‌شود. تقسیم باید مطابق احکام این باب صورت گیرد.

ماده ۱۱۸۵ - صدور قرار به موجب ماده (۱۱۸۳) این قانون به درخواست نماینده رسیدگی خارجی غیراصلی در صورتی ممکن است که قرار، مربوط به اموالی باشد که به موجب قانون ایران تحت شمول قانون کشور رسیدگی خارجی غیراصلی است یا مربوط به اطلاعاتی باشد که در این رسیدگی مورد نیاز است.

ماده ۱۱۸۶ - در صدور یا امتناع از صدور دستور یا قرار به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون، یا در اصلاح یا لغو قرار به موجب ماده (۱۱۸۸)، دادگاه باید به قدر کفایت محافظت از منافع بستانکاران و دیگر اشخاص ذی‌نفع داخلی، از جمله بدهکار، را احراز نماید.

ماده ۱۱۸۷ - دادگاه می‌تواند قرار صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون را به شرایطی که مناسب می‌داند، منوط کند.

ماده ۱۱۸۸ - دادگاه می‌تواند رأساً به درخواست نماینده خارجی یا سایر اشخاص ذی‌نفع دستور صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون را اصلاح یا لغو کند.

ماده ۱۱۸۹ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی اهلیت طرح دعاوی موضوع مواد (۹۵۷) و (۹۵۸) این باب را دارد.

ماده ۱۱۹۰ - در صورت شناسایی رسیدگی خارجی، نماینده خارجی می‌تواند با رعایت قوانین ایران در هر رسیدگی که شخص بدهکار طرف آن است، وارد شود.

ماده ۱۱۹۱ - رسیدگی خارجی غیراصلی زمانی در دادگاه داخلی تعقیب می‌شود که رسیدگی مذکور مربوط به اموالی باشد که مطابق قانون ایران باید در همان رسیدگی خارجی اداره شوند.

فصل پنجم - همکاری‌های قضایی

ماده ۱۱۹۲ - دادگاه داخلی مطابق احکام این فصل و در مورد مسائل مربوط به رسیدگی خارجی، موضوع این باب، به‌طور مستقیم با دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان آنان همکاری می‌کند.

ماده ۱۱۹۳ - در مسائل مربوط به هر دعوی ورشکستگی اقامه شده در ایران، دادگاه داخلی می‌تواند به طور مستقیم با دادگاه‌های خارجی یا نمایندگان آنان ارتباط برقرار کند یا از آنها به طور مستقیم درخواست اطلاعات یا کمک کند.

ماده ۱۱۹۴ - همکاری مورد اشاره در مواد (۱۱۹۲) و (۱۱۹۳) این قانون به هر طریق مناسب و بدون نیاز به تشریفات نیابت قضایی به اجرا درمی‌آید، از جمله:

- ۱- نصب شخص یا اشخاص معین برای اقدام بر طبق دستور دادگاه
- ۲- تبادل اسناد، مدارک و اطلاعات با هر وسیله‌ای به تشخیص دادگاه
- ۳- هماهنگ کردن اداره و نظارت بر اموال و امور بدهکار
- ۴- تأیید یا اجرای توافقات مربوط به هماهنگ کردن رسیدگی‌ها از سوی دادگاه‌ها
- ۵- هماهنگ کردن رسیدگی‌های هم‌زمان مربوط به یک بدهکار
- ۶- تحقیقات از مطلعان و گواهان و معاینه‌ی محلی

فصل ششم - رسیدگی‌های هم‌زمان

ماده ۱۱۹۵ - پس از شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، در صورت شروع رسیدگی به موجب احکام این باب، آثار رسیدگی داخلی به اموال بدهکار در ایران محدود است و در مورد سایر اموال بدهکار، آثار رسیدگی داخلی محدود به اموالی است که به موجب قانون داخلی باید مطابق قانون ایران اداره شوند.

ماده ۱۱۹۶ - چنانچه رسیدگی خارجی و داخلی به طور هم‌زمان در مورد یک بدهکار در حال انجام باشد، همکاری قضایی مطابق مواد (۱۱۹۲) و (۱۱۹۳) این قانون انجام می‌گیرد. در این صورت رعایت موارد زیر الزامی است:

۱- چنانچه در زمان ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی در ایران در حال انجام باشد:

۱-۱- هر قرار صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید متناسب با رسیدگی در ایران باشد.

۱-۲- اگر رسیدگی خارجی به عنوان رسیدگی خارجی اصلی شناسایی شود، مقررات مواد (۱۱۷۹) تا (۱۱۸۲) این

قانون اعمال نمی‌گردند.

۲- چنانچه رسیدگی در ایران، پس از شناسایی یا ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی شروع شود:

۱-۲- هر قرار معتبر به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید از سوی دادگاه بازنگری شود و

در صورتی که متناسب با رسیدگی در ایران نباشد، اصلاح یا لغو گردد.

۲-۲- اگر رسیدگی خارجی اصلی باشد، توقیف و تعلیق مورد اشاره در ماده (۱۱۷۹) این قانون، در صورتی که

متناسب با رسیدگی در ایران نباشد، باید اصلاح یا لغو گردد.

۳- در صدور، تمدید یا اصلاح قرار صادرشده به درخواست نماینده‌ی رسیدگی خارجی غیراصلی، دادگاه باید

احراز کند که آن قرار مربوط به اموالی است که به موجب قانون ایران باید در رسیدگی خارجی غیراصلی اداره شود یا با اطلاعات مورد نیاز در آن رسیدگی مرتبط است.

ماده ۱۱۹۷ - در صورتی که بیش از یک دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی مطرح باشد، دادگاه باید درصدد

همکاری و هماهنگی به موجب مواد (۱۱۹۲)، (۱۱۹۳) و (۱۱۹۴) این قانون برآید و موارد ذیل باید اعمال شوند:

۱- پس از شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، هر قرار صادرشده به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون به

درخواست نماینده‌ی رسیدگی خارجی غیراصلی، باید متناسب با آن رسیدگی خارجی اصلی باشد؛

۲- اگر رسیدگی خارجی اصلی، پس از شناسایی یا پس از ثبت دادخواست شناسایی رسیدگی خارجی غیراصلی، مورد شناسایی قرار گیرد، هر قرار معتبر به موجب ماده (۱۱۷۶) یا (۱۱۸۳) این قانون باید از سوی دادگاه بازنگاری شود و در صورتی که متناسب با رسیدگی خارجی اصلی نباشد، باید اصلاح یا لغو شود؛

۳- چنانچه پس از شناسایی رسیدگی خارجی غیراصلی، رسیدگی خارجی غیراصلی دیگری مورد شناسایی قرار گیرد، دادگاه باید به منظور تسهیل هماهنگی آن رسیدگی‌ها، قرار صادر کند یا قرار صادر شده را اصلاح یا لغو کند.
ماده ۱۱۹۸ - در موارد رسیدگی داخلی به موجب احکام این باب، شناسایی رسیدگی خارجی اصلی، دلیل آن است که آن بدهکار ورشکسته است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱۹۹- جز در مورد مطالباتی که وثیقه یا حقوق عینی دارند، بستانکاری که در جریان رسیدگی خارجی، بخشی از طلب خود را دریافت کرده است، تا وقتی که پرداخت به دیگر بستانکاران از طبقه‌ی مشابه، به طور نسبی کم‌تر از وجهی باشد که آن بستانکار دریافت کرده است، نمی‌تواند برای همان ادعا در رسیدگی مربوط به همان بدهکار به موجب احکام این باب وجهی را دریافت کند.

باب دهم- جرائم و مجازات‌ها

فصل اول - ورشکستگی به تقصیر

ماده ۱۲۰۰ - تاجر در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلام می‌شود:

- ۱- در صورتی که مخارج شخصی یا مخارج خانه او در ایام عادی نسبت به عایدی او فوق‌العاده باشد.
- ۲- در صورتی که نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده‌ای را صرف معاملات کند که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.
- ۳- در صورتی که به قصد تأخیر انداختن اعلام توقف خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل‌تر از مظنه روز کند و یا به همان قصد وسایل دور از صرفه‌ای به کار برد تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض، صدور برات و یا به طریق دیگر باشد.

ماده ۱۲۰۱ - تاجری که توقف او اعلام گردیده است در موارد زیر ورشکسته به تقصیر اعلام می‌شود:

- ۱- در صورتی که از تأدیة دیون نقدی خود متوقف باشد و مطابق مواد (۸۹۰) و (۸۹۱) این قانون رفتار نکند.
 - ۲- در صورتی که دفتر نداشته و یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب باشد و یا مندرجات صورت داریی خود را به دقت تنظیم نکرده باشد مشروط بر اینکه مشمول ماده (۱۲۰۶) این قانون نباشد.
- ماده ۱۲۰۲ - مجازات ورشکسته به تقصیر حبس تعزیری درجه شش است.

ماده ۱۲۰۳ - به جرم تاجر ورشکسته به تقصیر بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکاران یا تعقیب دادستان رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۲۰۴ - مدیر تصفیه نمی‌تواند به نام بستانکاران از تاجر به عنوان ورشکستگی به تقصیر شکایت کند مگر پس از تصویب اکثریت بستانکاران که طلب‌شان تصدیق شده است. این امر مانع از اعلام ورشکستگی به تقصیر به وسیله مدیر تصفیه به دادستان نیست.

ماده ۱۲۰۵- مخارج تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر در صورت محکومیت او به عهده دولت است لکن دولت حق دارد در صورتی که قرارداد ارفاقی امضا شود پس از پایان دوره قرارداد و در صورت ورشکستگی پس از تصفیه حساب تاجر و ملاتت او از این بابت به وی رجوع نماید. در صورت برائت تاجر، مخارج تعقیبی که به شکایت مدیر

تصفیه و به نام بستان کاران انجام می‌گیرد برعهده هیأت بستان کاران، و مخارج تعقیبی که به شکایت هر یک از بستان کاران انجام می‌گیرد برعهده آن بستانکار و در صورتی که دادستان رأساً اقدام به تعقیب کند برعهده دولت است.

فصل دوم - ورشکستگی به تقلب

ماده ۱۲۰۶ - هر تاجر متوقف که دفاتر خود را از دسترس خارج کند یا ازین ببرد یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کند و یا به طریق مواضعه یا معاملات صوری یا به هر نحو دیگر از دسترس خارج نماید و همچنین هر تاجر متوقف که متقلبانه خود را به وسیله اسناد و یا صورت دارایی به میزانی که در حقیقت مدیون نیست مدیون قلمداد کند و یا به طور متقلبانه اموال خود را در صورت دارایی بیشتر از قیمت واقعی ارزیابی نماید، ورشکسته به تقلب اعلام می‌شود.

ماده ۱۲۰۷ - هرگاه تاجر متوقف بعد از تاریخ توقف با علم به توقف یکی از معاملات موضوع ماده (۹۵۷) این قانون را انجام دهد و یا یکی از بستانکاران را بر دیگر بستانکاران ترجیح دهد و طلب او را بپردازد در صورتی که حکم ورشکستگی او صادر شود به مجازات مقرر برای ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شود مشروط بر اینکه بیش از شش ماه سال از تاریخ پرداخت دین نگذشته باشد. همچنین است در مورد تاجری که به تکلیف مقرر در مواد (۱۹۰) و (۸۹۱) عمل نکند و یا به اتهام ورشکستگی به تقصیر یا تقلب تحت تعقیب قرار گیرد و علیه او کیفرخواست صادر شود و یا پس از تاریخ توقف در اموال خود تصرف نماید.

ماده ۱۲۰۸ - کسانی که به ارتکاب جرم ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شوند مجازات آنها حبس تعزیری درجه پنجم است.

ماده ۱۲۰۹ - تعقیب جرم ورشکستگی به تقلب با اعلام مدیر تصفیه یا هر یک از بستانکاران و یا رأساً از جانب دادستان شروع می‌شود. شروع تعقیب با اعلام مدیر تصفیه منوط به مراعات مفاد ماده (۱۲۰۴) این قانون از جانب اوست.

ماده ۱۲۱۰ - مخارج تعقیب تاجر ورشکسته به تقلب در صورت محکومیت او به عهده دولت است لکن دولت حق دارد پس از تصفیه حساب تاجر و ملائت او از این بابت به وی رجوع نماید. در صورت براءت تاجر، مخارج تعقیبی که به شکایت مدیر تصفیه و به نام بستان کاران انجام می‌گیرد برعهده هیأت بستان کاران و مخارج تعقیبی که به شکایت هر یک از بستان کاران انجام می‌گیرد برعهده آن بستانکار و در صورتی که دادستان رأساً اقدام به تعقیب کند برعهده دولت است.

فصل سوم - جرائمی که اشخاصی غیر از تاجر در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند

ماده ۱۲۱۱ - اشخاص زیر مجرم محسوب و به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم می‌گردند:

۱- اشخاصی که به نفع تاجر متوقف یا ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیر منقول او را مخفی نمایند و یا پیش خود نگاه دارند و یا به هر نحو از دسترس خارج کنند.

۲- اشخاصی که به طور متقلبانه به اسم خود و یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را واقعی قلمداد کنند.

ماده ۱۲۱۲ - اگر اقوام شخص تاجر متوقف یا ورشکسته بدون شرکت وی اموال او را مخفی نمایند و یا پیش

خود نگاه دارند و یا به هر نحو از دسترس خارج کنند، به حبس تعزیری درجه هفت و شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند.

ماده ۱۲۱۳ - در موارد معین در مواد قبل دادگاه رسیدگی کننده باید در مورد مسائل زیر نیز رأی بدهد حتی اگر متهم تبرئه شده باشد:

۱- رد کلیه اموال و حقوق موضوع جرم به هیأت بستان کاران

۲- ضرر و زیان ناشی از جرم

ماده ۱۲۱۴ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته مالی را حیف و میل کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

ماده ۱۲۱۵ - هرگاه مدیر تصفیه، اعم از اینکه بستان کار باشد یا نباشد، در امر رسیدگی به توقف، قرارداد ارفاقی پیش گیرانه و یا ورشکستگی مستقیم یا غیرمستقیم با شخص تاجر یا دیگری به نفع خود و به زیان تمام یا برخی از بستان کاران تبانی نماید و یا قرارداد خصوصی منعقد کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود.

ماده ۱۲۱۶ - شروع تعقیب کیفری به موجب احکام این باب مانع جریان رسیدگی به دادخواست تقاضای ورشکستگی در دادگاه صالح و اعمال مقررات مترتب بر آن نیست مگر این که قانون بر آن تصریح نماید.

ماده ۱۲۱۷ - در تمام مواردی که تاجری به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده (۱۲۱۳) این قانون مذکور است از صلاحیت دادگاهی که به این جرم رسیدگی می کند خارج می شود.

ماده ۱۲۱۸ - هر حکم محکومیتی که به موجب احکام این باب صادر شود باید به هزینه محکوم علیه آگهی گردد.

ماده ۱۲۱۹ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای دادستان و یا قاضی رسیدگی کننده کلیه اسناد، نوشتجات، اوراق و اطلاعات لازم را به او بدهد. موارد محول حسب مورد تا پایان تحقیقات یا دادرسی نزد دادستان یا قاضی باقی می ماند.

ماده ۱۲۲۰ - در این باب مدیر تصفیه اعم از امین و مدیر تصفیه امور ورشکستگی است.

باب یازدهم - اداره امور ورشکستگی

فصل اول - کلیات

ماده ۱۲۲۱ - در مراکز کلیه استانها و نیز شهرستانهایی که رئیس قوه قضاییه تشخیص می دهد اداره تصفیه امور ورشکستگی که از این به بعد اداره نامیده می شود تشکیل می شود. اداره به تعداد کافی قاضی ناظر در اختیار دارد که با ابلاغ رئیس قوه قضاییه تعیین می شود. مدیران تصفیه تحت نظارت این اداره فعالیت می کنند. در موارد ضروری به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی و تأیید دادگاه، تصدی امر تصفیه نیز به اداره واگذار می شود.

ماده ۱۲۲۲ - وظایف و اختیارات اداره عبارتند از:

۱- نظارت بر امر تصفیه

۲. تصدی امر تصفیه در موارد ضروری به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی و تأیید دادگاه

۳. برگزاری دوره های کارآموزی و اعطای پروانه مدیریت تصفیه به داوطلبان واجد شرایط قانونی

۴. نظارت بر فعالیت های کارآموزان و مدیران تصفیه از طریق داسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه و

درخواست تعقیب مرتکبان تخلفات مدیران تصفیه

۵. برنامه ریزی برای ارتقای سطح علمی و عملی کارآموزان و مدیران تصفیه و برگزاری دوره‌های آموزشی
۶. ارایه نظریه‌های مشورتی به مدیران تصفیه و مراجع مربوط در راستای ایجاد وحدت رویه در اجرای وظایف
مربوط به مدیران تصفیه

۷. پاسخ به استعلامات مربوط به توقف و ورشکستگی اشخاص حقیقی و حقوقی و مدیر یا مدیران و مدیر عامل

آنها

۸. نمایندگی کشور در مجامع بین‌المللی مربوط به ورشکستگی

۹. نشر آگهی‌های موضوع این باب در پایگاه الکترونیک اداره به هزینه متقاضی

۱۰. مستند سازی پرونده‌های در جریان و خاتمه یافته ورشکستگی

تبصره - حداقل دوره‌های آموزشی که مدیران تصفیه برای اخذ پروانه باید طی کنند به موجب آیین‌نامه اجرایی
مشخص خواهد شد.

ماده ۱۲۲۳ - رئیس اداره به وسیله رئیس قوه قضاییه از بین حقوق‌دانان دارای پایه قضایی و متخصص در امر
ورشکستگی و تصفیه و حداقل دارای ده سال سابقه کار قضایی انتخاب می‌شود و اداره آن را برعهده می‌گیرد.

ماده ۱۲۲۴ - برای اخذ پروانه مدیریت تصفیه علاوه بر شرایط استخدام مندرج در قانون مدیریت خدمات
کشوری احراز شرایط زیر الزامیست:

۱- داشتن حداقل ۳۰ سال سن

۲- دارا بودن مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های حقوق، اقتصاد، حسابداری، مدیریت یا یکی از رشته‌های
مرتبط به تشخیص رئیس قوه قضاییه

۳- داشتن حداقل ۵ سال سابقه کار در رشته‌های مذکور در بند(۲)

۴- نداشتن حجر

۵- نداشتن محکومیت به انفصال دائم از اشتغال به مدیریت تصفیه به موجب رأی قطعی مراجع صالح مذکور در

این قانون

۶- نداشتن محکومیت به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی

۷- موفقیت در آزمون ورودی و طی دوره کارآموزی و تأیید صلاحیت علمی به وسیله هیأت اختبار

تبصره ۱- کسی که به اتهام ارتکاب جرمی که مطابق این قانون عدم ارتکاب آن شرط تصدی مدیریت تصفیه
است، تحت تعقیب قرار می‌گیرد و علیه او کیفرخواست صادر می‌شود، تا زمان صدور حکم قطعی برائت نمی‌تواند
مدیر تصفیه شود.

تبصره ۲- کسانی که به دلیل ارتکاب جرم یا تخلف از خدمات عمومی یا دولتی، وکالت یا کارشناسی رسمی
منفصل شوند، نمیتوانند در دوره انفصال مدیر تصفیه گردند.

ماده ۱۲۲۵- آزمون ورودی مدیران تصفیه به صورت سراسری برگزار و نتایج آن بر اساس معدل کسب شده در
آزمون در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌شود. نحوه برگزاری آزمون و سطح علمی آن، کیفیت طراحی سؤالات،
حد نصاب لازم برای قبولی در آزمون ورودی، دوره‌های زمانی برگزاری آزمون و زمان برگزاری آن در هر دوره مطابق
آیین‌نامه اجرایی است.

ماده ۱۲۲۶ - اشخاص حقوقی را نیز می‌توان به عنوان مدیر تصفیه انتخاب کرد مشروط بر اینکه دارای شرایط
لازمی که به موجب آیین‌نامه اجرایی مشخص می‌شوند باشند.

فصل دوم - مقررات انتظامی

مبحث اول - مجازات انتظامی

ماده ۱۲۲۷- مجازات‌های انتظامی به ترتیب زیر است:

۱- توبیخ بدون درج در پرونده

۲- توبیخ با درج در پرونده

۳- توبیخ با درج در پرونده، خبرنامه و پایگاه الکترونیک اداره

۴- تعلیق از مدیریت تصفیه از سه ماه تا یک سال

۵- محرومیت موقت از تصدی سمت مدیریت تصفیه از ۱ تا ۳ سال

۶- محرومیت دائم از تصدی سمت مدیریت تصفیه

ماده ۱۲۲۸- متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۱ تا ۳ محکوم می‌شوند:

(۹۲۱)، (۹۲۳)، (۹۲۴)، (۹۲۹)، (۹۳۶)، (۹۷۰)، (۹۷۲)، (۱۰۰۳)، (۱۰۰۷)، (۱۰۱۱)، (۱۰۱۷)، (۱۰۲۴)، (۱۰۲۶)،

(۱۰۴۷)، (۱۰۵۵)، (۱۰۶۵)، (۱۰۶۶)، (۱۰۹۴)، (۱۱۱۵) و (۱۱۱۹) این قانون

ماده ۱۲۲۹ - متخلفان از تکالیف موضوع مواد زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه ۴ یا ۵ محکوم

می‌شوند:

(۹۰۹)، (۹۷۴)، (۹۹۰)، (۹۹۸)، (۱۰۹۵)، (۱۱۱۰)، (۱۱۱۷)، (۱۱۱۸) و (۱۲۱۹) این قانون

ماده ۱۲۳۰- متخلفان از تکالیف موضوع مواد (۹۳۷)، (۱۲۱۴) و (۱۲۱۵) این قانون به یکی از مجازات‌های

انتظامی درجه ۵ یا ۶ محکوم میشوند.

ماده ۱۲۳۱- چنانچه مدیر تصفیه، بعد از شروع کارآموزی یا اخذ پروانه، فاقد یکی از شرایط لازم برای تصدی

سمت مدیر تصفیه شود، مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ فقدان شرط مربوطه، مراتب را به اداره اعلام و اگر

پروانه اخذ کرده است، آن را تسلیم اداره کند. در غیر این صورت به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۳۲ - صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت مدیر تصفیه به ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص نفس،

اعدام، حبس ابد و جرائم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیر حدی، رشا، ارتشا، اختلاس و جرائم موضوع قانون

بازار بورس و اوراق بهادار موجب مجازات انتظامی درجه ۶ است.

ماده ۱۲۳۳ - ارتکاب تخلفات متعدد، مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است. چنانچه تخلفات ارتكابی

دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است.

ماده ۱۲۳۴ - چنانچه مدیر تصفیه مرتکب تخلفی شود که در گذشته به جهت آن تخلف محکوم و مجازات شده

است، به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی، محکوم می‌شود.

مبحث دوم - دادسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه

ماده ۱۲۳۵- به منظور رسیدگی به تخلفات مدیران تصفیه، دادگاه انتظامی به ترتیب مقرر در مواد آتی تشکیل

می‌شود. دادگاه انتظامی می‌تواند بنا به تشخیص رئیس اداره، شعب متعدد داشته باشد. در صورت تعدد شعب ریاست

شعب با رئیس شعبه اول خواهد بود.

ماده ۱۲۳۶ - رئیس هر شعبه به وسیله رئیس اداره انتخاب می شود. همچنین رئیس اداره یک عضو علی‌البدل را نیز با شرایط مقرر در این باب برای هر شعبه دادگاه انتخاب می کند تا در موارد رد یا غیبت رئیس شعبه جایگزین او شود. این امر مانع از آن نیست که رئیس شعبه انجام بعضی امور غیر از دادرسی و صدور رأی را به دادرس علی‌البدل ارجاع کند. حسب مورد رئیس شعبه یا دادرس علی‌البدل موظفند در جلسات رسیدگی حضور یابند مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند. عذر موجه به تشخیص رئیس اداره است.

ماده ۱۲۳۷ - رئیس شعبه دادگاه انتظامی و دادرس علی‌البدل باید علاوه بر شرایط استخدام در قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای (۵) و (۶) ماده (۱۲۲۴) این قانون، دارای شرایط زیر باشد:

۱- داشتن حداقل ۴۰ سال سن

۲- دارا بودن مدرک کارشناسی در رشته حقوق

۳- داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار حقوقی

۴- نداشتن هرگونه محکومیت انتظامی

ماده ۱۲۳۸ - مدت تصدی رئیس شعبه یا دارس علی‌البدل دادگاه انتظامی ۲ سال است. انتخاب مجدد آنها برای یک دوره دیگر بلامانع است.

ماده ۱۲۳۹ - دادرسرای انتظامی در کنار هر دادگاه انتظامی تشکیل میشود. ریاست دادرسرا با دادستان است و می تواند به تشخیص رئیس اداره تعداد لازم معاون و دادیار داشته باشد. معاونان و دادیاران در امر تعقیب و رسیدگی تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدام می کنند.

ماده ۱۲۴۰ - دادستان انتظامی به وسیله رئیس اداره برای مدت دو سال انتخاب می شود. انتخاب مجدد دادستان بلامانع است. دادستان انتظامی باید واجد شرایط مقرر در ماده (۱۲۳۷) این قانون باشد.

ماده ۱۲۴۱ - معاونان دادستان و دادیاران به پیشنهاد دادستان و تأیید رئیس اداره از بین اشخاصی که علاوه بر شرایط استخدام در قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای (۱)، (۵) و (۶) ماده (۱۲۲۴) این قانون، دارای شرایط زیر باشند انتخاب می شود:

۱- دارا بودن مدرک کارشناسی در رشته حقوق

۲- داشتن حداقل پنج سال سابقه اشتغال به کار حقوقی

۳- نداشتن محکومیت انتظامی درجه ۳ و بالاتر

تبصره - در صورت تعدد معاونان یک نفر از آنان به پیشنهاد دادستان و تأیید رئیس اداره به عنوان جانشین دادستان تعیین می شود.

ماده ۱۲۴۲ - رئیس شعبه، دادرس علی‌البدل و دادستان، معاونان دادستان و دادیاران به شرط داشتن شرایط مقرر در مواد (۱۲۳۷) و (۱۲۴۱) این قانون می توانند از میان کارکنان اداره یا خارج انتخاب شوند.

ماده ۱۲۴۳ - مرجع تجدید نظر آرای دادگاه انتظامی مدیران تصفیه، دادگاه انتظامی قضات است.

ماده ۱۲۴۴ - به تخلفات دادرسان شعب دادگاه انتظامی و دادستان انتظامی مدیران تصفیه در دادگاه انتظامی قضات رسیدگی می شود.

ماده ۱۲۴۵ - نحوه رسیدگی به تخلفات انتظامی مدیران تصفیه در دادرسرا و دادگاه انتظامی مدیران تصفیه به موجب مقررات آیین نامه اجرایی خواهد بود.

باب دوازدهم - مقررات مختلفه

ماده ۱۲۴۶ - در کلیه مواردی که آگهی آراء یا تصمیمات مربوط حسب احکام این باب ضروری باشد، آگهی در روزنامه‌هایی منتشر می‌شود که رأی اعلام توقف برای اولین بار در آن منتشر شده است.

ماده ۱۲۴۷ - کلیه آگهی‌های موضوع این باب در پایگاه الکترونیک اداره امور ورشکستگی نیز منتشر می‌شود.

ماده ۱۲۴۸ - در کلیه مواردی که رأی صادر شده نزد دادگاه صادر کننده رأی توقف، قابل شکایت است، مهلت شکایت تا قطعی شدن فهرست نهایی بستان کاران است.

ماده ۱۲۴۹ - تاجری که حکم توقف او صادر می‌شود را نمی‌توان به سبب پرداختن دین حبس نمود.

ماده ۱۲۵۰ - مدیر تصفیه نمی‌تواند هم‌زمان بیش از یک پرونده را رسیدگی کند.

ماده ۱۲۵۱ - دعاوی ورشکستگی در شعب ویژه‌ای که به وسیله رئیس دادگستری هر شهرستان مشخص می‌شود مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

ماده ۱۲۵۲ - ورشکستگی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، تابع احکام این باب است مگر اینکه در سایر قوانین و مقررات احکام دیگری پیش بینی شده باشد.

ماده ۱۲۵۳ - در هر مورد که تصفیه اموال ورشکسته صورت می‌گیرد معادل کل هزینه‌هایی که برای امر تصفیه صرف می‌شود قبل از پرداخت هرگونه وجهی به بستانکاران از اموال ورشکسته کسر و به حساب صندوق ورشکستگی واریز می‌گردد. به منظور تأمین وجوه لازم برای صرف هزینه‌های ورشکستگی، مبالغ مشروح زیر دریافت و به صورت وجوه امانی و تنخواه به حساب درآمد اختصاصی صندوق ورشکستگی نزد خزانه واریز می‌شود:

۱- نیم درصد در آمد حاصل از واخواست اسناد تجارتي

۲- دو درصد از محل پلمپ دفاتر تجارتي

تبصره ۱- چنانچه موجودی صندوق مزبور در پایان سال مالی بیش از دو برابر تنخواه هزینه شده باشد، مازاد آن به عنوان درآمدهای عمومی به خزانه دولت واریز می‌شود.

تبصره ۲- صرف هزینه‌های ورشکستگی شامل موارد زیر می‌گردد:

۱- هزینه‌های مربوط آگهی‌های موضوع این باب

۲- حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه

۳- هزینه‌های مربوط به اداره موقت، حفظ و نگهداری تجارتخانه و فروش یکجای آن

۴- هزینه‌های پرداختی مربوط به اجرای وظایف مدیر تصفیه مانند هزینه‌های اقامه دعوا، ارزیابی و حسابرسی

تبصره ۳- چگونگی اداره صندوق و مصرف وجوه آن و نظارت بر عملکرد صندوق به موجب آیین‌نامه اجرایی خواهد بود که به وسیله وزیر دادگستری و با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۲۵۴ - آیین‌نامه اجرایی مواد (۹۳۲)، (۹۶۸)، (۹۷۵)، (۱۰۶۳) و (۱۰۶۷) به وسیله وزارت دادگستری و با

همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می‌شود و حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۲۵۵ - آیین نامه اجرایی مواد (۹۸۷)، (۱۰۰۵)، (۱۲۲۲)، (۱۲۲۵)، (۱۲۲۶) و (۱۲۴۵) به وسیله وزارت دادگستری و با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه می شود و حداکثر شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۱۲۵۶ - این قانون در مورد مؤسسات غیرتجارتی، موقوفات و شرکت های تجارتی اعم از اینکه شرکا و یا سهام داران آنها دولت، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و اشخاص خصوصی باشند نیز مجرا است.

ماده ۱۲۵۷ - مجازات های حبس مذکور در این قانون در مورد اشخاص حقوقی به ازای هر روز سیصد هزار ریال خواهد بود. همچنین مجازات های نقدی مذکور در این قانون برای اشخاص حقیقی در باره اشخاص حقوقی به میزان دو تا چهار برابر میزان مقرر است. مجازات اشخاص حقوقی مانع از مجازات اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد شد.

ماده ۱۲۵۸ - در هر مورد که شخصی متعهد به ایفاء دینی است باید متفرعات طلب را نیز مطابق مقررات قانونی ایفاء کند. متفرعات طلب شامل خسارت تأخیر در انجام تعهد و خسارات دادرسی است. در تعهدات پولی، خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیز، در ردیف متفرعات طلب، بر اساس تغییر شاخص سالانه اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از زمان مطالبه دین اصلی تا هنگام تأدیه آن تعیین می شود و در صورت مطالبه دین اصلی و امتناع مدیون از پرداخت قابل مطالبه است، مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.

ماده ۱۲۵۹ - کلیه مبالغ مندرج در این قانون به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل می شود. تعدیل مبالغ مندرج در آیین نامه های اجرایی این قانون نیز، به تناسب نرخ مذکور، حداقل هر سه سال یکبار از تاریخ تصویب آنها الزامی است.

کتاب پنجم - مقررات نهایی

ماده ۱۲۶۰ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله قوانین آتی، اصلاحیه ها، الحاقیه ها و آئین نامه های اجرایی آنها نسخ می گردند:

۱- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳

۲- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴

۳- مقررات راجع به تشکیل، اداره، انحلال و تصفیه، تغییرات در سرمایه، ادغام، تجزیه و حسابهای شرکت تعاونی در قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶

۴- قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳

۵- قانون راجع به ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۰/۹/۶

۶- قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی مصوب ۱۳۷۶/۸/۲۱

۷- بندهای (۲۲)، (۲۸)، (۲۹)، (۳۰) و (۳۱) ماده (۱)، بندهای (۴) و (۵) ماده (۲۷)، بند (۴) ماده (۴۶) و مواد (۲۰)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۴)، (۲۵)، (۲۹)، (۴۴) و تبصره های مواد (۲۲) و (۲۳) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱

- ۸- ماده (۴) و عبارت «ناشران اوراق بهادار» در ماده (۱۳) قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵
- ۹- قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶
- ۱۰- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴
- ۱۱- قانون طرز استفاده از درآمد صندوق‌های (الف) و (ب) اداره کل تصفیه امور ورشکستگی مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۴/۲/۲
- ۱۲- قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانجات کشور مصوب ۱۳۴۳/۳/۱۹
- ماده ۱۲۶۱- مقررات کتاب اول این قانون به عنوان «قانون تجارت و مقررات حاکم بر آن»، مقررات کتاب دوم این قانون به عنوان «قانون اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری»، مقررات کتاب سوم این قانون به عنوان «قانون اسناد تجاری» و مقررات کتاب چهارم این قانون به عنوان «قانون ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه» تنظیم و شماره مواد هریک از این قوانین به صورت مستقل از ماده (۱) آغاز می‌شود و ارجاعات هریک از مواد در چهار کتاب مذکور اصلاح می‌شود.

